

UNIVERSAL
LIBRARY

OU 190039

UNIVERSAL
LIBRARY

هذا

کتاب تمدن الاسلام

فی بیان فلسفه الاحکام ویتساوه الجلد الثانی

(عظمت الاسلام فی کیفیت اصول الازدواج فی الاسلام)

مندرجات کتاب تمدن الاسلام

- ۱- در بیان اثبات صانع غیبی از روی دلایل عقابیه و ذکر فلسفه عصر از قبیل حیون و الیمیون
- ۲- در بیان اثبات مذفع دیانت خصوص دیانت حنّه املاویه در قبل منکرین الوهیت و مخالفین دیانت بر وفق علوم عصریه .
- ۳- در بیان ذکر بعضی مواد دیانات سائره و رد آن فنا .
- ۴- در بیان ذکر مسالکهای مختلفه طاهره در عالم و فرق میان مذهب و مسالک .
- ۵- در ذکر مضرات فرقه ضاله منکرین دیانت و ذکر مرام آن ها و کشف مرام فرقه های مختلفه ارامنه از قبیل داشتاق - و اینچاق - و آرادا اارت و سائره از روی مدارك موثوقه و خاتمه در ذکر مسائل متفرقه .



کتاب تمدن الاسلام فی بیان فاسفه الاحکام تالیف حضرت مستطاب مروج الاحکام
و داعی الحلق الی دارالسلام و مصباح الظلام آذی آقا شبیح قاسم آقا واعظ مهاجر
دامت افاضاته که چندی تحریر یافته و اجاره طبع از ناحیه مقدسه وزارت معارف
و نظارت شرعیات تحت نمره ۴۵۶۷ و ۱۴۱۰۸ صادر شده و مؤلف معظم له نام
اتباه افکار عمومی و اصلاح اخلاق جوانان باحسن مملکت داسمانی مدرک مطالب
و مندرجات آن کتاب را علاوه از کتب های مقدسه دینی و نهج اللاع و فقه الاسلام
یاره مطالب و مدارک استدلالی آن کتاب مودسرا با زحمات کثیره از دراکز رسمیه
مال مجاوره جلب و تهیه کرده بود الحق تا حال در وطن عزیز ما همچو کتابی
تدوین نه یافته و تالیف به شده چون متکفل دلائل عقلیه و هم حاوی بعضی مطالب راجعه
بر ذکر مسلکهای منضاده است چون در موضوع اصول منحوسه کاپمولاسیون از طرف
جامع الشرف یکباره منجی ملت و محافظ حقوق اسلامیت شهریار مهین تاجدار اعای حضرت
قدر قدرت شاهنشاهی خدائیه ملکه تدوین یافته بود که از عمده اعیاد ملی ایرانیان
محسوب و سبب افتخار افراد وطن محبوب ما مودود است و خود این کتاب مورد
استفاده تمامی اصناف علیه و طبقت ممتازه برده و یک گنجینه معارفی است برای
مطالعه کنندگان مبنی بر این کتابخانه شرکت سنائی درخوی ملحق خدمت بدیانت
و مملکت مطبع و نشر آن اقدام نمود تا اینکه جوان های منورالمنکر در خصوص
روحانیان محترمین و حضرات وعاط و مبالغین مطالعه و فایده مند شده در قبال مبلغین
جانب اظهار وجود بنمایند و در خاتمه از اشعار بیک نکته ناگزیرم که افراد ملت

و سایر طبقات ممالک ترقی مصالح و لوازم تحریر و طبع و نشر را با تراکت
ایرانی و نجات اسلامی محفوظ داشته با بذل مبلغ جزئی تمام شرکت و معاونت
بطبع سایر تالیفات حضرت معظم له مضایقه فرمایند که هم خدمت دیانت و هم نشر
معارف دیانت معارف محسوب است.

تاریخ هفدهم شوال هزار و سیصد و پنجاه یک هجری

حق طبع محفوظ و مخصوص حضرت مؤلف است

محل فروش عمده: خوی - کتابخانه شرکت سنائی

تک فروشی در تمام کتابخانه های طهران و تبریز



بسمه تعالی

ایضاح مرام

کسی تصور نکند که ما فقط از نقطه نظر مذهبی می‌خواهیم این گونه حقایق را نشر نمائیم بلکه با نقطه نظر استطرادی (بک تیر دو نشان) مصالح وطنی و توحید افکار دین توحیدی را در مخزنه افراد وطن محبوب خودمان تلقین نموده و با عشق مفرطی که باین خاک پاک داشته و با تجربه کاملاً معلوم شده که تمامی موجودیت وقتی میشود از دست رفته ولی در سایه یکجمله مذهبی انسان صاحب وجهه و بلکه دارای همه چیز می‌باشد لذا لازم دانسته و وظیفه دینی شمرده مطالب دیانتی را ذکر که باعث تشدید مبانی سلطنت اسلامی و وجدانیه مایه است بنام هدیه با افراد مملکت تقدیم نمائیم و بدین وسیله خدمتی موربانه در پیشگاه اقدس خداوندی و در انظار علاقه مندان ملیت و اولاد وطن محسوب شود زیرا مبالغین مذاعب مختلفه با تبلیغ خائنانه خودشان لطمه بزرگی بوحدت ملی می‌زنند و از اینرو مسلکهای مختلفه را از قبیل (بولشهویزم - قومونیزم - نهائیزم - دارونیزم) را ذکر و مرامشان را تشریح کرده و در تضاعف کلمات قدسیت سمات حضرت فخر کائنات و جانشینان آن بزرگوار و مرام و مقصد خبیث فوق مخزنه از داشتاق - هوربزون - اینچاق - آزادامارت و فرق سایر را پس از اثبات صانع حکیم و قادر علیم و مدال داشتن حقانیت اسلام کاملاً گوش زد خاص و عام نموده ام تا اینکه برادران دینی با فطانت ذاتی و مذهبی مرامهای فرقه متضاده اسلامی را فهمیده و تابع تلقینات شان نباشند و از غرور ملی و انانیت شخصی کنار روند. و علی الله التوکل و به الاعتصام

بر ارباب اطلاع و اهل تاریخ معلوم است که پیش از طلوع نجم سعادت در افق مملکت عزیزمان و قبل از دوره درخشان یکانه پناه اسلامیان مبین شهریار کیتی مدار اعیان حضرت قدر قدرت خاندان الله ملکه هر چیزی در محور خود در تنزل و انحطاط بوده حالات تنگین و اعمال شرمکین اولیاء امور و بالوالعنه غفات و عطیات کلیه طبقات مردم با اندازه عمومیت پیدا کرده بود که هر صاحب فکر و انصاف نام ایران و ایرانیت از خود سبب و در نظر اجابت از منسوب بودن بایران متنفر می نمود و مسئله روحانیت از این مرحله تنزل خارج نبوده بلکه با تمامی معنائش از هر چیز نازل تر شده بود اغلب محصلین علوم قدیمه غیر از جاب منافع شخصیه در مخیله فکریه اش مقصدی دیگر مرکوز نبود ولی در این عصر فرخنده سیر کلام امور مادی و معنوی موافق دوره عصر و سعی و عمل رو باصلاحات و

اكتشافات است از آن جمله امور روحانیه و کیفیت ترتیب مقدمات تحصیلات
 علوم مذهبیه و طرز تبایخ و دعوت بر عظمت دیانت مقدس اسلامیه برای علاقه مندان
 دیانت و محب ملت يك اقدامات امید بخشی بوده با کمال اطمینان اذعان لازم است
 که در آنجه یکدمره درخشان را نائل خواهیم شد طوریکه تنظیم مدارس
 قدیمه و تعلیم مرام انضامات مخصوصه بر طلاب علوم دیانتی و تعیین مدرسین
 و امداد و معاونت معاش برای فقراء طلاب و محصلین از طرف جامع الشرف
 اعلی حضرت و صدور دستورات لازمه از وزارت معارف در کیفیت تحصیلات و
 امتحانات در محضر هیئت محتجّه و بمعنای عالی (الملک و الدین نوعان) بی
 برده کتابخانه ها تشکیل و بایست که صنوف ممتاز و کایه طبقات اهالی عن صمیم
 القلب تشکر نموده و در تشیید مبانی سلطنت چون روح واحد در اجسام مختلفه
 قیام و در ترویج مقصد مقدس توحید افکار و وحدانیت مایه اقدام نمایند
 (۲) و این معناء هم از نظر نباید دور داشتن که فعلا در اغلب مناطق عالم از مال
 مترقیه کمره باور دیانتی فکری داده مثل علوم مادی و صنعتی علوم دینی را
 تدقیق و در اطراف آن جدیت کرده و ترقی معبر العقول هم داده اند و بیست
 مایون نفوس از ارباب علم و فن نابع و طرفدار عقاید روحی شده و هر روز
 در علم روح مذاکرات نموده و اکتشافات غریبه و تدقیقات عجیبه انتشار مینمایند
 و در قبال مادیون و طبیعین فوق العاده مجاهدانی دارند امید است در اندک
 زمانی کلمات طبیعین در انتظار اهل علم بی قیمت مانده و اهمیت ادله روحیون
 جلب توجه عموم مال را بنماید و عجب تر اینکه در اغلب مواد و اکثر مطالب

روحیون با دین اسلام موافق و با کلمات علماء روحیون اسلامیة مطابقت دارد از قبیل احیاء العلوم غزالی خراسانی و فیض رازی و شیخ اراقی و محقق اردبیلی بدینوسیله اکثر غوامض قرآن و بسیاری از مشکلات احادیث و اخبار کتب اسلامی حل خواهد شد و تا بحال در موضوع بقاء روح و آثار روحیه کلمات کمابین کوش زد افراد مسامین بوده و از جملة امور معنویه محسوب شده چندان مورد تصدیق نمی گردید ملاحظه شدن ارواح مؤمنین در ایام جمعه در منزل باقی ماندگان از صافه رحم و با اینکه تقدیم هدایا و تحف بموتاه و مغفرت ذنوب به سعی اولاد و احفاد و باز ماندگان و رؤساء صادق در کیفیت زندگانی ارواح که مجهول بود و الآن از طرف علماء (سپریست) عملاً تصدیق شده و بعضاً آثار روحی را به مسامین مشاهده می کنند و در آخر این رساله باطور اختصار ذکر و تطبیق دستورات کمابین اسلام خواهد شد (۳) . . . دامیکه کنجته معرف و منابع علوم معنوی و در دست مسامین است و در حقیقت کتب سامی و مدارک تاریخیه سلامیه (بقول هوواس نام محرر فرانسیوی) سبب سعادت و حشیان عالم غرب شده و فعلاً بصر به بعضی ملاحظات سیاسیه در بای تخت اسپانیة بنهن و مخفی نوییم شده لازم است که خود مسامین از آن معدن معارف استفاده و در اطراف آن بحث نمایند و دوره غفلات منقضی و زمان عیاشی و عظالت سپری شده و الله جنک بین المللی اخیریه مجارته عادیه نبوده بلکه بکوع تازیانه تأدیبی بود که بر تن عربان مسلمان ر خورده و ام آن را حس کردند و زمان ماضی بمشابه موت ابدی است ولی اثرات تاریخیه اش

در سجاایف روزگار باقی و پابدار است و کلیه افراد اسلامی حاضر وقعات خونین جنگ عمومی شده و فهمیدند که آن جنگ متعارفی نبوده بلکه مقابله عام با جهل را تشکیل می داد و بالسان ازلی این حقیقت واقعیه بواسطه مبلغین روحانی و معلمین نوع بشری برای ما ابلاغ شده که (هل یستوی الدین بالعمون والذین لا یعلمون) بدیهی است که اقیون باغاز مهلك و آلكول و استعمال مشروبات الكولی با (سالوارزان) و (هوسترو سروم) و استعمال ماده مهلكه (قاقائن) به صرف مواد مقویه معموله طبیعه تقابلی نداشته و قمره و قدار هی قدیمه با شصت تیرهای معموله و عراده كاوی با (تاقهای) مهبیه و الاغهای لاغری با اتوالهای زره پوش و شمع دایهای آهن با الكتریستهای مغنیه و سواران دوره نادری با پلیسی آهنی امروزی برابری نمی تواند بکند اولی اثر علم و ثانوی اثرات جهل است پس باید هر کس از افراد ملت اسلامی با عطف نظر بتواریخ ایام ماضیه ملتفت شده مبادا بکن ولو با حرکات موریانه هم بوده باشد برای اتیان افکار عمومی سعی نموده و خدمتی بحاجه ملیه بنماید آنچه وظیفه سیاسيون ایران است در قبال اقدامات فوق العاده ملل مسیحیه اثبات وجود نموده با عملیات مجدانه مقاصد قلبیه ایشان را تقیم گذاشته وطن عزیز خود را از تهاكته نفوذ و سلطه اجنبیان خلاص خواهد کرد و بحمد الله فعلا آنچنان اشخاصی در ایران ما ابرر کت توجهات ولی محضر و اقدامات خدا بسندانه منجی ملت یگانه قائد توانا مهین شهریار کینی مدار اعلی حضرتی وجودی دارند و اما راجع بقطع احتیاجات ملیه از اتمه خارجه بسی اهمیت گذاشته و مسئله حیوات و معات را مصداق آنهم میدهد

شرافت تجار است که این ملت و کارکنان مملکت است که با تأسیس میانی شرکت و تزئید منابع ثروت خدمت به عالم دیانت نموده و مانع از دخول مواد ضروریه باشند از خارج بداخله محیط که با ورود بعضی متاع خارجه بکدوع انقلاب در زبان و عادت و فکر دیانت می شود و اما آنچه راجع بمسئله روحانیت و ترویج دیانت است آنهم وظیفه علماء ملت است که دعوت مبایین و داعیان مسیحی را بی نتیجه گذاشته با نشر حقایق اسلامی بوسیله نشر رسائل و مقابله های مفیده افکار افراد اسلامی را تنویر و با کلمات قیمت دار هدیان نوع از منحرف بودن عوام الناس جاو کبری نمایند طوری که داعیان مسیحی انحیل کاذبه را در دست شهر به شهر در مجامع عمومی و مریضخانه ها و سایر مواقع مناسبه کوش زد خاص و عام می نمایند و بدن واسطه قلوب ضعیف را متزلزل بیدارند و علماء اسلام بموجب (اذا ظهرت البدع فالله لم ان يظهر علمه) لارم است که چشم عبرت کشوده و باطراف عالم نگریسته راحت نه نشسته افکار باطامه علماء نصرائی را رد و منع نمایند و در خانه نشسته و در روی خود بسته بازهد خشک و خالی و رهبانیت امرار وقت گران بهاء نمایند

اگر با دقت ملاحظه شود معلوم خواهد شد که قسم اعظم بولای میخصوصه اوقاف و وصایای ملت مسیحی در راه دعوت بر مسلك صرف شده و از آن منبع کتاب های دینی و مذهبی طبع و نشر می نمایند يك نفر قسیس اعظم لندن در هر سال هفتاد میلیون تقریبی کتب و رسائل دعوتی از واردات کنیسه بزرگ در زبان های مختلفه بطبع رسانیده توسط مبایان چرب زبان یا لهجه مزورانه

به شهرها و قصبات عالم شرق توزیع می کنند (رجوع کنید به کتاب تحفه نصوحیه ترجمه شیخ الاسلام مملکت قفقاز) و بر علماء اسلامی يك وظیفه مقدسه است که در قبال تشبثات مضرانہ ایشان دعوت بر حکمت اسلامیہ نمایند امیدواریم در این موضوع مهم که فواید دینی و دنیوی را حائز است اولیاء امور بذل مساعی جمیلہ فرموده و از اموال موقوفه و سایر اقسام واردات اسلامی حوزه عمومیه دعوتی تشکیل داده و داعیان مبرز و دانا بمقتضای عصر باطراف و اکناف عالم کسبیل دارند طوریکه شیوه مرضیه قدماء از مسلمانین همین بود و این گونه جمعیات را اخوان الصفاء و اعضاء آن جمعیت رساله ها ترتیب و بر سائل الصفاء موسوم می داشتند . (۴) و راقم يك نفر از جزء ضعیف روحانی بوده بنام دعوت بر حقایق اسلامی که سعادت بخش عموم مال عالم است يك دوره تمدن الاسلام که عبارت از ده جلد اثر عاجزی تالیف و از روی مدارك مثبتہ از منابع مونوقه که حاوی مطالب مفیدہ است تدوین و برای اتبہ افکار عمومی آن چه وظیفه مقدسه ارائه طریق است ایفاء کرده و بدین وسیلہ خدمتی بعالم دیانت محسوب گردد و امید اینکه قارئین گرامی با حس غرور ملی و شرافت ملحوظ دارند و سائق تالیف و باعث تحریر این مجلدات ده کانه با وجود کثرۃ مشاغل و نبودن وسایل طبع و نشر و بسیاری مشکلات فکری همانا وقوعات سنوات ماضیه و حوادث ایام گذشته است طوری که صاحب حس و انصاف اگر ملاحظه نموده و عطف نظر بتاریخ چند صد سال قبل بر این بنماید برایش منکشف می شود که ما مسلمانان مالک عنعنات اسلامیہ بوده و

حاجز افتخارات ملیه بودیم و امثال الشیخ رئیس و محمد ابن ذکریا العوام و حاجی الیاس یعیش در حکمت و شیخ صدوق و شیخ مفید و علم الهدی و علامه در قوانین شریعت فضلاء نامدار بحاجه بشاریه هدیه نموده ایم و امثال شیخ سعدی و ملا جلال الدین دوانی و ملاء رومی عرفا و حکماء صحایف تاریخ روزگار را زینت بخش بوده و مقتدای صاحبان افکار سلیمه شده اند طوری که ملت روس با وجود (تولستوی) شاعر معروف افتخاری ها دارند که مشار الیه در طی مراحل سه گانه حماسه و حکمت و اخلاقیات به شیخ مصلح الدین سعدی شباهتی دارد و کتاب کاستان سعدی در میان تمامی مال عالم معروفیت داشته و بزبان های مختلفه ترجمه گردیده طوری که هر کسی که بمنزل دوست خویش وارد می شود اول کتاب سعدی را از روی میز ملاحظه کرده و از کلمات سعدی سر سخن برای خوش گذرانی مجلس انتخاب خواهند کرد پس توده که این چنین اشخاص با فضیلت بحاجه ملیه کنجینه معارف هدیه و ودیعه گذاشته است از کلمات با قیمت و جملات با منفعت ایشان صرف نظر نموده عمر عزیز و اوقات گران بهای خود را صرف لهویات کند و شبهای طولانی را در پی کارهای بی معناء به آخر رسانیده هم ریشه با اساس زندگانی بخود زده و هم پول ملت و اندوخته چند ساله نیاکان و اجداد خویش را خرج سفاهت و عیاشی متعارفی امروزی نماید چه اندازه ضیاع عظیم است و اگر اهل مطالعه بوده اوقات بیکار را با مطالعات کتب دینی و اخلاقی و عرفانی امرار کند بلا شبهه هم وجودش سلامت از امراض تناسلی و تمدنی امروزی

بوده و هم پولش در کیسه اش مانده و هم روحاً با مطالب علمی و مواد عالیّه
النداذی داشته و محظوظ خواهد شد و در عداد محصلین و طالبان معرفت محسوب
می شود که عقلاً مرغوب و مذهباً مثاب و ماجور است. (ه) و قبل از شروع
بمقصد نکته مهمه را تقدیم مطالعه کنندگان این تالیف عاجزی می نماید تا اینکه
با بصیرت کامله و خبرویت تامه در مواد تاریخی قسمت اولش تدفیق و از قسمت
ثانویه که شرح حال حاضر اسلام است استفاده نماید و بنظر بی قیدی و بی
اهمیتی امرار نظر ساده نکنند نکته که از ذکر آن ناگزیریم همین است
که عالم اسلام چند صد سال بود مبتلا بمرض تشنخ شده و در زیر تضییق و
فشار مادی و معنوی اجانب با مشکلات فوق العاده و قانون شکنانه متحمل
آن فشاری بود و از اثر اصول منحوسه (کاپالسیون) که امتیازات دول مقتدره
مسیحیه بر علیه دول ضعیفه اسلام است شیرازه جامعه ملیّه از هم پاشیده و تمامی
امور مادی و معنوی مسلمین مختل و بر بشارنی تمام داشت و لله الحمد از برکت
حقیقت دیانت اسلامی و از توجهات ولی عصر برای محافظه ثنونات دینی و
حفظ حقوق ملیّی يك شخصیت تاریخی قدم گذار میدان سیاست شده و لواء
جامعه اسلام و بیرق شبر و خورشید ایران را حامل و شمشیر شرافت را حمایل
با علاقه دیانت دست بر سینه نا محرم زده قد خمیده اسلامیان را راست و
مصدق بحث بعد الموت را نسبت بعالم اسلامیت بمنصه شهود گذاشت و اصول
منحوسه کاپالسیون را الفناء و امنیت کامله بر پا و ماولک الطوائفی را محو و
بدین وسیله دست اجانب از مداخله با امور داخلی و خارجی اسلامیان تطاع شد

که در حقیقت اقدامات مجدانه شهر بار مهین تاجدار اعلیٰ حضرت بهایوی خاندانه
 ملکه نمونه امثال و اماره سعی و عمل است برای ارباب فکر و یک برهان
 قاطعی است به اعجاز (ایس للانسان الا ما سعی) یعنی بهالیمان مدلل فرمودند
 که در قبـال سعی و جدیت کامل بشری بحال وجودی ندارد و در سایه
 عملیات و صحت آن بهر چیز نایل شدن از ممکنات بلکه از وقوعات و
 موافقات است طوریکه ایران مرده زنده و پس از گرفتاری مذلت و فلاکت
 تاریخیه ایرانیان در پیشگاه انظار سیاسیون عالم اثبات وجود نمودند فقط باین
 موصف دشمنان خارجی دست از مقصد خبیث خودشان بر نداشته در ظاهر دخالتی
 ندارند اما در باطن با تشکیلات خفیه و باکید و دسیسه جاسوسان چرب زبان
 با انواع شغلای رذیله داخل وطن عزیز ما شده افکار مضرانه را با افراد جوانان
 ملت اسلامی تزریق و تلقین می کنند و در راه پیشرفت مقصدشان دختران
 خوشگل و زیبایی هم آلت مرام و ملمبه جوانان عالم اسلام می نمایند باشد که
 بدین وسیله بکنوع اختلال در امور دیانتی در میان مسلمانان پیدا و از مذهب
 و احکام دست بردار شده و انقلاب سیاسی ظهور کند و ضمناً ترویج اسباب
 عیاشی نموده و تکثیر مقدمات آن را می نمایند از قبیل ترغیب کشف حجاب
 و تحریک به استعمال شرب ماده خبیثه ام الفساد شراب و داخل کردن مواد
 مضره را از حدود بداخله مملکت (مثل قافائن) که بکنوع سم قاتل است
 که جوانان مملکت عزیز ما معتاد شده اند و از عمده ترین دسیسه های اجانب
 تحریر بعضی کتاب های رومانی و تالیف رساله های عاشقانه نموده و ترجمه

آن را با وسایل ممکنه تهیه می کنند و خود جوانان مسیحی که در مملکت اسلام اقامت دارند جد یا با کتب علمیه و مجلات فنی و رسایل دینی و ادبیه امرار اوقت گران بهاء کرده و باوج مراتب عالی و کمالات عامیه و اخلاقیه ارتقاء می نمایند فقط بعضی از مسلمانان کذاب های رومانی و عاشقانی سفالت پاریس را که در واقع يك هذیان نامه است قرائت کرده افکار خودشان را زهر ناک می نمایند و عوض کذاب های عائله وی و اخلاقی مفیده و نافع اشغال به آن گونه هذیان نامه ها ورزیده جامعه ملیه خود شان را زهر ناک می کنند حالیکه بما و حال ما آن کتاب ها لارم و ضرور است که محتوی مواد اخلاقیه عالیه اسلامی بوده و از قشون عصریه و علوم ملل حبه کنونی شده بحال ملت و مملکت برخورد طوری که در باره از منته قدیمه از خود احکام مقسه اسلامی و فضایل قضائیه روحانیه علماء اسلام ترجمه بزبانهای مختلفه عالم شده و فعلا طرف احتیاجات ما می باشد اگر به ستون های روزنامه ملی اسلامی عطف نظر نمائیم خواهیم دید که غیر از اعلان فروش امتعه مضره خارجه و نندرجات کتب رومانی چیز دیگری نخواهیم دید و اعلان تیاتر و سینما های عاشقانه ستون های جراید ملی را پر کرده و از حقایق پرچسته اسلامی و کلمات قدسیت سمات کمالین و روحانیین اسلامی ابدأ تذکر نداده و نام فصلاء و فلاسفه قدیمه اسلامی را نسباً منسباً گذاشته اند و روزنامه پیدا نتوان نمود که باورنی آن (باقزایه - موته بن) و (میل زاده قواری) و (معاشقه نابالون) و (قونت موت) - و سه تکنکدار و جاسوس آلمان و یهودی سرگردان و خانم آسنیه ر

مزین نشده و با عروسی و لیلعهد اطربش و طلاق زن فلان پاشا و سیاحت رئیس
 جمهور فلانی و نطق های (ماقسیم کورکی) روسی در شهر (راستوو) و
 سایر مطالب غیر لازمه ورق های روزنامه های مسلمانان را پر کرده اینک راقم
 بنام خدمت دیانت و محبت بجامعه ملیت زلیفات چندی را هدیه ابناء ملت و
 علاقه مندان مملکت و دیانت نموده امید که با سیر بمطالب تاریخی و نکات
 فلسفی و مواد اخلاقی فرزندان این خاک پاک اصلاح اخلاق نموده و با حس
 ملی و انتقام از ادوار فلاکتی قدیمی روحشان پروریده باشد و این حصه اولی
 یک باب از حصه پنجم کانه کتاب **تمدن الاسلام** تخصیص و بنام تجلیات
 اسلام موسوم و بایک مقدمه و پنج فصل و خاتمه ختام پذیر است و هر فصلی
 با پنج شماره تعداد و بدو قسمت منقسم شده قسمت اول ترقی و تنزل دیانت
 مقدسه اسلامی در پاره ازمنه سابقه از روی علل و اسباب عارضه و تجلی آن
 با ناییدات غیبیه پس از انحطاط ظاهریه. و قسمت دومی در بیان انکشافات واقعیه
 آن دین ضعیف با تصدیق فلاسفه عصر اخیر از ملل حیة عالم و امید ترقی فوق العاده
 در آینده و کشف بعضی حیل های طایفه ارامنه بنام (بان آریانیزم) با مدارک مشته
 از منابع موقوفه است و نسئل الله ان یجعل ذالک وسیله الی مرضاته و ان یوفقنا
 الی خیراته و زاداً لیوم معاده و نرجو امن فضله العظیم و لطفه العظیم ان یجعل
 خالصاً لوجهه الکریم بحق النبی صاحب الخلق العظیم و عبرته الطاهرین من آل
 طه و یسن الیه الحق آمین .

(فصل اول)

شماره ۱

بر اهل بصیرت و ارباب تاریخ واضح است که دین مقدس اسلام از بدو ظهورش دورهای متعدده تاریخی گذرانیده و از روی علمی و اسباب ظاهریه و باطنیه گاهی ترقی و اعتلاء نموده و گاهی در نظر ساده دلان تنزل نموده و در نظر نزدیک بینان انحطاط و انقراض امت و محویت ملت اسلامی مرتسم گردیده و پس از اندک زمانی با وسیله يك شخصیت تاریخی که غیر مترقب بوده بادیست غیبی و مدد لازمی بر سینه نامحرم زده معنویت اسلام عالم شمول و باحقیقت و صفوت ذاتیه اش جهان گیر شده طوریکه در اول بعثت ختمی مرتبت به طرز تانی و تدریج فدای فکر توحیدی را بگوش اهالی محیط رسانیده و بتوسط مهاجرین در ممالك اجنبیه چون حبشه حیت اسلام انتشار یافته تا اینکه در ظرف بیست سال تقریبی کلیه جزیره عربستان با نور اسلام منور و بدایرت اهتداء ابن دین حقیقی داخل یا اینکه در ظاهر حال بعظمت اسلام سرفرو شدند و سلاطین عالم با طرز معیر العقول و طور آمرانه اعلان نامه ها ارسال و با یکسرعت برقیه فوق التصور اذان محمدی در اطراف و اکناف عالم طنین انداز و کبابك احمدی در قلل جبال و بطون اودیه بتوسط مجاهدین اسلام گوش شنوندگان را محفوظ نمود این گونه غلبت و استیلاء از یکفر شخص بلا عین و بدون نصرت غیبی در آن چنان محیط عاصی و جماعت وحشی

متصور نبود و این معناء بخودی خود يك معجزه باهره ایست و هرچندی که از بعضی محررین مسیحی این گونه سرعت برفیه را عطف باقتضاء محیط کرده و حمل می نمایند براینکه چون جماعت فکراً در پی قبول يك آئین بوده و از بت پرستی رو گردان شده حاضر بقبولی يك آئین هر چه بوده و از هر که باشد بودند ولی زحمت فوق العاده در مدت ده سال اقامت مکه و عناد اهالی در عدم قبول مرام مقدس و اخراج طرفدارانش بسوی شعب ابی طالب و قطع مناسبات چند ساله و هجرت از وطن و فرار مسالمین و پناهندگی سلطان حبشه و غیر ذلك دلیل ظاهر است براینکه اهل دکنر دوزی از روی غرض حمل بر اقتضاء کرده اند بلکه دین اسلام یا حقیقت ذاتیه بمحیط جلوه نمون گردیده نه اینکه ایشان بخودی خود حاضر بقبول دین بودند هر چه بوده و از هر که باشد.

اجمالاً قریب زمان ارتحال نبی ذیشان اسلام در حالیکه جزیره عربستان کایه با نور اسلام منور و از صیت شهادت قائدین و مجاهدین فاتح و غیور اسلامی قلوب اعداء مضارب بود بناگاه با ظهور بعضی انبیاء کاذبه چون سلیمه کذاب و سجاح در اطراف یمامه و سائر نواحی جزیره خیال خام در مخیئه دماغ مرتدین و منافقین و بعضی از سلاطین پروریده يك نوع اختلال داخلی و جنک خانگی بر پا و در این زمینه مناسبه برای مقصد خبیث دشمن دین تخم باروری بود و انحطاط اسلام و افول آفتاب عالمتاب نور حقیقت را ظن کرده تخم اتفاق و اختلاف را پاشیدند در خلال این حال مجاهدین اسلام

با دست بزمین اعتماد بقران و بادست دیگر چنگ به شمشیر بران زده تمامی
 منافقین را مطیع اوامر خودشان کردند و کاذبین را مجو و با اصول توحید
 اسلام و کبر و حدایی را در کلام صفحات حزیره عربستان و حبشستن نشر و انتشار
 دادند و ایضاً پس از ارتحال و احتجاب آن حضرت اختلال داخلی شروع و
 ظن و گمان های بد در فکر اغلب متنفذین آن زمان دوباره تنزل و انحطاط
 آن دین حنیف حصول یافت و در واقع يك دوره مهمی تاریخی بود که در
 عالم اسلام بوقوع پیوست که منافقین و مرتدین اطمینان کاملی داشتند ^{که}
 این گمراهه اختلال قبل صلح و اصلاح نیست زیرا که حقوق حقه نبی هاشم
 و مؤسسن دین از دست رفته و کسان دیگر شاغل مقام مهم سلطنت اسلامی
 بوده و حضرت معلم نوع بشر علیه سلام الله بالملك الاکبر تابع افکار مادیون
 خودشان نبوده بدین لحاظ تاثر انقلاب اشتعال یافته دین الهی از میان خواهد
 رفت و باز هم آتش فتنه با فکر مقدس حضرت مولی الوری اطفاء و این غائله
 کبری را با کلمات مشفقانه و نصایح حکیمانه اسکت و در موقع انگیزش
 فتنه از طرف مفسدان مثل ابی سفیان با کلمات قیمت دار مرام خبیث شان را
 عقیم گردشته و فرمودند (ایها الناس شقوا امواج الفتن سفن النجاة و عرجوا
 عن طریق المنافرة و صموا بفتح الجان المفاخرة ماء آحن و لقمه الخ نهج البلاغه)
 یعنی ای مردم موج های فتنه ها را با کشتی های نجاتی پاره کرده از راه نفرت
 و اختلاف بیگسوی شده و ناج مفاخره را کنار گذارید و چون ابام جاهلیه
 با سکر دیگر مباحثات نکنید این مسئله خلافت بمنزله آبی است تلخ و طعامی است

که در کافوی فرو برانده مانده باشد و چندان قیمت و اهمیت را حدس نداشت
و بر خلاف مشهور بین الناس کلامه انقلابی را تکلم نکند و مطالب معنوی را
متحمل و زحمات مادی را بمقل شده و صانع شدن حقوق معنویه اش سهل و
ضیاع اسلامی را بزرگتر شمرده و عین عمومی و هیجان مردم را به ضایع
مشفقانه اندرزهای حکیمانه اسکت و انقلاب داخلی را اصلاح و به شورایی
مابی داخل شده و در اندک زمانی اثر فکر صائب آنعام کل بشر را در توحیدی
در میان افراد محیط حصول پذیرش شده و در سایه اتحاد معنوی و اثر برکت
کلامه مقدسه اسلام نور ایمان در قلوب ظالمانی اشعه پاس و اوهم بت پرستی
و خرافات قدیمه شرک در آگرم ارض تقابل و تمدن ایران و روم قدیمی بر
مدنیت اسلامی تبدیل یافته و هیكل عظمی ال حیه آن زمانی در قبال معاهدین
غیور اسلام فرود و سلاطین معظمه آن زمان در پیشگاه عظمت اسلام محجور
به تعظیم و به تمامی فرق مختلفه و مالی سایرهم فهمانیدند که اسلام ترقی و لا
یزول است و ابصار پس از عصری زمانی که اسلام بلاد متعدد را بدو فرم
اهداء خود آورده و توسیع دائره غلبه و تسخیر کرده بود با فتنه حاکم
این نکته مجبوری است که هر چیز ترقی کرده و اسباط تمامی داشته و
وسعت پیدا نماید که يك نوع انقباض و انبساط است تکرار تنزل نهاده و
انحطاط بی نماید از این لحاظ فاتحین کرم یعنی مجاهدین اسلام معیشت مال
متمدنه آن زمانی را عادت و استراحت و آسودگی را باد گرفته و يك اندازه
مسابحه کار شدند و ضمناً متفقین که همواره منتظر فرصت بوده با حسن انتقام

از باره ازمنه سابقه و ادوار سالفه آرزوی قابی برورانیده و خیال خام در محویت اسلام در مخاضه دماغشان مرکوز رود و بازگشت ایام جاهلیه را مایل بودند مبنی بر این گونه اسباب داخلی و خارجی اشخاص پست فطرت و دون طبیعت امثال معاویه و بسر بن ارطاة و عمرو بن العاص مقدماتی ترتیب داده و منتظر نتیجه آن بودند اینک در حدود سنه شصت از هجرت پس از ختام جنگ خونین و قبیله صفین و مغالومیت امیر المؤمنین و مصالحه حضرت حسن ابن علی علیهما السلام آن چنان نوعی موفق به آرزوی دیرینه خودشان شده تا اینکه در عصر شقاوت یزید این معاویه احکام در معائن تعطیل و حدود دیانت مختل با اندازه در منار مسالین باطور علنی به کمالین دین ناسزا گوئی و سب را متجاسر بوده مدتی این عادت مشوم در میان مسلمانان معمول گردید حتی در زمان عمر بن عبدالعزیز صالح بن امیه عادت منحوسه ناسزا گوئی را باطور متحد المال با توسط حکومت های تابعه بکلیه ایالات و ولایات ابلاغ و قدغن اکید و منع شدید نمودند و حاکم اصفهان این خبر را باهالی اعلام و از این واقعه اهالی خوشنود نکردیده هفت هزار تومان پول نقدی اینزمان جمع و بطور تعارف بحاکم تقدیم و اجازه سب و ناسزا گوئی را در ظرف یک هفته تقاضا کویا بدین وسیله خدمتی بهالم دیانت نموده باشند رجوع کنید بکتاب ینا بیع الموده شیخ سلیمان نقشبندی المشرب حنفی المذهب بخارائی اجمالا برای ارجاع دیانت بعافیت اولیه خود و اصلاح اخلاق عمومی و ارتقاء عالم دیانت را بمقام ذاتی و خلاصی دادن

سبعصد و هشتاد هزار نفر نفوس مظلومه را با تهمت محبت خانواده عصمت از محبس آل سفیان در شهرهای مختلفه و الحاصل برای محو نمودن هر یک ظلم و خرافات بنی امیه و ترویج قوانین مقدسه اسلامیه در آن چنان قرن ظلمت و عصر وحشت يك شخصیت تاریخی و مرد بزرگ روحانی لازم بوده و شدتاً طرف احتیاج عالم دیانت بود که لطفاً از ناحیه مقدسه الهیه از پرده غیبیه ظهور و حدود اسلامیه را اجراء و وظائف مقدسه راهنمایی را ایفا نماید لذا در این دوره بهم تاریخی (ثانی محمد بن عبداللّه) باجمال عظیم المثال از افق کوههای مکه طلوع و باعزم نوی و جد روحانی و سیمای ربانی نمایان و با صداء رساء بکوش اهالی دنیا در روز عاشورارسانید که برای ارتقاء و اعتلاء لواء جامعه اسلام و احیاء احکام سید الانام جنبازی و فداکاری وظایفه مقدسه عموم علاقه مندان شریعت و طرفداران دیانت است و در قبال این چنین مرام عالی و فکر مقدس مال و جان و موجودت اهمیتی نداشته و قیمتی ندارد جمله (کل يوم عاشورا و کل ارض کربلا) را با معنای عالی و قیمت دارش به پیروان و تابعان خویش در صحایف روزگار در صفحات تاریخی با قلم حقیقت و خون معنویت ترقیم و زینت وقایع خونین روزگار فرمودند که هر روز عاشورا و هر جا زمین کربلاء است هر کس بنوعی خدمت بدیانت نموده و برای تقابل ظلم ظالمین بذل نفس کند چنان است که حاضر وقعه طف و روز عاشورا شده فداکاری در راه دیانت و ترویج شریعت نموده و با لفظ خشك و خال، (یا لیتنا کننا معك) را ورد زبان نموده و در موقع خدمت سکوت نکنند

و برای ایفاء وظیفه مقدسه راهنمایی و جان بازی در اعتلاء دین و فدا کاری در ترویج شریعت سید المرسلین، غیر از آن بزرگوار و یاران وفاداران که نجباء عالم هستند کسی دیگری مرد این میدان نبودی از این است که پس از وقوع فاجعه اسفناك و قعه هولناك كربلاء اندکی نگذشته بود دیانت مقدسه از اسارت اشرار خلاصی یافته و رونقی برای علاقه مندان شریعت حصول پذیرفته و ظالم و اشقیاء از میان رفته اسراء بنی امیه سادات ایشان شده و اسارت حضرت سیچاد و ورودش بشام يك انتباه افکار عمومی را در آن صفحات سبب شده اساس سلطنت بنی سفیان را به تزلزل افکند و تاریخاً بسیار اتفاق افتاده که قومیکه اسیر جماعتی بوده اند و با اسارت خودشان اسیر کنندگان را محو و پریشان کرده اند.

(۲) و پس از وقعه هایله كربلاء مدتی عالم اسلام در ظاهر حال با شکل ترقی و اعتلاء جاوه کرده و با اساس دین صدمه مهمه وارد نیامده و گاهی باد مخالفی سر درخت شاخ های اصول را به حرکت آورده و با فدای نفوس ذکیه از کمترین استقامت حاصل و دوره بنی عباسیان دین مقدس بحسب ظاهر از حیث ترقی مادی و تمدن عصری يك دوره درخشان اسلامی بود هر چندی که در باطن از حیث اخلاق دیانتی رو به تنزل و انحطاط گذاشته بود و مدنیت آن عصر جهان گیر و عالم شمول گردیده مترجمین ماهر از یونانیان و رومیان جلب مثل (هونین) مترجم با معاش وافر مشغول به ترجمه های کتب علمی بوده و از یکطرف با اختراعات محیر العقول چون

ساعت ضارب و ساعت آبی و تسطیح راه (شوسه) و تعلیم کبوتران برای وظیفه پستی خدمت بعالم مدنیت می کردند و در تحت نظارت حضرت ناظم الاثمه علیه الف سلام و تحیه تشکیل مجالس کرده و مشغول به تذکرات دیانتی می شدند و خصوصاً هیئت سیاره برای کشف کرویت زمین بصحرای کبیر آفریقا اعزام و با اصول مساحت بوسیله نصب درخت ها کرده و برسمانی با شکل سببهای تاکگراف به آن وصل و در مسافت شصت فرسخ از زمین مقیاس گرفته برآمدگی زمین را فهمیده و کرویت و حرکت آن بدینوسیله کشف می شد و در صحرای کوفه عین ترتیبات را در حضور هیئت علمیه با امتحانات عملیه بمنصه شهود گذاشته بدین لحاظ خدمتی بعالم مدنیت و معارف نمودند طوری که در جزء هدایاء يك ساعت به شارلمان پادشاه فرانسه ارسال کرده فرنگیان آن زمان مشاهده و سؤال از اختراع کننده آن نمودند شارلمان جواب داد که از مخترعات (امپراطور) شرق هرون الرشید است فرنگی ها تعجب کردند و حضرت رضا علیه السلام را مأیون به طوس برای ریاست شورای علمیه دیانتی جلب نمود و مذاکره آن بزرگوار در مجالس سلطنتی با علماء ملل مختلفه در کتب نوارینح مسطور است و آلتی اختراع کردند در مورد بارش باران يك ظرفی گذاشته در چند دقیقه آب باران به آن جمع شده و بعد ملاحظه و مقیاس نموده آب یاری يك منطقه را میزان می گرفتند که فعلاً در فرنگستان معمول بوده و از آن زمان اقتباس از مسلمانان کرده اند اجمالاً مدنیت و ترقیات آن زمانی دلیل واضحی است

بر اینکه دین مقدس اسلام مانع نبوده باشد که عین ترقی و محض اصلاحات نوع بشری است و بر خلاف فکر بعضی از محررین اروپا دین حنیف اسلام آزادی فکر و توسیع دایره علم و فن را بعموم عالم اعطاء و سبب تعمیر بلاد و رفه حال عباد است و خدمات خلفاء عباسی در نظر تاریخ شناسان بدیهی است هر چندی که به مقتضای سیاست خبیثه مظالم فوق العاده به اولاد نبی (ص ع) از ایشان تاریخ مغنوبت اسلام را لکه دار نموده آن مبحث دیگری است که در محل خود موجب بدنامی شخصی است برای شان مر بوط بخود دیانت و حقیقت اسلامیت نیست (هر کسی بر طینت خود می تند) ایضا این دین الهی و بیروانش در زمان قرامطه در ظاهر تنزل کرده و دچار مشکلات فوق العاده گردید طوری که یکنفر (عبد الله ابن یحیون) نام بسمت مجدد ثانی ابن مسلك بوده ظهور نموده و يك نفر از اجداد وی منسوب بمذهب (باردسان) و قائل بوجود دو گونه قوه ظلمت و نور بوده و در امراض چشمی طبیب و بلکه متخصص بود و خود عبد الله با این حال داخل مسلك شیعی شده و مروج مذهب اسماعیلیان گردید چون پس از ارتحال حضرت صادق علیه السلام شیعیان منقسم به دو فرقه شده یکی معتقد اسماعیل و دیگری بامامت حضرت موسی ابن جعفر علیه السلام معترف شدند و عبد الله چون اصلا ایرانی و معتقد بدیانت زردشتی بود در ظاهر مردم را بامامت اسماعیل دعوت نموده و ضمنا نلقین می کرد که گویا امام گاهی غایب و گاهی ظاهر می شود و من شما را بامام غایب دعوت می کنم که عنقریب ظاهر خواهد شد

و از طرف عبد الله داعیان چرب زبان باطراف کسبیل و اعزام کرده‌اند خاق را بدین مسلك دعوت می کردند و پیمانها می گرفتند و کیفیت داخل شدن به مسلك عبد الله موافق اصول مخصوصه بود (۱) بکهمقدار وجه نقدی - حق دخولیه می گرفتند (۲) و کلمات علماء قدیمه بنظر عوام خرافات انگاشته و موهومات ارائه و غیر از اسماعیل کسی اسرار خلقت و احکام دیانت را وائف نیست (۳) و امام دوازده نبوده منحصر به هفت نفر است زیرا که عدد هفت کانه مقدس بوده و سیارات هفت کانه و آسمان و زمین هم بهمین طرز است و امام باید که باین عدد موافق باشد (۴) و هر هفت نفر را هفت نفر معاونی دارند که آنها را شخص صامت می گویند و آخرین شخص صامت اسماعیل است (۵) احادیث بی قیمت و بی اهمیت است و احکام اسلام دراندک زمان لغو خواهد گردید و در صورت ایرانی بودن نلیمید مظلومیت ایرانیان را با زبان تظلم بیان کرده قلوب شان را از اعراب پر غیظ می نمودند و اگر شاگرد از نژاد عرب باشد باشکلی دیگر از حکومت اسلامیّه متنفر می کردند که گویا حاکمیت در ایران نبوده و نام خشك و خالی در عرب ها است بدین وسیله هر دو صفت را از اسلامیت دست بردار می کردند (۶) در آخر شاگرد را به ترك كردن نماز و روزه دعوت کرده اجمالا عبد الله درسلامیه (نام جائی است) ناحیه شامات فوت و پسرش احمد بجای وی بنام استاداعظم خلف و نایب گذشته و ترویج مرام نمود و از شعبه اسماعلیه است مسلك قراظه که در تاریخ سیصد هجری اسلام می بنام موجود بکنفر از داعی های احمد

ابن عبدالله العیمون (حسین) الاهوازی به سوی ناحیه عراق عازم شد و بر یکنفری ملقب بملقب قرمط مهران بوده برانهمائی میزبان خویش بطور ماهرانه نشر مسلك نموده و تدریجاً مرام خبیث (قوونیزم) اشتراکیون و اباحیون که فعلاً در مملکت روسیه رواجی دارد با فکر تابعین خود تلقین و چنین بیاناتی اظهار می کرد که اموال تمامی مناطق کره زمین بالآخره مال امام است مادامی که راجع امام است اموال جزئی که در تصرف اشخاص و افراد است چندان حایز اهمیت نبوده و مال من و یا مال تو غلط است و برای حوایج هر کس صرف شده و بهر کس مباح است که صرف و خرج کنند با ترویج ابن مرام طوری مسلط گشتند که آشکارا فرایض اسلامیه را ترك و حدود دیانت را تضییع نمودند و اغلب مردم با از ترس اتلاف نفوس مظلومه و از خوف قتل و بغماء داخل این مسلك قرامطه شدند و با اینکه در ظاهر اظهار طرفداری از این مسلك مضر نمودند و چیزی برای تشیید مبانی تشکیلات اشتراکی لازم بود وجود يك قلعه بس متین و محکمی بود و در اندك زمانی (سواد) ر برای همین کار انتخاب و سنگهای جسیمه از اطراف جلب و يك حصار محکم بر متین احداث و دارالهجره نام نهادند و همه مردم از ایشان هراسناك شدند و ایشان از کسی مخوف نبودند و اغلب مردم بایشان ملحق و باطراف واکناف داعیان چرب زبان اعزام و بمنطقه بحرین یکنفر حسن ابن بهرام جنائی (چون در شهر جناب ساحل بحر فارس تولد یافته لذا بملقب جناب ملقب است) ارسال کردند و در همان تاریخ با ابو سعید المعتضد خلیفه جنك سختی شروع و با

غلبیت ابو سعید ختام در تاریخ سیه و سیزده هجری ابو طاهر نام با قواء کامل باطراف مکه مکرمه هجوم و در موسم حج غلبه یافته و داخل شهر مقدس گشته حجاج را قتل و انلاف و زنان را اسیر و در اثناء کشتار بی رحمانه خود ابو طاهر بایه مبارکه (و من دخاله کان آمناً) استهزاء کرده بمظلومین می گفت آن امن کجا شد که شما را اندرون حرم قتل میکنم با نعره هولناک مردم را هراسناک کرده شش روز مشغول قتل و غارت شدند و اساری در میان قراظه تقسیم گردید و نظر بقول بعضی از مورخین هفتاد هزار نفوس مظلومه در آن کیردار تاف گردید و ابن قول اغراق و ضعفا هم طرف اعتماد نیست (دکتر دوزی هولاندی رئیس آکادمی تاریخی پاریس است) در کتاب مدنیة اسلامیة خود نوشته و از اشخاص با عرض است که اعتماد بقول او نتوان کرد ولی همین قدر معلوم است که ابن وقعه اسفناک از جماعه فلاکتهای تاریخی بوده و از بزرگترین مصائب اسلامیة معدود است و بالاخره حجر الاسود را از موقع مقدس کننده و بمرکز قراظه که دار الهجره میگفتند برده علاقه مندان دیانت را محزون و مسلمین را دلخون کردند پس از وقوع این قضیه هایل و رزیه عظمی خیال کردند که مسئله حج و زیارت مکه بکلی از میان رفته و این مقصد عالی اسلامی متروک شد با این وصف اصل ایمان و حقیقت اسلام متزائل نگشته و معنویت آن دین الهی بالباس دیگر و شکلی علیحدہ جلوه نمودن گردید و مسلمانان بزیارت شهر مقدس مکه باقرار سابق حاضر و عوض حجر الاسود مکان و موقع مخصوص را

لمس و استلام می نمودند و در حدود سنه ۳۳۰ برای حجاج مبلغ معین حق دخولیه شهر قرار و تحمیل شده و عینا تادیه و ایضا اعمال حج اجراء و عمل شده و مظالم قرامطه تا حدود سنه ۳۹۶ میبصد و نود و شش هجری بر مسلمانان وارد و در آن تاریخ در آفریقا در شهر مصر یک نفر از سلاطین فاطمیین بنام (الحاکم بالله محمد) به تخت سلطنت جالس و به سیمای غریب و قیافه عجیب قدم گذار عالم سیاست شده و متصدی امور خلافت اسلامیہ گردید.

شماره ۳

و خدمت به عالم تشیع و دیانت اسلام نمود و دوره زندگانی و تاریخ حیوانش منقسم می گردد بر دو قسم آن چه دوره اولیه است که قریب چهار صد و هفده هجری میباشد شیعی خالص و مفرط و مروج مذهب حق بوده که پس از انحطاط و تنزل فوق النصور این شخص تاریخی با حکام از سر نو رواجی کامل و فروغی تمام داده و به المیان اثبات کرد که معنویت اسلام را حافظی غیبی بوده در هر قرن و زمان حفظ فرموده و الی الابد از تجاوزات اشرار حفظ خواهد کرد و بوسیله هر که بوده و بمعاونت هر کسی باشد و طنون مختلفه ملل متعدده را ابطال کرده و فهمانید که تقدیرات آسمانی با تدبیرات انسانی موافق نیامده این است که الحاکم نماینده و روحانیان مذاهب مختلفه را احضار و در جلسه عمومی بر ایشان اعلان نمود که چهار صد سال تقریبی است جد من حضرت محمد ابن عبدالله (صع) باجداد شما با عنوان دعوت بر دیانت اسلامیہ ابلاغ فرمود ایمان آورند ولی ایشان در جواب صوابش

گفتند که حالا همان رسول موعود نیامده و مبعوث نکردیده اینک به شما می گویم که آن پیغمبر موعود در تورات و انجیل همان بزرگواری بوده و اجداد و اسلاف شما ایمان نیاوردند یا من همان شخصم که نام محمد است و از اخلاف آن بزرگوaram بواسطه من بدیانت مقدسه اسلامی ایمان آورید و اگر نه شما را قتل و کتسه و سيناغوغ شما را تحریب خواهم کرد پس از این ابلاغیه اکثر اهالی مصر و توابع آن از ملل مختلفه با دین اسلام را قبول کردند و یا معرض قتل و نفی واقع شدند و دین مقدس اسلام با صافیت ذاتیه و معنویت واقعیه خود جلوه نمون گردید هر چندیکه بعضی از هووخین ملل مسیحیه همچون ابن شخص تاریخی حکم نموده طوریکه (دکتر دوزی) هولاندی از اعضای آکادمی مادرید و پروفیسور دارالفنون (لابد) در جلد ثانی تاریخ مدنیة اسلامیة (صفحه ۳۷۰) می نویسد که الحاکم بالله محمد سلطان مصر در اوایل دوره ثانی زندگانی خود دیوانه شد ولی بنظر عاجزانه راقم آن چه از الحاکم سر زده ظهور گردیده در قبایل مظالم مسیحین نسبت بر مسلمین یکنوع حکم عادلانه و عاقلانه است و عملیات ابن شخص تاریخی عبارت است از خراب کردن کنائیس و سيناغوغها و اوراق انجیل و تورات را بکار بردن عطاران در موقع حناء فروشی و بد اخلاقی را با حکم انضباط به پایان رسانیدن و قدغن کردن فروش شراب حتی انگور خشك و منع نمودن قمار را با تمامی اقسامش و مسدود شدن محل تفرج و تنزه و کلیه زنان را از عبور بازار و مرور مجامع عمومی و نمایان شدن

در انظار مردم نهی کرده و در صورت خلاف امر بقتل و مجازات مینمودند و ایضا در این باب بعضی از مورخین نسبت ظلم بر زنان در حق سلطان داده اگر تامل کرده و با انصاف ملاحظه نمایم که این گونه حرکات بعقیده او موافق دین اسلام بوده و محافظه امنیت و بقاء سعادت بسته بر این است و تاریخ آتیه ماضی و عبرت آتیه است و بر تمامی ملل عالم معلوم است که ملت روسیه و خود روسها با آن وحشت ذاتیه که دارند بر تمامی ملل مختلفه عالم میدان میخواندند و ملت نجیبه ایران با داخل شدن بتابعیت دولت امپراطوری روس افخاری ها مینمودند قبل از وقوع جنگ بین المالی اخیر یعنی پانزده سال پیش از این تاریخ اغلب سلاطین عالم از قوه استیلاء روسها ترسناک بودند ولی الحال که تاریخ بکھزار و سیصد و چهل و هشت است از اثر کشف حجاب و آزادی کامل زنان و اختلال در اصول دیانت امنیت از میان رفته و هر روز هزاران موت انتحاری و خود کشیهای بی موقع بوقوع پیوسته و اهالی در سر کوهها و بطون دره ها شبها بروز آورده و اغلب آنانیکه قادر بر حرکت هستند دست اطفال و زنان را گرفته بدول همسایه و نزدیک فرار کرده و بعضی اشخاصیکه فرصت نیافته از اهل و عیال و مال و منال دست بردار شده به تنهایی بخاگ باک ایران و خاگ ترکیه پناهنده می باشند و غیر از این چاره دیگری هم ندارند و علاوه از این وحشت و غیر از این فلاکت آنچه درد بیدرمان است عبارت از اختلال نظام امورات خانگی است مثلاً ملاحظه فرمائید چند ماه قبل از این حال نکارش رساله يك نفر دختری از اهالی دهات

قفقاز از مسلمانان حامله شده و بدون شوهر بوده از این لحاظ مورد تفحص و محل تفتیش واقع گردید بالاخره معلوم که از برادر خودش این گونه عمل قبیح وقوع یافته و در قبال این خدمت از طرف دولت مورد تلمطف واقع و اکرایه برایش تخصیص یافت ولی افراد خانواری از همديگر جدائی اختیار کردند و ايضا در عين تاريخ تحرير اين اوراق در نزدیکی قصبة (نیکچه) از ولایت شرور از توابع ابروان مملکت قضیه واقع شد که در واقع بر ارباب فکر و وجدان مدنیت آزادی طبایان کذائی را بخوبی نمایان می کند طوریکه يك نفر پس از وفات زن اولی خودش زن دیگری گرفته و يك پسر جوانی در خانه داشته یکروز همان زن تازه از اداره (چقواء) بدون اطلاع شوهر طلاق مرسوم آن ولایت را گرفته و پس از این چند روز در همان اداره به پسر آن شخص که همان جوان سابق الذکر قرار ازدواج گذاشته و در حین اطلاع پدرش زن با شوهر تازه خودش که پسر همان پدر است از خانه گریخته و در موقف (ایستاسیون) منزل کرده اند

شماره ۳ از فصل اول

و آن چه در کتاب مبدء الاسلام اثر راقم در بیان مسلك اشتراکيون تحرير شده در حین تسويد سطور از منابع موثوقه دست رس ما گردید که همان مرام مخصوص را بموقع اجرا گذاشته و بعالم حیوة و زندگانی تطبیق کردند کلیه مردم را مجبور می نمایند بر اینکه از يك مرکز خوراك و پوشاك خودشان را اخذ کرده و هیچ کس صاحب خانه و اهل عیال نباشند

و اطفال را در موقع تولد از مادرشان جداء کرده در محل جداگانه تربیه کنند تا اینکه پس از نشو و نما قوم و قبیله و مذهب و ملت و مادر و خراهر نشناسند طوریکه مردم بطبقات چندی منقسم شده اند آنچه طرفدار دولت است چند شعبه است : (۱) اطفال سه ساله و يك ساله در باغچه مخصوص جمع آوری شده تغذیه و تربیه گردیده بدون ملاقات والدین که بعداً غیر از دولت و حکومت چیز دیگری در عالم معتقد نشده و ندانند (۲) پیانه ها یعنی ایتامی که ده سال و زیاده سنی را دارا هستند که بالباس های مخصوصه و غذا های مناسبه با کمال مهارت پرستاری کرده و تعایضات مسلک اشتراکبون را مینمایند که در آتیه با بدن مرطوب و شکل مرغوب رجاں دولت و زمامداران مملکت و نظامیان حکومت از ایشان است . (۳) قوم سومولها یعنی آنانیکه نزدیک است که داخل فرقه های سیاسیه و ماموریت دولتی بشوند (۴) قومونیست ها یعنی آنانیکه داخل فرقه های سیاسیه شده و مامورین دولت شده اند و لازمه آن نفی الوهیت کرده و تمامی معنویات و اعتقادات را ملغاء می دانند (۵) دسته بی خدایان که در اصطلاح آن نواحی (الله سبز لار بارتیه سی) نامیده می شوند و شغلشان دعوت کردن خاق است بر انکار دیانات و ایراد کردن بر روحیات و روحانیات و عربان در بازار و کوچه گردش لعنت بر حیاء کرده و نداء می کنند (بوغ دالوی) یعنی خدا رخت و حیاء هم رفت و افتخار می کنند بر اینکه امتیازی دارند در ایشان اثر حیاء نبوده زن ها در مجلس عمومی عربان و مادر زاد جمع شده

اکل و شرب مینمایند . (۶) رجال دولت و اهل شوری که در مراکز عالیہ نشسته قانون گذار بوده و مدیر امورات خاق هستند و اما طبقات رعیت آن هم چند فرقه تشکیل میدهند مثلاً (قولا ق) یعنی کسانی که کوش محض هستند و تمامی اختیارات و حقوق شخصیه از ایشان مسلوب و از رأی دادن و رأی گرفتن ممنوع بوده غیر از خانه نشینی حق دیگری ندارند و مثل زارع رنج بر کار کر و بورژوئست یعنی صاحب مکنت و روحانی و صاحب اصالت و نجات قدیمه هر یک از این طبقات موقع مخصوصی دارند که بلا اشکال مرگ بهتر از چنان زندگی است و معیشت قسم اعظم اهالی بعضی طبقات به مراتب از زندگی و معیشت حیوانات و پست ترین آن ها پست تر است اجمالاً کشادگی زنان و آزادی کامل نسوان بالای جاسوزی است که خلاصی از آن مشکل تر است از نجات یافتن از وباء و از دوره ثانی زندگانی الحاکم بالله محمد صرف نظر شد همین قدر لازم الذکر که در آن چنان عصر وحشت و تنزل اسلامیت قدم گذار عالم سیاست و زمام دار امور سلطنت شده قد خمیده اسلامیان را کالا راست و حجر الاسود را از دارالہجره قراطمه (سواد) برکنار اصلی خود باز و تکرار اعمال حج را مرسوم و عالم اسلام را رونق تازه و فروغ بی اندازه بخشیده و بممرم ملل حیه آن زمان قبولانید که اسلام لایزول و ابدی است .

شماره ۴

نتیجه مطالب مندرجہ شماره سابقه این است که دین مقدس اسلام پس از

تنزل ظاهری و گرفتاری مسلمانان با انواع فلاکتها مبتلا بودن و غارت مکه و قتل حجاج در ایام قرامطه و اسماعیلیه سلاطین مصر از فاطمیون در زمان المنصور مصری رو به ترقی گذاشته کسوف آفتاب علتب رو بآنکشاف و انجلاء گذاشته و در زمان الحاکم بالله کاملاً صاف و با نور حقیقی عالم را منور نمود ایضا در زمان حشاشین باز هم دوره انحطاط و تنزل است طوریکه حسن صباح ابن مساک را اختراع و بعد از اکمال تحصیلات علمیه با عمر خیام و نظام الملک در مکتب نیشاپور در محضر (امام موفق نیشاپوری) موفق نائل شدن بمقام عالی علمی آن زمانی گردیدند حسن صباح در قلعه الموته تشکیلاتی احداث و از يك نوع علف مشروبی ترتیب و با اینکه يك قسم تدخین اختراع و بر جوانان و ساده دلان تزریق کرده و کیفیت استعمال آنرا تعلیم نمودند و بعد از استعمال قوه خیال بر ایشان غلبه و خودشان را در عالم بهشت دیده و با وجد و نشاط امرار حیات و اوقات می کردند و با ایشان با يك اصولی رفتار می کردند که گویا بهشت موعود همان النذاذ جسمانی است که از قوه حشیش تحصیل می شود و در این باب تکثیر نفوس کرده و حسنه فدائیان تشکیل آنانی که ضد مساک حشاشین بودند محو و قتل نموده و ترس بر قلوب دشمنان میافکنند و قضیه امام فخر رازی با فدائیان حشاشین در کتب تواریخ مشهور است و این فرقه يك شعبه معدود است از شعبه قرامطه و این فرقه بعد از تخریبات و کشتارهای نا حق محو و نابود شده و اصول صوفیت با اشکال و اسامی متنوعه جلوه نمون گردید و صالح نام در تحت عنوان

بر اغواطه قرانی تالیف و بعضی عملیات را شروع ولی در اندک زمانی محو و مضمحل شد و در حدود سنه چهار صد و سی هجری اثر اقدامات خدا پسندانه داعی اسلام (عبدالله ابن یسن در رباطی ساکن شده با خلیفه وقت منزویانه عبادت و اهالی از این حال متنبه (الناس علی دین ملوکهم) اهالی آن صفحات کلمه واحد با حاکم مملکت و مبلغ اسلام هم رأی و داخل دائره دین مقدس شده و اسلامیت با کمال وضوح انتشار یافت و در این دوره بوسیله (فرقه رابطین) که بمناسبت منزل کردنشان (در رباط) کاروانسرای رابط نامیده شدند خدمات لایقه بعالم اسلام ظاهر گردید و بعد از عبدالله یسن یوسف ابن تاشفین در قطعه آفریقا فدا کاری ها ابراز و جان نثاری ها اظهار کرده پس از آن بطرف اندلس حرکت و بمالوک الطوائفی غلبه و در آن صفحات هم جلادتها نموده خدمت بعالم اسلام کرد و در حدود سال پانصد و چهل ابناً موحدین در قطعه اندلس و تونس خدمات شایان بعالم دیانت کردند و این شخص بزرگ نصرائیان و روحانیان ایشان را احضار و عبدالعزیز سلطان وقت خطابه انشاء و لایحه قریب بدین مضمون قرائت نمود: ای نمایندگان ملل مختلفه عالم بدانید و آگاه باشید اجداد و اسلاف شما به پیغمبر ما ص ع در زمان بعثت ایمان نیاورند و پیغمبر موعود در انجیل را بزمان آبنده حمل کردند اینک متجاوز از پانصد سال می گذرد یا ایمان آورید یا مقتول خواهید شد اختیار یکی از این دو شق با شما است از شنیدن این خبر وحشت اثر همه محزون و مغموم شده در نتیجه یا محکوم ذلت و یا مجبور به تبدیل دیانت و

یا اختیار مهاجرت کردند و اغلب کنیسه ها و سیناغوگها تخریب شده و مبدل به مساجد گردید و پس از این تاریخ مدتی عالم اسلام در حال توقف باقی مانده و سیمای اصلیه را محافظه کرد.

(نظر بعالم شرق) در این اوقات در طرف شرق ستاره در خشان اعلان و عالم اسلام را با نور عدالت اسلامی منور نمود که عبارت از سلطنت بدایت غزنویان است که بوسیله ایشان نور دیانت اسلامی بطرف افغان و هندوستان انتشار یافته و اواء جامعه محمدی در آن صفحات اعتلاء و تموج نمود طوریکه آلب تکین که یکفر از سلاطین بوده و سبکتکین یک نفر مملوک بود و آثار سلطنت و شائبه حکومتی در حال او مشهود نبودی ولی از تأییدات غیبیه که آزاد کردن بچه آهو و خواب دیدن او و بشارت نبی اسلامی علیه السلام به سلطنت و حکومت مشهور و در تاریخ سر جان ملکم انکیزی هم مسطور است رجوع بتاریخ مشارالیه شود اجمالا سبکتکین داماد آلب تکین جالس تخت سلطنت و چند قلاع مستحکمه فتح و بلقب ناصر الدینی از ناحیه امیر منصور نوح بلقب شده و در تاریخ چهار صد و بیست سال در گذشت و پیروی محمود غزنوی در جای وی نشسته اغلب نواحی شرق را گرفته و در تاریخ یک هزار و بیست و پنج (میلادی در ساحل کجرات بسوی قلعه سومنات هجوم و قلعه را فتح و بت کبیر (شیواء) را که معبود بودائیان است شکسته و دو قسمت کرده به پای تخت خود نقل نموده و یکقطعه آستانه مسجد شاهی و قطعه به آستانه سرای سلطنتی و یکقسمت بمدینه و قسمتی هم بمکه مکره ارسال و اهداء

و یکقطعه هم در نزد هیکل (ویشنو) بت اعظم ایشان که قبلا فتح و مالک شده بود گذاشته و چندین ملیون نومان ایرانی از هندوستان محاکمت اسلامی آورده و با فتوحات متوالیه در اطراف خدمات لایقه بهالم اسلامیت کرد و با سیاست اسلامیه در اکثر قطعات هندوستانی موجب هدایت اکثر اهالی آن نقاط گردید در تاریخ (۱۸۴۲) انکایزبان شهر غزنه را مسئولی شده و غنائم فتوحات سلطان محمود را بقلعه سو منات ارسال و بدین وسیله بودائیان را خوشنود کردند

شماره ۴

و ابضا (محمد غوری) در اوایل عصر دوازدهم شهر بنارس هند را فتح و بت های کبیر آن ها را شکست و بیرق اسلام را در نقاط عالیّه تمرکز داده و در بعضی قبضعات هند به تموج آورد و فعلا قریب صد ملیون نفوس در صفحات هند و جزایر هندوستان در سایه اقدامات معدلت سمات آندوات معظمه ایست و عمده ترین اسباب هدایت اهالی آن سامان اولاد پیغمبر آخر الزمان بوده و بدعوت آن بزرگواران مردم آن سامان بدایره اهتداء دین اسلام داخل می شدند طوری که در غزیریک یکفر از اولاد حضرت سجاد علیه السلام مولانا ابراهیم نام مدفون و در زمان خود از داعیان اسلام بود و از اولاد حضرت موسی ابن جعفر سلام الله علیه در یکی از جزایر هند اطراف کجرات مدفون بوده و از بقعه متبر که اش کرامات باهرات ظهور نموده موجب تشدید ایمان قلوب اهل توحید است و از بعضی کراماتش یکی این است که در حین ارتحالش وصیت نمود مساواست استعمال شده ش

بالای سر دفن کنند پس از دفن روئیده و خضارت کامل حاصل و هرگاه تفصیل این کرامت را و اینکه تا کنون هم اثر آن در بقعه ابن امام زاده باقی است خواسته باشید (رجوع کنید بکتاب تاریخ جام جم اثر سید محمد علی خان کارپرداز دولت علیه ایران) در آن تاریخ که دین مقدس اسلام از برکت اقدامات مسلمانان و سلاطین معظمه اسلامیان و در سایه داعیان مذهب حق در عالم شرق ترقی تمامی داشت غفلتا در قطعه آسیا بگونه تبدلات مهمه و سوانح غریبه و قضایای سر زده ظهور شد طوری که در وسط آسیا و از قطعه سیبیریا از دامنه کوهها قوم عجیبی قدم گذار عالم فتوحات و قهرمان سیاسیات آن زمانی شده بموجب خطبه مبارکه نهج البلاغه که مسطور است (و کانی بقوم و جوهرهم الخ) در توصیف جنگیزبان است در زیر بیرق جنگیز خان مغول (مونغول) قشون خون خوار و جرار ترك جمع و چون سیل بنیان کن انسانی قلاع محکمه را زیر پای استیلاء خودشان آورده از شرق و غرب فتوحات عظیمه را نایل چین را تا دریای (بیهو) دریای اصف قفق و رو بجنوب خراسان و سایر قطعات ایران نموده و جزایر (سیندوس) و نهر فرات را تا دریای سیاه و قریب بحیطه تصرف آورده مجارستان و ارمنستان و کرجستان و آناتولی از تیبت تا بغداد و قسم اعظم هندوستان ملک ایشان معدود گردیده و بالای آسمانی آسیا محسوب شدند و در این ضمن مسلمانان پربشان و اموال ایشان بقما و تالان و مقدسات ملیه تلویث و ناموس اسلامیان هتک و کسی در باره دین اسلام و مسلمانان احتمال خلاصی نداده و ظنون

مختلفه در باب دیانت مقدسه در قلوب مردم خلیجان مینمود و محبوب اسلام در
 مخيله دماغ همه کس جا گیر شد و خود چنگیزیان از حیث دیانت معتقد
 بذات غیبی بوده و در هر محلی به چیزی عبادت می کردند و گاهی رو
 به جنوب زانو زمین گذاشته سجده می نمودند و به (اوتقون) یعنی صورت
 دروئی را که (صورت) می گویند از دیواری آویزان و آئین روحانی اجرا
 میکردند و بت چنگیزیان از تکه چوبی یا از پارچه نمدی بود و ایضاً در
 موقع آب خوردن واجب میدانستند که اول مقداری بزمن ریخته مد از آن
 می نوشیدند و خیلی خرافات پرور بودند و به (قامس) فالچی مخصوصی را
 گویند اعتقاد کاملی داشتند صحت و مرض خودشان را موکول بابشان دانسته
 و از قامس شفا می طلبیدند و در عصر چنگیزی یهودیان از تمامی مال بیشتر
 محبوب و محترم بودند طوریکه (سعد الدوله) وزیر مشهور یهودی الاصل و
 بخيال یهودیان وجود سعد الدوله که به آل ابراهیم بکنوعی هدیه آسمانی بود
 و از اطراف کره یهودیان فوج فوج به نزد وزیر جمع و دستور ها اند و
 مورد تملیف واقع می شدند و سلطان وقت با سعد الدوله هم فکر شده در
 این خیال بودند که مسلمین را مجبور بقبول دیانت بت پرستی بنمایند و العیاذ بالله
 که به مقدسه را دار الاصل نام قرار دهند در این حال (آرغون) نام سلطان وقت
 مریض شده و بنا بقول قامس فالچی سحر زده و از حیوانش مابوس بوده فل
 از تسلیم روح آنانی که از سعد الدوله نا راضی بودند و از ملت یهود در قلوب
 خودشان يك حس انتقام می پرورانیدند جمع شده سعد الدوله را حس و بعد

اتلافش کردند بدین لحاظ مقصد یهودیان بی نتیجه مانده علاوه معرض قتل و کشتار واقع شدند ولی در انظار عموم و افکار مردم یکی از ادیان سه گانه از بوداء و اسلام و مسیحیت برای قبولی در باریان چنگیزی منظور و محتمل بودی و چون سلطنت عظیمه و دولت قویمه هر یکی را از این ادیان سه گانه قبول کردندى باالبدایه همان دین در تمام مناسطق عالم مظهر قبول عالمه می گردیدی و در این زمینه پیروان هر دینی و متدین هر آئینی با همدیگر رقابت کرده و مبارزه مینمودند و آن یکی از صمیم القاب کشتار و امحاء آن دیگری را با کمال اشتیاق آرزو می کرد و در این ضمن موفقیت نصاراتیان بحسب ظاهر امارات و علائم ملحوظ بوده و قطعه آناطولی و صفحات بغداد و سوریه و سایر قطعات نزدیکی چنگیزیان از راهبان و کشیشان مسیحی مملو بوده بنام دعوت بر مسیحیت بادستورات لازمه از (قونسولات) اداره روحانیه مسیحیه از ناحیه ریم باب اعزام شده بودند در زمانی که (فردریق) دوم پاپ را در فشار معنوی نا راحت می نمود و بالحاظ بی قیدی باور مذهب کاتولیکی تخت (سهن پیه) خالی از سلطان روحانی ارائه می کرد در این تاریخ سلطان وقت بویوک خان قویوق به سلطنت غیر لایق و دایماً مست و از اداره امور سلطنتی غافل و عاجز و زمام امور را بدست کفایت دو نفر ناظر عیسوی سپرده و بوسیله آن دو نفر مسیحی يك باب کنیسه عالی در بیشکام عمارت در بار سلطنتی بناء و بعضی از شهزادگان و خانهای دولتیان رسماً قبول دیانت عیسوی نمودند و اهالی قطعات عالم با چهار چشم بسوی قطعه آسیا نگران

و در تاخیر انتشار و تعمیم دین عیسوی با وجود این وسایل تعجب میکردند و منتظر بودند که بواسطه اعلانها در آن روزها داخل شدن دولتیان بمذهب مسیحی اخبار خواهد شد و در عین زمان دو نفر سفیر از جانب رئیس روحانی مسیحی با سمت تبلیغ با زبان متهور با مکتوب خصوصی بایران وارد و خان بوبوک را رسماً بنصرانیت دعوت کردند و این حرکت خشن موافق طبع موغولها نشده ایشان را باندازه فشار و تضییق دادند که از تقلیل اطعمه و اثر به چندان نمانده بود که تلافی شوند و بعضی از صاحب منصبان به نمایندگان پاپ گفتند مگر پاپها شما را به نزد ما برای وعظ و ابلاغ احکام مسیحی ارسال داشته اند بروید و بیرون شوید از مملکت ما و گرنه تلافی خواهید شد در این تاریخ که چندان نمانده بود که دین عیسوی جهان گیر و عالم شمول گردد در هفتصد هجری تقریبی (تاجدار اوغول) نام از اولاد چنگیز خان جالس سریر سلطنت شد باز امیدواری نصارا ئیان زیاد تر گردید زیرا که سلطان مزبور را در زمان ولادت با آب تعمید غسل داده و با نام نیقولا تسمیت کرده بودند و مسلمانان از این لحاظ نهایت مضطرب و نا راحت امرار اوقات می نمودند ناگاه از طرف سلطان وقت تاجدار اوغول مشهور به اسم نیقوالای بیان نامه باهالی بغداد توسط حکومت محالی اعلان شد قریب بمضمون ذیل: (ما بر تخت سلطنت جلوس نموده و هم مسلمانیم این خبر خیر را باهالی بغداد ابلاغ نمایم هر عنوانیکه در دوره خلفای بنی عباس داشتید همان را محفوظ و مدارس و مساجد را محتوم داشته و باحکام شریعت مقدسه رعایت

کنید و ای اهالی خداد که پیغمبر اسلام علیه السلام فرموده است دین اسلام تا قیامت باقی است و ما بقناعت وجدانیه باین کلام عالی امین بوده و اعتقاد می نمائیم که خدا بکمی بوده و ابدی است).

و تاجدار اوغول از نام نيقولا برائت جسته و خود را سلطان احمد نامید مطالعه کنندگان از این اعلان در آن چنان زمان از آن گونه سلطان برای مسلمانان چه اندازه فرح و سرور روی خواهد داد ملاحظه نمائید و داعیه دعوت بر نصرانیت از طرف روحانیت مسیحیت با یاس و خسران نتیجه بخشیده و حقانیت اسلام و حافظ شدن يك قوم غیبیه به آن دین الهی واضح گردید و در واقع حدیث شریف (شرع محمد صاع مستمر الی يوم القیامه) را تبدلات عصریه و انکشافات واقعیه پس از انحطاط و تنزلات فوق العاده در ظاهر اسلام واضح ترین براهین بوده و اثبات می کند که دین اسلام را حافظی است غیبی که حفظ خواهد نمود و اسلام پایدار و برقرار است و بقول (شانت بی دوله سی) رئیس فرقه انتقاد یون اسلام يك قلمه متین و حصن حصین است که انقلابات عصریه يك خشتی از دیوار قلمه متین دیانت مقدسه از جایش حرکت نمی تواند بکند و ابضاً هلاکو خان از جمله سلاطین مغول است که بدستگیری خواجه نصرالدین طوسی خدمانی بدیانت اسلامی نموده و در مرافه با تصویب فاضل مومی الیه يك کتابخانه عمومی تاسیس و چهار صد هزار از مؤلفات افاضل اسلام دایر بر علوم متنوعه جمع و رصد خانه ترتیب دادند که فعلاً آثار باقیه اش عقول سیاحین و فلاسفه عصر حاضر را به حیرت افکند

و ایضاً مسلمین آن زمان در مسئله رصدخانه و علم هیئت از تمام مال عالم مقدم بودند طوری که در مراغه و در کوه. مقطم نزدیکی مصر و در بغداد هاشمیه هم رصدخانه های عالیّه تاسیس کرد. بودند اجمالاً پس از سلطان احمد مزبور (غازان خان) مغول در امور دینیّه با غیرت بوده و با جدیت کامله رعایت کنندۀ احکام دیانت بودی و بمذهب رونق تمام داد حتی غیر از مساجد کلیه مبانّی روحانیّه ملل مخافه را از قبیل (بایدو) معبد بودائی و (کنیسه) معبد نصارائی و (سیناغوغ) معبد یهودیان را بکلی تخریب نمود و هر چندی که بعضی از مغرضین مورخین اروپائی قبول سلاطین مغول دین اسلام را در آن چنان زمان حمل بر سیاست و منفعت شخصیه می کنند کویا فتح هندوستان باعث اسلام آوردن ایشان گردید در ایران و با قناعت وجدانیّه ایمان نیاوردند دوقطور دوزی هولانندی در تمدن الاسلام تالیف خود (صفحه ۵۲۰) همان معنی را می نویسد و خواب دیدن غازان خان بیخمبر آخرالزمان را و امر فرمودن آن حضرت به بوسیدن دست مبارک حسین را و تعمیر قبور ائمه هدای سلام الله علیهم و عازم زیارت شدن و غرق انعام و احسان کردن سادات را و سایر علامات دلیل پاك نفسی غازان خان و ایمان آوردن آن سلطان پاك وجدان است بدین اسلام از روی حقیقت و خصوصاً علاوه کنیم دلایل تاریخیّه را که در آن زمان قبول دیانت بودائی اقرب به سیاست آن زمان و پیشرفت امور جنگیزبان بود و فتح هندوستان با قبول دین بودائی ممکن بودی نه اینکه با داخل شدن دیانت اسلامی و الجایتو ایضا در حالیکه باعقیده

صنن جالس سریر سلطنت کر دید ولی بعد با خواب دیدن خود را متشیع اعلان کرد و بعضی از محررین مسیحی تشیع الجایتو را باز حمل بر سیاست شخصی نموده فقط بر ارباب اطلاع و تتبع بدیهی است که مؤلفین و محررین خارجه غالباً آمال و مرامشان از تحریر يك مقاله و یا تألیف يك کتابی مخصوص اعتراض و ایراد يك ماده است بدیانت اسلام (طوری که پروفیسور دارالفنون آکادمی تاریخی (لابد) و اعضای آکادمی انستیتوی (دوفرانس (دوزی هولاندی) دو جلد کتابی نوشتند یکی تقریباً هفتصد و بیست صفحه مقصدش از تألیف اثبات مرض (هستربائی) است به پیغمبر اسلام علیه السلام غلطاً و می خواهد که با اغراض، لفظه کارانه با علم طب مدلل نماید و ساده دلان و بی اطلاعان باور کنند مبنی بر این غرض دنی در اول مدخل کتابش می نویسد که نبی اسلامی متولد شده از بکنفر خانم عصبی المزاج حاد و حار نامش آمنه خاتون و راقم در موقع مناسب جواب داده و غرض رآنی مؤلف بی انصاف را مدلل داشته ام طوری که عصبی المزاج بودن خانم معظمه که باعث بر انتقال مرض هستربائی تواند ارجمندهش باشد در هیچ یکی از مؤلفات اسلامی و اخبار ائمه هدی پیدا نیست از کجا این نکته علمی دروغی را نوشته این نیست مکر لطف غیبی که دروغشان را آشکار فرماید و از تفضلات غیبیه است که بت پرستان در عصر وحشت و قرن ظلمت بدایره اهداء دین مقدس داخل و مذهب حقه را رواجی و احکام را فروغی دادند و از اولاد چنگیز خان غیر از آنچه ذکر شد کسانی هستند که با اسلامیت خدمات لایقه به جامعه ملیه کرده اند و او اینک

با کشتارهای ظالمانه عالم بشریت را يك اندازه مضطرب کردند مثل تیمور
لنك ولی از اولاد تیمور اشخاص بزرگ داخل کار شده اند و تاریخ نامهای
ایشان را با انصاف بعلم و عرفان یاد و تذکار می کنند چون میرزا با بنقر
و ابضاً از سلاطین هند همچو اکبر شاه هند که با عمایات تاریخی خود شهرت
یافته .

شماره ۵

باری نظری بعالم غرب نمائیم چنانچه ذکر شد اسلام با تمام معنای حقیقی
خود و صافیت ذاتیه و حقیقت باطنیه خود تجلیاتی دارد و مردم بلباس دگر
آید گاهی خسوف مانند ابرهای متراکمه مانع از تابش اشعه انوار آفتاب
عالمتاب می باشد ولی در هر عصر و دور بد غیبی با اراده غیبیه با شیت ازلیه
آن سحاب ظلمانی را برآکنده و با نور معنوی عالم را منور نموده طوریکه
دین مقدس اسلام از حیث عالم و عرفان و صنایع غریبه و ترقیات عجیبه بر
تمامی ملل عالم برتری داشته و مسلمانان در امور سیاست باهالی کرم میدان
می خواندند تا گاه از طرف غرب و با اصطلاح عصر حاضر از اثر تبلیغات
متمصبین اروپا آتش فتنه بطوری مشتعل و مدتی خانمانسوز گردید و بالمقابلیه
بعالم اسلام مضراتی ایراث و خساراتی ایراد کردند زیرا که کشیشان مسیحی
هر چندی که بر حسب ظاهر داخل مذهب نصرانی شده بودند ولی در واقع
در زمان (قونستانتین) که از بت پرستی عدول نموده و در معنا اثر اوهام و
خرافات بت پرستی در باطن قلوبشان جاگیر بود و راهبان احکام و مواد اناجیل

حاضر را تطبیق و توفیق به بت پرستی کرده و آیه اول انجیل که بامر قونستانین تحریر شده معنای بت پرستی را نشلن می دهد دلیل است بر آنچه نوشتیم اجمالاً راهبان بظاهر داخل شدن عالم دیانت توحیدی از کریوه عصبیت جاهلانه بت پرستی و اوهام و خرافات قدیمه بشریه تخلیص کریبان نکرده با این وصف از تعلیم و تربیه ناقصه افراد مسیحی دست بردار نشده فرقه ها تشکیل داده و مظالم فوق العاده بهالم بشریت و خصوص به محیط اسلامیت وارد آوردند که قلم از تحریرش انفعالی دارد طوریکه در قرون وسطی فرقه (الکنزبسیون) که از رهبانان تشکیل یافته ضد مذهب کاتولیکی را فوج فوج در آتش جهالت و عصبیت می سوزانیدند و فرقه جزویت (ژوزویت) که با طور مجذبه دو خفیه دسیسه ترتیب و اموال در اعراض مردم از ترس شان مأمون نبود (رجوع کنید بکتاب یهودی سرگردان) که از آثار فکریه و قلمیه یکنفر از محررین شهر پاریس است تفصیلات مظالم راهبان را بخوبی تصویر نموده و مورد انتقادات و اعتراضات واقع شده ولی اهمیت بانگونه اعتراض ها نداده تفصیل مظالم فرقه جزویت را کاملاً نوشته و فعلاً مصنفین نصارا از اعمال تنگین و وقایع شرمکین آنها انفعالی دارند و مکرراً اتفاق افتاد که (ریم باب ایطالیائی اهالی را بمجرد قرائت و مطالعه کتب طبی اسلامی از قبیل تالیفات شیخ رئیس ایرانی و محمد ابن زکریاء اندلس و حاجی الیاس یعیش تکفیر (افوروز) کرده و امر نمود که نسخه های موجوده را از هر قبیل جمع و بسوزانند از جمله فرقه هایی که روحانیان مسیحی تشکیل و تاسیس نموده یکی هم فرقه

صليب است چون اعضاء آن فرقه علامت صليب (-|-) را با پارچه قرمز به بازوی خودشان بسته و علامت معرفی خود قرار گذاشته بودند بدین لحاظ صلیبیون تسمیه شدند اجمالا نظر بمنابع تاریخی در قرون وسطی مسلمانان از حیث عام و مدنیت و سایر امور زندگانی از همه مال مقدم تر و مترقی بوده و مسیحیان آن زمانی در کمال بربریت و وحشت امرار حیوة می کردند و در آن تاریخ بکفر کشیشی بنام (پهرلرمت) یا بطرس برای انتباه افکار اروپائیان ممالک مسیحیه را گردش و بنام توهین شدن يك نفر زواری از زائرین بیت المقدس از طرف مسلمانان در آن زمان مردم را دعوت باستحلاص بیت المقدس کرده و با تعلیمات منحسسانه انتقام از مسلمانان را بر قلوب افراد نصارا ئیان تزریق کرده و بجنک ترغیب نمود حالیکه مسلمین آن مکان شریف را از مسیحیان مقدس تر شمرده و به تعظیم و تکریم آن می کوشیدند با این وصف روحانیان دست از مقصدشان برنداشته تمام دول مسیحیه غربی را تحریک بر جمع لشکر و ترغیب بجنک مسلمانان کردند طوری که اثر نقطه‌ای آتشین زنان يك نوع رقص مجنونانه کرده و اطفال خودشانرا تحریص بخلاصی بیت المقدس نموده از اطفال دسته ها تشکیل در سر کوهها جمع و به شبانان ملحق و بنام اطفال صلیبی بطرف بیت المقدس رهسپار می شدند و از این اجتماع و تجمع اثر کثافات که مخصوص نصارا ئیان آن زمانی بود هم خبط دماغ و هم مرض طاعون سیاه شیوع یافته و باعث هلاکت سایر طبقات گردید و از فلاسفه آلمان بکنفری می نویسد که فعلا در نژاد اروپائیان

بکثرت مرض (هستریا) شبیه بمرض صرع است از آن زمان ارث مانده و کاملاً رفع نشده و تاریخ شیوع امراض مزوره در تاریخ (۱۱۱۲) میلادی رو نما شد و عجب تر اینکه مسیحیان خودشان را مأمور خدائی خیالی می کردند در آن تاریخ از بعضی اشخاص نالایق و پست فطرت که دین را آلت مقاصد خبیثه قرار می گذارند هفت قطعه کشتی از اطفال صلیبی پر کرده بنام غلامان حمل و نقل با اسکندریه کرده بفروختند (رجوع بکتاب معالجات عمومی نمائید اثر خالد بیک که از انگلیزی به ترکی ترجمه و از ترکی فرانسوی هم ترجمه شده) و بعضی کودکانی پیدا شدند که خودشان را پیغمبران خیالی می کردند خصوصاً در مملکت آلمان و بالخصوص در شهر (رین) و اغلب ایشان در راهها تلف شدند و نایل بمقصد نگشتند و در تاریخ (۱۲۳۶) مطابق ششصد هجری تقریبی همان مرض خبط دماغ شیوع کامل پیدا کرد و هزار نفر از آن کودکان مأمورین خدائی در شهر (آرفورد) جمع با حال دهشتناک از دره عمیق (ژولوارد) گذشته بطرف قصبه (آرنستاد) عازم شدند و از اثر کثافات و نتیجه جهالت چنانچه سابقاً ذکر شد از مرض طاعون مردم تلف می شدند باز از مقصد دست بر نمی داشتند و محل سرایت همان مرض (نهر آخن) بوده و بممالک سائر سرایت کرد و چند سال با این حال کشتارهای بی رحمانه و تجاوزات غیر لایقانه بوقوع پیوست و در نتیجه این خون ریزیهای وحشیانه ایضاً بیت المقدس در تصرف مسلمانان باقی مانده و زحمات مسلمانان بی ثمر شد و بهلوان میدان و قهرمان و وران با باطل

عصر حاضر (بازیگر این تئاتر) عجیب رئیس روحانی مسیحی (آرین) دوم پاپ ایتالیائی بوده از تاریخ (۱۰۹۶) جنگ صلیبی شروع و تکرار در سال (۱۰۹۹) چهار صنف آزاد روی صلیبی تشکیل و فرمانده کل قواء امپراطور شرق (آلکس قومنان شده باعث تولید نفاق میان مسیحیان گردید و این آوردی چهار صنفی پس از ایقاع وحشت های فوق العاده بفتح انطاکیه شام نایل و بیت المقدس ایضاً در حیطه سلطنت اسلامیة باقی ماند و ایضا در سال (۱۱۰۱) بانعمد هزار نفر مرد جنگی داخل صفحات حرب شده و تلفات زیادی داده و نتیجه مطلوبه را موفق نشدند و ایضاً در سال (۱۱۴۷) امپراطور فرانس (لوئی هفتم) و پادشاه جرمان (کرمان) (قونراد) اعلان جنگ داده بعد از کشتن و کوششهای بیفایده بیت المقدس در دست مسلمانان باقی ماند در آن اوان سلطان صلاح لدین ابوی فتح مشهور بیرق استقلال برافراشته و صلیبیان را مقهور و مسیحیان را از تصرف و سلطنت بیت المقدس مأیوس نمود و پس از این تاریخها بعضی جنگهای بی فایده و افع و پاپ سیم (آرین) با کمال تهور و جلالت خودش را قهرمان این میدان و پهلوان معركة دوران معرفی کرده با معیت فرانس (آوغوست) و پادشاه آلمان (فردریق) و فرال (انگلستان ریشارد) مشهور به شیرول تکرار اعلان جنگ شده و شهر عکاء و جزیره قبریس را بدست آوردند و در این تاریخ (لاتینیان) اعلان جنگ داده و شهر قسطنطنیه اسلامبول را فتح و مقصد صلیبیان بی نتیجه مانده و تکرار با سلطان مصر المالك العادل مشهور جنگ کردند و با مغلوبیت کامله بی نیل

مرام بمقام خودشان باز گشتند و سلطان آلمان (فردریق) باز شروع به جنگ نموده و تا اندازه موفق به فتح بیت المقدس شده و ده سال آن مکان شریف را متصرف گشتند و پس از ختام ده سال باز بیت المقدس بخود مسلمانان باز گشت کردید و از طرف (سن لوئی) شروع به جنگ و با فرار و مغلوبیت کامله در این جنگ اخیری صلیبیان دست از عملیات وحشیانه برداشته و این جنگ خونین با بریشانی ایشان ختام یافت و دفعه هشتم به تکرار از طرف (سن لوئی) بطرف قونس هجوم و با فوت آن از مرض طاعون سیاه جنگ صلیبی بنام خلاص بیت المقدس در عالم واقع نشد این است اجمال وقایع جنگهای صلیبی و پس از محاکمه تاریخیه از این سلسله وقایع نتایج چندی عبرت آور دست رس می گردد چون عام تاریخ بمنابه آئینه ماضی و عبرت آنی است [اولا] روحانیان مسیحی منبع اغراض شخصی بوده با تلقینات مضره عالم بشریت و محیط مدنیت با اظهارات دروغین یکنفر کشیشی در موضوع ابذاء زوار نصارائی بلا واقع و بدون وقوع محزون کرده و باعث خونریزیهای چند صد سال شده و بضرات فوق العاده عالم اسلامیت را ایراث کردند [ثانیا] در آن زمان نصارییان از قافله تمدن و ترقی بکلی عقب تر و از علم و عرفان و اصول زندگی کاملاً محروم بودند طوری که تاریخ نشان می دهد قانون پیراهن پوشیدن را هم نمی دانستند و لفظ [شومیز] که محرف قمیص است لفظاً و معنأً از مسلمانان آن زمان اخذ و اقتباس کرده اند و از علت جهالت و بربریت و ندانستن اصول نظافت بکلی محروم بوده و از اجتماعات

و تجمعات مرض طاعون سیاه شیوع و انتشار یافت و اما از حیث سیاسیات و ترتیبات ادارات منتظمه و تنظیم امور لشکری و کشوری در عالم غرب اثری نبوده و در عین فلاکت و سفالت امرار حیات رذیلانه می نمودند و در سبب مرافقه و مخالطه با مسلمانان بملاحظه مشاهده بالعیان اصول زندگانی و قانون اصلاحات و مراقبت بامور حفظ الصحة و سایر مواد ضروری عصر حاضری را از مسلمانان تقلید و اخذ و اقتباس کرده که در واقع علم اسلام تاج مدنیت قدیمه و اصل اساس مدنیت جدیده است پس دین اسلام و خود مسلمانان معام و مربی عالم بشریت است و تعظیم معلم و تکریم آن از اخص وظائف اساسی است با این وصف مجررین مسیحی و کلیه طبقات ایشان از آنانی که از دایره انصاف بیرون است بر علم اسلام و مسلمانان در کتب علمیه و مقالات دینیہ خودشان اعتراضاتی وارد و دین اسلام و پیروانش را وحشی و عالم نصرانیت را مدنی می نامند و بر مقام شامخ مذهب حقه تعریفاتی دارند که قلم از تحریرش عاجز و لایق مقام انسانیت نبوده است مثلاً کلاستون مؤسس قوانین دولتی بریطانیای کبیر در اغلب نطقهایش می گفت: جماعت بکشید این حیوان های دو پا را (یعنی مسلمانان را) و مسنر لیخ رئیس دار الشورای انکاستان می گفت در مجامع عمومیه جماعت القران القران یعنی قران را از میان بردارید مادامی که قران عظیم الشان در دست مسلمانان است نصرانیت داخل میان شان نخواهد شد و بنظر عوام الناس چنین ارائه می کنند که گویا دین اسلام امر می نماید متدینین خود را که چهار زن بگیرند ازوما و در مورد ازدواج

با زن دوم باید که زن اولی را بکشند (رجوع کنید بکتاب اسلام و فنون
 اثر طبیب و فیلسوف اسلام اسماعیل بیک میلایلی منطبه در اسلامبول) و ابضا
 می گویند که پیغمبر اسلام علیه السلام زن پسر صلبی خودش را تزویج کرد
 حالی که هیچ یکی از این نسبتهای دروغی و قوعی ندارد و اسلام عالی و
 متعالی است که از این گونه افتر آت به ساحت مقدسش لوثی واقع شود
 و این راقم در کتاب مبدء الاسلام اثر عاجزی جواب ملخص اعتراضات ایشان
 را مشروحا بیان نموده و حکمت بعضی وقایع را اجمالاً ذکر نموده ام
 رجوع نمائید. (ثالثاً) اتباع و تنبه واجب است که افراد ملت نجیبه اسلامی
 در حین وقوع بعضی قضایای مهمه تاریخ را مطمحن نظر خودشن قرار داده و بر طبق
 عملیات دشمنن دین در اثل آن چنان قضایاء عمل کنند ثل قضیه هابئه خراسان
 و بمباردمان شدن آن بقعه تبرکه و روضه مقدسه و اتولی بردن خرس
 شمالی (روسها) بمرکز يك مملکت قدیمه و متمدنه چون تبریز و ایقاع
 مظالم وحشیانه و وقوع فاجعه دهشتناك مدینه منوره و قتل نفوس محترمه در
 آن چنان روز تاریخی در مقابل انظار عمومی و ابضا قضیه وهابی ها و داخل
 شدن روسها بمرکز اسلام شهر طهران و ضبط کردن باغ شعاع السلطنه در
 موقع عصیان و دست بردار شدن از شغل خود (موسیو شوشتر) رئیس
 مالیه ایران آن زمان و بسا قضایای موجهه و اسفناك که در تاریخ سیو شوشتر
 آذربکائی و کتاب اختلال فرقه داشناق و کتابچه فاجعه از میر و استیلاء ارمنه
 قفقاز که در حین وقوع این گونه قضایای دهشتناك کلبه صفحات مساهنان

جَمَاهُةُ بَك وادی خاموشانی است کویا از سکنه و صحت محض و رُک غیرت حرکت نکرده و عین رکود و محض جمود و انحاء خمود در محیط اسلام وجود خارجی پیدا می کند و غیر از عطالت و آم کشیدن شغل دیگری ندارند و اتمام را موقوف به مشیت خلاق لا ینام دانسته و خودشان دست بر روی دست منتظر امداد غیبی می شوند (سؤال) آیا مسلمانان چه وظیفه داشتند که عامل نشده در پیشگاه مقدس الوهیت و در عالم علاقه بندی ملیت مقصر شده اند (جواب) البته در آن گونه موارد بر کافه مسلمانان از حیث نقطه نظر دیانت بموجب آیه فاعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله واجب بود که برای محافظه شئون دینی و مقدسات ملیه قواء نظامی ترتیب داده و موافق تشکیلات عصر حاضر تعلیم کرده در مقابل دشمنان دین اثبات و نه نمرده دشمنان را به تزلزل افکنده مانع از تجاوزات اجانب بودند زیرا که از بدیهیات اولیه است که امیر مؤمنان مالک اشر النخبی در مکانات خود می نویسد فان الجیوش عز الدین و زین الولاة یعنی قشون زینت دین و عزت حکومت است و فلسفه این کلام علی محتاج باقامه براهین نبوده و نیست و تاریخ هم مؤید اینست هر وقتی که يك ملت دارای قشون منظم نبوده تمامی حقوق شرعی و سیاسی آن ملت ضایع شده (آزادیت قبضه شمشیر بسته اند مردان همیشه تکبه خود را بدو کنند) اجمالا پس بر مسلمان لازم و واجب بود که تمامی اثلاث و اوقاف و صدقات و نذورات مشاهد مشرفه را جمع آوری کرده در موقعیکه کنبه مقدس رضوی از طرف وحشبان روس

رخنه دار شده بود از آن منبع واردات اسلامی با علاوه اعانات ملی و بعضی مصارف غیر لازمه آ که متعارف ناس است شروع به تاسیس راه آهن نموده و خطوط متقابل از مرکز تشکیل داده بنام (طریق رضوی) و طریق حسینی نامیده و از سادات حسنی و حسینی و رضوی قشون منظم تهیه و عایدات روضات مقدسه را صرف بخارج قشون اسلامی نموده و بحال مختلفه دنیا بمسلمان خوانده اثبات شهادت اسلام بنمایند و هم در موقع حمل جنازه بدر د ملت و دولت بر خورده عملیات تنگین و حالات شرمگین از نظر ها دور شده مورد طعنه و سخریه ملل اجنبیه نباشند و هم اساس مفت خواری و ویل کردی سادات قلع و قمع می شدی و ایضا میانی علمیه مطابق اصول عصریه تاسیس و مبلغان چرب زبان بصیر باوضاع زمان و خیر از مقتضیات دوران از آن میانی علمیه با تصدیق نامه های رسمیه خارج شده باطراف و اکناف عالم منتشر و افکار افراد ملت را با نور معارف اسلام منور و با حس انتقام از ادوار سابقه توده ملت را تربیه نمایند و غرور ملی و اتانیت شخصیه در جزء مرام تربیه دیبانتی یاد دهند و وحدانیت ملیه و توحید افکار را طوری که مقتضای دیانت است تعلیم گرفته در موقع ازوم چون روح واحد در اجسام مختلفه قیام و محافظه شئونات ملیه اقدام نمایند .

شماره ۵ از فصل (۱)

و عوض تقلید کور و کورانه اجانب و اغیار در موضوع بی قیدی از دیانت لایبالیکری در شئونات ملیت و ظاهر آرائی بعض و بد اخلاق صرف

و صرف آلكول و امثال ابن گونه رذائل و عادات مشئومه محاربه صليب را نصب العين قرار گذاشته كه بنام توهين بزوار بيت المقدس چند بن سال خون ریزی های بی رحمانه واقع و از فرط انتقام خبط دماغ با حل دهشت نمون شیوع یافته و حالا در نژادشان اثر همان مرض باقی است و بالعكس ما مسلمانان در تاریخ خسارات وارده بر بقعه مقدسه رضویه و وحشت فوق العاده روسها در قضیه اعدام محترمین در تبریز روز عاشورا و قضیه هایله مدینه از طرف وهابیهها غیر از سینه زنی و نوحه خوانی و ذکر بعضی اشعار و ادبیاتی كه نتیجه اش محو كردن حس انتقام است چیز دیگر مشهود نكردید حالیکه كریه و نندبه در آن گونه مواقع ضد شهادت اسلام است و قیاس قضیه عاشورا نتوان كرد چون در يوم عاشورا حاضر نبودیم لازم است الی الابد بجای آن قوز عظیم كه از ما فوت گردیده كریه كرده و ناله نمائیم و اسف كنیم كه چرا حاضر نتوانسته ایم بشویم و جان فدا كنیم لذا می گوئیم (یا ایتنا كنا معكم خنفوز فوزاً عظیما) چون زمان ما بتأخیر افكند اقتداء بوالی عصر كنیم و بنالیم بوالی در مثل آن قضایاییكه در عالم شهود و محور وجود بوده و عملیاتی كه قادر هستیم و قدرت داریم كه بكنیم نكرده ایم و نمی كنیم عوض عمل كریه می كنیم كه چرا و به چه سبب نمی كنم این كریه و ناله چه معنی دارد و غیر از اطفاء حس انتقام و محو كردن غرور ملی فایده دارد و مكر آن جنابان خفیه موده اند كه (كل يوم عاشورا و كل ارض كربلا) هر كس از پیروان شان در هر روزی و در هر مكانی خدمت بدیانت كشد عین همان است كه در

روز عاشورا و در محضر سرور اولیاء نموده و فلسفه عالی آن کلام عالی نظام همین است که در مقابل دشمنان در آن چنان زمان که امید کدک داری در میان نبوده و از زندگانی قیمت دارش پس از فوت باراش نا امید شده باز می فرمودند (الاهل من ناصر ی نصرتنا) و بطور استفهام سؤال نموده و به شکل التماس و با صیغه امر (انصرونی) نمی فرمودند زیرا که خطاب بایشان نبود بلکه بذریه اخلاف و آیندگان پیرواش ابلاغ می فرمودند که در هر وقت بما نصرت و بدیانت اسلام معاونت نمائید و در راه اعتلاء لواء اسلام کشته شوید و جان و مال را در عشق مفرط شریعت به چیز شمارید اجمالاً در فلسفه عالی سر شهادت رساله علی حده لازم است آن هم موکول به لطف خالق منان است مقصد اینکه لازم است در موقع ورود مصیبت عظامی بر دیانت و یا جامعه ملیت افراد مملکت جمع و بطور رسمی جلسه ها تشکیل و بولله جمع آوری و باطراف و بهم مسلمانان تلگرافات ارتباطیه محاسبه و بحافل سیاسیه ابلاغات اعتراضیه (پروتست) و زینت های غیر مهمه را ترك و با افراد تبلیغ و تلقین احساسات انتقام بنمایند و صندوقهای اعانه تشکیل و مقصد عالی تعقیب نمایند و دستکاه معظم تعزیه داری سید مظلومان روحی و ارواح العالمین له الفداء يك جوهره نفیسه است که توده از هر صنف و هر طبقه در هر زمان و هر مکان بلا مانع و بدون منع ممکن است جمع شده مطالب مهمه را استماع و فایده عمومیه را بدون طبع اعلان نامه ها و دعوت نامه ها بایک بیرق سیاه مشکی آویخته فوج فوج حاضر حاضر و به شنیدن مواظ و تبلیغات

رسمیه و معاونت دولت و ترقی مملکت از جان دل فدا کاری نمایند افسوس که مسلمانان از دستکاه معظم و جوهره نفیسه غیر از چای خوری و شرب قهوه و صرف دخانیات مضره بحال عمومی و سوای شمشیر بازی و طوغ کردن که علالت بت پرستی قدیمه است و بغیر از جلب منافع شخصی و قفل بندی و خونریزی بی جهت و بدون حکمت چیزی دیگری استفاده نمی کنند و کسی از گوینده و شنونده ملتفت فلسفه آن قضیه مهمه نمی شود که بجه علت آن منبع شهامت و معدن شرافت و حامل لواء عدالت و حایل کننده شمشیر حقایق از وطن اصلی مهاجرت کرده و چرا مخدرات را با خودش برده و باسیری ایشان که اهل عصمت هستند رضاء داده و چه طور شده که با وجود کثرت دشمنان و قتل یاران تسلیم ایشان نشده و تا جان در بدن عنصری بود زنده نتوانستند بدست آورند و تا کشته شدن در مدافعه حقوق کوشیده و در آخرین حال مدافعه با صدای رسا بعموم اهل دنیا بفهمانید و يك کلام عالی قیمت داری در صحایف روزگار و صفحات تاریخ پیاد کار گذاشت که (القتل اولی من رکوب العار) و (لا اقر اقرار العیید) و چرا تمامی موجودیت خود را از صغیر و کبیر و مال و نفوس همه اش را بذل نمود اگر فکری داده تأمل نمائیم در هر یکی از این جملات حکمتها دارد امید از حقیقت اسلامیّه و قوه باطنیه ازواح طیه و اقدامات خدا پسندانه اولیاء امور از برکت بذل مساعی جمیله مطابق مسطورره در عنقریب بموقع اجرا گذاشته خواهد شد بعمون الله تعالی

فصل دوم

(شماره ۱)

در آن تاریخ که این تهاجمات و تجاوزات واقع شده و کشتاری های نا حق تاریخ مدنیت را لکه دار می نمود آن وقت ملل نصارائیه با وحشت بربری امرار اوقات سفیلانه می کردند و از علم و عرفان در میان مسیحیان اثری مشهود نبود و لکن در نقاط بیدیده دنیا که فرسخها از مرکز اسلامی دور است مفهوم عالی (الاسلام یعلمو و لایعلمی علیه) مصداقی پیدا کرده و مدنیت حقیقه اسلامی با تمام معنائش جاوه نمون گردید و در جنوب غربی اروپا در قطعه اندلس يك طور مدنیتی را نائل که فعلا ملل متمدنه عالم بوساس کثیره در عصر ترقی اذهان بشریه به آن اندازه مدنی و مترقی نشده اند و پس از مرور دهور به آن چنان قانون تکاملی بی نه برده اند و به ترقیات مادی و معنوی اهالی آن صفحات معاً نائل بوده و استاد ملل حیه عالم گشتند تاج مدنیت قدیم و بابه مدنیت حاضره و جدیده شدند مندرجات يك جلد کتاب تاریخ را با چند سطر فهرست داده و ابضاح شود و ترقی اهالی اسلامیه را از این مجمل مقیاس توان نمود مثلاً شهر غرناطه و قرطبه و لیز بون یای تخت اسلامیه آن زمان بوده و دارالفنون متعدده و کتابخانه های مختلفه در آن شهر تاسیس شده و چون محمد زکریا فضل نامدار بهجامعه بشریه تقدیم گردید و مثل حاجی الباس پیش عالم میکائیکی تریه دادند

طوری که بدون وجود قوه ارتجاعیه بخار و با نبودن قوه (رادیو) و الکتریک يك نوعی غراده اختراع کرده بود که امیر اندلس سوار شده و بجامع عمومی برای انشاء خطبه حاضر می شد بخودی خود حرکت می کرد و يك نوع ساعتی درست کرده بود در موقع کامل شدن يك قسمت از دوازده گانه قسمت روزانه يك حب طلائی از بالا به پائین بکاسه زرین افتاده و يك هیکل مجسمه مرغی سر از دریچه باز کرده و نوعی مترنم می نمود که جالب توجه شنوندگان می شد وقتی که ظلمت شب عالم را فرا می گرفت آن ساعت طلائی با صفحه زرینش اسباب روشنائی تشکیل داده تما می سرای سلطنتی و دربار دولتی را روشنائی می داد و این دستکاه عجیب در باب دروازه قلعه جیروم تاسیس یافته بود که یکی از دروازه های شهر بود و تا بحال سیاحین اروپا در حیرتند که در زمانی که قوه الکتریک و رادیو در میان نبود این چه ماده بوده که این گونه آثار غریبه از آن بظهور می رسیدی (رجوع کنید بتاریخ ضیاء انا و خصوص تاریخ اندلس) ایضا اصول تعلیمات جدید (پانسیون) که فعلا معمول اهل کرم است از دور با عظمت سلطان اندلس امیر عبد الرحمن الفهری بیادکار مانده و اروپائیان پس از مرور بانهاد سال تقریبی بوسیله کار دینال پاپ ریم به ترجمه کتب فضلاء مسلمانان یاد و تعلیم گرفته اند و محصلین اروپا از مسافت بعیده بحر کز اسلامیه حاضر و بعد از اكمال دوره تحصیلات علمیه با اخذ ورقه تصدیق بوطن خودشان عودت می کردند و غالبا محصلین خارجه با قبول تابعیت دیانت مقدمه ترك وطن

اصولی و اقامت در شهر های مسلمانان می نمودند و از یکطرف سفینه های کشفه برای کشف جزایر جدیده بدریا افکنده خدمات لایقه بعالم مدنیت می نمودند و اگر با انصاف دقت نموده و نظر بتاریخ نهائیم ثابت می شود که در عالم اکتشافات مسلمانان از تمامی ملل مقدم است و کشف مملکت آمریکا يك نوع فضیلت تاریخیه است عاید مسلمانان آن زمان است طوری که از آثار تاریخیه معلوم می شود اینکه يك هیئت کشفه سوار کشتی شده از غرناطه حرکت و رو به جنوب سیر کرده به جزیره رسیدند که غیر از کوسفندان قبر مه ذبحیوانی در آن جا نبودی و يك کوسفندی ذبح کرده گوشت را معاینه نموده معلوم گردید از تاثیر علفیات جزیره قابل خورش نبوده تلخ است از آن جا حرکت و رو به جنوب شرق سیر و يك جزیره دیگر کشف کردند که اهالی آن جا با وحشت و بربریت امرار حیوة می کردند از باسبانان سیاحان اسلامیه را توفیقا بمحضر رئیس جلب و سپر زبان یکدیگر را بلد نبودند پس از زحمت های بی فایده تکرار عودت بکنار دریا داده در حالیکه چشم ایشان بسته بود و بدرخت ها بستند با آن حال اسف اشتمال در جزیره کنار دریا گذاشتند طرف صبح بهصدای ایشان يك نفر شبانی پیدا و لغت عرب را دانا با آن ها مذاکره و مقصد شان را فهمیده و دانستند که از آن نقطه تا شهر غرناطه چهل و پنج روزه مسافتی را طی کردن لازم است و از همان نقطه باز گشته به غرناطه رسیده و معلومات مهمه بمرکز ثبت نمودند و پس از چندین صد سال کریستوف کلمب قطعه آمریکا را با همان اصول

و روی آن خریطه کشف جدیدی را موفق شد و در هر سال بمناسبت همان روز بنام کاشف آن در تمامی روی زمین از ملل حیة عالم جشن باشکوهی برپا و اقامه می‌گردد که در واقع آن فخر ما مسلمانان بود و جشن بنام مسلمانان آن زمان اقامه شدنی است و شوکت مسلمانان بمنابۀ بود که سیصد باب حمام برای تنظیف عمومی مجانی ترتیب و هشت صد باب کاروانسرا محض برای استراحت و اقامت مسافرین مجانی تعمیر و اصلاح شده بود و هر سالی یک دفعه مجلس امتحان تشکیل داده و از اطباء از طرف هیئت ممتحنه امتحانات علمیه گرفته و اجازه رسمیه می‌دادند و یک نفر طبیب ماهر و مسن را حاضر مجلس امتحان نموده از کیفیت تحصیل طب و ترتیب ادویه و اصول معالجه سؤال کردند آن طبیب بر بالحن شدید و صدای خشن باقیافه غیظناک جواب که از مثل من سؤال می‌کنند که چند جلد کتب طبی تالیف کرده و چند نفر شاگرد از حوزة طبیه ات با تصدیق حاضر طبابت شده نه اینکه از من سؤال می‌نمایند که در کدام مدرسه تحصیل و از کدام معلم طب تعلیم و با کدام اصول تداوی می‌کنی. از این گو نه جواب پیر رئیس هیئت ممتحنه منفعل و حضار متعجب شدند و عذر ها خواستند و پس از فراغ از امتحان با کمال تواضع از حقیقت حالش مخفیاً سؤال نمودند طبیب مسن بیان حل را حقیقتاً اظهار داشت که من ابدا تحصیل نکرده و از علم طب رسماً چیزی را مستحضر نیستم فقط با اصول ساده وجه معاش چند نفر افراد عاقله ام و از این ممر تأمین می‌کنم و عذر هم می‌خواهم. از این بیانیت و کیفیت

مهارت آن پیر جهان دیده بسیار تعجب کرده و قدغن اکید و منع شد بد نمودند که دیگر بار مداخله با امور طبابتی نکنند و ایضا پس از مدتی یککفری را حاضر مجلس امتحان نموده از وی سؤال کردند علم طبابت را در نزد کدام مدرس طب تحصیل کرده و یاد گرفته جواب داد که از پدرم تعلیم نموده ام معلوم شد که پدر همان طیب پیر است حظار خندیدند و آن را هم منع از مداخله امور طبابت کردند. اجمالا در سایر علوم (آکادمی) یعنی حوزه دانش عمومی ترتیب داده و متذکر می کردند و راقم در کتاب مبدء الاسلام اثر عاجزی ذکر نموده که یونانیان از لفظ (آکادمی) اشتباه کرده چنان ظن کرده اند که لفظ یونانی و مؤسس آن یونانیان هستند حالیکه یککفر از یونانیان خانه شخصی خود را به مکتب تخصیص داد و نام آن شخص (آفادیوس) بود این مسئله ربط به آفادیما ندارد زیرا که حوزه دانش عمومی غیر از مکتب است و مسلمانان در هر عصر و دوره در هر علم حوزه ها تشکیل داده و مذاکراتی داشتند در بغداد رئیس حوزه عمومی حضرت رضا علیه السلام و سلطان العلماء غرناطه معروف است و در مصر با اشتراك حوزه علمیه کشتی های طراده و خراقه و کشفه یکروزی شش صد قطعه کشتی از این قبیل بدربار افکندند و سیویه و فراء و کسائی و خلف و مبرد و هکذا پس سایر ملل عالم پس از قرون انتباهات از مسلمانان اخذ و اقتباس کرده اند و ایضا ترقیات مسلمین از برکت دیانت اسلامی و آزادی فکر در مذهب حق باندازه بود که اگر کسی چیزی کم می کردی باخبر و اعلان

و صدا کردن در بازارها محتاج نبودى بلکه يك اداره بنا (سرپرستخانه)
 ترتیب داده بودند با اطلاع آن اداره چیز کم شده را از آن جا پیدا میکردند
 و اعضاء آن اداره موظف و مامور بودند که بمجرد خبر دادن به آن اداره
 شیئی مفقود را پیدا و بصاحب آن می رسانیدند اجمالا تفصیلات مدنیت اسلامیه
 را ذکر نمودن موجب اطناب است و رساله مستقله لازم است همین قدر
 لازم است قبل از جنك صلیبی در تاریخ قرون وسطی که جهات اوروپای
 غربی را استیلاء نموده و برده عصیت جلو چشم مردم گرفته بود اهالی
 تابع عصبانیت کشیشان بوده و خلق چنان تصور می کردند که دنیا عبارت
 از ملك حوزه دریای سفید است و چهار طرف ابن ممالك اقیانوس کبیر محیط
 شده بواسطه اینکه در انتهای اقیانوس کبیر جن و شیاطین مکان دارند و
 امکان پذیر نیست که بیش از چند روز مسافت روزه دریاطی و گذارش کردن
 و اختلاط با ملل غیر مسیحی را کفر و زندقه می دانستند پس از وقوع جنك
 صلیبی باب تجارت مفتوح گردید و در نتیجه تمصب بی ربط اوروپای غربی
 رو به تقلیل گذاشته مدینتی که از شرق و اندلس در آن زمان در نقاط دنیا
 از اسلام انتشار یافت و اذهان اهالی منور شد باالنتیجه افکار روشن گردید
 و قضیه کروی بودن زمین مطرح گردید و بنا بر آن در قسمت جن و پیری
 های اقیانوس کبیر از بین رفته و مطابق دستور و نقشه هاى که از طرف ملت
 غرب از مسلمانان اتخاذ گردید ملاحان برای مسافرت بطرف دریا شرق سیاحت
 و گریستوف کلامب آمریکا را کشف نمود و پس از محاربه صلیب ابن

اکتشافات و ترقیات از برکت دیانت اسلام و مسلمین به عالم بیادکار ماند
 لکن پس از اشیاء افکار اروپائیان جدیدت نموده از خود مسلمانان مقدم
 شدند مزیت فرع بر اصل شد و الان در هر سال یکقطعه از قطعات دنیا
 کشف می کنند طوریکه کنرال (استانی) طفلی بود صغیر و پسر یک
 شخص فقیر و در فابریک با مزد دست خود اجرت گرفته و درس می خواند
 و در آخر از طرف اداره روزنامه (هرالد) آمریکا مامور به کشف
 جزیره جدید (تانکانیکا) آفریقا و کشف خط استوا شده در مدت چند
 سال غربت و مسافرت کرده و دو جلد کتاب سیاحت نامه کنرال استانی
 مشهور است کتابی است قیمت دار.

شماره ۲ از فصل دوم

اما در عالم شرق وقتی که آخرین پادشاه ساسانی مغلوب قواء مقتدره
 اسلامی گردیده بناء با شهر قولین در دست آسپانی مقنول و تجاوز از
 دویست سال کلیه مملکت ایران با ملوک الطوائفی و انقلابات امرار وقت کرده
 و تابع اوامر خلفاء بغداد بودند در آن اوقات که خلافت رو بضعفی گذاشته
 و ایرانیان در اطراف مملکت بخیال تشکیل سلطنت استقلالی افتادند و اولین
 سلسله که موفق به مقصد گردیدند سلاطین صفاریه بود و یعقوب ابن لیث
 اولین سلسله صفاریان بوده و پسر روی گری بود پس از وی عز و بن لیش
 سلطان مقتدر و خدمات شایان به عالم اسلامیت نموده و بعد از انقراض شان
 سلاطین سامانی زمام امور دولتی را بدست گرفته و نه نفر از ایشان سلطنت کرد.

و خدمات لایقه بهالم اسلامیت نموده اند و بعد از ایشان غزنویان که ذکرشان قبلاً سمع نکارش یافت از الب تکین ابتداء شده بیست نفر از آن ها سلطنت کرده اند و خدمات شان بهلم دیانت قابل انکار نبوده و نیست و پس از ایشان دیالمه هشت نفر از ایشان قریب یکصد و پنجاه سال حکومت داشته اند و پس از انقراض حکومت دیالمه آل بویه که از اهالی کیلان بوده و هفده نفر از ایشان قریب صد و سی سال و معروفترین آن ها عضد الدوله دیلمی است که به علماء و فضلاء احترام و به تعظیم شعائر اسلام اهتمام می نمود و به ساختن ابنیه خیریه بیشتر مایل بوده و خدمات خدا پسندانه بهلم دیانت و نام نیکی در عالم تشیع در صفحات تاریخ بیادگار گذاشت و موقع مهمی در سالک نامهای اشخاص لایق اشغال نمود بعد از دیالمه سلجوقیان که قبیله از ترك بوده از تركستان بایران آمده و قبول اسلامیت کرده و خدمت ها بهالم دیانت کرده اند و پس از انقراض ایشان خوارزمشاهیان از تاریخ چهار صد و نود و يك الى تاریخ شش صد و بیست و هشت حکومت داشته و بفکر دفع و قمع اسماعیلیان سعی کردند ولی بدست چنگیزیان که بلای آسمانی آسیا محسوب بود محو و منقرض شدند و ایضاً اتابکان مدتی سلطنت کرده اند که سعدی علیه الرحمه بنام ایشان اشتها یاقه اتایك ابن سعد بن زنگی که ممدوح شیخ سعدی است و همه ایشان اسلام برست بودند و تیموریان که نژاد ایشان به چنگیز خان منتهی می شود مدتی سلطنت کرده اند و پس از دوره تیموریان ملك ایران مجد کشمکش اغیار و مورد انقلابات اجانب بوده و عالم تشیع و بانهاطاط

و تنزل گذاشته بود و امید به یأس و حقیقت به مجاز تبدیل یافته بود تا که در اوائل قرن شانزدهم سلسله جدیدی که احتمال سلطنت در خانواده ایشان نبود تشکیل یافته تکرار مملکت ایران در حقیقت عالم اسلام از انقلابات و هرج و مرج رهائی یافته و رو به ترقی گذاشته و در سابعه جدیدت سلاطین با شهامت اسلام در نقاط بعیده بیرق اسلامی تمرکز و تموج نموده و اعتلاء نمون گردید و گوش مستمعین با شنیدن صدای اذان محمدی و کلبانك احمدی محفوظ شد و دو بیست و پنجاه سال سلطنت اسلامی در سلطه سلسله جدیده بود و ترقی کامل عالم دیانت شدند و خصوصاً مذهب تشیع را رونق تمامی رسانیدند و همان سلسله جدیده اولاد شیخ صفی الدین اردبیلی قدس سره بودند که شیخ مرحوم صاحب نفس ذکیه بوده و از وی کرامات ظاهر می شد و از اثر يك نوعی از قوه معنویه به مال سایر دنیای اثبات کردند که دین اسلام لا یزول بوده و استمراری است طوری که علم تاریخ نشان می دهد عملیات شاه عباس کبیر در تمام نقاط قطعه آسیا مشهور و با لعیان آثار باقیه اش مشهود است و عدالت اسلامی آن شاه دل آگاه در تواریخ مسطور بوده و رأفت ملوکانه اش غیر قابل انکار است و کلیه صنوف مختلفه رعایای دولت بدون فرق میان نژاد و ملیت از اهل مذاهب مختلفه در زیر لواء جامعه محمدی با کمال امنیت امرار حیوة مسعودانه می نمودند وقتی که به شرف غنیه بوسی آستان مقدس رضوی نایل شد و از زیارت فارغ گردید بعرض ملوکانه تبلیغ داشتند که مناسب است در شهر خراسان و آستان مقدس رضوی

با مر شاهانه يك باب مريضخانه عمومى براى معالجهٔ مرضى مسلمين
 بناء شود شاه جواب داد كه من تصميم گرفته ام طورى اصلاحات نمايم كه
 در نوده ملت مريضى پيدا نشود نه اينكه مريض شوند و معالجهٔ مرض نمايند
 و در قسمت شهادت و غرور ملى آن شاه بزرگ يك قضيه تاريخى كافى است
 كه يك نفر سفير فوق العاده بفرنگستان ارسال كرده و پس از انجام دادن
 عمل اعزامى خودش باز گشت و در مورد وصول باصفهان با استقبال وارد شهر
 و پس حضور شاهانه را تشريف حاصل و بمحض داخل شدن حضور سلطان بدون
 درنگ شاه از تخت خود پائين و در روى بساط شاهانه و محضر رجال دولت
 سفير را قتل نمود پس از چند مهربان درگاه جسارتا بعرض رسانيدند كه اين
 بيچاره بچه علت معروض سخط سلطانى شد و انگهى بچه سبب بد بگيران
 امر نفرموديد جواب داد چون نماينده اسلام در موقع اقامت پاریس كه
 رئيس الوزراى آن مملكت فوت شده و اهالى پارچهٔ سياهى به بازوى خودشان
 بسته و علامت عزاء قرار گذاشته بودند اين نمايندهٔ مقتول با ايشان هم فكر
 و هم رنگ شده بود و اين معنائ را مخفياً بمن اطلاع داده بودند باندازه از
 اين خبر متاثر شدم كه مجال صبر كردن نمانده بود و بريخنن خونس چنان
 شايق بودم كه بد بگيران محول نكردم و در قسمت معدلت و رعيت نوازى
 همينقدر كافى است كه قوم ارامنه با وجود شيطنت كه در نژاد ايشان مجبول
 و مجبورى بوده و در نزد تمامى اقوام و ملل دنيا مشهور است با اين وصف
 مورد عطف شاهانه شدند و با كمال خوشوقتى در ايران قبول شده و زندگاني

کردند و حالا می‌کنند اجمالا ترقی اسلام در زمان سلاطین صفویه بمقامی رسید که از طرف امپراطور ('دوره لیاخوف) و کیلی بنام ائتلاف و دولت دوست بایران اعزام گردید ولی چون بمقام سلطنت اسلام شایسته ندیده رد شد و از دولت (حجار آفستریا) يك نفر نماینده در ظرف مدت پنج سال به موصل واصل شده بدربار سلطنت متبوعه خود افتخاراً اخبار کرد که به نزدیکی حکومت ایران رسیده امیدوارم که با شرف دوستی ایشان مشرف باشم باری تشریف بحضور سلطنتی حاصل با کمال بی‌اعتنائی مردود شد و ایضا از ناحیه دولت بریتانیای کبیر (خمیس نام) سفیری داخل دربار دولتی شده ابضاح مرام نمود ولی شاه طهماسب که سلطان وقت بود سؤال کرد آیا شما کافر هستید یا مسلمان جواب داد نه از آنیم و نه از این بلکه عیسوی هستیم گفت ما را با عیسویان کاری نداشته و دوستی ما صورت نه بدد نماینده را از دربار بیرون کردند و نکته تاریخی در این باب نوشته‌اند که حاجب مقداری خاکستر با خاک انداز بجای قدم سفیر ریخته گفت که اینجاها متنجس گردید و این معنی را يك عیب تاریخی دانسته‌اند نسبت به شاه طهماسب فقط اقتدار و نفوذ کامل همین حکم را دارد و از نصاراتشان توهیناتی که به نمایندگان مسلمین وارد شده اگر مقایسه شود از صد يك کمتر است طوری که در جنگ بین المللی اخیر دول عالم نماینده‌ها بجامعه مالی ارسال کردند و باز ایشان نماینده بنام محافظه حقوق يك ملت نجیب و قوم اصیل قبول نشده چون اقتدار در ایشان و ضعف در طرف ایران بود و لله الحمد که در

حقوق تحریر این رساله عظمت و شہامت دولت اسلام حقوق مقاله را اجزا
 و يك نفر نماینده محترم در مجمع ملل اثبات وجود نموده و حفظ حقوق
 مسلمانان می نماید ما رك آن چه ذكر شد كتاب (سر جان ملكم انگلیزی
 است رجوع نمایند) با این وصف در اواخر دوره سلطنت ساسانه صفویه عالم
 اسلام با الخصوص مملکت ایران رو بضعف گذاشته و در زمان سلطنت شاه
 سلطان حسین کار بجائی رسیده و فلاکت ایران را فرا گرفته و عیاشان
 دور شاه را گرفته تنبلی و عظالت را شغل خود ساخته و از سلطنت بنام خشك
 و خالی قناعت کردند تا اینکه (میروسیس) نام افغانی از حقیقت حال اطلاع
 یافته بنای بد سابقه کی را گذاشته و بعض نقاط ایران را تسلط گشته و بعد
 از وی پسرش محمود افغانی تسلط تمام یافته و اصفهان پای تخت ایرانی آن
 زمان را محاصره کرده و در جلفای اصفهان نشیمن نموده از شدت قحط و
 غلاء و زحمت محاصره و فقدان وسایط زندگانی نار چنان مشکل شد که
 اهالی اطفال معصوم را کشته و گوشت آن ها را می خوردند و مردگان را
 که بتازگی فوت شده بود از گوشت خالی کرده می خوردند و قس علیه
 از این حال اسف اشتغال خلق بستوه آمده و شاه با رجال مملکت و اعیان
 دولت و نمایندگان سایر طبقات از علماء و امراء جمع شده با بیرق های سیاه
 مشکی رنگ با کربه و زاری از شهر خارج شده با هیئت مخصوصه حاضر
 تسلیم محمود افغانی گردیدند بنا بر روایت شیخ محمد که از اجله مورخین
 اسلام است و قولش در نظر موثقین اهل علم طرف وثوق و اعتماد است که

می نویسد تقریباً سه ساعت شاه با ارکان هیئت مقابل آفتاب بیرون چادر محمود منتظر نشسته بعد اجازه دخول داده شد و پس از قبول ورود تاج کیان و شمشیر شرافت ایران را با دو دست خود تسلیم محمود کرده و با مذلت تمام زیر بار عار و ننگ حیات را بر معات اختیار کرد شاه را بحر میخانه ارسال نمودند و چند روزی امرار حیوة سفیلانه کرده ترك حیوة دنیوی نمود و ظلم از حد گذشت و بیست چهار سال تقریبی ایران مورد برك ساز و محله کشمکش اجانب شده و شیخ محمد محزون از مشاهده این حال اقامت ایران بر روی سخت شد غربت و مهاجرت بهندوستان را اختیار کرده و در آن صفحات فوت شده فعلا مزارش معروف و بر زائرین مشهور است رحمة الله علیه رحمة واسعه از جمله لکه های تاریخی و ننگ آور همین قضیه افغانیان که بدتی اعزه مملکت محکوم بمذلت فوق النصور گردیده و مسلمین مغموم و عالم دیانت داخون گردید چون مقصد تاریخ نگاری نبوده بلکه نظر به معنویت دین مقدس اسلام است که در هر دوره و زمانی با قوه غیبیه از اسارت خلاصی یافته و ترقی نموده و خیال باطل را از نظر ها دور و بدنیا اعلان نموده که اسلام باقی و لا یزول است و حافظ غیبی و امداد لاریبی دارد.

شماره ۳ (از فصل ۲)

ایضا رجوع بمقصد زمانی که ایران محل سلطنت اغیار و مورد انقلابات ملوک الطوائفی گردیده و مسلمین از هر جهت در فشار و تضییق فوق العاده امرار اوقات سفیلانه می کردند و از هیچ طرف امید نجات در میان نبوده و منتظر عینیه

تبدوند غیر از اعتقاد دینی بر این که شرع محمد ص ع مستمر الی يوم القیامه به ترقی اسلام در ظاهر ملجائی و مرجعی نه بود. در خلال این احوال از نژاد خالص ایرانیان نادر دوران سلطان با شرف و شأن شاه دل آگاه نادر شاه افشاری افتخار ایران از طبقه سافله که شغلش راهزنی بود دستیاری غیبی پس از دفع و طرد افغانیان و استرداد خراسان به ملك ایران قناعت نکرده با عزم متین جهان گیری رو بطرف هندوستان گذاشته کشمیر و پنجاب و تا دهلی پای تخت آن سامان پیش رفته و محمد شاه هندی را مغلوب و پس از مراجعت بحدود ترکیه هجوم و بروس ها غلبه و قریب هفتاد ملبون توان حالیه ایران بداخله مملکت نقودی جاب و خدمات شایان بعالم اسلام ابراز نمود از شاهکاری های نادر بذل سعی کردن آن شخص بزرگی بود بتوحید افکار (فایده مهمه) توحید افکار و وحدانیت مایه و اتحاد معنوی میان افراد ملت اسلامیة آن مرام مهم و مقصد عالی است که تا حال هیچ یکی از سلاطین مقتدره اسلام نائل باجراء آن چنان مرام عالی نگشته اند توضیح مقال باطریق بسی اجمال اینست که البته متدینین دین مقدس اسلام از مواد دیانتی دین مطاع خود مسبوق است دین اسلام در محیط محافظه حقوق امر می کنند (انما المؤمنون اخوة) و در محور اجتماعیات می فرماید (فاعصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا) و در ضمن اعتقادات اصولاً مبرهن شده خدا یکی بوده و دو نیست و دین توحیدی همین است که با کلمه مقدسه جامه (لا اله الا الله) جامع تشبیهی و تنزیسی بوده در هر محیط يك پیغمبر صاحب شرع و دین

مبعوث و قوه مجریه همان نبی در هر زمان يك نفر امامی بوده این است که جانشین امام که حجة الاسلام است در هر عصر و زمانی یک نفر از حوزه اسلامی منتخب و اعلمیت آن محرز خواهد شد این است که در رساله عملیه آقایان حجج الاسلام در دیباچه آن معنون است که تقلید اعلم واجب است و بلا اشکال اعلم از همه ناس یک نفر خواهد شد و دیگران عالمند نه اعلم پس مجتهد حی اعلم در هر عصر يك نفری می شود و دیگران دم از اعلمیت نمی زنند در آن صورت از يك مجری احکام دین و دستور امورات دنیوی صادر شده و جریان پذیرفته و نقضی و نقصانی در عالم ملیت پدید نخواهد شد مثلاً دوره مشروطیت ایران يك آئینه عبرتی است که جمال اسلام را نشان می دهد این است که نادر بی بمحسنات توحید فکری برده و در این موضوع سعی نموده مصمم گردید که انقلاب دینی و اختلاف مذهبی از میان برخاسته آن یکی دیگری را تابعین و یکدیگری را تضییق و یا تکفیر نکنند که در واقع الاسلام بعلو و لا یعلی علیه با توحید افکار مصداق خارجی پیدا می کند و اما در ممکن بودن این گونه مرام عالی و کیفیت واقع شدنش فکری داده و تأمل کنیم معلوم می شود که با تشکیل يك حوزه عمومی اسلامیه از اهل علم و انصاف حقیقت واقعه بخوبی انکشاف یابد طوری که بملاحظه این نکته که جبرائیل امین و حی یخانه نازل شده و احکام دیانت از محلی انتشار یافته آن محل مسلم عموم عالم اسلام است و در صدر اسلام این معنائ اختلافی در این موضوع نبود و بلا اشکال دین اسلام از خانواده رسالت و

دودمان امامت منتشر شده و از آن سلسله امام همام جعفر ابن محمد علیهما السلام بمقتضای وقت فضلاء و علماء وقت راه بدور خود جمع و بتدریس و تعلیم علم فقه و سایر اصول و قواعد اسلامی را کاملاً نشر و انتشار داده و دین اسلام بالحفاظ مشغول و رفتار با آن اصول مذهب تسمیه شده و بمناسبت نشر کنندۀ احکام آن دین مذهب جعفری نامید تا پس دین و مذهب یکی بوده و تمایز اعتباری در میان است و ایضا شریعت همان دین است چون تساوی حقوق در دین ملحوظ است لذا شرع نامیده شده اجمالاً فقه اسلام منیل سایر علوم از امیرالمؤمنین علیه السلام بدیگران رسیده و بدآئید بامام همام علیه السلام هم از طرف الوهیت و هم از جنبۀ خلافت امامیه به آن حضرت وصول شده و همان فقیه است که با شهادت اخبار و تصدیق علم تاریخ ابو حنیفه محمد ابن نعمان از منبع علم و عرفان تحصیل کرده و کسب فیوضات نموده و سؤالات مشارالیه از آن حضرت در بیان فلسفۀ بعضی احکام مستطوره است و خود آن بنی چاره مدعی مقام امامت نه بوده سهل است همیشه باوجود مقدس امام غالی مقام افتخاری هائی داشت و محافظه ادب می نمود و در زمان هشام در راه محبت باستادش و احترام امام معصوم با کتک کاری با نحو مخصوص باسوء حال فوت گردید (رجوع کنید بکتاب تاریخ تمدن الاسلام احمد جلمی بیک مورخ و فیلسوف اسلام نه اینک تاریخ احمد رفیق بیک).

و پس از ابو حنیفه رئیس حوزه تدریس محمد بن ادریس بن احمد بن علی بن عبدالله بن عباس بن عید الخطاب است که مذهب شافعی را و

منسوب بوده و عم زاده حضرت صادق آل محمد سلام الله علیه می باشد و خودش با واسطه شاگرد آن حضرت و محب خانواده عصمت و اقرباء اهل طهارت است و خطبه عرفانش مشهور و بعضی از اشعارش درجه محبت و اخلاصش را نسبت به آن بزرگواران از آن معلوم است و يك شعرش این است

(لو كان رفضا حب آل محمد فليشهد الثقلان اني رافض)

یعنی اگر دوستداری آل محمد رافضی محسوب است تمامی خلائق شهادت کنند که من رافضیم یعنی دوستدار ایشانم و در جای دیگر می گوید
ومات الشافعی وليس بدري علي ربه ام ربه الله

یعنی در حین مرگ شافعی ندانست خدایش علی است یا اینکه خدائی که مسلم است و در جای دیگر می گوید (انا عبد لفتی انزل فيه هل انی) یعنی من غلام کسی هستم که در شأن آن کس سوره هل انی نازل شده و آخر شعرش تصریح می کند بطور استفهام آیا غیر از علی در شأن او هل انی نازل شده و احمد و مالك ايضا شاگرد شافعی هستند با واسطه و بلا واسطه پس در این صورت سؤالی لازم است که آیا این مذاهب مختلفه از کجا احداث شده حالیکه صاحبان آن مذاهب خودشان از معدن عرفان کسب نور ایمان کرده و مدعی آن چنان مقام عالی برای خودشان نبودند و اثر این اختلافات مذهبی آن است که اسلامیان بیکدیگر را دشمن دانسته و از دشمنان حقیقی چشم پوشیده و باطراف عالم نظر دائمی در پی اخلال و اغفال جمعی از هم کیشان خود بود و بیکر نازنین اسلام را با حربه غرض شخصی پاره نموده و چنان

ظن دارد که خوب کرده و اسان ازلی این معنا را خبر داده (و هم بحسبون انهم بحسنون صنعاً) و چنان ظن می کنند که اسلام همان است که اعتقاد کرده (و کل بدعی وصلا للیلی و لیلی لا تقر لهم بذاکا)

هر کسی از ظن خود شد بار من وز درون من نجست اسرار من و علاوه از این يك مضرتی عمومیه از این اختلاف مذهبی تولید شد که سد باب آن رخنه قابل نیست طوری که عالم نمایان که در واقع کرکان بوده در صفت میشان جلوه دارند قران خوانند عالم را ویران می کنند تمسك به يك حدیث عالی مضمون کرده و معنی آن را ندانستند فساد در اسلام حادث شد (اختلاف امتی رحمه) اصل معنای واقعی حدیث اینست که تردد بر ابواب علماء برای کسب علوم رحمت خدائی است و در لغت و حدیث در جاهای دیگر همین مضمون را مشعر است چنانچه وارد است (اختلافت الی باب ابی لیلی) یعنی تردد می کردم بخانه آن کس فقط حدیث را معنا کردند که اختلاف در مذهب رحمت است حالیکه نقيمت است و از طرف دیگر حدیث دیگری عنوان شد که گویا ملل مسیحیه هفتاد و يك فرقه شده و مذهب اسلام هفتاد و دو خواهد شد از این لحاظ باختلاف مذاهب فکری دادند و عددش را افزودند لفظاً قائل و معنا عامل نشدند (رفت چه ها رفت که هرگز مباد) در اطراف کره مسلمانان از یهود زیاده معرض توهینات غیر لایقه شدند و اعزه شان محکوم بذات گشتند و اگر تفصیلات مذاهب اسلامی را تفصیلاً بنکاریم آن وقت (متبوی هفتاد و ن کاغذ شود) جعفری ، حنفی ، مالکی ، حنبلی

زبندی ، قطعی ، کیانی ، جاروئی ، خلیای ، جوفی ، بهیقی ، عروسی ، عشقی
 خلولی ، اتحادی ، وحدتی ، علی‌اللهی و طریقت‌هایی که از آن‌ها منشعب
 گردیده قابل تعداد نیست از قبیل شیخی ، و کریم‌خانی ، و ذهبی ، و عبدالقادری
 و ادریسی و غیره که تفصیلات آن را در کتاب تمدن الاسلام اثر عاجزی
 تحریر نموده و اصل اصول عقائدشان را نوشته ام رجوع نمائید اجمالا بر اولیاء
 امور و صاحبان حل و عقد از همه اصلاحات مقدم تر این است که تشکیل
 حوزه‌های عمومی عامیه نموده و از صدقات و موقوفات و نذورات و کفارات
 منبع واردات تعیین کرده و ارباب فکر و اطلاع و صاحبان خبرت و بصیرت
 را جلب نموده باندوت محققانه طبع و نشر مجلات علمیه دینیه افراد ملت
 اسلامی را بتوحید افکار و وحدانیه ملیه و اتحاد معنوی تلقین نمایند و عوض
 تقلید کور و کورانه بر اجناب بایک نوع اساس محکمی از اصول و قواعد
 اسلام افراد مربوط ساخته و به تفرق و اختلاف راه نداده عامل (فاعتصموا
 بحبل الله جمیعا ولا تفرقوا) باشند و ملتفت باشند بر اینکه دین مقدس اصولا و
 فروعا چه اندازه موافق عقل و معیشت و جامع سعادت دنیوی و اخروی بوده
 نورایت بخش تمام کره عالم است و از استعمال الکول و ققائن و کشف حجرات
 و آزادی نسوان و بی‌قیدی و لا ابالیگری که هر یکی در محور خود مرض
 بپایان کن نوع انسانی بوده و هلاکت عباد و تخریب بلاد را منتج است بر کافه
 علماء اسلام واجب عملا بوظیفه مقدسه راهنمایی بخلاف را از معایب اینگونه اعمال
 و حشیانه تحذیر کرده و دعوت بر حکمت اسلامیّه نمایند و تمدن کذافی

فره‌رو بانیان را نصب العین خودشان قرار نگذارند زیرا که آن گونه تمدن
 بمنزله يك نوع سرما خوردگی است ~~بیکه~~ بر تن عربان مسلمانان وارد شد
 باعث هلاکت ایشان خواهد شد. اجمالا نادر علاوه از طرد و دفع افغانیان
 و استخلاص ایران و ایرانیان از تعدیات دشمنان و غلبه بر ترکها و فتح هندوستان
 که هر یکی خدشت باسلامیت بوده و افتخار تاریخی بشمار است بفکر توحید
 افکار در میان افراد افتاد و سعی هم نمود ولی حسودان حایل میان همت عالی
 و مقصد مقدس او شده بدور وی جمع و القاء عداوت میان آن شام دل آگاه
 و میان اولادش کرده بالاخره در صیجرائی مغان بقتلش رسانیدند و فکرش
 به آخر نرسید و رحمة الله علیه را حجة واسعه.

شماره ۴ (از فصل دوم)

در این شماره بمناسبت اخذ و اقتباس مسیحیان علوم عصریه را از مسلمانان
 آن زمان و ترقی ایشان در سایه این گونه تقلید، تقلید بعضی از افراد مسلمان
 را بدون جهت و بلا عایت که بکثرت مضرت عمومی است نکارش داده و بنظر
 خطالعه کنندگان عیوبات این قبیل فساد اخلاق را ارائه می نمائیم مطالبی که يك
 جلد کتاب برای درج آن لازم و بعضی از روی فقدان وسایل در چند سطری
 بیان و ابضاح مرام را مجبوریم باشد که بهتفت عیوبات تقلید کورانه اجانب
 باشند بدیهی است که مالهای بیار است که عالم شرق پی در پی (بقول بکنفر
 محمدر اسلامي) از صفیحات بجزایر گذشته و موضوع تاریخی دگرگون گشته
 و مرلوده و میخالطه با دول همچو اور و نزدیک تر افکارشان را تبدیل و زندگانی

ایشان را تغییر داده مثلاً از یکطرف اختراعات عجیبه و اسباب غریبه از قبیل خط آهن و تلگرافات و تلفون بی سیم و با سیم و سایر آلات نوین و از طرف دیگر دعوت و تبلیغات مامورین و مبلغین دول استعماری و استهلاکی اروپ و سرایت افکار و آثار در میانه شرق و غرب پیوند مناسبات را صحیحی و محکم تر ساخته و بقول شیخ مصطفی الدین سعدی علیه الرحمه (بنی آدم بمنزله اعضای یک بدن و یا خود بمثابة افراد خانواده هستند و بدیهی است بعضی افکار از نوع بشر به یکدیگر بزودی سرایت کرده و در اندک مدتی عمومیت پیدا می کند و بالاین در خود مان مشاهده هم می کنیم که این معنی طوری است که معروض گردید و مدنیت ظاهری که مدتی است بر قلوب مردم استیلاء یافته و افکار را مسخر نموده بهلاوه مجاورت از نقطه به نقطه دیگر هر چه سریعتر است سرایت می کند و چنانچه تاریخ نشان می دهد در هر دوره تاریخیه یک ملتی ممتاز و مشعل کش میدان ترقی و تمدن بوده و شکل مدینتی بر خود گرفته و این شاهد آمال عمومی را هر کسی بر وفق طبع و طبق خیال خود توجیه و تفسیر نموده مصریان و یونانیان و رومیان و ایرانیان قدیم در عالم تاریخ مدینتی داشتند و در معرکه ترقی شهبوار بودند و مسلمانان در قرون وسطی از همه ایشان مدنیت ظاهریه و باطنیه را در مصر و بغداد و غرناطه نابل گرد بدند ولی الان غریبان یعنی اروپائیان بکـنـوع ترقیات مادیه را مالک بوده و مدنیت را تغییر بهمان معنی نموده و خودشان را مدنی و شرقبان را وحشی می نامند و اهالی کرم را بخودشان مجلوب و

مبجذوب کرده اند و طبقات ناس چنان خیال می کنند که بهترین شکل‌های
 مدنیت همانست که در اروپا بایان و غربستان جلوه نمودن کرده و ظن
 دارند که رعایت کننده حقوق بشری عین اداره متمدنانه غربستان است این
 خیال باطل بردماغ و مخیله شرقیان چنان مسئولی شده و جاگیر گشته که
 دیگر فرصت فکر کردن عاقبت آن چنان تمدن کذائی بلکه کوش کردن
 بر آن چنان سخنانی که بر خلاف آنست وقتی ندارند و نمی فهمند که تمدن
 غربیان و کلیه عادات اجنبیان بمنزله سرمایی است بر تن عربان وارد شده و
 مبتلا بهر گونه امراض مهلکه کرده و بالاخره هلاکت آنها را منتج خواهد
 شد ادنی ترین اراضی که احداث می کند اینکه ملاحظه کنیم که مناعی از
 بازار اروپا داخل بازار مسلمانان می شود با يك نفوذ کامل و تأثیر فوق العاده
 خود انقلابی بر پا می کند و سه گونه انقلابات را در میان افراد جامعه
 حلیه تولید می نماید اولاً نفوذ ممالکت را که بمنابیه روح ملت است به بازار
 اروپایان سریان داده باعث فلاکت فوق العاده می شود . و ثانیاً مضرت دینی
 منتج است طوری که قلوب عامه مایل به آن گونه اتمعه نفیسه و اسباب و آلات
 زینت و تجملات شده و از صمیم القلب بقاء و زندگی شان خواهان می باشند
 و قال الصادق عس کل ما بتقوی به الکفر فهو حرام یعه و شرائه . وثالثاً وقتی که
 مناعی خوب و قشنگ تازه وارد می شود با خودش يك لغت تازه اجنبیه چون
 همان نا خواننده آورده بمیان لغات مسلمانان داخل کرده بدین واسطه يك
 انقلابات لسانی پیدا و با وسیله آن کلید ملت که زبان است ملاحظه کنید

مخبر و ربات خانگی را که منزلها بر از متاع خارجه است و ما را
مجبور به تکلم زبان اجنبی می نمایند چون لامبه و اشکان و شکر که تخریف
شد: (صخر) روسی است و ستاور (نظام نوار) خود جوش ایضا روسی است
و اسطول و استامب و مبل و فاکول و ژاکت و ژلیتها که فرانسوی و آمریکائی
و روسی است و قس علیه نظایر آن ها از سایر لوازمات عمومی مثل فایطون
که از عادات مسلمانان است متاعی که نیاز کی وارد بنظر آن ها بعید آمده
احتیاط هم می کنند وقتی که کهنه کی پیدا کرد بچنان خیال می کنند که
مال خاص و ملک مخصوص ایشان بوده و از زمان پیغمبر اسلام علیه السلام
بیاد کار مانده بچون لفظ فایطون در مقابل او نوع و پیل و موتو سیکات و دیلیسید
و آبروپلان و هونپلان که کهنه کی نوازده محالیه که همه آن ها لفظا و معنای مال
اجانب است که باندازه حریص تمدن اروپائیان غربی شده اند علاوه بر
ضروریات در آن چنان بچیزهایی که ابتدا لزومی ندارد افراد ملت اسلامی
منخفض بنام خوش آیندگی دیگران لفظا و معنا استعمال می نمایند راقم از یک
نفر جوان هوس ران از مسلمانان دیدم که شصتیه در دست گرفته بارفیکش
کردش می کرد سؤال نمود که این ژون ترک را بچند خریدی؟ قصدش
حرف زدن با لفظ راوس بود و شنیدم بود که روسها به چتر و شصتیه چیزی
قریب به ژون ترک می گویند و تفهیمید: (ژون تیق) نه (ژون ترک) که در
فرانسه بمعنی جوان ترک است چیه ضرورت داعی باین شهر گویی غلط است
خدا می داند و یکی هم از تقابلهای کثرت بجان اجانب در موقع نشکر لزومیتش

با تقایم سیگار (مرثیه) گفت یعنی طوری که فرانسویان در مقام تعظیم و تشکر (مرس) می گویند بمعنی متشکرم و ممنون هستم می باشد این جوان بی علم و خالی از همه چیز و بری از تربیة ذاتیه و عاری از غرور ملی طوری درس تلفظ نمود که در صورت مرثیه شد یعنی بمرك تو گریه ناکم اجمالا این همه فساد اخلاق در افراد جامعه اثر ورود امتعة ارزان و قشنگ است به بازار مسلمانان در نتیجه عوض تقلید مدنیت اروپائی در مادیات که غیر از کشف حجاب و گردش زن ها در مجامع عمومی و اختلاط بی معناء با مردان چیز دیگری نیست تقلید کردن لازم است در تاسیس مبانی عالیة تجارت و تشکیلات حوزه های عمومیه علمیه و ترویج امتعة داخلی وطنی و بکار انداختن بی کاران در امور اقتصاد و اختراعات مواد زندگانی چون در این دوره ابتناء فکری ممکن نیست شمع را مقابل قوه الکتریک در روشنائی استعمال کردن و کرباس را عوض لباسهای پشمینه مرغوبه پوشیدن چنانچه امکان پذیر نیست در قبال (نانکهای) مهبیه و اوتوموبیل های زره پوش لوازمات قشونی در عراده های کاوی بمحل ضرورت رسانیدن و تیر و کمان هزار ساله قدیمی را در قبال طوپ های شنیدر و شراپنیل و مورتر که از بیست فرسخ مسافه نشان گرفته تیر به هدف اصابت می کند عرض کردن و هکذا آبرو بلان های کشفه و غیرها و غاز های زهر دار مهلکه تقابل با گرزهای رستمی و چوبه توحتن و خنجر فولادینی بهلوانان قدیمی نمی کنند و مشعلهای روغن آلود در شبها برای گدیانیدن قشون از معبرها مقاومت نمی تواند کند باطنیانچه های تنویر

یا بروژ کثر های مضیبه که فرسخها شب را مثل روز روشن می نماید یا فنر های کشتی های حربی و کشفی و تجارتی و (اقلوز های) محیر العقول که در وسط دریای عمیقہ برای تعمیرات کشتیهای آفت زده بنساء شده و امثال اینگونه آثار فنون بشریہ حالیه با اسباب روشنائی قدیمی برابری نمی تواند بکنند پس آنانیکه اقتداری مالی و بدنی و فکری دارند برای شان وجوب شرعی در ذمه است که در مملکت خودشان مقابل اسباب و آلات نوین ترتیب قطع احتیاجات ملی را متکفل باشند تا اینکه انقلابات فکری و دینی و لسانی خاتمه یابد و تاجران ملت که امناء مملکت هستند دلال امتعه اجانب نبوده خدمت معالم دیانت و ملیت نمایند و البته لازم است که افراد ملت اسلامی عبرت کبرند از جنسك اخیری بین المللی که سیلی تادیبی بود و مقابله علم با جهل نه اینکه بك محاربه عادی و متنبه باشند بر اینکه حقہ تر ياك و قار دره الكول و صندوق ماربازان و افیون ایشان با اختراعات دشمنان دین دعاو ضه نکردد و لسان ازلی خبر داده (هل یستوی الذین یعامون و الذین لا یعامون) مصدق آنست که ذکر شد در نتیجه با کمال تاسف مجبورم که اشعار به نکته نموده و بنام دعوت بر حقیقت دیانت از تقلید اجانب تحذیر نمایم که بعضی جوانان ملت نجیبہ ایرانی شنیده اند مثلا (قونت) آلمانی یا (آر نیست) فرانسوی یا (لنین) روسی یا (شبلی) آمریکائی بی دین است و شخص مذهبی نیست بمحض شنیدن بدون تأمل در حقیقت واقعه فوراً یکفر چقدر فروش یا شاگرد قتاد باید دلائل مبدانچه های حیوانات فروشی بر و بر صورت خود را آراسته و

يك دست لباس تازه عاریتی گرفته با بوز عالی و جیب خالی مقلد قنوت شده در بعضی مجمع بالهجه شبیه فرنگیان می گوید برادر دین یعنی چه و مذهب برای چه اینها بازیچه صبیان و شایسته مقام ساده دلان است منكه خودم شخص مذهبی نیستم از قضای بی برکت اگر قنوت لا مذهب شده از روی اصول بی اساس مخصوص خودش لا مذهب گشته و بعد از اكمال دوره ابتداء تحصیلات (سیو سال) در علم فزیک و شیمی زحمت کشیده جزء فرد و ماده و هولا و (آنوم) جزء لایتجزی را زیر رو کرده در آنمیانه کم گشته و حبران مانده بمقام عالی نهائی علم نرسیده و بی بمذیر ذرات و خالق کننده کائنات نبرده از این جا مانده و از آنجا رانده شده نه مثل باستور و شوپنهاور شده و نه مثل عوام محض مقلد علماء گشته ولی تعجب از حمال است که تمول شده و تاسف از کسانی که بتازگی چند کلاس مکتب دیده و یا بحارجه يك سیاحت خشك و خالی کرده بی چاره چنان خیال کرده که لازمه مدنیت بی دین شدن است حالی که سبب لا مذهبی و علت محروم گشتن از نعمت عظمای دباتی را هم ندانسته که چه طور می شود انسان از دین و دیانت بکنار می افتد (ای هزاران لعن بر تقلید باد) پس مدنیت نه اینکه ترك کردن دین و بری شدن از مذهب است بلکه تمدن بمعنی توطن است در لغت عرب یعنی هر کس که فراری و وحشی و کوچری نبوده بلکه مقیم يك ممالکنی بوده و کمک باجتماعیات بشری بنماید آن کس مدنی محسوب می شود اگر صاحب فکری بی غرض ملاحظه منصفانه نماید یقین برایش حاصل می شود که

همان معنای اسلام است لاغیر برای اینکه صوم و صلوٰة و اعتکاف اسلام و امثال آن گونه عبادات و تعبدیات تذکیة نفس را متکفل است که انسان کامل و مانوس بجامعه بشریه تقدیم شود و حقوق همسایه و معاشرت افراد خانواده و صلۀ رحم و قانون تناکح و اصول تطلیق و کیفیت اجراء حدود و استیفاء قصاص محض بنام عدم تجاوز نفوس شریع است باموال و اعراض مردم تا اینکه اجتماعیات مختل نگردد و تحریم معامات ربوی و عملیات قمار و حرمت مشروبات مخمره و غضب و قتل و زنا و ممنوعیت سحر و جادو و نیرنگات همان اصلاح حال عباد و اعمار بلاد است که سیاست مدنی می نمایند و این گونه تنظیمات همان مدنیت است و تفصیلات مهمه و تشریح آن در حصه چهارم این کتاب که جلد مخصوصی است نوشته شده انشاء الله بطبع می رسد و در قسمت ثانی این رساله هم در کلمات فلاسفه عصر اشاره می شود بمون الله .

شماره ۵ (از فصل ۲)

از جمله مسائل مهمه که افکار شرقیان خصوصاً اذهان مسلمانان را مشغول داشته و در تقلید غربیان حریصانه و خود کشانه دو اسبه می روند و ابدآ عاقبت وخیمه آن را نمی اندیشند همانا مسئله آزادی نسوان است طوری که بعضی از افراد ملت که بوالهوس و مایل خوش گذرانی می باشند در بعضی ممالک عالم دیده و یا اینکه شنیده است که زنان با مردان معا خوش گفته و خوش نشسته اند فی الفور مقدماتی ترتیب داده و اخذ نتیجه می کند و مسلمانان را در آن مجالس خوش گذرانی برای اجراء مراسم شهنوائی خویش با لهجه های

مزورانه مبنی بر بعضی اسباب و علل عبر شرعیه دعوت بر بی حجابی و بی مبالائی می کند و ضمناً طرفدار اعزام کردن دختران بفرنگستان داده و مدنیت را تفسیر و توجیه به همان مرام می نماید اما مسئله اعزام دختران بآکره بممالک خارجه مبحث مخصوصی است که بعداً ذکر می شود در فصل چهارم و پنجم این رساله و اما قسمت کشف حجاب و آزادی کامل اعطاء کردن بر زنان این مطلب در حصه خود يك مسئله حیوة و مماتی است هر کس بفکر خویش توجهات می کند ولی از حقیقت اسلام اطلاع کاملی ندارند و چندان خبر ویتی برای شان نیست که بفهمند مستوریت و محجوبیت زنان در احکام دیانت مقدسه اسلام محض يك نوع سماعات عمومیه است که از ناحیه مقدسه الوهیت بر مسلمین لطف گردیده و می بینیم آنانی که زن ها را کاملاً بحال خودشان گذاشته و مثل شترهای افسار کسیخته و بلشان کرده اند با وجود مرتب بودن لوازم زندگانی شان و با مباح بودن در شریعت ایشان در هر شب و روز از عادات یومیه بشمار است که جراید خبر می دهند از اهالی شهر ها بعضاً پنجاه نفر و بعضاً ده نفر با قتل انتحاری جوانانی هستند که ترك زندگانی می کنند مثلاً یکی عاشق يك نفر شده و در کلوب و بولوار ها و رستورانها و تیاتر خانه ها و سینما ها مخالطه و مراوده کرده و از صحبت های شیرین محظوظانه و آزادانه به یکدیگر قول شرفی داده ولی پس از اینگونه عهد بستن و میثاق گذاشتن از طرف اقرباء و با يك نفر عاشق دیگر که قبلاً همین طور میثاقی داده مانع پیمان شده و به مقصد حایل گشته و صلت

و رابطه ممکن نمی شود از فرط عشق حیوانی و حرص شهوانی یکی از طرفین همان شب که ناامید می گردد خودش را می کشد و آن دیگری از کثرت وفاداری هم قربان راه عشق کذائی می شود و از این فاجعه خانواده طرفین معذب و بریشان شده نقل مجالس و رسوای عام می گردد و ایضا اتفاق افتاده يك نفر زن جوان که قانونا و شرعا با يك نفر جوان مزدی الفت کرده و وصلت بعمل آمده پس از چندروز بکنفر جوان خوشبو خوشمو و شوخ شيك را دیده و يك شب از شبهای فرحناك در تیاتر مصاحبت کرده فی الفور مرغ دلش از قفس جان پریده و به آشیانه آشنای جدیدش منزل کرده باز هم قول شرفی به بکدیگر داده بفکر کشتن محبوبه اصلی و رفیق حیات قدیمی خود افتاده حالیکه قبلا او هم این معامله را کرده بود با شوهر شرعی خودش را می کشد یا اینکه خودش از زحمت عشق خلاصی داده باعث فلاکت و عداوت چند اقرباء خودش می باشد اگر هیچ یکی ممکن نشود شبی با رفیق جدید و شبی دیگری با رفیق قدیمش امرار اوقات سفیلانه می کند و بعضا این معامله در میان نیست و بلکه صاحب يك اندازه شرافت ذاتیه است ولی از مقتضای مدنیت کذائی که مسلمانان طالب اویند بدون اذن شوهر به بازار عمومی رفته و با يك نفر جوان مصاحبت شده و به تیاتر رفته شب ساعت شش فارغ گشته و بمنزل اصلی برگشته شوهرش از بیچارگی مجبور است که نبربکش گفته و از خوش گذرانی رفیقہ حیوانش اظهار ممنونیتی بکند اگر از حال اهالی مهاجرت روسیه کاملا اطلاع داشته

باشیم تمامی آن چه نوشته شد در شهر ها و قصبه ها بلکه در قریه ها هر روز هزاران بار اتفاق می افتد و هر هفته رؤساء ادارات خصوصاً رئیس اداره زنها اهالی را جمع کرده و نطقها سروده زنان را بر خلاف کردن شوهر ها دعوت می کنند و ضمناً متذکر می شوند که در صورت اذیت رسانیدن شوهران بر زنان به اداره (چقا) اطلاع دهید تا شوهران شمارا در محبس های تنگ و رطوبتی معذب نمائیم محو و اتلاف شان را از ما بخواهید و ضمناً هر زنی که از زندگی کردن با شوهر قدیمی خویش بیزار است اطلاع بدارد داده و با میل خودش طلاق گرفته و به شوهر دیگر که دلخواه وی باشد رفته با وی زندگی کند و همچنان می کنند که دستور رئیس اداره است از این لحاظ است که هر روز و شب قتلها و نفی ها و مهاجرت و غربت هزاران هزار اتفاق افتاده و از زندگانی خودشان سیر شده و به خاك پاك ايران پناهنده بوده و از اهل و عیال خودشان دست کشیده اند و در تحریر این اوراق چند نفر از اعزّه مملکت روسیه که صاحب ثروت و مکنت و مالک بر حیثیت و شرافت بودند تازه وارد شده بودند این مطالب را برایشان خوانده و قرائت نمودم تصدیق کردند و علاوه نمودند از هزاران يك نوشته نشده و کجا اینکه (شنیدن کی بود مانند دیدن) اگر از قارئین کسی را شبهه باقی مانده باشد مشتری شود به جریده (سؤیملی آن) ماه خوش آیند طبع شده اسلامبول و مجله (پرشبه) و مجله (یکی آذر) و روزنامه (یکی فکر) یعنی فکر نو و روزنامه (زارباواستوق) این همه آوازه ها از شه بود تمامی

فلاکت روسیه عمده ترین اسبابش یکی نبودن علاقه دیانت و آزادی کامل و حریت نسوان است که باعث هزار قسم ذلت و کشتار بی رحمانه است که احدی از نفس و عرض و مال خود امین و مطمئن نبوده و مجبور به ترک وطن گردیده بدول همجوار پناهنده می شوند

(مردم که من ز آشیانه خود یاد می کنم نفرین به خانواده صیاد می کنم) ایضا اثر تقلید کور و کورانه مسلمانان است بر اروپائیان که فعلا عوض حروف اسلامی در اغلب نقاط حروف لاتینی ترتیب و کلیه مطالب علمی و اخبار نویی را با آن حروف طبع و نشر می کنند کوبا که حروفات عرب موافق افکار اطفال نبوده و سبب بی علمی مردم می شود و بمحض القاء اینگونه شبهه واهی سخیفه آن مرام خبیث مشمول عموم و مقبول گردید حالیکه ملتفت قبح و متفکر بر عیوبات ظاهری و باطنی آن نیستند که اولاً کتب دینی و تاریخ مای اسلامی با آن حروف نوشته و نکات علمیه اش با تغییر حروف تغییر خواهد یافت و اگر زبان ملی تغییر یافته و هرج و مرج لغتی سر زده ظهور شد آن وقت بالملازمه انقلاب و هرج و مرجی فکری پیدا خواهد شد که عاقبت آن خلی و وخیم است و (ثانیا) مسلمانان در یکنوع زندگانی بین المللی اسلامی سالهای سالست که اساس ملیت خودشان را محافظه کرده و از مدنیت اسلامی با یکدیگر اطلاعی داشته و اخذ علوم و عادات مینمایند از هر صنف و نژاد از نیل ترک و فارس و عرب و کردولاز و چین و انیقوش و سایر متوسط حروف عرب و با وسیله قرآن اسلام از مکتوبات یکدیگر آشنائی داشتند در صورت

ممنوع بودن حروف عرب اکثر نفوس مسلمه که قدیما تحصیل کلمات و حروفات اسلامی کرده اند از حروف لاتینی بی خبر بوده و دانایان حروف لاتینی جدیدی از کلمات عرب بی بصیرت بوده در این کشمکش باطنی و انقلاب فکری اساس از میان خواهد رفت و (ثالثا) آنانی که از حروف عرب مطلع و در لغات فارس و عرب متخصص است از خواندن حروفات هم حصه یاب است ایضا از آن کلمات استفاده نمی تواند بکند برای اینکه بعضی حروفی هست که افاده يك معنای کند و شبیه آن حروف در صورت و صدا حروفات دیگری هم دارد و بدیهی است که لغت عرب غنی و وسیع است ولی حروفات خارجیه کلیه حتی فرانسوی بهر صدا يك حروفی وضع شده در مورد نوشتن اشتباه لفظی و معنوی سر می زند و باعث اختلال معنای می گردد توضیح این معنای محتاج بطبع يك رساله مستفاده ایست ولی همین قدر واجب الذکر است که لفظ (ث و س و ض در صدا یکی بوده ولی معنا فرق کلی دارند) طوری که ثمن با ثناء بمعنای قیمت و ارزش اشتباه را گویند و با حروف سین بمعنای فریبی و چاقی است و در خط لاتینی هر دو با يك شکل (S) ترقیم میابد که باعث اشکال و اشتباه است و لفظ مشبوعه در عرب ناره باشد شکل مطبوعه نوشته می شود که مفید معنای مجله و کتاب است و ناره با صورت مشبوعه می نویسد بمعنای خانگی که تابعه و پیروانی داشته اشعار می شود و در حروف لاتین (چون لفظ ت بکناء بوده و هر چیزی با آن می نویسند که (T) بدین شکل بوده و چه اندازه موجب اشکال می شود اهل تجربه این

خوب می دانند و هکذا ضرورت را با زاء زلزله می نویسند چون در ایشان [ض ذ ز ظ] موجود نبوده اشکالاتی پیدا می شود اگر اغلاط لاتینی را مشروحا بیان کنم (مثوی هفتاد من کاغذ شود) و راقم هر هفته از مجلات اسلامبول بطریق استمراری تدریجی فرائد کرده ملتفت غلطها بش شده تعجب از حالات مسلمانان می نمایم که چگونه ملتفت قبایح اعمال و حشایانه خودشان نیستند و اختراع کننده حروف لاتینی مقدمات و حشی روسها هستند که در وقت الغاء کردن اصول و قوانین مذهبی و تاسیس ادارات و حشایانه ضما اغلاط لاتینی را ترتیب داده بخورد عوام و بی اطلاعان داده مضرتی به عالم دیانت اسلامیه رسانیدند که با وجود وحشت و رذالت ذاتیه خودشان در بعضی قطعات مسلمانان مقلد ایشان شده و در راه عشق تقلید اجانب ملتفت قبح آن نشدند حالی که تمام اعمال روسها که بولشه ویزم و قومونیزم شده اند عموم عالم انسانیت و جامعه بشریت را متنفر داشته اند باندازه که اشخاصی که رسماً داخل فرقه شده اند در آخر زمان از ایشان سؤالانی می نمایند که بعضی مطالبی بدست آورند طرفداران بولشه ویزم در جواب سؤالات طوری جواب می دهند که اگر تضییق و فشار معنوی و مادی از ایشان مرتفع شود قطعه ضدیت آن ها با اصول مملکت معلوم خواهد شد ولی با وجود ترس از یکدیگر با طور نازکانه اباحت مرام کرده اظهار ناخوشنودی را می نمایند و احوال روحیه جمیلات جوابیه همین معنی را اشعار می کنند خود صاحبان مواجب و وظیفه اظهار بی رغبتی می کنند کجا این که دیگران (روزنامه ملیکوف ۲۹ ماه دیکمبر

(بوسلوفدنی نووینسکی) نمره ۳۲۰۳ سؤالات از طبقات سافاه و کارگران که جواب کتبی داده شده:

(۱) س. کلیسا برای چیست

ج. کلیسا اولین تهذیب کننده اخلاق عمومی است.

(۲) س. آیا قانون قومونست با فکر شما موافق است یا نه

ج. لزومی ندارد که ما بر ضد دیانات حرکت کنیم.

(۳) س. آیا دین منفعتی دارد و با فرقه انقلاب من چه مناسبت دارد و چه

ارتباطی در میان است؟

ج. دین ضد انقلاب و سبب صالح و سکونت است.

(۴) س. آیا شخص فرقه وی با اعتقادات مذهبی جمعش ممکن است یا نه؟

ج. بلی چه عیب دارد که شخص هم منسوب بفرقه قومونست شده

و هم معتقد مذهبی باشد چنانچه اغلب اشخاص که داخل فرقه شده اند

باطنا هم مذهبی بوده و اظهار نمی کنند

(۵) س. شخص بی دین چه طور است؟

ج. شخص بی دین و بی عقیده بمنابر حیوان وحشی درنده است

قریب صد تا سؤال از بی دین یان کرده اند پنجاه و پنج نفر در صد نفر مایل

دیانت و ضد قانون مملکت است و چهل و پنج نفر در ظاهر مایل اصول

قومونست هستند و صاحبان عقاید جای خود را دارند. پس بی دینی و بی

قیدی که از بی دینانی تولید می گردد از قبیل کشف حجاب و آزادی

نسوان و شرب ماده خبیثه الکحول باعث خرابی مملکت و اختلال نظام قانون
اجتماعیات و ضمناً امراضی را تولید می نماید که مرض بشیان کن اصول حفظ
الصحه است از قبیل (سوزاك و سردی کمر و سفلیس و غیره و مرض
استمناء که شرعاً حرام است و (ریقو) کشفبائی در اطراف مسئله استمناء
کرده در حقیقت سبب هلاکت عباد و خرابی بلاد است و بر زنان اسلامی
است که قید دیانت را محکم تر و قـدر شریعت عالی تر دانسته و آزادی
زنان اسلامی را که عبارت از وجوب نفقه و کسوة و سایر لوازمات زوجیه
است بهتر ملاحظه کرده و بکلمات واهی آزادی طلبان و مقلدین اجنبیان را
کوش ندهند برای اینکه در عالم مسلکی و بامذهبی از دین مقدس اسلام
حقوق نسوان را بالاتر محفوظ نداشته و حقوق شان را خوب تر رعایت نکرده
و جوانان ملت را لازم و واجب محض بنام شرافت قدر نعمت نظمهای دیانت
را دانسته و عامل احکام مذهبی بوده هم فوز اخروی را نایل و هم صحت و
سلامت و شرافت دنیوی را موفق باشند و آرزو مندیم که اولیاء دولت در
سایه توجهات غیبیه و از برکت اقدامات خدا پسندانه قانند توانا شخص شخیص
سلطان اسلام با تاسیس کردن حوزه علمیه عمومیه در مرکز و ترتیب شعبه های
عالیه در ایالات و ولایات اخلاق افراد اولاد وطن را مطابق مقررات شرعیه
اصلاح فرموده قطع اساس ریشه و رذایل نفسانیه را اولین مقاصد فکریه خودشان
قرار و تربیه ذانیه عمومی را با معارف مذهب مقدس حق عمده ترین آمال اصلاحات
و وطنی و ملی دانند اللهم انصر سلطانتا سلطان المسلمین و اید حیوشه اولی الابد و

ثالم بحق سيد العرب و المعجم و الركن و الحيطه و الحرم و بالقران الاعظم
و النبی الاكرم ولا سيما بالنون و القلم وفق اللهم جميع المسلمين لما تحب
و ترضی آمین رب العالمین .

فصل ۳

شماره (۱)

البته هر کسیکه از صدر رساله با دقت کامل قرائت و تفکر در نکات
آن بنماید از بدو ظهور دین الهی تا ظهور نادر شاه افشاری فهرست حکومات
اسلامیه و انحطاط و تنزلات عالم اسلام را در باره از منتهی سابقه بنظر و ترقیات فوق العاده
تا گمانی را در عقب انحطاط کامل در اسلام را ملحوظ داشته و تأمل و تعمق
کند در اینکه هیچ قوم ظاهریه در میان نبود که اسلام را از مظالم اشراق
مستخلص داشته و باوج اعتلاء برساند آن کس را یقین کامل حاصل شود که
بلا اشکال قوم غیبی و مدیر لاریبی با دست قدرت بر سینه نامحرم زده و
معنویت اسلام را بعالمیان ارائه نمود طوری که ذکر شد نادر شاه از طبقه
سافله و یکفری از رعایای دولت ایران بوده و کسی را گمان سلطنتش
در مخزن فکریه نبود و غیز از امداد باطنی قوه مادی و اسباب ظاهری
بنظر جلوه نمون نمی گردید .

با این وصف در اندک زمانی از جماعه فاتحین آسیا محسوب شده و بعالم

دیانت اسلامی خدمات لایقه ابراز نمود و معنویت اسلامی را به‌العمیان ارا به کرده اغلب بلاد بین النهرین و آناتولی و هندوستان و ایران مساط شده و با کمال اهت و قدرت بیرق اسلام را در نقاط بعیده توج و تمرکز داده و اثبات نمود که اسلام پایدار و برقرار است الی یوم القیامه .

و پس از دوره نادری از معاصرین نادر شاه افشاری محمد ابن عبدالوهاب بهفت مجدد شهرت یافته و بنام تنقیح اصول و قواعد دیانت مقدسه از خرافات و مجمولات قیام و يك نوع بلای آسمانی آسیا محسوب شده نظر بتاریخ و جغرافیای (مالنا برون) که در مبحث مخصوص به بلاد آسیای عثمانی صحیفه ۱۱۷ از ناحیه حوطه در قضاء حمص و یاجبله نوشته شده اجمالا این شخص در شرق با نادر شاه و در غرب با (ولتر) فرانسوی معاصر بوده طوری که ولتر بر علیه روحانیان مسیحی و دین کاتولیکی قیام نمود بنا بمقیده بعضی از مورخین محمد ابن عبدالوهاب بر علیه دین اسلام و روحانیان اقدام کرد ولی آنچه راقم از کتب تواریخ بی طرف و از اصل مرام محمد ابن عبدالوهاب تحقیقات بدست آورده ام اینست که هیچ کس از مسلمانان بر ضد دیانت اسلام قیام نکرده و بر علیه روحانیان اقدامی ننموده فقط مقصد محمد مزبور تفکیک مجمولات از احکام و تهذیب احادیث بود از مدسوسات و اکاذیب باطله که از راویان خلط و مزج شده بود تنقیح نموده و بماقبت اولیه ارجاع کند و در این باب تند رفته و تیز تر گشته و پس از فوت وی شاگردانش از استاد تیز تر شدند و نسبت به‌العم

اسلامیت مضرتی رسانیدند اما (ولتر) فرانسوی بر ضد تمامی ادیان خصوص دین کاتولیک اقدامات کرده و در آن موضوع کتابی هم نوشته چون (ولتر) از اهل علم محسوب نبوده و يك شاعر لطیف و نازك فرانسوی است بنا بر شهادت اهل بصیرت و خبرویت چندان قیمت علمیه ندارد اجمالا در حدود ۱۲۱۵ در شهر قاهره مصر يك جلسه عمومیه اسلامیه تشکیل شده و وهابیان را ملزم بقبول مذهب سنت و جماعت کردند با این وصف تعظیم قبور را بدعت و شفاعت اهل بیت عصمت را در قیامت منکر و استعمال توتون و اداریه در دست بغایت دشمن و غیر از لباس مخصوص که (قفنان) می نامند جائز ندانند و چنان ظن دارند که لباس پیغمبر اسلام همانست لاغیر و در تاریخ مزبور در فوق سفر بغداد کردند و در آن حوالی باهالی ابراث مضرت نموده و خساراتی بمشاهد مشرفه وارد و مدینه منوره را بحیطه تصرف خودشان آورده و اصل مرامشان از نظر غایب گشته از اثر تلقینات اجانب و اعداء دین نسبت بدین اسلام بکدشمن خانگی شده و جنگ داخلی بر پا نمودند ایضا از معنویت دین الهی برای خلاصی مسلمانین و حقیقت شریعت خاتم المرسلین از شرارت وهابیین قریب تاریخ مزبور محمد علی پاشای مصری بامر دولت عثمانیه مامور بدفع و قلع وهابی ها شده و قلعه متین ایشان را (درعیته) تخریب و بدستیاری و مباشرت ابراهیم پاشا رئیس قشون پسر رئیس وهابیان عبدالله نام را اسیرا باستانبول برده و سر از تن جدا کرده و با این حال شوکت وهابیان انکسار یافت و در آن حال باقی بودند تا حدود سنه ۱۳۴۳

هجری يك فاجعه دهشتناك در حرم مقدس مصداق لولاك ايراث و عموم مسلمانان را محزون كردند ابيد از تخفلات الهی اينكه عوض فاجعه هولناك كه از ایشان سر زده ظهور گرديده و تاريخشان را لكه دار نموده در عنقریب با اعمال خيريه و نصرت ديانت مقدسه اسلاميه تلافی مافات و قضاء ماياتی مينمايند و از نفوذ اجانب بر داخله اسلام جاو گيری می کنند و اين نكته را از نظر نبايد دور كرد كه دشمنان اسلام منتظر آن هستند كه از خود مسلمانان يكفرقه انقلابيه و يا مسلك جديدی بر خلاف عالم اسلاميت احداث شده و زمينه باروری برای مقصدشان حاصل شود حالی كه غافلند كه اگر عالم طوفانی شود يك خشت از قلعه متين اسلام حركت نمی كند و فياسوف مشهور (شانت بی دولاسه ئی) اين جمله را اعتراف دارد و از خود دول معظمه مسيحي با وجود اقدامات مجدانه بر عليه اسلام چيه مضرتی باصل ديانت وارد آمده تا رسد باناينكه از طرف ایشان تالقين يافته اند

(آن جا كه عقاب بر برآزد از پشه لاغری چيه خيزد)

شماره ۲ (از فصل سوم)

و پس از انقراض دولت افشاريه كريم خان زند كه شخص معدلت پناه و شاه دل آگاهی بودی هم خدمت بعالم اسلاميت نمود و از عادات حسنه اش معذور است كه هر روز علماء اسلام را در مجلس خاص خودش جمع كردم و امورات مردم را با نظريات مبروفين آن ها حل و موافق شرع مقدس

بعقوق ناس رسیدگی می نمود روزی پس از فراغت از داد رسی بمنزل خاص تشریف فرما بود تاجری صدا نمود (الامان) پرسید چه حال داری جواب داد امیر ده هزار تومان سرمایه تجارت را اشب خفته به بغما بردند فرمود چشمش کور باد چرا خفتی که مالت بردند گفت امیر من ظن داشتم که شما بیدارید من خفتم و الا بخواب نمی رفتم آن شخص عاقلقدر النفات کرده امر فرمود که از خزینه عامره دولتی سرمایه اش تادیه شود و سارق را هم پیدا کنند و آن چه امر کرده بود بجای آوردند رحمة الله.

و پس از کربمخان زند (لقب زند از آن یافتند که در زمان زردشتی ایرانیان کتاب رسمی ایشان (زند) در خانواده ایشان محافظه می شد و با آن نام تسمیه شدند) مملکت ایران مورد تهاجمات داعمان سلطنت گردیده و انقلابات سرتاسر مملکت را فرا گرفت در این تاریخ آقاچار نوبان که طایفه از مغول و از نزدیکیان (آبا قاجان) مغولی بوده و بنام قاجار نامیده شدند که بعدا سلسله قاجاریه بنام او شهرت یافتند و محمد شاه مؤسس این سلسله و شخص مدبر و صاحب عزم متین بوده و مملکت قفقازیه را بتصرف خود آورده و يك اندازه نام نیکی بیادکار گذاشت و پس از فوت وی قاجاریان هر چندی که بادولت روس زد و خورد ها کردند ولی در واقع ایرانیان اخلاق شهامتی و غرور ملی را کم کرده در هر سال یکمرتبه از مراتب تنزل و انحطاط را طی و باضمحلال و نیستی گذاشته و ایرانیان را از انظار معنا ساقط کرده ملعبه اجانب و مورد کشمکش اعتبار بودند طوری که

ارباب بصیرت مطلع هستند تا دوره ناصر الدین شاه ضعف و بی کفایتی دولت ایران از هر حیث چندان منکشف نبوده و محل تردید و شبهه بود فقط پس از فوت او از اثر فقدان رجال سیاسی و غفلت اولیاء امور و تقلب و تسلط بعضی از اصناف رعایا که غالباً در بی صید و شکار ساده دلان و در صد اغفال و اخلال جمعی از هموطنان خویش هستند از این رو ملت اسلام و خصوص ایران طوری بریشان شدند که تمامی سیاسیون عالم مطلع گشتند و در بی تقسیم ایران مجلس آراستند و در جلسه مخصوصه از ملت مسیحی اتفاق حقی در موضوع تجزیه ایران صورت پذیر شد و در این باب محمد نام از جریده نوبسان اسلام در مصر در روزنامه خود المسمی بالمستشرق فریاد کنان با نداء عالی و صای رسا بعموم اسلامیان اعلان نمود و می نوشت هوشیار باشید ای مسلمین غربیان و اوروپائیـان ترك و ایران را در میان خودشان تقسیم کردند بقراء مخصوص که منطقه جنوب ایران در تصرف انگلستان به نام خدیویت که از القاب مصر است باقی بوده و منطقه شمال در تحت نفوذ خرس شمالی روسها بوده بنام والی شمال مقرر گردید و در ظاهر اشغال نکردند برای عدم مداخله دول سایره باین خوان یغما چه دشمن باشد و چه دوست و در محاربه اخیرى بين المللى عمومى که ۱۳۳۲ (۲۲) شعبان شروع گردید دول معظمه که از هر حیث مالک قواء حربیه و مالیه بودند و عالم اسلام در قبال شوکت ایشان بمثابه يك صفرى بلا عدد بودند و مناطق اسلامى ملعبه اجانب شد و قواء نظامى خارجه چون بهمانان تا خوانده داخل خانه هاى مسلمانان شده

هر چیزی که دلالت با اصول و عبارات وحشیانه بود عامل گردیدند و تقسیمات مخفیانه را بموقع شهود گذاشتند و باطوور قانون شکنانه مرتکب هر گوه رذائل شدند و ما در این قسمت اولی رساله اجمال فهرست مظالم مسیحیین بر مسلمین را از هزاران یکی بطور ساده و عبارت سهل از روی موثقی مثبته مرقوم و بنظر قارئین گرامی تقدیم خواهیم داشت و معلوم دوست و دشمن بوده و یقین خواهند کرد که در آن وقت امید بقاء و دوام در اسلام و اسلامیان نبوده و از هیچ طرف بر ترقی و حیات جدیده سببی ده ظاهر منظور نبودى فقط خونهای ناحق ریخته شد و دودمان ها خراب گردید و بناگاه همچو بعثت بعد الموت از اثر قوه غیبیه مددی به مسلمانان رسید. چون نفس مسیحی مرده را زنده مصداق شعر مشهور واقع گشته

(صد هزاران طفل سر بیریده شد تا کلیم الله صاحب دیده شد)

اینك که شخصیت تاریخی قدم گذار عالم شهود و سیاست گردید و اسلام را از اسارت رهانیده و از چنگال مظالم اجانب خلاصی بخشیده و پس از تنزل و انحطاط بمراتب عالیه ترقی و استقلال رسانیده و با الغاء اصول منحوسه کاپتالیسیون مقاصد سیاسیه دول اوروبا را بی نتیجه گذاشت و اما کیفیت مظالم نصارا ئیان را بتقریب ذیل تصویر می نمایم .

شماره ۲ (فصل سوم)

(اولا) این نکته بر ارباب اطلاع و اهل مطبوعات معلوم است که در میان ملل مختلفه نصارا ملت روس از همه کس وحشی و از قافله تمدن و

عرفان عقب تر و از علم اخلاق بی بهره اند طوری که مال غربیه اروپائی روسها را خرس شمالی (دب) نامیده و بنام وحشیان مسکو شهرت داده اند با این وصف خودشان را متمدن ترین اقوام سایر خیاال کرده با وحشیگری مخصوصی که اثر ذاتی روسهاست فرق مخلفه و نقاط بعیده دنیا را ظلم و غصباً تحت تصرف خودشان آورده اند و قدیماً بت پرست قرب منطقه منجمده شمالی نزدیکترین امکنه (اسکیولها) زبست می کردند و سیصد سال قبل ر این تقریبی داخل سلك مذهب نصرانی شده و فرقه (آرثوذكس پراواسلاونی) محسوبند و با قانون وحشت و اصول بربریت ذاتیه حكومات همجواری را ضم مملكت (راسیا) کردند از لیتوا و پولشا و اوکراینا و الكه وسیعه قریم و تاتارستان و قرغیزستان و باشقرستان و کرچستان و ترکمانستان و قفقازستان و داغستان هریکی از این ممالک صاحب سلطنت عظیمه و مالک عنعنات تاریخیه بودند و (شمیل) شاه فائد شهر سالهای سال در راه استقلال و محافظه شئونات جنگهای متوالیه کرده بالاخره مغلوب وحشت روسها شده و زیاد خانوف ها در کنجه حکومتی داشتند و تفصیل مظلومیت شان تاریخ اسفناکی است و کرچستان در تحت ریالات (صیصائین) معروف که در بدو تشکیلات قاجار با دولت ایران زد و خوردی ها نمود بالاخره در دست روسها محو و شاهزادگان در بست ترین خدمات دولتی امرار حیات سفیلانه می نمایند و مملکت پولشاه که مرکز شان شهر (وارشاه) است و قوم نجیب و اصیلی هستند در بین روس و آلمان تقسیم گردید و در نتیجه جنگ اخیر بین الملی، نائل استقلالیت

و مالک جمعیت بوده و از اصول منحوسه بالشه ویزم رهائی یافتند و خوانین ترکستان حیوه و بخارا و سمرقند و تاشکند صاحبان اصالت قدیمه و عنعنات تاریخیه چند سال قبل از این بدون جواز قانونی و عذر شرعی بزیر استیلاء در آورده و فعلاً ناله و اسلاماء ایشان عالم دیانت و محیط مدنیّت را محزون میکنند و در الکمه قریم بسی اراء عظام و خوانین گرام صاحب تخت و تاج بودند در محویت ایشان غیر از بربریت و وحشت ظالمانه مدرکی در دست نبود و فعلاً در زیر پرده (بولشه ویزم) که عین رذالت و مجسمه وحشت است با زحمات فوق التصور امرار اوقات مظلومانه می نمایند و اهالی مملکت (اوقرانیا) در سمت جنوب غربی اصل مملکت روسیه واقع و دارای چهل ملیون نفوس بوده با کمال مظلومیت متقبل هر گونه زحمات راه استخلاص می باشند با این وصف چنگال ظالمانه روس خاخول را از خودشان کنار نمی توانند بکنند و مسلمانان قفقازیه سفلی که معدن شهامت ذاتیه اند و جغرافیای مصور عثمانی رسمی تصریح می نماید بر اینکه عنصر صحیح قفقازی ذکی و شجاع و عاقل ترین ملل عالم بشمارند فعلاً در تحت فشار و تضییق روحانی و جسمانی زیست کرده و مساجد عالیّه و مآذنه های معموره و مبانی عالیّه که از سلاطین با عظمت ایران بیاد کار مانده محل ایتباع و وحشت و موقع اجرا امور شناعتی روسهای شمالی است و قوم شجاع و عنصر صحیح اسلامی قفقاز در حین تسوید این اوراق از مظالم و جشیانه روسها اهالی مظلومه در سر کوهها و بطن دره ها جدا گانه از اهل و عیال و در حال ترسناک و با قلاب

هولناك امرار حیات می نمایند و غالباً اعزّه مملکت مجبور به ترك دیار هستند
اجمالاً عملیات قانون شکنانه روسهای وحشی نه بمثابه است که با نوشتن و
کفّن به آخر رسد همیقدر ختم مقال لازم است اشعار نمائیم که اگر قوه
معنویه اسلام دست رد بر سینه آن نامجرمان اسرار تمدن اسلامی نزده و
اختلال و بریشانی داخله مملکت آن ها را فرو نکرفته بودی با اصول مخصوصه
خودشان بنای تصرف ایران گذاشته و تجاوز بر خاک باک اسلامی نموده و
با اشغال مملکت باستانی راه تسلط هندوستان را آمال خودشان قرار گذاشته
و وصایای (بیوتر کبیر) را بموقع اجراء می گذاشتند طوری که در اثناى
جنگ بین المللی مقصد باطنی و مخفی روسها آشکار از جلفای ایران تا شهر
همدان با اوردوی کنرال باراتوف مشهور اشغال گردیده بدین رعایت قانون
بین المللی بر تمامی مقدسات ملیّه توهین و باادنی بهانه بنای ظلم و تجاوز
گذاشتند و از سمت شمال شرقی ایران قواء اشغالی ایشان به شهر مقدس
خراسان استیلاء یافته و جسارت ورزیده و تعدی شان بمرتبّه رسید که مرقد
مقدس جگر گوشه رسول و نور دیده بتول قبله آمال ایرانیان و افتخار اسلامیان
حضرت علی ابن موسی الرضا علیه السلام را جریحه دار نمودند و روز نامه
سبیل الرشاد منطبقه اسلامبول در آن تاریخ بوسیله فرقه اتحاد ترقی ترکها
ابن وقعه هولناك و قضیه اسفناك را بمالیمان تشهیر و عین حادثه را تصویر گرداند
و از بنکطرف قازاقهای وحشی روسیه مقیم طهران در مورد عصیان و مغایرت
شعاع السلطنه واضط شدن املاك مشارالیه بدار مقدس شورای ملی و تحوّل

وزارت مالیه بکدمه مسلح از قواء روس بر در باغ شعاع السلطنه حاضر و بنای تمالك و نصاب گذاشته و بقرض قدیمی محسوب و بدین وسایه حق و حساب غیر مشروعی خودشان مفروغ نمودند و (مسبو شوستر) رئیس مالیه آن زمان شخص حقوقی و قانون شناس و مرد منصف آریکائی بوده زیر بار کران این گونه تنگ تاریخی نرفته و متحمل این ظلم و وحشیانه نبوده مجبور باستعفاء شده و از شغل ریاست کناری جسته کتاب قیمت دار خودش را بایرانیان بکدرسی عبرتی بیاد کار گذاشته راه وطن اصلی خویش را پیش گرفت رجوع بکتاب (اختلاف ایران) اگر ایرانیان با حسن نظر انتقام بتواریخ گذشته مطالعه کرده و اعمال تنگین روسهای وحشی را ملاحظه کنند باالضروره قطع روابط انسانی و ترک مراوده و رابطه سیاسی می نمایند برای اینکه چه طور کنجایش مخزن فکریه يك ملت قدیمی را دارد اینکه در پائی تخت يك دولت واو هر که باشد و از بهر چه بوده باشد امر و کلای دولت و نمایندکان ملت قربان حرص جهان گیری بکمشت افراد وحشی و غیر مدنی و بی علم مهمان ناخوانده باشد این گونه عملیات بعضی ذنوب لا بغفر و معصیت لا یکفر است که با توبه و کفاره مستور و مغفور نمیگردد بلکه کفاره اش انتقام و مقابله بمثل است گذشته از این ها قواء اشغالیه روسها وارد تبریز شده در یوم تاریخی و اجتماعی مسلمین که روز جوش و خروش عمومی بوده و تمامی ملل منمده و وحشیه عالم می دانند که روز عاشورا برای پیروان مذهب حقه جعفریه چه اهمیتی را حایز است ولی وحشیان

وم روس ابتدا ملت این نکته مهمه نبوده و قیمتی نگذاشتند. محترمین اهالی محلی خصوصا شخص بزرگ روحانی که در واقع سبمای اسلامی و فیافه دین بوده و مصداق کل بوم عاشورا و مصدق فاسفه عالی کل ارض کر بلا بود مدار آویخته در منظر عام وحشت و بربریت روسهای شمالی را يك آئینه عبرت جهان نمایی ~~کرد~~ دیدند

(در مدرسه کس را نرسد دعوی تو حید

منزلی که مردان موحد سردار است)

هر چندی که عاشقان راه دیانت و صاحبان شرافت و علاقه مندان دیانت این مرام عالی و مقام شایخی را طالب بلکه شائقند ولی افسوس از غرور ملی يك ملت قدیمی است که در عمیق ترین کوشه خاطرات افراد خود حس محبت این قبیل اشخاص با شهامت پروریده نشده و فکر انتقام در مخزن افکار خودشان نگذارند و زمان ماضی بمنزله موت ابدی است ولی اثراتش باقی و استمراری است پس بر جوانان مملکت است که در تاریخ این وقایع البته را خواننده عوض کتابهای رومانی که در حقیقت غذاء زهر ناک است برای افکار صائبه و اذهان ناقبه که از پاریس و نظایرش انتشار می یابد کتابهای تاریخی اسلامی را مطالعه کرده و در صدد تلافی مافات باشند و به مرتکبین آن فجایع با چشم بصیرت نگر بسته و نفرت نمایند رجوع بمقصد نمائیم آن زمانیکه ملت روس با وحشت ذاتیه خودشان تجاوزات غیر قانونی را جایز دانسته و مشغول بپسرفت مقصد بوده و مقدمات فتوحات بی در بی ظالمانه خود را ترتیب

و تسخیر هندوستان و عمل بوصیت (بیوטר) بطر کبیر را مصمم بودند و
 ابتدا مانعی و دافعی ظاهر را در میان نبوده در مقابل قواء اشغالیه ایشان قوه
 مادی در ایران نبود و از هیچ طرف امید خلاصی و چاره نجاتی بنظر
 متفکرین جلوه نمون نمی گردیدی در عالم یاس و ناامیدی باب رحمت کشوده
 شد و ناگاه دست غیبی ظاهر گردیده و آتش بارهای پنهان شده زیر
 خاکستری قطعه آذر با بجان پای دشمنان سوزانیده و غفلتا هیکل وحشت و
 مجسمه ظلمت را بخاك مذات افکنده و دوات شبکمه روسیه را مضمحل و
 آفتاب عالمتاب اسلامیت و شیر و خورشید ابرانیت از زیر ابرهای ظلمانی
 با شکل نورانی با امر قوه روحانی ظاهر و با صافیت ذاتیه اولیه عالم را خیار
 دار کرد و آن امید که از میان دو کوه عربستان بکفر شخص یتیم و
 بی باور و معین را سید عالم قرار گذاشت و آن امید که از میان مدنیت
 شرق و غرب ایران و روم بکنور مدنیت حقیقی لعمه دار نموده و سلاطین
 با عظمت کوه ارض را سر فرو بعظمت آن نور مقدس فرود آن امید که
 پس از شهادت و اسارت با بکنفر شخص مقدس مظلوم بوسیله اسارت و مظلومیت
 هیکل موهومات بنی امید را زیر پای مغویش افکند امید که قریستوف
 قولومب را پس از یاس کامل و محکوم شدن بغرق بساحل نجات آمریک رسانیده
 نام کاشفی را نائل نمود همان امید مسلمانان را امیدوار به آتیه درخشان و
 عصر سعادت ایران نموده و مژده حیات بعد الموت را رسانید بطوری که در
 موقع باز گشت قواء اشغالیه روسها صاحبان منصب های عاله در دست طبقات

صافه اسیر و از طرف اطفال ایرانی دستگیر می شدند و اهالی قفقاز را هر آن صفحات اسلحه ایشان را ضبط و توقیف کرده و قطارهای آهنی را یغما و تالان مینمودند و قشون روس با این حال فرار برقرار اختیار می کردند (شماره ۳ از فصل سوم)

با این وصف افمی کشتن و بچه نکاهداشتن و اخگر از آتش باقی گذاشتن کار خردمندان نیست زمانی که قواء اشغالیه روس می گریختند همما ممکن اسلحه حریبه و اجزاء ناریه را بملت ضعیفه ارمنستان سپرده و برای آنیه فکری می دادند بدین وسیله قصد داشتند که در آبنده بتوسط همسایه قدیمی آتشی مشتمل نمایند پس از اندک مدتی این معنائ هم بنوبه خود بموقع شهود گذاشته شد چون یاد کار آن ضمیر است این فطیر و عملیات شرم آور ارامنه بنام مدنیت مسیحی در حصه چهارم کتاب تمدن الاسلام اثر عاجزی از روی مدارک موقوفه بیان شده و آنچه باین رساله کنجایش دارد بطور اجمال ختم مقال می شود و قبل از شروع بمقصد هویت این ملت ضعیفه را به مطالعه کنندگان معرفی نموده بعد از آن شروع به مطلب نمائیم:

اولا مخفی نماند که قوم ضعیف ارامنه از نژاد آریا بوده و در زمان قدیم بت پرست بودند و اصلا محل سکونت و مکان معیشت و سلطنت ایشان ناحیه تراکیه (فراکیه) بود منطقه است میان دولت ترکیه و بلغار واقع قطعه آسیا و بنی که ارامنه پرستش می کردند موسوم بود بنام (هابق) و خراجت نظارت یککفر قهرمان موسوم به (آرمنا) زندگانی می کردند

به همین لحاظ است ایشان را آرامنه گویند و بمناسبت بت معبودشان هایستان می گویند و پس از مهاجرت از ناحیه تراکیه بحوالی کوه (آرارات) و در کتب قدیمه و تورات (آراتو) تسمیه شده کوهیست واقع میان خاک ترکیه و روسیه و ایران و نهر ارس از نزدیکی آن کوه جاری و از نزدیکی شهر ارضروم بنعان و به دریای خضر ریخته می شود قبول نصرانیت کرده و مدتی سلطنت نموده اند و دبقران اول و ثانی و آرشاق و تربدات از سلاطین مقتدره ایشان است و در زمانیکه ناحیه (لیدیا و میدیارا) هم متصل کردند که عبارت از ولایات آناتولی و آسیای صغری و از نواحی همدان است که قدیما (آبقاتان) نامیده می شد سلطنت ایشان منقرض شده و در میان دولت روم و ایران تقسیم گردیده و قبل از تاریخ ظهور دین اسلام باعث انگیزش فتنه های متوالیه و سبب ریزش خونهای ناحق گشتند و در راه آزادی و استقلال قدیمی از آن تاریخ زحمت های بی فایده کشیده و نایل بمقصد ننگشته اند و شکل (شیر) علامت دولت ارمنستان است که فعلا محکوم خورشید بوده و نشان ایران قدیم بعلامت ارمنستان قدیمی بطور حاکمانه و غالبانه محکومت می کند و شیر در زیر خورشید واقع است و بملت آرامنه از این نکته بغایت دلگیرند و کلیه مادران باولاد خودشان در موقع ایفاء وظایف مقدسه مادرانه و تربیه ذاتیه توصیه می نمایند که شیر را از محکومت خورشید مستخلص داشته و در راه استقلالیت ارمنستان کبیر فداکاری کنند اجمالا وقتی که دولت ارمنستان محو و منقرض شده و خاک هایستان میان

دولت ایران و بیزانس تقسیم گردیده آن قوم ضعیف با انواع کوششهای خود کاشانه برای تشکیل یافتن حکومت مستقله عالمی را خراب و جهانی را جرباد می نمایند و الان کما کان طوری که سابقا اشاره نمودیم در آن تاریخ بکه دولت روس تزاری سابق با شکل انقلاب و اختلال منقرض و نسل قدیم (رامانوف) در دست انقلابیون با کشتار وحشیانه مقول گردیدند و در موقع شورش و انقلاب روسها اسلحه حربیه و قوه ناربه را بارامنه سپرده و با اشارت های مخفیانه در باب قتل و محو مسلمانان آنسامان مقدماتی ترتیب دادند گویا بدین وسیله زنده کردن ارمنستان کبیر در نظر داشتند و ایشان حا کم مطابق در منطقه ابروان و نواحی آن شده (ابروان شهر بست واقع در مملکت قفقاز قریب بحدود ایران و ترک) و بنای تعدیات و مظالم گذاشته اهالی را بستوه آوردند و معلوم است که دول معظمه نصارتی در بذل مال و قواء حربیه در آن گونه مواقع مضایقه ندارند و دائما ایشان را تشجیع می کنند چون قوم آرامنه برای تخم سیاست ایشان زمینه بار آوری است و برای تولید نفاق و حدوث انقلاب بهترین وسایل مقتضیه است برای پیشرفت مقصد شان از آن قبیل است تسلیح ارمنستان و یونانیان برای قتل مسلمانان قفقاز و اهالی ازبک (رجوع کنید بر ساله فاجعه ازبک) مثلا روزنامه (خرونیسکل) و (دائل مائل) فرانسه در روزنامه (تایمس) در انگلستان پس از ختام جنگ بین المللی اخیر می مکررا دول معظمه مسیحی را بمعاونت ارمنستان دعوت می کرد و در آخر جوانان نصارتی بنام ملیت تحریر کردند که حکومت

جدید آرامنه را از اشرار و اشیاء اطراف خلاصی دهند (ایران و ترك و اِمالی قفقاز مراد است) و همین طور شد که مقصودشان بود رجوع بمقصد قوم آرامنه از حیث نفوس کمتر بن ملل و اقوام دنیا هستند با این همه فرقه رسمیه و سیاسیه آن ها بسیار است و نادر کسی پیدا می شود که داخل یکی از فرقه های سیاسیه نباشد و عمده ترین فرقه آرامنه حزب (هنچاق) بوده و مؤسس آن (نظار بای) نظر بیک از اِمالی قفقاز است و بمملکت اسوبچره مهاجرت کرده با معاونت رفیقۀ حیات خویش (مارد) نام هشت سال قبل از این تاریخ تقریباً این فرقه را تشکیل داده و برای پیشرفت مقصد خویش (تررور) فدائیهای ترتیب نمودند و فرقه دیگر (داشناق) چند سال پس از فرقه اول تاسیس یافته و اصل مرامشان محو عالم اسلام است و مرامشان باخون نوشته شده هر چندی که روزنامه دروشاق پاریس مروج فرقه (داشناق) مستوف این فرقه را با خونریزیهای فوق العاده که دارند فرقه بشری و حزب اجتماعی معرفی می کنند غلطاً و فرقه دیگر (واراگامازال) و دیگری (ساهمانانراغان) و فرقه دیگر (رامغاوار) یعنی حفظ کنندۀ حقوق عمومی و هر فرقه برای نشر مرام خودشان روزنامه طبع و نشر می نمایند از قبیل روزنامه (دروشاق) و روزنامه (موشاق) و جریده (آزادامارت) و روزنامه (واراگامازال) و اعضای این فرقه با روح ملی سرشار و ازدول مسیحیه دائماً روی قبول دیده اند و بملاحظه يك نکته مهمه دائماً برای آرامنه معاونت می نمایند و آن نکته عبارت است از اینکه چون عالم اسلام بمثابه يك

سیل خروشان است که هیچ قلعه محکمی مقاومت آن نتواند کرد و بیکد بکر متصل هستند از دامنه کوههای سیربای روسیه شروع کرده تا ترکستان و قفقازستان و ایران و آناتولی و افغان و مصر و سودان و صحرای کبیر آفریقا و مراکش و الجزایر و تونس و توابع متصل به دریای کبیر می باشد و هیچ دولت و حکومت مسیحی در میان نیست اگر بنام منسبیت يك حکومت ارمنستان در میان عالم اتصال مسلمانان تشکیل با بد آن وقت آلت پیشرفت مقاصد دول معظمه مسیحی شده بمثابه يك فرقه جاسوسند که همواره از مقاصد ملیه و مدنیه مسلمانان مسیحیان را مطلع نموده و در موقع انقلاب انگشت ملت مسیحیه هستند و این معناء را یکنفر از حقوق شناسان ملت آمریک (آدام کیوان) نام آمریکائی بجامعه ملل در زمان انحطاط اسلام و باعمال شدن حقوق حقّه ایشان يك لایحه تقدیم داشته و اظهار کرد که حقوق مسلمانان را تضییع نمودن باعث اتحاد معنوی و اعلان جهاد مقدس عمومی از مرکز روحانیت بوده در آن صورت در مقابل سیل خروشان قلعه محکم مقاومت نکنند و از دامنه کوههای سیربای تا بحر محیط فاصله میان حکومت اسلامی نبوده به رتباط معنوی و اتصال مادی حلقه زنجیری تشکیل داده اند که بهیچ وجهی قابل تفرق و کسبختن نمی شود آن وقت بشیمانی فایده نمی دهد همان لایحه در جمعیت اقوام اثری بخشیده و فشارهای فوق العاده تخفیف یافت بدین لحاظ است که دول معظمه اروپائی به تشکیل دادن يك حکومت بنام ملت مسیحی آرامنه اهمیت داده و جدیت کامل بکار می برند که در موقع لزوم بدرودشان

بر خورند و این معناء با کمال حقیقت ظهور یافت طوری که در موقع
اختتام جنگ بین المللی قواء حربیه روسها دره بك منطقه بدست مات ارامنه
سپرده شد و بدستکاری دولت انگلیس مسلط بجنوب مملکت قفقاز با شدند
ظلمها کردند و عملیاتی را مرتکب شدند که نام انسانیت از آن اعمال
ننگین منفور و مدنیت از آن گونه افعال شرمگین بیزار است و اهالی
منطقه ایروان که عبارت از ناحیه زنکی باسار و (کرنی باسار) و (شرور)
و (نخجوان) و سایر را اشغال کرده و با دستاویس و حیل با دستورات لازمه
از مراتب عالیہ کلیہ سکنه آن صفحات را قتل و مجبور بمهاجرت کردند و
چهار سال تقریبی مسلمانان مقابلہ بمثل کرده و ایستادگی ها نمودند ولی
بالاخره قواء مغلوبه و ننگین که با تلقینات دولت انگلیز با قوه بالشه ویز
مجاربه نموده و بالنتیجه مغلوب شده و بقیه قواء حربیه به شهر ایرون مرکز
ارمنستان وارد گشتند بدین لحاظ قوه ایشان بالمضائف شده و مشاقتن ماهر
و فرماندهان بصیر دول معظمه نصاراتیان معاونت کرده و به مسلمانان از طرف
دول اسلامیہ امدادی نرسیده شد آنچه شد

هر دم که من ز آشیانه خود یاد می کنم

تقریب به خانواده صیاد می کنم

جان می کنم چو کوه کن از تیشه خیال

بد بختی از برای خود ایجاد می کنم

و در یکی از جنگهای محلی که با ملت ارامنه واقع می شد بعضی ملزومات

جنگی در وقت ارامنه بدست مسلمانان افتاد از آن جمله یکطرفی مرامنامه جنگی بود که ترتیب داده بودند و راقم نظر به بعضی عنوانی که داشتیم آن را ترجمه کرده و باهالی اعلان و به بعضی ملل متحده همجواری ارسال نمودم مضمون مرامنامه بتقریب ذیل است :

ای فراد ملت ارمنستان و ای طرفداران آزادی ملت نجیبه بدانید و هوشیار باشید که زنجیر اسارت و قید ذلت از هم شکسته و پاره شده و آفتاب حریت از کوه آرارات طلوع و صحرای ارمنستان را ضیاء دار نموده هان بر خیزید و بسوی سلاح جنگ شتاب کنید و از ادوار سابقه از ظلمهای گذشته در بعضی از مننه سالفه انتقام طلبید و از سه جاده مستقیمه هجوم نموده و میان سه جاده را از وجود مسلمانان و لوٹ ایشان پاک کرده و در قریه [بایجی] پنجوان بقیه را به نهر رود ارس ریخته و از آن عبور کنید و ایضا از سه جاده مستقیمه شروع به جنگ کنید از ماکو و عربار [قریه] است نزدیکی ارس طرف خاک ایران] و مرند باز هم مسلمانان آن صفحات را پاک نموده در شرفخانه ارومیه مرکز دهید و بقیه مسلمین را اتلاف و محو نمائید و پس از وقوع این کیفیت از غلبه و خونریزی به دو شعبه منقسم خواهید شد یکی رو بغرب [ترکیه] و یکی رو به شرق [طهران] .

و بی چاره ها نفرمایند که تدبیرات انسانی با تقدیرات آسمانی موافق نیامده

[آن چه دلم خواست نه آن می شود هر چه خدا خواست همان می شود]

قوه معنوی تمام مواد مرامنامه ایشان را در باره مسلمانان بی نتیجه گذاشته و

مقدمات عملی آن ها را اعمی نمود و اهالی غیور زنکی با سار و شرور و
 نخب جوان و خصوصا (ویدی) وادی و مهاجرینی که به ایشان از دیگر مهاجر
 پناهنده بودند چند سال زد و خورد نمودند و از مقصد خودشان عقب گذاشتند
 اجمالا زحمات ارمنستان و عملیات ایشان محض برای زنده کردن ارمنستان
 کبیر قدیمی بود با دستور دول معظمه حرکت می نمودند و خیال پرستی شان
 بمقامی رسید که با قلت عدد نفوس و متفرق بودن آن ها در بین المالی
 اسلامی که از هیچ طرف بدول مسیحی ارتباطی و اتصال ندارند در راه
 استقلال کذائی خودشان بطور حریصانه و خود کشانه ظلمهائی کردند که
 قلم از تحریرش انفعالی دارد مثلا بدستگیری بعضی دول مسیحی که نظارت
 امور مملکت قفقازیه بودند پس از خلع امپراطوری روسی بقوه های دور از
 مرکز آمده و اهالی مظلومه را بمساجد جمع کرده و ترتیب سیاهة نفوس مینمودند
 که گویا از طرف دولت نسبت به نفوس ارزاق از قبیل قند و نفت تقسیم
 خواهد شد و پس از جمع شدن به مساجد از کمین کاه یکمده نظامیان وحشی
 مختلط از روس و ارمنی با اجزاء تاریه حاضر و با صد تیرهای معمولی همه
 مردان و جوانان قریه ها را در مسجد قتل و ستون های بتای مقدس را
 سر نگون و محل عبادت را بمقبره مظلومان قرار می گذاشتند و بقیة السیف
 از زنان و اطفال با شکله دیگری معرض تلفات و محل توهینات غیر لایق
 واقع شده و نجات یافته و خلاص شدگان با انواع مشقت طاقت شکنانه از
 راههای غیر مستقیم به دهات و قصبات نرده يك فرار پناهنده می شدند و

محض برای اتباه افکار عمومی و برای نفرت از مدنیت نعرانیت که ساده دلان را مجذوب نموده بك قضیه هولناك ذكر می نمایم چنان چه بکفر زنی از دهات شهر قارص که حال اسف اشتمال خود را به یکی از محررین روزنامه (قارداش کومسکی) یعنی معاونت برادری نقل می کند و می گوید وقتی که مردان و جوانان ما از طرف قوه نظامیه ارامنه با کشتار بی رحمانه پاف شد و زنان و اطفال در شدت سرمای زمستانی مجبور بفرار شدیم و از فراد بك خانواده قدیمی برای من مونسى غیر از دو نفر دختر نیمه ام باقی نمانده بود شش ساله و نه ساله مقداری از راه هر دو آن نورچشمیانم را طوری که با خود همراه برده و از طاقت افتاده ملاحظه صلاح حال را در این دیدم که بك به بك ایشان را سوى مقصد برم و فکری نمودم که کدامین یکی را روی برف گذاشته و آن دیگری را برداشته تکرار باز گشته آن دیگری را به مقصد رسانم بالاخره روی دختر شش ساله را بوسیده و وداع کرده و با طور نوازشکارانه کفتم عزیزم تو اینجا نشسته قدری ساکت باش من خواهرت را بخانه گذاشته پس از آن بنزد تو خواهم آمد آن بیچاره و فلک زده و از عطوفت پدرانه دست کشیده با حال گریه ناکی با طور اضطراری قبول کرد دختر بزرگ را قدری راه برده نزدیکی سنك بزرگی گذاشته باز سوى دختر نازنین خود رسیده دیدم که بالبهای کبود رنگ و دست های رعشه ناك روی سینه جان بجهان آفرین تسلیم کرده و به آغوش گرفته وداع آخرینش نموده بطرف دختر نه ساله دویده و زمانی رسیدم که

از کثرت خوف و وحشت و گرسنه گی و سرمازدگی در حال نزع روح و جان دادن است به سینه ام چسبائیده مشغول مگر به و سوگواری بودم که بعضی از فراریان رسیده مرا با خودشان بردند و هر قدر سعی کردم که خود مرا انتحار کرده از این زندگی بر آشوب و انقلاب خلاص شده و رهائی یابم قادر نشدم ولی با هزاران تعب و زحمت روحی و بدنی شب را روز میکنم (منیم کوکاووم او کوندن اعتباراً هر زمان آغلار) یعنی پس از مشاهده آن حال اسف اشغال هر روز و شب چشم من گریه ناک است عجب تر از این حالات تنک آور آرامنه اینک ملتی که دارای چهار صد مایون نفوس پقریبی است از ملتی که دارای يك ملیون نفوس هستند این گونه ظلمهای فاحش را دیده و با آن حال در هر موقع دست بر روی دست گذاشته منتظر عوالم غیبی شد و متصدی هیچ گونه عملیات متقابل نیستند اگر تفصیل مظالم وارده از مسیحیین بر مسلمین را تقدیم انظار قارئین کرامی نمایم در آن صورت هم موجب ملال و افسردگی بوده و هم يك کتاب مفصل و مبسوطی را تالیف کردن لازم است و در حصه چهارم کتاب تمدن الاسلام اثر عاجزی از روی مدارك مبنه و منابع مونوقه مندرجاتی ذکر شده اگر موفق بطبیع آن بوده باشیم مورد استفاده عموم علاقه مندان ملیت و اشخاص با شرافت است که رجوع کرده و عبرت از تاریخ گذشته بنمایند همین قدر ما اشاره اجمالی اشعار می شود که آنانیکه عالم نصرانیت را عالم مدنیت و دنیای دنیانیت اسلامیه را عالم وحشت و بربریت نامیده و توهین بر مغنوبت میکنند

از افواج مسیحین که عالم بشریت واقع شده عبرت بگیرند اجمالا در زمانیکه
 توقیت اراغه مستحکم شد و مسلمین تسایم پنجه قهر ایشان گردید با فوریت
 بنای نظام گذاشته و سیاست (ماکیاویلی) ایتالیائی را اجراء نموده و شروع
 به حبس محترمین و بعداً کشتار مظلومین و معصومین را آمل خودشان قرار
 گذاشتند (رجوع بکتاب مرانامه فرقه دانشناقبیون) نمائند کتابی است مصور
 که عین وقایع و عکس مظالم اراغه را نشان داده و دستخط سفراء بدول
 معظمه مسیحی را از اراغه می نماید هیئت بی طرف از بعضی نمایندگان مرکب
 از آمریک و فرانسه و ترکیه با شهود معتبره محل وقوعه و مکان حادثه را
 دیده و تفصیل را نوشته و عکس فاجعه را بر داشته اند بر هر فردی سهم لازم
 است که مطالعه نماید و کتاب فاجعه از میر و اختناق ایران اثر (مسئو شوشر)
 از ترکیائی هم در نوبه خویش از مدایت مسیحیت اطلاع می دهد و در خطه
 چهارم از کتاب تمدن الاسلام اثر عاجزی بعضی وقایع را آورده اند و
 در مشروحات بیان نموده ام
 در اجمال فهرست مظالم شان این است در منطقه (خاشون) و شهر وان و
 قسطنطنیه و حبس قلعه و قفقاز و بعضی حدود ایران اطفال معصوم را با طرز
 فجیانه کشته در مقابل چشمهای مادران به آتش افکند و ایران آمده
 و مادرانشان را مجبور به خوردن گوشت آن کرده اند و بره ها می زنند و در
 ظهور امتناع با اصلاحه حریه انلاف می کردند و بعضی از بومیان بشراهه با خطابه
 باز می نمودند مظلومین را به آنجا گذاشته و می کشند از سر راه محاطه نمایند

دست خودتان را از آن جیب‌های پهلوی و بعضی را بطور استهزاء و سخریه
آلات تناسل آن‌ها را قطع کرده و بدهن گذاشته بطور استهزایه می‌گفته
که دول اسلامی را بنام خداوند دعوت نمائید بوسیله این شبپوره‌های خنک
و زنان اسلامی را در حال رکوع باز داشته و پس از اجرای افشال شنیما،
اتلاف می‌کردند و هکذا و تصفیه کردن مملکت قفقازیه و هجوم به خاک
ایران برای نیل بمقصد قدیمی خودشان است که عبارت باشد از زنده کردن
ارمنستان قدیم طوری که بانصديق رئيس جمهور آرميك در سال (۱۹۱۸)
ولایات پنججاه و شش گانه بملت آرامنه سپرده و تمام امور آن ولایات را بدست
ایشان سپردند و این ملت مدنی و بی ظمع باین قسمت راضی نشده تا اینکه
در سنه ۱۹۱۹ ولایات ششگانه را بروی افزودند که روی هم رفته خطه
ارمنستان عبارت شد مابین سه دریا بحر خزر بحر سیاه و بحر شام از قفقاز
و آناتولی تا کلیکیه و چند ولایت از ایران که عبارت باشند از تبریز که
اسمش را تغییر داده (تاوریز) نامیدند و خوی و ماکو و اردبیل و انزلی و
بوسلیان متصل می‌شود به شهر کنجه که تغییر داده (خاخالخ) نامیدند و
مدارك متبیه این حمالات عین دستخط سفراء خارجه است که در کتاب فراموشه
فرقه داشتاق کراور شده و هجوم کردند بطرف ماکو و محاصره شهر خوی
و کل و کشتار اهالی مظلومه سلماس و غارت و یغمای شهر اردوئی و اطراف
آن اثر احتیالی ایشان بنام حکومت ارمنستان بوده و قوم ضعیف و بیچاره
ارمنیه محض بد تبلیغات دول مشیحی این گونه اعمال و خشایه را اجرا کردند

و راقم پس از ابضاح مرام چند سفر بنام راهنمایی و وظیفه مقدسه نوع پرستی و ابتناء افکار عمومی ترقیم و به اندرز حکیمانه و نصایح مشفقانه دلالت بصاح و سکونت و اقامه امنیت بر قوم ضعیف و همسا به قدیمی خود مان نصیحت می نمائیم

مراد ما نصیحت بود گفتیم حوالت با خدا کردیم و رفتیم

و لازم است که از وضع حاضر و اوضاع ملیت خود مان نسبت بآرمستان شمه ذکر نموده و مقصد فعلی ایشان را تشریح نمائیم و هر چه نوشته ایم مدرك مقالات آئیه رساله بكنفر از محررين اسلام از اهالی قفقاز و از شهر پیادکوبه بنام میرزا بالا موسوم فعلا مقیم اسلامبول و عین رساله نزد ما حاضر و منابع موثوقه اثر محرر مزبور قابل شبهه و ابرادی نیست برای این که از اصل نسخه مقالاتشان با تاریخ و نمرات صفحات ارائه شده که ما بنام اختصار از تفصیلات صرف نظر کرده و با اجمال اشعار و محول به خود رساله منطبقه در اسلامبول می نمائیم که فعلا ملت آرمستان به مقصد (بان آربانیزم) سعی بلیغ داشته و (غوکاسوف) دربار پس این فکر مشغوم را در زیر پرده اتحاد نژاد آریا تلقین و بدین وسیله زنده کردن آرمستان کبیر است از قبیل متحد بودن ملت بلوچ و لورد و کرد و فارس و ارمنه که همه در نژاد آریا و ابرانیت شریکند و روزنامه (دروشاق) بتوسط بعضی از روزنامه های ایران نشر می کنند و بعضی از ارمنه تبریز مروج و ناشر آنست و خیال پرستی خودشان با وحدت نژاد آریا در آینده ملت ترك و توران و افغان و عرب و هند را از میان برداشته و بك حكومت کبیر ارمنه تشكیلاتی

داده و از ایران مجزی بوده يك عالم بين المللی ارامنه تاسیس نموده و با
 امنیت کامله و استقلالیت تامه امرار حیات مسفریحانه نمایند و در این ضمن
 يك خریطه ارمنستان کبیر زیر سایه ایران کبیر ترتیب داده و در میان
 خودشان تشهیر دادند و روزنامه رشت (پرورش) دارای امضاء یغیکیان
 نمره ۲۹۱ و مخطره مشارالیه نمره ۱۷ این موضوع را استنباط می توان
 کرد که از روزنامه درو شاق مروج فکر فرقه داشناق ترشح کرده و
 بجایگاه تقدیم افکار فرقه مزبوره را می نمایند و مجله (یکی آذر) یعنی
 آذر نو اثر محمد زاده منظمه اسلامبول ۱۳۴۶ در میان است و مخطره
 سابق الذکر با يك فکر سرشار از وجد و نشاط و با يك نوع روح ملی و
 انتقام آزاده بیان عقیده کرده و در آخر با جمله زنده باد ایران کبیر و
 ارمنستان ختم مقال می نماید و تمامی صاحبان فکر از این مخطره و توحید
 فکر نژاد آریائی و اتحاد ایشان در محویت ترکیه و افغان و هندوستان
 بی بمقاصد ملی ارمنستان برده و غرض از (فیسارسیون) تشکیل یافته چه
 بوده بخوبی منتقل بخيال و خیال پرستی بودنشان خواهند شد و ما در این
 رساله در صدد اثبات عظمت دین اسلام و تجلیات معنوی آن دین الهی درباره
 ازمنه سالفه بوده و ارائه حال حاضر و انکشافات واقعیه اش هستیم و غرض ما
 کشف تبلییس و اعلان تدلیس ملل مسیحیه نبوده و نیست بلکه بهنا سبت مقام
 شاره گردنست به بعضی مرام اقوام سایره و اگر کسی مایل به تفصیلات باشد
 رجوع به کتابهاییکه قبلا نشان داده ایم و ایضا مراجعت کند بکتاب تمدن الاسلام

حصه چهارم اثر عاجزی .

(شماره ۴ از فصل سوم)

و اما راجع بوظیفه مقدسه راهنمایی نسبت بارنستان همین قدر معروض می دارد که

من ای صبا ره رفتن بکوی دوست ندارم

تو بروی بس-لامت سلام ما برسانی

لازم است بنام عاطفه نوعیه ایشان را حالی نمایم از این که بعض بنام زنده کردن استخوان بوسیده دبقران و ارمنستان سه هزار ساله قبای مدت طولانی است که همسایه قدیمی و مهربان ما با این گونه خیال پرستی و دماغی خودشان عالمی را خراب و جهان را بر باد کرده و حالا می کنند و دچار انواع فلاکت های مادی و خسارات مخوفه شده و بلاملازمه ملت نجیبه اسلامی را معرض اشکالات کرده اند مثلا در تاریخ ۱۹۱۸ میلادی ولایات پنجاب کانیه بدیت مظالم شان سپرده شده و این قوم نجیب و کم طمع از این تقسیم ناراضی و از ضیق مکان شاکلی گردیده و محافل سیاسی دنیا را به تنگنا آورده و ولایات ششگانه را انداخته اند و ترک قفقاز تحریک کرده منظم نمودند و همسایه کان قدیمی ما همین قدر نفهمیدند که این گونه تقسیمات از دولت مظلومه مسیحی معوض بازبچه اطفال و طبعه صبیان است و حاضر فکر کردن در موقع سلطنت خودشان نشدند که تصور کنند آیا بواسطه محفاظله شهنشاهات

مملکت ارمنستان خیالی کذائی که تصور و تصویر کرده بودند چه مقدار قشون لازم است که در اطراف حدود و مرکز اسپریالیست اقامت کنند و چندان نفوس برای ادارات محلی از قبیل امنیه و نظمیه و ضبطیه و مالیه و هکذا لزومی دارد و قطع نظر از تمامی آنها آیا برای اعزام سفراء بممالک اجنبیه اشخاص با عام و با بعسیرت از لوازمات سلطنت معدود نیست و باید که کایه این صنوف ممتازه باید که از خود ملت ارمنستان تهیه کردند چون بدایت تشکیلات ملی با جلب مستخردمین اجانب صورت نه بندد و خصوصا بهر قریه یک نفر کدخدای از الزم امور است و ملاحظه نکردند که اگر تمامی نفوس ملت ارمنستان را از صغیر و کبیر و اناث و ذکور و اهل صنعت و تجارت هر که بوده و از هر چه باشد مامور به اداره امور ولایات پنجاه شش گانه نمایند باز هم کفایت نمیکند

(شماره ۴ فصل سوم)

(۴) وانگهی اینگونه حکومت ارمنستان و تشکیل سلطنتی برای مطیع کردن اقوام متعدده و ملل مختلفه این مناطق کثیره مثل عناصر صالحه و با شهامت و شجاعترین اقوام عالم اهالی قفقازیه و قوم غیور و جسور ترکیه و نازکترین و حساس ترین اهالی دنیا که ایرانیان هستند و محض به اطاعت آوردن قوم یهود که محیل و فطین ترین اقوام عالم بشمارند و روس های وحشی و لاز های منهوّر و اینقوشهای متکبر و آجارا های جنکاور و مهیب و ملت اصیل و نجیب کرجی تصور نمائید آیا این اقوام متعدده در

زیر دست یکمشت قوم ضعیف قلیل بنام حکومت (ارمنستان قدیم کبیر مطیعانه سر فرو میشوند یا نه البته انسان عاقل قبل از داخل شدن کاری عاقبت آن را اندیشه کرده و ملاحظه نموده شروع بقصد م (قدم الخروج قبل الولوج) از اکابر اسلام کلمات قیمت دار است که ذکر فرموده اند اقلا این مات خیال بر مست و خیالی کلام معنیدار سعدی را نشنیده بودند که در اطراف آن فکری بنمایند (توان بحلق فرو بردن استخوان درشت ولی شکم بدرد چون بگیرد اندر ناف) از قضاء همسایه کان قدیمی م، لقمه بزرك را که عبارت از حکومت پنجاه و شش ولایت که بدهن کوچک برداشته قبل از اینکه معده را پاره کند بشکم نرسیده دهن را پاره کرده و لقمه متلاشی گردید طوریکه از (۵۶) ولایات یکی در دست ایشان که شهر ابروان است و آنهم ربع ولایت و حالیکه با الاستقلال سلطنت نکردم بلکه بکنوع استقلال داخلی و تابعیت خارجی و آنهم بکنوع سلطنت که رفیت و عبادت از آنچنان سیادت بهتر و خوشتر است که در زیر استیلاء قواء بولشه و بزم هر روز مقدسات ملیه آرامنه معرض توهین و جوانان مملکت معروض به کشتارهای خونریزانه است باری گذشته از خیالی و خیال پرستی قدیمی که داشتند اقلا پس از مرور ایام فلاکت تاریخی عبرت نکردند باز هم مراکز متعدد از ممالك دول سایره تشکیلات پنهانی با نامهای مختلفه ترتیب و در زیر برده مظلومیت مشغول عملیات زنده کردن ارمنستان کبیر هستند از جمله آخرین دسیسه آرامنه حاضره احداث مرام (پان آریائیزم) است

که غوکاسوف نام ارمنی در پاریس مقالات دائر باین مقصد طبع و نشر کرده و با امضاء یغسکیان در ایران انتشار مییابد و ملثفت این معناء نیستند که (پان) کهنه کی پیداء کرده و تجدیدی ندارد و از کار هم افتاد چون بیست و پنج سال قبل از این تاریخ ملت روس طراوت و معنویت لفظ (پان) را از میان برده و از اهمیت خود در نظر ها کاستند و چون قوم روس پیروان مذهب (اورثووکس برا و اسلاونی میباشند و عرب و باغار و قرم طاغ (چورنوکوریا) و رومینیا در مذهب اشتراک معنوی دارند در دوره ارتقاء سلطنت نیکالای مخلوع و مقتول و زمان انحطاط دولت ترك با تالقین ملت روس دول بالقان را بمناسبت مذهب برا و اسلاونی متحد نموده و بجنك دولت تركیه تحریص کرده و این اتحاد را (پان سلاویزم) نام گذاشتند و بدین وسیله مضرت بعالم اسلامیه رسانیدند شد آنچه شد و ایضا در ختام محاربه بین المللی عمومی اخیرى با تلقین بعضی از مال مسیحی ملت ترك را ترغیب و تحریص بانحداد اسلام نمودند که بگونه تشکیلات اتحاد مذهبی در میان عموم عالم تاسیس و بدین وسیله فتح هندوستان و محویت انگلستان در نظر داشته و مسلمانان را آلت پیشرفت مقاصد سیاسیه خودشان قرار گذاشتند و در این ضمن بعض از قطعات ایران را بعثمانیان حق الجماله مقرر داشته بودند و این مرام را با (پان اسلامیزم) یعنی اتحاد اسلام تسمیه کردند ولی از توجهات غیبیه و اثر فطانت ذاتیه ایرانیان بلائی بود که بخیر گذشت و مقصد اجانب بانجام نرسید رجوع بمقصد از این لحاظ است که همسایه قدیمی ما فعلا مسئله پان کهنه و قدیمی

را تجدید کرده و با ایرانیان بان آریانیزم یا خود بان ابرانیزم شده یعنی کلیه افراد نژاد آریاء را در يك رشته منظم ترتیب داده و قوم ترك و افغان و هند و غیره را از میا داشته و يك ایران کبیر تشکیل داده در این ضمن موفق بزنده کردن يك ارمنستان کبیر قدیم را موفق باشند و در زیر سایه بان آریانیزم نائل آمال دیرینه باشند و ایران را وطن اصلی و ایرانیان را برادر بزرگ نامیده و چنان خیال می کنند که در ایران و بلکه در کلیه عالم اسلام کسی پیدا نخواهد شد که از فکر انقلابی و مقصد ملی این قوم خیالی حالی نشده تابع افکار مضرة ایشان شده از اصلاحات داخلی و تأمینات مملکتی و تعمیرات مخروبه های صد ساله دست بردار خواهند شد و خیال پرستی شان بمقامی رسیده که ملنفت نیستند فعلا ایران تازه و فکر جدید و سلطان نو از این فکر ما چرا جویانه صرف نظر کرده مشغول اصلاحات داخلی هستند و آنکه می مکر نفس نفیس و شخص شخیص منجی ملت و ملغاء کننده اصول منحوسه کاپتالیسیون با آن وجدان پاک و فکر دور اندیشی که موهبه آله است از تربیه افراد ملت و اصلاح فارغ نگشته بانچنان خیال (بان) که نه تضییع وقت نمیکند و با تمامی ملل و دول معظمه عالم بنای ائتلاف گذاشته و با علاقه دوستانه معامله کرده و با تمام خلق خدائی محبتانه رفتار می کند کجا اینکه يك دولت اسلام و همسایه ترك که از جهات تهدیدیه علاقمند بوده و ارتباطی دارند عمده ترین علاقه محبت کلمه جامعه مقدسه لا اله الا الله است پس این شماره را بایک مصرع مشهور ختم نموده و

بگوئیم (آن سبب بشکست آن بیمانه ریخت) ایران بفکر پان شرکت
 نکرده و با قوم خیال پرست ارامنه با حرکات انقلاب حیوانه مال نزدیک و
 همسایگان را متنفر نمی کنند و دیگر اینکه محض بنام خیرخواهی نوع
 بشری مطلب مهمی را پیش انظار قارئین گرامی داشته بدان وسیله گوشزد
 آنها می کنم بلکه بهتر ملتفت باشند بشکسته دقیقه که عبارت باشد از قرار
 گذاشتن ملت مسیحی و دول معظمه نصارائی این قوم ضعیف را آلات ملعبه
 و بازیچه سیاسیات خردشان که در هر عصر و زمانی با یکنوع دسایس و لطائف
 ارامنه را معرض قتل و کشتار گذاشته و بوسیله آنها مقاصد فکریه خودشان
 را انجام داده اند و تاریخ بخوبی نشان میدهد که آنچه ذکر حقیقت واقع
 است و الان کماکان و بنظر متفکرین مکشوف است در اداره (زاقاستورق)
 و (آراردور) و (پرس آذ) اغلب مستخدمین از قوم ارامنه بوده انگشت
 سیاست ملعونانه دولت بولشه ویزم شوروی است و این معنار را که خصیصه ملت
 ارامنه است پنهانی نبوده جهاری و آشکاری است و چنان زعم دارند که تاریخ
 فقط در لندن و شهر ایروان ارمنستان تحریر می شود و در مملکت ایران
 تاریخ دان و تاریخ نگار وجودی ندارد حالیکه در این خیال خطای عظیمی
 دارند و نمیفهمند که افراد مسلمانان دوست را از دشمن تمیز یافته و بی
 شک را ارشک و انسانرا از خشب مسنده تفریق و تشخیص می دهند و علاوه
 بعض اشخاصی در ایران میتوان پیدا نمود که ملتفت دسیسه پان آریائیزم بوده
 و بهتر میدانند که بچه ملت مبتنی است ارامنه ایران و اوطان اصلی و خود ایرانیان

را برادر بزرگ بنظر میدهند و غیر از زنده کردن ارمنستان قدیم در میان ایران کبیر مقصدی دیگری ندارد توضیح اینکه اگر ایران وطن اصلی ارمنستان و ایرانیان برادر بزرگ ایشان است پس چرا ده سال تقریبی قبل از این تاریخ موقعیکه همسایه قدیمی ما در ظرف مدت سه هزار سال یکدفعه اسب سوار بوده و شهسوار میدان سیاست شده و مدیر امور حکومت يك منطقه گردیدند اول کاری که کردند همان شد که بد مستی خودشان را بایرانیان نشان داده اسب خودشان را در سینه مادر وطن اصلی جولان و ابتداء شمشیر ظلم بر روی برادران بزرگ خودشان آخته و ضربه هولناک بر سر شان زدند و تیر جگر سوز را بر جگر افراد نجیب ایرانی پرتاب کردند حالیکه خودشان بهتر میدانند و تاریخ نگاران مینگارند در سال (۱۸۹۹) و (۱۹۱۶) در موقع قتل و کشتار آرامنه با دست جلاد بیرحم تر که نماینده رسمی ایران و ممثل دولت مذهب جمفری بخلاصی آرامنه کوشیده و در راه نجات شان سیمها نموده و زحمتهما کشید و نمایندگان دول معظمه مسیحی آسوده و ساکت نشسته بان وقعه هولناک نظر میکردند مگر عوض آنگونه جانفشانیهای ایرانیان در قبال محبت های فوق العاده در زمینه استراحت ایشان از زمان شاه عباس کبیر تا زمان درخشان و دوره سعادت بهلوی که روی قبول دیده اند و آسوده نشسته اند فقط همین قاتل بر حمل اسلحه شدند هموطن را به کشتار گذاشته و برادری فراموش کرده آتشی را مشتعل کردند که حالا اثرش باقی است و نمونه آن قتل و کشتار شهر اورومی و یغمای سلاسل و محاصره شهر خوی و هجوم

باطراف ماکو و اسنخوانهای مقنولین و مظلومین در کنار دریای ارومی
 مشهود است و زیاده بر این مناسب وضع این رساله نیست که نکارش دهیم
 همینقدر يك وثیقه تاریخی که از دوستداران ملت ارامنه در بیان هویت شان
 بیادگار مانده اشاره مینمائیم طوریکه (استانکه و بیج مشهور در کتب مقدرات
 ملل صفحه (۲۷۷) رجوع بان کتاب کرده اخذ معلومات لازمه نمائید و
 در يك بند مخصوص خود مینویسد وقتی امپراطور روس پیوتر کبیر در
 قصبه اوچ کلیساء بقریه و اغار شایاد مشهور است به مات ارامنه اشاره کرده
 و بدستگیری خودش بنجات و خلاصی ارمنستان وعده موهومی داده ایشان را
 امیدوار به آنیه نمود باهمان و عده دروغی دوست من یعنی قوم ارمنستان فتنه ها
 برپاء و انقلاباتی تولید نمودند که نفوس بشری از نام انسانیت منفعل است
 حالیکه امپراطور روس ایشان را آلت ملعبه خویش قرار گذاشته و قصد
 داشت که با وسیله ارامنه دار دانیل را فتح و دریای سفید را بحیطه تصرف
 آورده و مقاصد قلبیه خویش را اجراء نماید و معلوم است که مرام پیوتر
 همان تصرف ممالکت قفقاز و تسلط به ایران و تسخیر هندوستان بود چنانچه
 در وصایای خود تصریح کرده و ملت روس این مقصد را مکرراً بموقع
 اجراء گذاشته اند ولی موفق نشده اند و فعلاً در مخلیه خود شان پروریده و
 در زیر پرده (بولشه ویزم) و قومونیزم یعنی اشتراکیون اباجیون با عنوان
 (پیروله تاریا) یعنی فقراء کاسبه مرام پیوتر را بکار میبرند مثلاً از یکطرف
 دیانت و ملیت و نسب و حسب و ثروت و وطن و حدود و مقدسات را ملغی

کرده و از طرف دیگر دول سائر را با انقلابات مخفیانه مضطرب و فراربان و پناهندگان ملل خارجه را محکوم باعدام میکنند و حدود را با سیم های خاردار مسدود و اهالی مظلومه را با انحاء مختلفه مقهور میکنند این نیست مکر فکر امیربالمستی و نهایت با آن شکل قدیمی قادر باجرا ف فکر جهانگیری نشده بوسیله لغو کردن امور دیانتی و سلطنتی مصمم باجرا آن هستند و غافلند از اینکه تدبیرات انسانی با تقدیرات آسمانی موافق نیامده و همواره مقاصد خبیثه ایشان بتوسط سلاطین با شهادت اسلام عقیم مانده و همیشه دست غیبی به سینه آن قبیل نامحرمان زده و از محارم اسلام دفع ورد نموده و امیدواریم که در اندک زمانی این دسیسه منفوره روسها که با شکل و حشت و بر بریت اجراء میکنند متکشف شده مقتضی عام و رسوای عالم بشوند بعون الله و بنام بیداری از غفلت این مقدمه ذیلیه را ختم مقاله ارامنه قرار گذاشتیم و بصدا رسا بگوش همسایگان قدیمی خود مان می رسانیم که ایرانیان و خصوصاً دیپلوماسیهای طهران کله دوز شیطانند برای اینکه در جنگ بین المللی اخیر از اکثر دول و اغلب ملل عالم اشتراك نموده و با خسارات معنوی و ضرر های مادی از آن بلای عمومی تخلص گریهان کردند و دولت تزاری روسی زاید از دوازده میلیون قشون بمیدان جنگ اعزام و به جهدهای مختلفه ارسال کرده و زاید از نود میلیارد منات مقروض متعین داخلی و خارجی گردید و همکذا سائر دول ولی دیپلوماسیهای ایرانیان اعلان بی طرفی کرده چند و قدر کنند و سحر و چند بارگاه و یونجه بیازار دنیا گذاشته و چند نفر سرباز به مبره

گذاشتند بمهمانان ناخوانده و با خوانده شده با تلقین مراتب علیه دو کلمه متداوله ایرانی را استعمال کردند که عبارت باشد از اینکه آقا مرحمت شما زیاد و یا اینکه آقا عمر شما کم با این دو کلمه بی مایه و کاه بی سرمایه يك ايران مستقل و متمدن و مرفق و منجّدد بجامعه بشریه تقدیم داشتند و بعموم عالمیان اظهار نمودند که اسلام باقی و لایزول است و الی الابد بایدار است و با این چند سطر تحدیث نعمت می نمایم (و اما بنعمه ربك فحدث) و شکرها داریم که عالم اسلام را يك قوه غیبه همواره از سوء قصد اجانب خلاصی بخشیده و تبلیغات مادی و معنوی ملخ مسیحیه را بدون ترتیب مقدمه از ناصیه اسلامیّه عقیم گذاشت و لازم است که ملل نصارتی را متذکر نمایم از اینکه هر چندیکه چند صد سال است مسلمانان از قافله تمدن يك اندازه عقب ترند با این وصف چندین عوام و ساده دل نیستند که بهر کلمات باوه سرایان گوش داده و مقالات هرزه گویان ملل ماجرا جویانه را مرام عمومی قرار گذارند و هر چندیکه بالخصوص صنوف سافله عمله و فله را از ایرانیان دیده و چند نفر حمالهای بی سر و پا در جسر اسلامبولی و معدن باد کوبه بکارهای بست مشغول بوده متقبل هر گونه زحمات معاشی می باشند این معناء ملازمه ندارد که تمامی طبقات ایرانیان حمال و معمار و نجار باشند و چرا ملتفت این نکته نیستند که همان عالم اسلام و ایران است که فضایی نامدار در صفحه روزگار نام مدنیت بیادگار گذاشتند از قبیل شیخ ابوعلی سیناء و محمد ابن ذکریا و عرفای عالمقدار مقتدای اهل طریقت در مسلمانان بسیار

است از قبیل ملای رومی و شمس تبریزی و شعرای نازك فهم و دقیق شبیر و شعرای مال عالم شدند مثل شمعی و حافظ و جلال الدین دوانی و باید بدانند که شاه عباس کبیر از مسلمانان است که صیت عدالتش فضاء کره را پر کرده قطعه از جلفای ارس برداشته در اصفهان بناء نمود و آثار خیریه اش در نك کره تقریباً الان مشهود بالعیان است و مگر نادر را ندیدند که از نوادر روزگار بشمار است که با صیت شهادت کره را به تزلزل آورده و دول دنیا را بعظمت اسلام سر فرو نمود (هر چندیکه دکنر روزی هولاندی از اثر بی حیائی که دارد در مدینه اسلامیة خود نادر را از خودشان میداند) و کارگران ایرانی را در ممالك خارجه دبدہ اند و میرزا محمد حسین خان مشیرالدوله را هم دبدہ اند که از یگانه سیاسيون عالم بشمار است و میرزا تقی خان امیر کبیر ابرای را شنیده اند که داهترین عصر اخیر است و متفکر بن عالم فکر صائب و ذهن ثاقب آن مرحوم را تقدیس می کنند و مناسب است که يك نکته مهمه در فطانت ایرانیان را ذکر نمایم چنانچه یکنفر از مورخین فرانسه مینویسد که آیا چند نفر داهی در این عصر اخیر قدم گذار عالم مدنیت شده اند (جواب) چهار نفر آنها کیانند (جواب) ایشان عبارتند از (بسمارق) که صدراعظم دولت آلمان و مؤسس اصول سلطنت حاضره ایشان و دوم (کلادستون) تاسیس کننده دولت بریطانیای کبیر است و سیم (مدحت باشای) عثمانی که صدر اعظم سابق و مؤسس قانون حریت و مشروطیت و چهارم (میرزا تقی خان امیر کبیر ایرانی) سوال آیا کدامین یکی از

این چهار نفر اعظم است در دهائی (جواب) امیر کبیر بنظرم اینکّه بزرگ -
 تر از چهار نفر است که ذکر شد (سوال) عجباً در این چه حکمت است
 که از وجود (بسمارق) و (کلادستون) ملت آلمان و انگلتره استفاده
 نموده و از آن دو نفر بجامه ملیّه منفعتها عاید گردید ولی از این دو نفر
 نفعی در حال حیواتشان ظهور نشد (جواب) چون افراد ملت آن دو نفر
 سابق عالمتر و قدر دان بوده و لیاقت با استفاده از آنها داشتند بالعکس ولی
 محیط آن دو نفر شخص بزرگ دنیا جاهل بوده و قدر دانی نکردند هم
 خودشان را ضایع و هم حقوق معنوی آنها را تضییع کردند رجوع بکلمات
 (هانری دارغون فرانسوی) این را قم بنام تاسف از عالم اسلام اجمال تاریخ
 مدحت پاشا و امیر کبیر را بنظر قارئین گرامی تقدیم میدارم اما مدحت پاشا
 تنزل عالم اسلام و انحطاط فوق النصور ملت غیور ترک را مشاهده کرده در
 این باب سعی و عمل و معاصر بودن با ملل همسایه را شعار کرده و غافلین
 را هوشیار مینمود و جهلا و طالبین نفع تبمیدش کرده و بلندن پای تخت
 انگلستان باقامت مجبورش نمودند و در زمان اقامت خودش مقاله ها تحریر
 کرده و تاسف از عالم اسلام مینمود و ختما خطاب بمات ترک کرده توهینات
 وارده را اشعارا معلوم میداشت که توهین وارد بر ملت ترک باندازه ایست
 که از سی و شش ملیون نفوس ترک اسلامی خودم را يك فرد ضعیف محسوب
 داشته مقیاس می کنم که آن توهین از بالای شانه ام تا باسمان است از این
 مقاله ها ملت ترک متأثر شده آن مرحوم را باسلامبول جاب کردند و باز هم

تعیین مقصد اولی خویش نموده تکرار بشهر طائف ارسال و در آنجا
محبوس نمودند و در محبس نامه ها و توقیف و بخانه اش نوشته و به حسن
نظم فرزندان ارجمندش و برفیقه حیوانات زقت آور اشعار کرده که قلب
هر علاقمندان ملت را محزون می کند و در آخر در حبس خانه مجبور
باستعمال زهر نمودند و با آنحال اسف اشتمال وداع حیوای فانی را نمود
(رجوع بتاریخ مدحت پاشا کتابی است عالی) و اما میرزا تقی خان امیر
کبیر داهی ایران آنچنان شخص عالی کمتر بهجامعه ملایه از مادر وطن هدیه
شده ولی از اثر جهالت و فساد اخلاق عمومی و خصوصی بزرگان مملکت
مانع شدند که از وجود آن داهی اعظم استفاده شود و ناصر الدین شاه
که جوانی بود کم تجربه اغواء کردند امیر کبیر را عزل و بکاشان فرستاد
در آنجا با سوء حال تلف گردید با این وصف در اندک زمان خدمات شایان
بایران نمود در مدت صدارت خود فتنه های مملکت را اسکات امور نظام
و مالیه را مرتب صنایع و علوم را ترویج و دار الفنون احداث و روزنامهها
ابجاد کردن از کارهای این شخص بزرگ است همینقدر لازم الذکر است که
چهل سلطان و اغواء درباریان ایران اگر در میان نبودی آن دوره فطرت و
ایام جاهلیه روی نمی نمود و آن مسکن و ذلت بعالم اسلام حک نمی شدی
نمی شد رحمة الله علیه رحمة واسعة .

(شماره ۵ از فصل سوم)

(۵) (رجوع بمقصد) و بدیهی است که جنله بین المللی اخیری بکنوع

معارضه علم با جهل و بلای عمومی و خانمان سوزی بود که کرورها نفوس مظلومه بشری را تلف و با آتش قهر و غلبه هر خشک و تری را سوزانید و رقابت چندین سال دول معظمه دنیا و گردنکشان عالم زمینه جنگ را مهیا ساخته (رفت چه ها رفت که هر گز مباد) و خصوصاً عالم اسلام و باالخاصه ایران ما قبل از جنگ عمومی به مرض تشنج مبتلاء هر روز یکمنطقه از دست مسلمانان خارج و بتصرف ملل اجنبیه داخل و حقوق مسلمین در زیر فشار دول استعماری و استعماری محو و اموالشان غصب کمتر بن ظلمهاییکه بر افراد اسلامی وارد می آمد همان است که با تابعیت دول اجنبیه و تحت حمایت آنها بودن برای مسلمانان افتخار تمام بود و رجال معظم اسلامیان با ادنی و سایل ممکنه از دول اجنبیه و مامورین آنها نفی و تبعید میکردید و مخدرات ملت بازبچه اشخاص بی شرافت و بست فطرت میشد اجمالاً مقدسات دینییه موهون و حیثیات ملییه با بمال و معابد ملوث با پای اجانب بوده طوریکه از نگارش آن با اشاره اجمالیه اکتفاء نمودیم اکثر متفکرین عالم باضمحلل حقوق اسلامییه با قید ابدیت قطع کرده و خود مسلمانان از فرج بعد الشده مایوس گشته از هیچ طرف راه نجاتی برای خودشان تصور نمیکردند در این حال که شیر و خورشید ایران خسوف تمامی داشت و ستاره درخشان سایر دول اسلامییه در پس پرده ابرهای ظلمانی کم نور و بی شعاع بود غفلت از اثر توجهات غیبیه و فیوضات معنویه غیبت الهیه چنانچه در پاره ازمنه سابقه حافظ دین اسلام آن قانون مقدس الهی را چون بعث بعد الموت از تنزل

و انحطاط به اوج ترقی و اعتلاء رسانیده هکذا در اواخر دوره جنگ بین المللی ترتیبات مقدمات ملل مسیحیه را در باب محویت اسلام و ایران بی نتیجه و بانقلاب داخلی و اشتغال بمنازعه خانگی جمعیت آنها پراکنده و قواء نظامیه ایشان پریشان نور اسلام و شیر خورشید ایران از زیر ابرهای متراکمه نور افشان و با ضیاء معنوی خود تابان و فروزان گردید و از نژاد خالص ایران و از خود افراد اسلام يك شخصیت تاریخی و ناغۀ داخلی قدم گذار عالم سیاست شده با تأییدات غیبی و امداد لاریبی با فکر صائب و ذهن ناقب خود باك كردن خاك باك اسلام را از لوث وجود مشاقران و معلمان خارجی را آمال خویش قرار گذاشت بدین وسیله خدا پسندانه بكمده نظامی از افراد غیور اسلامی ترتیب و اصول حرکات شان را از روی قانون نظام تشکیل و دو سرکار با وجود نازنین محبوب خود شمشیر اسلام را حمایل با علاقه دیانت نموده و برق ایرانی را با ارتباط کامل با امور ملیت حامل و با قید خدمت بشریت فرماندهی کل قواء را قبول و با سر نازنین خود تاج کیان را بعدا مزین و با وجدان باك و انصاف تاجداری خود مناسب ندید که در میان هرج و مرج مخدرات رشت و دوشیزکان شهر ارومی و دختران شهر ساماس ملعبۀ دونان و پست فطرتان گردد از این است دامن شرافت اردوی مظفر اسلام را از لوث وجود مشاقران و معلمان خارجه باك و موفق به تنظیم تیپ غیور از افراد جسور ایرانی شد و متمردین ولایات و سرکشان ایالات را دفع و ایلات غاصبه

با عطوفت ملوکانه تادیب و روساء قبائل را مطیع اوامر شاهانه فرمود و اساس ملوک الطوائفی را قلع و ریشه انقلابات را قمع و تشکیل اداره امنیه که سالهای سال میبود که ایران محروم از اینگونه اداره منتظمه بود تشکیل و بنام تامین حقوق قضائی و دیعه الهی اداره عدلیه تاسیس و «م ایرانیت را پس از اندراس زنده و اصول منحوسه کابالسبون را مانعی فرمودند (عبارت است از اننیازات دول اجنبیه بر علیه دول اسلامی ضعیفه از پانصد سال متجاوز میباشد که اسلامیان زیر فشاران اصول ظالمانه در زحمت بودند) و نماینده ایران در جامعه مال اثبات وجود نموده و محافظه حقوق حقه اسلامی را مینماید و با نمایندگان دول معظمه او را با زانو بزانو نشسته اجراء حقوق قوانین متقبله مینماید حالیکه چند سال از این تاریخ اینگونه مذاکرات حقوقی برای مسلمانان مشکل تر بود و بحمد اله فعلا در زیر سایه ولی عصر عجل اله فرجه و اثر اقدامات بگانه امید عالم اسلامیت شاهنشاه دل آگاه مہین شہربار کینی مدار اعلی حضرت پهلوی خلد اله ماسکه از فضل الهی و از برکت دیانت مقدسه اسلامی با کمال شرافت و مفخرت امرار حیواة مینمایند و خدمت بزرگی که تکمیل صفحات تاریخی آن شہربار عادل نماید باقی مانده که عبارت است از اصلاح اخلاق فاسده جوانان مملکت یا معارف دیانت و جاوگیری از تقلید کورانه اجانب و تاسیس مدارس عالیہ علمیه دیانتی و تکثیر مبلغین و داعیان حقیقی برای پیشرفت امور ملیہ در قبال (مسیونر های) اجانب که عمده ترین وسائل ترقی و اعتلاء مال حیه

عالم با همین تریق است و اوقاف و صدقات و نذورات و کفارات و سایر وجوه بر اسلامی بهمین مقصد مقدس عالی صرف شدنی است و تر و بیج اینگونه مقاصد مهمه عالیّه در سایر ملل عالم مشکل است ولی از برکت دیانت حقّه اسلامیّه زمینه دعوت و محل جمعیت از هر چیز آسان تر است چون حصول اجتماعات منوط و بسته بر يك بیرق مشکی است که از معبر آویزان شود نتیجه مقال اینکه در ختام جنگ بین المللی عمومی در قبال سیاسيون اوروپاء و قواء حریبه ایشان از قبیل طووبهای جدید الاصول شاید ری و هوسیری و موریتری و تانقهای محیر العقول و پلس های آهنین و آپروپلان های بلند پرواز جنگی و کشفی و حملی و (مون پلانهای سربعه اسیر و سفینه های بری و بحری و (موتوسکلت و ویلسپید و اسلحه ناریه و اجزاء انفلاقیه و سائره هیچ گونه قوه مادی در میان نبود که حافظ اسلام باشد این نیست مگر يك قوه غیبی و مدد لاریبی که اسلام را بحال حاضر رسانیده بمحوم عالمیان اعلام نمود که دین اسلام باقی و لایزول است و دشمنان را از حریم الهی دفع نموده و خواهد نمود اگر خدا نکند مسلمانان قدر نعمت عظمای امنیت ندانسته و شکرانه دیانت حقّه اسلامیت را ننمایند مذلت از سر گیرد و ایام جاهلیت عود کند (اندر طبیعت است که باید شود ذلیل) هر ملتی که راحتی و عبث خو کنند) لازم است ~~که~~ معنی عصر سعی و عمل را دانسته و ملتفت شوند (که ایس نلنسان الا ما سعی) اللهم والنصر الاسلام والمسلمین و ابد جیوش المسلمین و المنصره سلطان المسلمین والنصره بالنصره بئ الاام

بحرمة سيد العرب و المعجم و بالقرآن الاعظم ولاثيما با النون و القاسم و انصرنا على عدونا ولا تساط عايضا من لا يرحمنا و ارحم السلاطين المرشدين الاسلاف و النصر الملوک المهدتين الاخلاف و النصر غزاة المسامین و ارحم المجاهدين من جيوش المسامین فی سمیل الحق و الیقین و صلی الله علی آل طه و یسن الله الحق آمین

ختمام حصه اول از بعد تاریخ اسلام و ظهورش الی
سومنا هذا و لنشرع الی الحال الحاضر معون الله و
تأییداته

فصل (۴)

شماره (۱)

قسمت دوم در بیان حال حاضر اسلام و تجلیات معنوی این دین حقیقی و افکار فلاسفه عصر در آتیه آن اولا تبلیغات و یا خود اعتراضات بعضی از صاحبان اغراض شخصیة از ملل مسیحیه را ذکر و توهینات غیر لایقه ایشان مبنی بر چه سیاست دنیه است مکشوف داشته پس از آن حقایق واقعیه و نکات بر جسته مذهب عمومی اسلامی را مطابق علوم عصریه با عبارت ساده و مفهوم سهل تقدیم متفکرین مینمائیم

بدیهی است طوائف نصارای در حق خودشان مدعی صدق و امانت بوده و ملل سائره را وحشی و بربری مینامند لذا کلمات خائنانه و افکار وحشیانه

بعضی از آنها ملاحظه کرده صدق و امانت مدعیان کاذب را مبرهن میداریم چون با الفعل وسائل طبع و نشر کتب مؤلفه نکارنده موجود نیست لذا با اجمال تهمت و افتراء صارا ثبات بطریق فهرست مختصر معلوم و محل آن را نشان داده شروع بمقصد مینمائیم چون مقدسین و روحانیان مسیحی غالباً آلت سیاست و دلال حکومت خودشان هستند و مکرر دیده شده که بعضی مبلغین آنها بمیان اهالی یکمنطقه داخل شده و نشر مقاصد دینی کرده و اندکی نگذشته که کله سیاسی از میان ظاهر شده و پس از آن قوم غاریه و نظامیه حاضر گردیده بناء بر این آنانیکه از مجررین و مبلغین مسیحی از دولت متبوعه خود معاش گرفته و خدمت ماهبانه و سالیانه میکنند برای ایشان عین فرض ذمه است که بعضی دروغهای بیفروغ بدیانت اسلام بسته و بنظر اهل عالم ارائه کنند و باعث مزید رتبه و زیادی مواجب آن گونه دلالهای سیاست ردیلانه شود و این قبیل اشخاص که دین را آلت غرض شخصی قرار گذاشته و برای خوش گذرانی پنجروزه دنیا انصاف و وجدان و تمامی فضائل اخلاقیه را زیر پا گذاشته و چیزی را که مهم است بجیزی غیر مهم میفروشند و کلماتشان در نظر صاحب نظران قیمت ندارد

مثل دکتر دوزی هولاندی اول یکنفر کشیشی بود بعداً پروفیسور دارالفنون (لابه) و اعضای آکادمی (مادرید) واز جمله انتقادیهون گردیده و هاشم شامی عربی که بقران مبین ایرادات لفظی و نحوی نوشته و آن صنعت ردیل را وسیله معاش قرار گذاشته اینقدر انصافی ندارد که آورنده

قران اقلا از منبع فصاحت و از دوحه بلاغت است و من حق اعتراض و نكنه گيرى ندارم هر چه بزبان مقصدت ثبانش جارى شده من غير حق آن را ارشته تحرير آورده و نويسندگان كتاب الهداية چاپ مصر بمعرفه مرسلين امريكائى كه وسيله معاش چند نفر از اعضاء هيئت تحريريه است و ضمنا حقيقت را فداى اغراض شخصى دينوى كرده اند و مرتكب هر گونه رذالت كذب را شده اند و از اين قبيل است صاحب ميزان الحق پروتستانى و ايضا فليپ پادري انگليزى ويلسن و سائره كه افتراءات و دروغها بقران و خود مسلمانان نسبت داده همه شكفت آور و روح هر صاحب وجدان را بنام بشريت متفر مينمايد .

مثلا ملاحظه فرمائيد كتاب (ثمره الامانى) را از تاليفات ايشان (صفحه ۷۹) مينويسد بموجب آيه قران هرون برادر موسى عليهما السلام بت پرست شده البكه قران از انچنان بهتان مقدس و منزّه است و خود كلام الهى درميان است و در حق هرون حكايت ميكنند (و لقد قال لهم هرون يا قوم انما قنتم و ان ربكم الرحمن فاثمنوني و اطيعوا امرى) بنى اى قوم شما امقحان شده ايد (در حق خدا پرستى) و تحقيقا پروردگار شما رحمن است پس تابع مى شويد و قول مرا اطاعت كنيد (ايضا ثمره الامانى) صفحه سيم مينويسد كه دين اسلام داراي امورى چند است از خرافات و ضلالات و مواد طفلانه و مدتى است بنام توحيد و يكانكى خدا پيچيده مردم شده و خودش بت پرستى است راقم ملاحظه فرمائيد خرافات بت پرستى از تاريخ

نزول قرآن تقلیل یافته و قرآن عظیم الشان در سوره النساء ایة (۱۶۹) مذهب بت پرستی نصارا می کنونی را ذم و تبقیج مینماید (لا تقوالوا ثلاثه انتموا خیرا لکم انما الله واحد) از سه کانگی خدا به پر هزید و خدای یکی است و بدین سبب است که قرآن را با خرافات معرفی میکنند آیا اینگونه رذالت دروغ بنام دین و دینداری مرتکب میشوند که هر صاحب وجدان از این گونه فواحش انفعال دارد و ایضا کتاب الهدایة تالیف جمعیت مبشرین و مرسلین آمریکائی در جزء (۲) صفحه (۴۲) کفنه قرآن برای رعایت سجع در کلمات قائم نام پسر آدم را قابیل نامیده در مقابل هابیل از قضاء در قرآن لفظ قابیل موجود نیست از معده می نویسند (ایضا کتاب الهدایة که بمعرفت مرسلین از امریکائی طبع شده در جرئت و دروغ در باره حضرت رسول خود داری نکرده اند بی شرمانه نسبت با مقام مقدس تجربات زشت نموده اند کتاب عظمت اسلام را با کلمات زشت و ننگ آور آنگونه اشخاص پست بنام دیانت ملوث نمودن منافعی مقام عالی مطبوعات و تحریرات است با اجمال اشاره میکنم کتاب الهدایه صفحه (۶۹) مینویسند که پیغمبر اسلام زن پسر صلیبی خود را تزویج نمود الی اخره حالیکه هیدمقدر نمی فهمند که زید پسر حارثه از قبیله کعب است پسر صلیبی ان بزرگوار نبوده سهل است از قبیله هاشم هم نیست بلکه از قبیله کعبی می باشد و از فارغین کرامی انصاف می طلبم که بکتاب مبدء الاسلام این راقم مراجعه نموده ملاحظه نمایند که در تزویج زینب چه حکمتها و در طلاق ان چه سرها

مرموز است و خود قرآن در این موضوع چه حقیقتی را متکفل به بیان آن شده و تصور کنید این قبیل اشخاص ظاهر خودشان را چون فواحش آراسته امراض فکری را چون مرض سفلیس و سایر امراض مسریه با افراد بشری آزریق میکنند و با حسن ظاهر و خبت باطن عالمی را خراب و جهانی را برباد مینمایند اجمالاً کاتبه کسانی که بر مقام مقدس عالی قرآن و موقع شامخ اسلام توهین وارد آورده عالماً ابراد غیر محقانه میکنند غیر از تأمین معیشت چند روزی خود و افراد عائله اش چیز دیگری نیست چون برای پیشرفت مقاصد سیاسیه دولت متبوعه خود شان مرتکب اینگونه اعمال تنگ آور میباشند .

طوری که مجله (ارشاد بغدادی صفحه (۴) و (۵) عدد (۳۲) روز شنبه سنه (۱۳۴۵) مقالتی از صلیبیان نقل نموده با امضاء موقع و منسوب جمعیت عالمیه صلیبیه برای عبسوی کردن عالم و مخصوص نصرانی بودن بلاد عرب و مرکز این جمعیت عماره (۱۹) اهلیندرود - ابرنورود لندن رئیس مستر (ایسند) مراقب (قس بارکلین) حرکات متجاسرانه این جمعیت باندازه ملعونانه و کافرانه ایست که شخص علاقه مند دیانت را مجبور بمطالعه کتاب عهد عتیق و جدید و کشف اغلاط و مهملات آنها مینماید

(اول) مینویسد جماعت نصارا دعا کنید بنام ارشاد قوم عرب تا خداوند آنها را نجات دهد از شیطانیکه برای آنها کتابی پیسوده تهیه کرده . فریب خورده اند و آن قرآنی است که جای کلمه الله الحیه انجیل را گرفته

(مقاله ۲) مینویسد حجاج از منازل دور و دراز برای زیارت مکه می آیند شهری است که پیغمبر کاذب انجا تولد یافته (کافر من اگر ایقوم که دیندارانند) منصفانه و بیطرفانه آیات قرآن و ترجمه آن را مطالعه می نمائیم و ملاحظه میکنیم که فرموده (ان الله يامر بالعدل والاحسان و ابتاء ذى القربى الخ) که عین مدنیت واقعیه است و ایضا در موضوع عطوفت و حفاظت نوعیه (من قتل نفساً فکأنما قتل الناس جميعاً) و در باب نهی از لیهویات (انما الخمر و المیسر و الانصاب) فرموده و همکذا و پس از مذاقه کامله یقین میشود که قطع نظر از عالم مشروبات و آخرت لابد است در عالم دنیا که قانون منتخب از قرآن معمول و مجرای کرد و لاغیر و انکهی نظر بانجیل چهارگانه و تورات قدیم نموده ملاحظه مینمائیم که غیر از زنای ابتداء و شرب اولیاء و جسم شدن خدا و نظائر آنها چیز دیگری مصادف نظر نیست ملاحظه کنید اول انجیل یوحنا را (مسیح کلمه بود و آن کلمه نزد خدا بود و آن کلمه خدا بود و تمام آفرینش جهان از او بود) بامیزان عقل سنجیده معلوم میشود که پیروده قرآن نیست بلکه انجیل حاضر است بلکه تناقض در عالم امکانی ندارد و هیچ پیدا نشود مگر در انجیل یوحنا زیرا خدا کلامه نشود و کلمه خدا نگردد و انکهی آنچه نزد خدا است غیر از خدا است علاوه کلمه صفت و فعل است و غیر از متکلم است آنست که (جبروم) نام از علما نصاری چند جلد تفسیر نوشته باشد که این آیه را اصلاح کند ممکن نشده در آخر رفو و اصلاح کرده با آنکه خدا باخون

مریم آغشته و بدنیا آمده چند روزی عالم را اصلاح کرده و بدست جهلاء با کلاه خارا آکین بدار آویخته شده از بدن عنصری تجزیه و بمقام اصلی خود رفته از قضا اصلاح جبروم افساد عظیم است و عذرش بدتر از اصل گناهش شده و از وسط انجیل مروض داریم چون وقت تشریع جمیع کلماتش نداریم انجیل میگوید حضرت مسیح در شب عروسی بسر کدخدای از دهلیز خانه شرابی اعجازی تهیه و باهل مجلس هدیه کرده تمامی حضار از صافیت و لذت آن در عجب شدند کتاب روحانی يك قوم و پیغمبر رانای یکمالت الایاذ بالله بقول انجیل اعجازش با تهیه ماده خبیثه ام الفساد (الکولی) باشد آیا حق دارند که بقران سرمنشا افتخار عالم انسان بقول نابلدون اغراض کرده بیهوده خواتند عجب نیست عجب از دستگاه خلقت است که عتل بشری از درك اسرار وی عجز تمامی دارد انگونه میکرو بهای عالم عرفانیات چرا منصفه شهود قدم گذار شد و توهین بمعلم و استاد خود نمایند و از عیوب خودشان چشم پوشیده کورانه به پرتگاه مهیب مدروند نظیر آن قضیه ایست که شخص پیر عایل و ضعیف و فقیر با قد خم و موی سفید چشمهایش از وجع اشک ریزان با این وصف عاشق جوان با ثروت و صاحب مکنت عده و در پی معشوقش به بازار و برزن دوان و در عشق آن حیران بوداز صاحب نظران یکی ملنفت این معنا شد آهسته نزدیک پیر یحیا نام آمد گفت

(قد خم موی سفید اشک دمام یحیاء)

(تو باین حالت اگر عشق بنازی چه شود)

و این رافم هم میگویم ای برادران مسیحی با آن تورات خرافات که
 خدای عالم را بدر خانهٔ هر یقه‌میر سائل وار گردانیده و با آن اناجیل موهومات
 پیغمبر انرا آلت لهو و لعب هر اشرار شراب خوار و زناکار نموده و با آن
 اباطیل بولس که بفرسیسیان نوشته و با آن اضالیل که کشیشها در مورد
 مغفرت گناه زنان تعلیم آن بیچارگان می نمایند از سرتا پا موهومات خرافات
 اباطیل و اضالیل است

آها چه سقاقت است که بر قرآن منبع علوم و معدن حقایق بر جسته
 و آورندهٔ آن جرئت ورزیده اعتراض می کنید خوب است که مسلمانان اعتراف
 دارند بر اینکه مثل مسیحیان آبروبلان سازی و طوب اندازی و (دوتلی
 بازی) را نوعی است از مبارزهٔ قانونی) مقدر نیستند چه عیب دارد شما هم اقرار
 کنید بر اینکه ما مثل مسلمانان حقایق بر جسته قرآنی و مدنیات عرفانی و
 فضایل روحانی را ارشاد نشده ایم انوقت شما از مسلمانان اخلاقیات دینی تعلیم کرده
 و مسلمین از شما احتیاجات دنیوی یاد گرفته این دنیا از فضل الهی روح
 و ربهان گردد عجبا چرا ملنقت نیستید که فرقه ضالة بولشه ویزم و مسلك
 خبت قوه و نیزم و مذهب دارو نیزم و مرام نملیزم که همه آن ها طبیعی و مخرب
 عالم انسانیت هستند از تعلیمات بی اساس رهبانان شما مسیحیان در عالم احداث
 شد و از مغفرت ذنوب گناه کاران از طرف کشیشان برای زنان با اندازه
 اعمال تشکیل و حرکات شرمکین عکس انداز صفحات تاریخ عد که مردم از کلیه
 دیانات متفر شدند و کرة دیانات ملغی گردید از بخار غلیظ آن تمامی

عرفانیات لکه دارشد عجب از فهم مردم تقلید کنندگان است بر مذهب مسیحیان کذائی که تمدن شان عین وحشت واصل بر بریت است که در باب چهارم تمدن-الاسلام بمول الله تشریح مینمائیم (شرح ابن هجران این خون جگر - این زهان بگذار تا وقت دیگر)

فصل چهارم (شماره ۱)

(شماره ۱) از فصل (۴) تقدیم انظار قارئین گرامی میدارد که دین و دیانت اشرف مفاهیم کلیه است و از بدو خلقت بشری دین و انسان ملازم همدیگر بوده و مفارق نیست و سبب سعادت جامعه بشری و جهت فارقه انسان است از حیوانات طوریکه انسان صاحب قوه فکر بوده و حیوان فاقد آنست و فکر برای پیدایش قوه غیبیه است که بانظر واستدلال بی توان برد و در هر عصر و زمانی با هر لهجه و زبانی مر بیان جامعه بشریه و داعیان عوالم دنییه مخلوق الهی را بسوی عرفانیات و صوب فکر اصلاحیاتی دعوت کرده اند و در این باب زحمات فوق الطافه را متحمل شده و متقبل هر گونه ایذاء و جفا گشته اند و دائما باقانون تقابل در قبال نور ظلمتی و درازاء عام جهالتی بوده و هست و خیر یاش و نفع با ضرر مقابله دارند لذا در پیشگاه مبلتین حقیقت و دیانت بمعرض کساد نبکه قطاع طریق واقعی هستند اظهار وجود نموده و ساده دلان و ابلهان را بدور خود جمع کرده بنام علم و فلسفه باقی نام نام انسانیت و سیماء حقیقت را لکه دار و موهون نموده اند و با حرافات و شعبده بازی عوام الناس را اضلال و عباد الله را اغفال مینمایند و مساسکی احداث و برای آزادی از قیودات معنویه

دعوت بر بیدینی و لا اله الا الله کرده و بیدینی را مرام خودشان قرار گذاشته اند و آنگونه اشخاص از نعمت عظمای دیانت محروم و از سعادت واقعی بی بهره باشند و از امیدواری بانیة اعمال بی نصیب نه تقلید انبیاء و نه پیروی حکما و نه تابع علماء هستند و نه در علم و حکمت بمرتبه عالیّه نهاده و اصل شده اند بلکه در حد وسط علم از تقلید خارج و بمرتبه کمال غیر واصل از اینجامانده و از آنجا رانده و مساك بیدینی مرامیست که در تحت لفظ (نیجری - ناطوری) طبیعت فراد کثیره مندرج است جامع همه آنها که بمنزله جنس میباشد همانا عدم اعتقاد باخرویات است از این قبیل است (الهیون) یعنی معتقد بقوه غیبی بوده ولی منکر نبوت و مبعادند (فلسفئون) هر چیز مبنی بر فلسفه است در نزدشان قبول والا فلا (ریبیون) بالانراین مراتب شك که باقید اضطراب و تزلزل در شبهه مانده اند نه طرف عدم و نه طرف یقین را التزام مینمایند (عقلیون) آنچه عقل قبول دارد قبول است والا فلا یعنی هر چیزی را دائر مدار عقل می دانند (ذهنیون) هر آنچه بذهن بشری ننگیند مردود است (مادیون فردیون) هر آنچه در عالم محسوسات و مشاهدات است مرکب از ذرات فردیه بوده و فرد همان اجزاء است که از جزء لابنجزی جمع گردیده و با ترکیبات شیمیائی صاحب حس و حرکت شده و غیر از آنچه مشهود است چیزی دیگر وجودی از رو حیات و روحانیات ندارد و پس از تفسیح اجزاء و تفرق ماده محو خواهد شد (اشتراکیون ابا حیون) و این فرقه اخیر در میان سایر افراد طبعیون از همه بدتر و بجامعه بشریت مضرتراست (قومونیزم) تعبیر دیگری آنست که

در عالم خلقت هر چیز را مباح و مشترك بين العموم دانسته و المال مشاع بين الناس ورد عمومی ایشان است و مال من و مال وی و مال ایشان در مسلك (قومونیزم) ممنوع است و هزاران سال قبل از این تاریخ پس از فوت سقراط در یونان (دیپوژن کلبی) و ذیمقراطیس یونانی این مسلك خبیث را نشر و انتشار داده و پس از آنها (مانی نقاش) مشهور هم مجدد این مسلك شد و محو گردید و پس از آن (مزدك) نام مشهور در زمان (قباد) پدر انوشیروان با این نام اشتراکی قدم گذار عالم وحشت و بربریت شده و محو گردید بدست نوشیروان و پس از آن تاریخ در چند منطقه عالم شیوع یافته و محو شد طوریکه قبلاً نوشته و اشاره نموده ایم و دفعاتی در عالم این مسلك مضر شیوع یافته و مضرت فوق العاده به عالم انسانیت ابراث نموده و محو شده تا اینکه پس از اختتام جنگ بین العالمی عمومی در مملکت روسیه بورور (لنین) نامی از مملکت انگلنتره با طریق آلمان یروسیه که مدتی بود تبعید شده بود اعضاء فرفه بولشه ویزم در بازار و مجامع عمومی صدای (المال مشاع بین الناس) را کوش زد خاص و عام و ندای (یا صوابك جميع العالم اتحدوا) را اعلام کردند و همان جمله منصوصه روی بانقنوط حلك و با زبان عربی نقش کردند و (بنام پرولا تاربا) (یعنی فقرای کاسبه دنیا) تجمع کردند و این جمله مزبوره را در سال سیم صاعنات فتح عایشاه قاجار (کارل مارکس آلمانی) در مجمع عمومی در پای تخت اسپانیه مادرید علناً بنفع کارگران در خطابه مخصوصه خویش انشاد کرده بود و رفیق کارل مارکس (فریدریش) معروف باوی همدست و همداستان بود اجمالاً

(بادکار آن خمیراست این فطیر) و فعلاً مملکت کبیر روسیه در زیر فشار
اعضای آن فرقه مجبور باضمحلال بوده و هر روز هزاران نفوس اعزّه ترك
دیار و اوطان نموده بممالك نزدیک پناهنده اعمال و حشیانه ایشاق باین رساله
کنجایش ندارد آنانی که از عناصر صالحه قفقاز بخاک پاک ایران پناهنده هستند
وثیقه جان دار و زبان داران میباشند

هر کس مایل باطلاعات است سؤال کند و نتیجه عملیات ایشان چه خواهد
شد خدا عالم است آنچه تریخاً با تجارب عدیده دست رس شده اینکه متجاوز
از دوازده سال این مسلك دوامی ندارد سحر تاجه زاید شب آستن است
(اللیلی حبلی) و در رساله مبدء الاسلام اثر عاجزی اشاره باین نکته گردیده
رجوع نمائید مقصد اینکه از تمامی مسلكهای مزبوره آنچه مضرت است
(اشتراکيون) اباحيون که انقلاب فکری بوده و شعبه ایست از آن مسلك
(نهلایزم) یعنی عدمیون که مرامشان در عالم طبیعت ساختن سوختن و کشتن
است و (داروتیزم) که پیروی بکفر از فلاسفه انگلتره است بنام داروین
یکصد پنجاه سال قبل بر این تقریبی است قدم گذار عالم مطبوعات شده و در فلسفه
بد طولانی دارد ولی انقلابی نیستند و کلیه اینها بر تمامی ادیان اعتراض دارند
و دیانت را باز بچه صبیان ظن میکنند و در خصوص دین مقدس اسلام هر چه تدقیق
گردیده اند تا بحال مغائر علم و مخالف فن و حد اصول معیشت چیزی نیافته اند
و این راقم تمامی کلمات مدققین دین اسلام را از کلمات علماء و فضلاء و فلاسفه
مستقصاء و جمع آوری کرده ام اگر موفق بطبع آن باشیم يك کتابی است مستقل

و آنچه مناسب این رساله است

فصل چهارم (شماره ۲۰)

(۱) همین است که بطریق اجمال فهرست مثالی از کلمات قیمت دارفلام صفة عصر حاضر را برای نمونه ذکر مینمائیم و مقدمه مفهوم عالی دین و تعریف جامع و فایده و غایت آن رایان کرده پس داخل مقصد شویم - اولادین بقول بعضی از فلاسفه عبارت از عشق مفرطی است برای درك قوه لایتناهی و بتابه قول بعضی از ایشان (دین خاصه ادراکیست که در تحت اشکال و اسامی متنوعه درك قوه غیبیه را توان نمود و فضلاء اسلام بطور دیگر تعریف نموده چنانچه طریحی در مجمع البحرین و مطلع النیرین مینویسد (الدین وضع الهی لاولی الالباب بتناول الفروع والاصول) یعنی دین قانونی است وضع شده از ناحیه مقدسه الوهیت برای صاحبان عقول سلیمه مشتمل بر اصول و فروعی است و دین بر دو قسم است (تنسیقی) تنظیمی و (غیر تنسیقی) غیر منظم اما اولی عبارت آنست که با اصول مخصوصه منتظم و با نسق خاص منسلک شده و احکام معینه و معلومه را داراء بوده در اوقات و حالات مخصوصه عمل میشود مثل دین بهرامائی که اول و قدیم ترین ادیان عالم است و مثل دین (بودائی) که يك نفر شخص بوداء نام در کوه (همیلایا) ریاضت کشیده و بعد به شهر بنارس هندوستان آمده و بدستگیری یکنفر از شاگردانش (پوراء) نام مذهب مخصوص (بود بزم) را نشر کرده اند و کتاب رسمی ایشان (وداء) و سیه و شصت هیلان نقوس پیروی آن دین است و تفضیلات مواد دیانتی و احکام شریعتی

آنها را در کتاب تمدن الاسلام حصه چهارم بیان نموده ام و (دین زردشت) که
 یکنفر از اهالی آذر بیجان بوده با کتاب روحانی خود (زند) در ایران ادعاء
 نبوت کرده و گویا معجزه اش عبارت از تصرفات در حرارت بوده و در بکقطعه
 هند و هوالی طهران و بعضی قطعات نزدیک پیروی آن پیداء میشود و دین (یهود)
 که مرکز شان بیت المقدس و نفوس ایشان از ده میلان کمتر و کتابشان تورات
 و پیغمبر شان حضرت موسی ص ع و قوم مجیل و زاد اصل و ذکاوت مند هستند
 و دین (نصارا) که منسوب بقریه که حضرت مسیح آنجا تولد یافته میباشند بنام
 ناصره و کتب آسمانی شان اناجیل اربعه است و نفوس ایشان از تمامی ملل عالم
 بسیار چون باحصائیه رسمیه عصر حاضر فعلا در تمامی کرم (یک میلیارد و هجده
 میلان و بیست و دو هزار نفوس بشری موجود است و ثاث آنها عیسوی و بقیه آن
 از سائر ملل عالم تشکیل می یابد و در تمامی قطعات عالم از مناطق خمسه و
 بعضی جزائر بافت شده و روبرو به تزیاید است از حیث اکتشافات جزائر جدید
 و دعوت اجباری بر دین نصرائی و دین مقدس (اسلام) که آخرین ادیان
 رسمیه واقعیه و ناسخ آنها و قریب چهار صد میلان نفوس پیروی آن دین الهی
 هستند و در کلیه قطعات عالم مدینه داشته و کتاب آسمانی قرآن عظیم الشان
 اسلام در همه محترم و مقدس است - اما دین غیر تنبیهی و غیر تنظیمی همانند
 عبارت از ادیان و حشیان جزائر که از بربریت تخلیص کریبان نکرده و بدائیه
 هدایت و مدنیّت داخل نکشته اند و کتاب آسمانی نداشته باصراف طبع خودشان
 معتقد بقوه غیه بوده و مقتدر بکیفیت واقعیه ادراکی نبوده اند همینقدر بعضی

از آنها معتقد اجنه و کهنات و (قاس) بوده و بعضی از آنها آدم خوارند
 (یام یام) تعبیر آورده شده و بعضی از ایشان يك كله انسانی خشك از دروازه
 سرای سلطنتی کذاقی خود شان آویزان کرده و بدین وسیله عبادت میکنند
 و در کتب مبدء الاسلام مدلل شده که از وحشی وانس مدنی و گو چری
 کسی نیست که معتقد بدینی و پیروی يك آئینی نباشد و شاعر معروف خیالی
 ماوراءالنهری باین معناء ايماء میکنند در اشعار خود و در آخرش اشعار
 چنینماید (هر کس بزبانی صفت مدح تو گوید - بلبل بغز لخوانی قمری بطرانه
 که متکلف دیرم که ساکن مسجد یعنی که ترا میطلبم خانه بخانه) و وحشیان
 که معتقد دین رسمی نیستند اطفال خود شان را پس از کشتن علیل و مریض
 آنها را با اختیار خودشان بمادران تسلیم میدهند اگر پس از تحویل دادن
 یکی فوت گردد يك انگشت از مادر قطع خواهد شد چون مواظبت کامل
 نکرده و ظن میشود که اجنه تسلط یافته و فوت شده عوضا يك انگشت از
 مادر قطع خواهد و بمضا (قاس) یعنی کاهن که وظیفه طبابت هم بمده ایشان
 موکول است معاینه مریضی کرده و سه روز وقت تعیین خواهد کرد و افسووی
 خوانده میرود اگر در ختام مدت شفاء باب کردید فبها والا زنده بکور کرده
 و ظن دارند که فایده از حیوة و زندگانی وی بجای آید نخواهد شد
 اجمالا کلیه ادیان در این عصر مورد انتقادات حقه واقع شده و مواد احکامش
 قابل هر گونه اعتراض است فقط دین اسلام را کاملاً تدقیق کرده و در اطراف
 آن بحث عمیق نموده محل تصدیق و تقدیس فلاسفه بیطرف شده و بعضی حقایق

برجسته آن انکشاف میکرد که حیرت بخش عقلاء عالم و ایراد کنندگان
بر احکام اسلام اکثر شان قلباً و فکراً معترف بواقعیت آن بوده و بعضی برای
بیشرفت مقاصد سیاسیه و اغراض شخصیه آن دین الهی را موهون بنظر میدهند
طوری که سابقاً سمت تحریر یافت و مملخص اعتراضات مال مسیحیه و طبعیه در
کتاب مبدء الاسلام مشروحاً بیان نمودم رجوع شود طوریکه غرض رانی آنها
کاملاً مکشوف شده

شماره (۲)

(۲) و در این حصّه دویم از دوره تالیفات تمدن الاسلام فی بیان فلسفته الا-
حکام که عظمت اسلام نامیده ایم در قبال کلیه ادیان قدیمه و جدیده عالم
بمثابه صاف و سهل بوده و مطابق علوم عصریه و موافق اذهان بشریه است که
ابداً صاحب ذهن در حقانیت آن تردیدی نکرده عن صحیم القلب معتقد آن دین-
الهی میشود مگر کسی که از بدو صباوت با تعلیمات واهییه فکر فطری وی
مشوب باغراض بوده باشد در آنصورت غرض روی حقیقت را مستور میدارد
مثلاً دین مسیح که مشهور ترین ادیان است در شناسائی خالق بطوری مغلق
و مبهم بنظر می آید که ذهن بشری از آنچنان دین تنزیهی قادر بدرک کردن
چیزی نمیشود چون تعلیمات کشیشان در موقع تعجید که میگویند الوهیت يك
معنای علیست مر کب از سه چیز (اب ابن روح) پس آن سه تا يك چیز شده و آن
يك هم سه میشود و فکر ساده هر چه تصور میکنند این معناء کنجایش ذهن
خود نمی بیند (قضیه) وقتی يك نفر سرباز اسلامی اسیر ملت روس گردید

در موقع جنگ دولتی و زاهدان وقت را غنیمت بشمرده قصد کردند که آن را عیسوی نموده و از دین اسلام بمرند و خود را تعلیم سابق بانزده روز مکرر داشتند و پس از ختام وقت معین در محضر سلطان اسپر جنگی را حاضر مجلس امتحان نموده سؤالاتی دادند و سر باز غیور اساساً تنگ الوهیت گردید گفتید زمانیکه اسلام را معتقد بودی يك خدائی را اعتراف داشتی پس در نتیجه تعلیمات مذهب نصرانیت این چند روزه باید که بسه بودن خدا قرار نمائی حالیکه اصلاً نفی خالق کردی اینکه از امور عجیبه است جواب داده‌ای در تمامی عمر خود همین یکی بودن خداوند مطلق اعتقاد داشتی ولی تعلیمات بیج‌اند و بیج کشیشان طوری مشوش کرد که من آن خدای یکتا را هم فراموش کردم از این کلام حضار خندیده آزادش کردند - اما معرفت خدای خالق شناسی در باب اصول اسلام همین است که عالم حادث و محتاج به مانع است و آثار ذوالجلال از مصنوعات ظاهر و هوایده است اما طوریکه عقل بشر احاطه بدرک کیفیت آن نیست برای این که عقل خودش از مصنوع آن قوه غیبیه است و محاط به محیط تسلط نیافته و درک نمیتواند کند پس هر چه با اندیشه بشری تصور شده و تصویر شود آن خالق نبوده و مخلوق است که فکر انسانی خالق آنست در نتیجه مقال همین قدر واجب (آرست زان) فرانسوی در جزء مقالاتش مینویسد توحید مسلمانان بطوری رشته مقاله را بجای یاریک و تاریک رسانیده که عقل بشر در مقابل آن عاجزی داشته محل رد و اعتراض نیست و مثل خدا شناسی مسیحیان نیست که یکتا شخص منحید و کشیه شده را اله منجهند میدانند و معاین نوع

بشری خصوص منبع علم و عرفان حضرت امام همام (جعفر بن محمد) علیه السلام در رساله نو حید مفضل ابن عمر که يك منبع دانش است از آثار صنیعه انبات وجود غیبیه را نموده و از علم نباتات و حیوانات و سائر دلائلی ذکر فرموده که در واقع جای شبهه برای صاحبان افکار سلیمه باقی نمی ماند و ما در این رساله چند فقره از فقرات آن ذکر و تطبیق بعلوم عصره می نمایم پس از تشبیه مبانی و تحکیم مبادی خدا شناسی و اصول دین شروع به حکمت احکام فروع آن دین الهی شود میفرماید (یا مفضل اکثر الادلة فی نفس) و اشاره بکیفیت تخلق منی و نماء زرات نطفه انسانی میفرماید و تفصیل آن بعض مطالب علمیه است که در علم طب مسبوطا ذکر شده و خارج از وظیفه این رساله است همینقدر برای ابضاح مرام و معنای کلام عالی امام همام ذکر میشود ادلة خدا شناسی بسیارش در نفس خود انسان موجود است طوریکه آن حضرت در آن رساله اشاره به چنین میکند چون زرات نطفه مرد بنا بمعلومات طبی چهار میلیون زره است همه منشاء نوع انسانی و دو میلیون زرات نطفه زن است فرقیکه دارند زره منی مرد مستطیل مدور و زره منی زن مدور کروی عدسی الشكل و يك زره از چهار میلیون به زره دیگر عدسی الشكل زن داخل شده منشاء نماء انسانی شده و مابقی فاسد و بارنك خون تبدیل و غذای آن يك زره میشوند دوره دویمی پس از تکمیل مراتب نموی خود داخل دوره زندگی و زندگانی میشود در رحم مادر و لابد است برای ذی حیوة از خوراك لذا بايك قوة غیبیه غذای چنین را بواسطه يك لوله لحمی

و عصبی متصل به ناف و از یکطرف متصل به. مرکز خون به طفل میرساند پس از چند ماه که بشره مقاومت با هوای خارج میکنند و قدرت تغذی و تمیش در عالم دنیا دارد با کیفیت مخصوصه از رحم مادر خارج میشود محل استدلال بر وجود قوه غیبیه اینککه اگر بدون تدبیر خالق مدبر با خودی خود اینگونه تنگنات ممکن باشد انوقت سؤال میکنم چرا تمامی آن زرات مستطیل الشكل مردانه پوسیده و شکل خونی بخود گرفته غذای آن يك زره که بمعدی الشكل زنانه داخل شده میباشد اگر قوه غیبیه در میان نباشد لازم است تمامی آن زرات منشاء نوع انسانی بوده همه جنین شود با اینککه هیچ یکی انسان نباشد ترجیح بلامرحج از چه راه است وانکھی همان زراة مستطیل مرد است که همیشه داخل زراة عدسی الشكل زنها میشود بچه سبب گاهی دختر گاهی پسر زائیده میشود و علاوه از اثر کدام تدبیر است که بعضا در حیوانات چند عدد بچه زائیده چون سگ و در بعضی حیوانات يك بچه مثل انسان و آنکھی چراغ بعضی از ذی حیوا دانه خوار و بعضی گوشت خوار گاهی کوچکتر و گاهی بزرگتر بعضی شیرخوار بعضی غذاء خوار و بعضی پستان دار بعضی بیضه دار حالیکه همه آنها زراة است لاغیر وزرات از کجا دانستند که سکهها هفت و هشت بچه میزایند مبنی بر آن هفت و هشت پستان تشکیل داده شده و در انسان دو عدد پستان تشکیل یافته و مرغان بی پستان خاق شد بعضی از مرغها که از بیضه بعمل آمده غذاء گوشت عادت کرده و بعضی از همان زراة مثل آن بیضه ولی دانه خوار طبیعت و شعور و ماده و قوه که بعضی اصطلاحات

طبیعیون است چه مدرك این تمام اختلافات انواع واحساس را قایلند و ایضا سواله
چینکنم از چه روحین حکمت در طبیعت مکنون و مضر است مادامیکه چهار
مادر ولد و جنین در شکم مادر است غذاء را از شکم بواسطه لوله احمی و عصبی
به اندرون میرساند و پس از خارج شدن از شکم مادر بفوریت پستان مادر
را جستجو میکند و غیر از این عوامل و اسرار که عقل بشری عاجز از درك
آن اسرار است رجوع بمقصد و ایضا اشاره انحضرت است و آیه مبارکه داله
است که (من بین فرث و دم لبنا خلاصا) و قبیکه طفل از شکم مادر خارج شد
اگر نامل شود بالبداهة وجود يك قوه غیبی و مدبر لاریبی بر همه متکشف
چنگردد زیرا از کجا خون مبدل به شیر گردید آبا طبیعت با معاونت زراة میتواند که در
پستان مادر بکنوع زرات مدور کروی جمع آوری کرده و قوه مقناطیس (که هر
بائی) بوی داده و بدین وسیله بواسطه عروق شعریه و رگهای ناز که ولطیفه از
حیان زرات خون قوه ذهنیه و روغنی را تصفیه و تجزیه کرده در پستان مادر
جمع کند که اصل ماده شیر تشکیل می یابد و انکهی روغنی بدون حلاوت
شیرنی خوش آیند طفل نمی شود بالضرورة لازم است که قوه شیرنی بدین
همزوج گردد و از جگر سیاه که محل احتیاطیه شکر است و شیرنی بجمع
اعضا بدن از آن جا تقسیم می گردد و بدین لحاظ از جگر قسمتی بیستان مادر
یا قوه کهر بانیه (غده) و سلولها بروغن از مجاری عروق شعریه رسانیده و خلط
و مزج نموده و مطابق مواد عظم (فیبولوزی) و غلاتف الاعضاء غذائی به بچه
تیمه میکند و بجامه بشریه هدیه می شود آیا بدین قوه غیبی ممکن است که

این تشکیلات تشکلی پیداء کند و آیازرات باین اندازه تدبیر را شاعر و قاصد است
 هزاران نکات در کیفیت اخلاق جنین مر موز است که علم طب و تشریح متکفل بیان آن
 است (لاروس مدیکال ایللو ستره) قاموس بدن طبیی منطبعه پاریس کتابی است
 ضخیم که از اهل خبره آن با مراجعت نکات علمیه کلام عالی امام همام علیه
 السلام منکشف میشود ایضا از کلمات معجز سمات مرئی کائنات اقتباس شده
 در توحید مفضل ابن عمر مسطور است تصور نماید که بچه وقت زائیدن بی
 دندان و پس از فطام یعنی بعد از تکمیل دوره شیرخواری دو سالگی دندان
 های لطیف و نازک روئیده و پس از اکمال هفت سال دندان های سابق ریخته
 شده عوض آنها بعضی دندانهای اسطوانه و ثناباء و طاحونه می تشکیل یافته و
 پس از اکمال دوره شباب و جوانی همان ریخته شده بحال اولی عود و رجعت
 مینماید ملاحظه کنیم زرات و طبیعت از چه راه بی باین نکات عالی بردند که
 در موقع ولادت طفل اگر دندان دار بوده باشد حلقه (تکمه) بستان مادر
 را جریحه دار میکند بدین جهت باعث مضرت و سبب فوت هر دو میباشد و قتیکه
 از شیر قطع شد دندان لطیف مناسب روئیده میشود مناسب دهن و غذا وقت
 نو زمان و هکذا الی آخر عمره و اگر کسی صاحب علم و ارباب فن باشد با
 مراجعه بکتاب مقدس توحید مفضل ابن عمر که جاری شده از زبان معجز بیان
 حضرت امام همام است با علم الیقین بوجود خالق و رب العالمین اذعان و اعتقاد می
 کند که از نباتات و حیوانات و اشیاء و کیفیت اشجار بوجود قوه غیبیه استدلال
 نموده علاوه از خالق شناسی با امامت انوار وجود مقدس هم یقین مینماید طوریکه

در نیم دایره جزیره عربستان در آنچنان زمان انگونه شخصیکه منبع علم و معدن عرفان است بدون مسافرت برای تحصیل علوم با ما کن بعیده و بانبودن فنون عصریه حاضره انچنان اطلاعات از شخص عادی امکان پذیر نیست و برای فهمیدن مطالب مندرجه رساله نو حید مفصل این عمر و سائر کلمات آن وجود مقدس اقل مایقنغ اکمال مراتب متوسطه علوم را مستلزم است طریقه که کتاب (غراند آنیقلوپه دی) کتب بزرگ اخلاقی بدین نکته اشاره میکند که مسلمانان برای اطلاع رسانیدن با حکام دیانتی خود شان لازم است که نصف بعلم باشند اجمالا وجود صانع از همه اشیاء ظاهر و اثبات آن از تمام چیزها آسان تر است و در علم کلام با دلیل (لحمی وانی) اثبات صانع شده از معلول بوجود علت و عکس آن ممکن و سهل و ساده است و دین اسلام از حیث اصول دین در صورت تعلیم و تعلم بر اثبات خالق و یابکانگی ذات مہبط و بسیط لایزال و باوری موافق عقل و مطابق علم است که جای اعتراض و شبهه نیست و دلیل متانع در یکی بودن خدا مبرهن و معلوم است و کتاب باب حادث بشر علامه قدس سره برای متبدیان و کتاب (اشارات شیخ ابوعلی حسین سیناء) در الهیات برای منتهیات مورد استفاده ایست و کنجینه معارف برای علاقه مندن دیانت است در صورتیکه وجود قوه غیبیه مدلل گردید و تفصیل آن خارج از وضع این رساله بوده با اشاره اجمالی از آن مبحث میگذریم و دلایل رکبیکه و اعتراضات ضعیفه طبعیون را در حصه چهارم تمدن الاسلام مشروحا بیان خواهیم نمود بعون الله و اساس مهم بی دینان غائب است که زراته باثر کبیات شیمانی جمع شده و از اثر حرارت و برودت و

حرکت صاحب حس و حرکت شده در موقع تفرق اجزاء و تفسیح آن از حس و حرکت باز میماند و اجزاء پراکنده میشود که همان موت میگوئیم و سؤال میکنم که در مورد بگه شخص صحیح الاعضاء و کامل الاراده بدون مرض و بلا تفرق اجزاء و بدون اینکه عوارضات تدریجی عارض شده باشد می بینم که فوراً باستکه آنی و فجعه فوری همان موت عارض میشود اگر روح و روحيات و يك عالم غیبی در میان نیست آبا کدامین اجزایش پراکنده شده و کدام اعضاء مادی آن از هم دیگر جدا گردید که موت طاری و عارض وی گردید و الخ و بعضا میگویند که طبیعت زرات و ماده آن بر این است که با ترقی و تریه تغییر یافته میمونهای که در صحرا کله واری امرار حیوة مینمودند با تریه و ترقی تغییر یافته انسان صاحب فکر و عقل شد و استخوان های (اسکلت) میمونهای قدیمه با اسکلت انسان بر طبق حکم (آنتروبولوژی) طبقات الارضی و قانون (میتافورموز) تغیرات استخوانهای و ارتباطات اعضاء حیوانات مشابهت تمام دارد مبنی بر این انسان هم وقتی میبود که میمونها بودند با تریه ترقی یافته انسان شد چنانچه بعضی از اقوام دمه های سکه های خود را تراشیده وقتی میشود که با تریه بی دم میزایند این گونه مزخرفات کلمات آن فلاسفه هائی است که بعضی مسلمانان تقلیدشان را افنخار عد مینمایند و نکند رنده این گونه باطیل لایق جواب ندانسته همینقدر میگویم (آن سبو مشکیت ان پیمانه ریخت) پس از این حقایق اسلام انکشاف یافته وجود روح و نبوت روحيات بهالم معلوم خواهد شد و خصوصاً با علم (آنتروبولوژی) در این عصر

اخیر خصوصا در حدود سه هزار و سیصد و چهار هشت ماه شوال یک نفر از مشاهیر
 علمای آتروبولوژی انگلیس (سیر آرسور) نام در قطعه چین نزد یکی شهر
 (ینگین) استخوان یک نفر انسان مرده را کشف کرده که تقریباً (دویست
 هزار سال قبل از این فوت) شده و بعضی میگویند که یک میلیون سال قبل
 از این فوت شده و معتبر قول اول است در حال قیام در یک کوه یخ که
 بملاحظه متعل شدن به یخ و سرما پیوسیده نه شده و عین جسد را به لندن نقل
 کرده و علماء طبقات الارضی در اطراف آن بحث کرده اند و همین قدر کشف
 کرده اند قبل از دویست هزار سال قبل از این فوت و اسکلت آن را مداخل
 نموده و یقین حاصل شده که مطابق علم آتروبولوژی انسان از اول خلقت انسان
 است و از میمون متبدل و تغیر یافته نیست و اصول (داروینزم) که قسمتی از
 طبیعیت هستند و تابع رای داروین نام از فلاسفه صد و پنجاه سال قبل بر این
 این مسلک را اختراع کرده این فکر از میان خواهد رفت و اصل مدرک
 طبیعیت موهون و مدارک مثبت روحیون با فروغ تمام تفوق خواهد نمود رجوع
 شود (جریده وقت استانبول (۱۹۱۹) (کانون اول) نشریات سال سیم پس خطایب
 با آناییکه در حیطه اسلامند می نمایم البته قدر نعمت عظمای خداشناسی را دانسته
 از صراط مستقیم دیانت منحرف مباشید و اشخاصی که کور کورانه تقلید
 لایابالین کرده بمحض شنیدن سخنان بازو سرایان و هرزه گویان از مسلمانان
 تقدیس امثل داروینها و قومونیزها و نهائزها می کنند آنجنلن کسانی که ظاهر
 خودشان را آراسته چون افلیهای زهر آگین با نر می ظاهر می خوش نگاه بود

و در باطن بهر کس تزییق يك زره از زهرش نماید بهلاکت میرساند
 حذرکنید از آنها و اجتناب نمائید از آن چنان اقرباء و اصدقا و رفقاء زینهار از
 قرین بد زینهار و اغلب افراد مملکت چنان خیال کرده اند که علم و فن
 و مدنیت و تجدد و وجدان و شرافت و ترقیات و اصلاحات و غیر ذالک از
 این مقولات جدیده بادیانت و خداشناسی جمع نمیشود و بعبارة سهل و ساده
 دین مانع ترقی بوده و دیانت با اصلاحات متضاد است و هر پست فطرت
 و اردل طبیعت از طبقه سافله که تریبه ذاتیه نداشته و از خانواده با شرافت
 تعلیمات انکرفته بمجرد شنیدن این خرافات بی اصل و این ترهات بی اساس
 تصدیق میکنند و دین را باز بجه صبیان خیال می کنند هر کسیکه علاقه مند
 مملکت و منسوبین جامعه ملیت است کوش بانچنان سخنان چاپلوسی نداده و
 آن قبیل کسانی را از جامعه بشریه خارج دانسته و بدانند که آنان بعضی
 میکرو بهای عالم مدنیت است که با چشم مسلح تشخیص می یابد بلکه دین عین
 مدنیت و مذهب همان اصلاحات است اگر دین در میان نباشد شرافت یعنی
 چه و نه تأییدن مال مردم ضعیف از بهر که عدالت معنایش چیست و امانت از
 بهر خاطر کیست و هرج و مرج نکردن در دنیا ع حماقت و محبت نوع
 سفاقت است و نیکی کردن بر جامعه حماقت است اینها که ذکر شد بعضی
 مفاهیم عالیه است که از مبادی عالیه با افراد بشری تلقین شده و از وحشت
 سببیت و طبیعت حیوانیت بمرتبه کامله انسانیت و درجه سعادت مدنیت روحانیه
 آدم برزخی را برساند بانچه مقصد خلقت است و تمامی انبیاء و کلبه اوصیاء

و کاملین باین مقصد مقدس عالی مبعوث شده و در راه هدایت نوع زحمت
ها کشیده اند

(شماره ۳)

و كودك مزاجان عالم زحمات آن مر بیان نوع را دچار مشكلات
مادی نموده اند و ما در این شماره آینده کلمات قیمت دار فلاسفه عصر اخیر
و مشاهیر دنیا را جمع نموده و بنظر مطالعه کنندگان تقدیم مبداریم که واضح
و آشکار گردد که آنانیکه کاشفین و مخترعین و موجدین مشهوره و معروفه
هستند غالباً با تتهاء درجه و فلسفه و نقطه عالیہ حکمت منتهی شده اند با این
وصف مروج دین و پیروی بك آئین بوده و مقلد پیغمبران عظام و اولیاء
کرامی هستند و ساده دلان و سفیهان چنان خیال نکنند که علم و فن بادی
ضد بوده و ترقی بادی جمع نمیشود بلکه معنای کلام عالی کاملین دین را
ملتفت باشند که فرموده اند (الملك والدين توغ امان) هیچ حکومتی بدون
تکیه بر دیانت پایدار نیست و هیچ سلطنتی بدون اعتماد بر عدل دینی بر
قرار نخواهد شد و کلمات فلاسفه در مطلق لزوم دین و دیانت بادقت ملاحظه
کرده پس از آن خصوص لزوم دیانت مقدسه اسلامیه را در فضل آتی مشرو
حا بیان نمائیم (والحمد لله على ما هدانا لهذا وما كنا لنهتدي لولا ان هدانا الله و
الصلاة والسلام على سفرائه و اوليائه)

از فصل (۴)

(شماره ۳)

شماره ۳ (جامس) نام از فلاسفه مشهوره دنیا میکوبد (بر علیه ادیان

و اعتقادات مذهبی رفتار نمودن و ترویج مذهب داروین از اغرب غرائب است و قائل شدن بر اینکه این تشکیلات خلقتی بنفسه وجودی پیدا کرده يك نوع سفاقت و منبع این قول و قائلش مجهول است) و ایضا از مشاهیر علماء فیزيك (حکمت) در مملکت فرانسه (ژان رینو) در رساله اش معنون بارض و سماء مینویسد (جان ما بمنزله بوصله ساعت و عقربه قبله نماست هر زمانیکه متوجه بسوی خالق خود بوده و به صانع خویش تعظیم دارد متحرک و جان دار است و گر نه ساکت و جامد است) ایضا مفسر علوم حکمیات (لوسانا) معروف مینویسد (اعراض کنید و ویش دهید (هر قل را) که بر خالق کائنات استهزاء کرده و چنین خیال مینماید که غیر از زراة در عالم چیزی نیست و لیکن ما فیلسوفان وجود خالق مدبر را مقرر و بمنع حکمتش معترف هستیم و با حکیم (غالیله) و با فیلسوف شهیر (البوتسین) و با فاضل حکیم (ووله) و (سپالانز) و (برناز) و (برسشو) و امثال آنها در معرفت خالق یسکناء و قادر تواناء و حی بی همتاء در فکر خدا شناسی شریک و سهیم هستیم و در این باب افتخار بها داریم و (قوپرنیق) ریاضی مشهور قبل از شروع نمودن بکشفیات علمیه بمعبد روحانی داخل شده و با خالق عالم راز و نیاز مینمود و پس از آن با روح صاف و وجدان پاک مشغول بکشفیات می شد ایضا (قاتار قار) می گوید (دیانت پروری از قدیم الایام با انسان ملازم بوده و از اوصاف کامله و قواء ممیزه انسانی بشمار است و قائل بر ماده بودن یکنوع جنه و خبط دماغ است) و حکیم (ماتته قازا) از قائل شدن بماده

توبه کرده و رجوع بدیانت نموده و (هو کسله) هم مثل (پاستور) شده در انجمن علمی پاریس نطق نموده و ازوم دین و دیانت را اثبات کرد و از قدماء فلاسفه سقراط و امثال آن موحد بوده و دیندارند و (پاستور) مشهور می نویسد (که خلقت تدبیری و تناسب اعضاء بشری و ارتباط میان اعضاء و اعصاب دلیل قطعی بر وجود خالق حکیم بوده و فکر کردن در تشکیلات وجود حیوانات بالعیان صانع آن را بنظر ارائه می کند) پاستور از جمله کسانی است که در ذمه افراد ملل عالم در عصر اخیر حق ثابتی دارد که سبب مرض آبله و علاج آن را کشف نموده و بدین وسیله فعلا در تمامی منطقه کره ارض تأسیسات بنام پاستور وجودی دارد و ابضا (کامل فلارماون) عالم علم هیئت مشهور در هر ماده از کشفیات ریاضی تقدیس خالق کرات و ستاره ها مینماید و در توصیف کره قمر و کیفیت هوای آن نوعی تشکراتی اظهار می نماید که مشعر معنای (سبحان من بقدریه بمجز الفحول) است و مسیو (لنه) ساحر علم نبات می گوید (که در کیفیت خلقت هر یکی از اقسام نباتات وجود غیبیه را مدلل می دارم و (کبلر) نام قبل از شروع بکشفیات روح و فکر خود را در کلیسا با سجده و دعا منور می کردی بعداً شروع بمقصد می نمود اگر تمامی کلمات مشاهیر عالم از سلاطین عالم و فضلاء بنام در باب معرفت خالق ذکر گردد کتاب ها لازم است بنظرم اینکه همین قدر برای اثبات مرام کافی است و مقصد اینکه چنان خیال باطل است که در میان مسلمانان متداول است هر کسی که چند کلاس در مدرسه اکمال نموده لازم

دانسته که باید خودش را بالامذهبی معرفی بنماید چون مذهب باخیال باطلش با علم توافقی نداشته و مطابقی ندارد وقتی که معلوم گردید که باستور با آن شهرت علمیه و خدمت نوعیه که دارد موحدو خودش دین دار است و کوهر نیک لئه و شوپناثر و امثالهم دیندارند و اشخاص مذهبی هستند و با مذهب افتخارها دارند آنوقت یکفر جوان ایرانی شش کلاسی با بوزغالی و کیسه خالی بالجه متفرک و قیافه تقلیدانه در موقع افتخار نمی گوید که من مذهبی نیستم و شنیده اند که قوت آلمانی مذهبی نیست و مانفت نشده اند که از چه رو این طور شده از قضا اگر سؤالی از این قبیل اشخاص بنمائیم که معنای دین یعنی چه و برای چیست و فرق میان شریعت و مذهب و طریقت و مسلک و ملت و امت چیست معطل است ای برادران اسلامی وای هموطنان ایرانی ما دامیکه تقلید می کنید بر انبیاء و اوصیاء و فضلاء و حکماء تقلید کنید چون شیخ ابوعلی سینا و محمد ابن زکریاء و فرابی و فراهی و نصیر الدین و جلال الدین از نژاد شما و هموطن شما و هم مذهب شما بوده و مذهبی و دینی هستند و بر تمامی فلاسفه دنیا برتری دارند و سعدی و حافظ و قانع و شیروانی از شما است و مذهب را مروج بودند چرا بدون سبب ازودی مقتدایان خودتان را ترك کرده تبعیت اجانب می نمائید مگر سلاطین باشهامت اسلامی از دامنه کوههای چین تا صحرای آفریک و از مجارستان تا دریای یاپون و هند در زیر بیرق عظمتشان با امنیت بوده و سکنه این بلاد وسیع با کمال مسعودیت در بستر استراحت غنوده و بحال عالم افتخار می نمودند

مسلمان و دیندار نبودند دین مانع ترقی نبوده بلکه عین ترقی است و مذهب همان تمدن و مسلک همان تجدد است اینگونه پیروی اضلایل و تابعیت اباطیل و تقلید خرافات اجانب همان نبودن تریبه ذاتیه است امید داریم که از توجهات آورنده دین مقدس الاسلام در سابه اقدامات اولیاء امور با تاسیس کردن مدارس عالییه علوم دینی اخلاق بوسبده جوانان مملکت اسلاح و تریبه ذاتیه آنان و نونهالان ملت اکمال شده کلمه واحده (الاسلام یملو ولا یعلی علیه) و رد زبان عموم افراد جمله شده عظمت قدیمه از سر گیرد و توحید افکار و وحدانیه ملیه در تمام افکار افراد حکمفرما شود انشاء الله و بی بمعنای عالی (الدین و المملکة توأمان) برده در سابه دعوت بدیانت جلب قلوب اقارب و اباعد می نمایم پس از فراغت از موضوع مطلق دین و دین داری و بیان مضرت بیدنی و یدبانتی که باعث مضرات سه گانه است از قبیل (ضیاع اخلاق و ضیاع سعادت و ضیاع جمعیت) و محسنات اجتماعیات دینی و فضائل اخلاقیات روحانی شروع می نمایم بکلمات فلاسفه عالم از منصفین و متدبنین آنها در باره خصوص دیانت اسلام و نظر فارغین گرامی تقدیم می داریم اینکه اگر کسی را احاطه بر احکام دیانت اسلام و بصیر بر نکات آن بوده باشد برایش یقین راسخ و ایمان ثابت حاصل میشود بر اینکه شخص بیدین وحشی تر از سبعیات و بیست تر از حیوانات است و مادامیکه دین داری لازم است بدیهی است که دین اسلام نسبت بسائر دیانت طرف مقاسیه نبوده واجب الاتباع است (ان الدین عند الله الاسلام) و من یتبع غیر الاسلام دینا فان یقبل منه (شاهد ازلی است و قطع نظر

از قول بعضی مغرضین که از مرحله انصاف بغایت دورند در واقع دین الهی اسلام است و مقبول عقلاء دنیا است و کسی خارج از محیط مواد احکام اسلام زندگی نمی تواند بکند غیبه مافی الباب بعضی بامید آخرت عمل کرده غافل مشروبات اخروی است و بعضی دیگر بملاحظه مدنیت ظاهری و ترقی دنیوی عامل است و با ترجمه و تغیر شکل مذهبی مواد اسلام را بکار می برند و این دعواء که ما کردیم هر چندیکه در نظر مطالعه کنندگان ادعاء جزرئ بوده و اغراق کوئی ملحوظ می گردد ولی چون مدارک مثبت و بنیه صادق در میان است (مثل قول مامثل قول ان شاعر است که يك شعر را در موقع آوازه خوانی در مجمع عمومی غلط خواند شعر بیکه مطلعش ای روی تو چون خون و زلفت چون مشک - سرخی رو و سیاهی زلف محبوب را توصیف مینماید حالیکه عکس آن غلط اشعار نمود و عکس آن را خوانده (ای روی تو چون مشک و زلفت چون خون) سیاهی روی و سرخی زلفش در حال پیری که با علاجی حناء سرخ باشد این معناء عین ضد مراد و مستهجن است در مجمع شاعران و رقیبان خورده گیری کرده و با بکشدیگر اشاره نمودند که قدر و منزلتش در نزد سلطان سقوط خواهد کرد و فی الفور شاعر آوازه خوان ملنفت شده و با البداهه اصلاح فساد کلام خود نموده گفت (ای روی تو چون مشک و زلفت چون خون) می گویم از عهده بر آیم بیرون) مشک است ولی نامده از نافه بیرون خون است ولی آمده از نافه بیرون) معلوم است که قارئین بخوبی ملتفت شده اینطور

قرائت محسنات شعر به اش را افزود زیرا که روی محبوب چون مشک بنظر می دهد در آن موقعیکه از نافه بیرون نیامده همان خونت که سرخی دارد و زلفش همان خونت که از نافه بیرون آمده باشد همان مشک است که قبلا خونی بود سرخ و الان سیاه تر شده و این اصلاح شعری سبب شد بان شاعر در آن مجمع خلاق المعانی لقب دادند . این راقم با صدای رساء بکوش عموم اهل دنیا می رسانم که بدون عمل با حکام دین اسلام زندگی و زندگانی خارج از دائره امکان است مکرر معیشت و حشیانه جزا اثر که داخل سلك تمدن نشده اند و این ادعاء را نموده و از عهده بر آیم بیرون برای اینکه دین اسلام تمامی مواد زندگانی را متکفل بوده و طریق آن را تعلیم داده و قبل از اسلام بعضی مدنیت اقوام از روم و به نانیان و مصر و ایرانیان با صرافت طبیعت بشریه بان مقام واصل شدند با این وصف همان مدنیت کذائی را با المقاسیه به مدنیت ظاهر شده به بعدالظهور وحشت و بر بریت است و هر چه به نظر تصادف می کند یا ترجمه شده است از دیانت اسلام یا با لمخالطه و مراوده با مسلمانان در محاربات و تجارت اخذ و اقتباس گردیده و مبنی بر این اساس اولاً تصدیق و تقدیر فلاسفه و منصفین ملل مختلفه دنیا را در باره دین الهی ذکر پس از آن از هر قسمت مواد دیانت راجع به اقتصادیات و سیاسیات و اخلاقیات و عدالت با تطبیق لازم معلوم حاضر و اقوالی حکماء عالم تقدیم مطالعه کنندگان شود (بیه رلونی) فرانسوی محب اسلام که دو سال قبل فوت شده و اثرهای قیمته دار از خود بیادگار گذاشته مینویسد (من ادعای اسلامیت می توانم بکنم

زیرا خود و افراد عائله ام تا کنون صرف ماده خبیثه الکول (شراب) نه کرده و از دروغ اجتناب داریم) و ایضا بیه رلوتی می نویسد (که اندکی نمیکذر دمکر اینکه تمامی سکنه کائنات قبول دیانت اسلامیه می نمایند زیرا حقایق بر جسته آن دین با ترقیات علوم و فنون انکشاف یافته و مطابق بود نش با عقل و معیشت واقعیت آن ظاهر خواهد شد (کوستا ولوبون) آمریکای
 فی محقق مشهور میگوید (آنانیکه از فلاسفه بزرگ دنیا با کشف يك ماده مهمه راجع بر اصول زندگانی افتخار میکنند و مردم با چشم بسی بزرگ بروی نظر مینمایند هزاران امثال انگونه اکتشافات در جزء احکام اسلام مکنون است و با طریق اعتقاد بایشان تعلیم شده و خود مسلمین غافل از آن نکات قیمت دار هستند) و فیاسوف کتابی تالیف نموده دارای (۷۰۰) صفحه میباشد و مندرجات وی راجع به دین اسلام بوده از تاریخ مکه مکرمه و نسب پیغمبر اسلام علیه السلام و جغرافیای عربستان و شهادت عربها و تمجید دین اسلام رجوع (بکتاب معارف عثمانی منظمه در اسلامبول) شود (مسبو دووال) مدقق اسلام در کتاب خود می نویسد (دین اسلام بت برستی را تقلیل نموده و خم پرستی در سایه دین اسلام رو بنابودی گذاشت و قربانی انسانها که متداول بود منع نمود و فرقه آدم خواران تقلیل یافت (فعلا در قطعه آوسنرالیه آدم خواران هستند که قوم یام بام تمبیر می آورند) و ایضا تعدد زوجات را بدائره قانون داخل نموده و محدود ساخت بچهار عدد رسانید که قبل الاسلام بعضی از ملوک سیصد زن

منکوحه داشتند و انبیاء مثل داود و سلیمان همچنین بودند مراجعه شود به
توریه و کتب عهد عتیق و ایضا حقوق زنان را بر مخلوق شناسانید (آیه فان
لم تعد لوا فواحدة) و ایضا اسیران قبل از اسلام از حیوانات امتیازی نداشت
از برکت دین اسلام حقوق مدنیه ایشان تامین گردیده و در سالک سائر نوع
بشر معروف شدند (اشاره بایه و فی ائرقاب که از زکوه غلامان و کنیزان
که از آقای خود شان در زحمت هستند آزاد شده و خلاصی یابند
و محبت بانها از معروف اسلام و ایضا (مسیو دو وال) و اخلاق
عمومی بحر اعتدال و درجه کمال رسید (اشاره بحر مت قمار و شراب و سائر
خبائث شرعیه است) و اساس دین اسلام هر نوع سعادت را متضمن است و
هر نوع ظلم و اعتسافات نهی و ظلم و غضب را منشی فرمود (اشاره بایه
ان الله یامر بالعدل والاحسان و ابتاء ذی القربی و یهنی عن الفحشاء والمنکر
والبغی) و ایضا و مسلمانان در نیل مراتب عالییه ترقی و تمدن محتاج به تبدیل
دیانت نیستند و بعضی از محررین ما با غرض سیاسی این نکته را بخورد
مسلمانان داده اند بلکه ماها نصرائیان چیزهاییکه در انجیل حاضره تعلیم داده
نشده در تطبیق آن با اصول زندگانی محتاج به ترک احکام آنها هستیم ولی در
احکام دیانت باسانی یافت شده و در ضمن مشروبات اخر وی پیدا توان نمود
(اشاره بجائز بودن طلاق که فعلا قبول شده ملل عالم است و تعدد زوجات
که انجیل جایز نمیکرد الا ان بالمعجوریه عمل بتعدد ما زوجات مینمایند
و قانون جهاد که انجیل اجازه نداده ولی با تجویز کیششان در مجمع عمومی

روحانی جائز می دانند) از جمله کنرال موری آمریکائی در موقع حفر چاه مثقب یا چاه (آرتیواز) اعراب آفریقه انکارش کردند که اینجا مکان قابل نیست که آب پیدا شود کنرال موری اعتناء ننکرده با عملیات علمیّه پس از چند روزی آب جریان یافت اعراب و حشی این اثر عالمانه را اعجاز فرض کرده و گفتند ما معجزه ترا دیده ایمان می آوریم بکو که علامت ایمان در شرع تو چیست (موری) خندیده و جواب ای احقران من معجزه ندارم بلکه از هر کت علم است اگر شما دینداری را می خواهید و شریعتی را می پرستید قدر نعمت عظمای دین اسلام را بدانید که حقانیت آن کالشمس فی رابعه النهار است از آنجمله است (کنرال و یاردو) می گوید (دین اسلام بجامعه بشریه اشخاص بزرگی بجامعه بشریه و عالم مدنیّه هدیه نموده که چشم روزگار کمتر امثل آنها را دیده و خواهند دید و اگر فرماندهان بزرگ ملت مسیحی را از قبیل نابالیون کبیر و اسکندر کبیر و پیو طر کبیر که کره جولانگاه میدان اسبهای ایشان شده بود جمع نمائیم مثل ابو عبیده جراح فرمانده قشون اسلام

شماره ۳ از فصل ۴

در محاربه شام ابو عبیده جراح برابر نمی شوند از حیث شجاعت و سیاست (ایضا) از جمله تقدیس کنندگان است (آرنست رنان) فرانسوی که از جمله انتقادیون و فلاسفه مشهوره عالم است و بنامی دیانات ایراداتی نوشته ولی بدین اسلام بازبان ستایشکارانه تقدیس میکند (و غسل اموات با کافور که ضد عقون است و واجب شدن غسل بر مس کنند میث و واجب نبودن

پس از اكمال غسل باخيال آرنست رنان مبنی بر بعضی فلسفه عاليه است که عقل بشری در آن زمان بدرک عاجز بودی و حرام بودن شراب واجب شدن خاك مالی بر ظرفهای سك و لوغ کرده و حرام بودن گوشت خنزیر دليل حقا نيت دين اسلام است و خاك نشستن و اسير قيودات نفسانيه نشدن پیغمبر اسلام با آن جلالت قدر علامت روحانيت آن بزرگوار است و حرام بودن رشوه بر قاضی و کفر نامیدن رشوه گیرنده ماده ایست از هیچ کس قبل از اسلام صادر نشده) و در جای دیگر از کلمات تقدیسی (آرنست رنان است) می گوید دين قصاراى از زنان تعليم شد مثل مريم مجدلی و مريم مادر يعقوب و مريم مادر عيسى چون انجيل يوحنا امر میکند هر کس برويت سيلی زند روی ديکرت نشان داده حاضر بقبول ظلم ديگران باشید ولی ايضا رجال و اصرار ديانت مقدمه اسلاميه است برای اینکه ميفرمايد (فاعتدوا عليهم بمثل ما اعتدای عليكم) هر کسی بر شما تجاوز نماید بر آنکس تجاوز کنید باندازه که تجاوز نموده و فقه اسلام امر میکند هر کس در راه مدافعه حقوق خویش بهميرد شهيد است) و چند سال قبل از اين يك نفری از فلاسفه باريس در فرانسه قبول دين اسلام نمود سبب آن را سؤال کردند جواب داد يك ماده از زبان معجز بيان پیغمبر آخر الزمان صادر شده از تعامی انبياء صادر نشده عبارت است از اینکه هر کس در نزد مال و عيال خود برای مدافعه گذشته شود شهيد است اين معنای عالی سبب اسلام من شده و همان شخص فاضل رساله هادري فضيلت اسلام طبع و نشر مينمايد (ايضا لوژاندور) از جمله فلاسفه

عالم بشمار است میگوید) ام الخبائث نامیدن ماده شراب و نهی کردن از آن دلیل حقانیت دین اسلام است (ایضا دکنر بیرژه میگوید) حرمت خمر در منطقه حرارت انگیز قطعه عربستان سبب ذکاوت و باعث صحت آهالی آن صفحات است و از فرانسویان آن منطقه تصدیق نمائید و سرطیب خسته خانه (تزن) قدغن کرده که دواجات را با ماده شراب مزج و خلط نمایند (و دکنر ژوللی) مینویسد تا بعین احکام قرآن در قطعه هندوستان و تاتارستان و قرغزستان و باشقردستان و کردستان و ترکمنستان بر تمامی عالمان در تندرستی و صحت بدن نشان میدان خوانند (راقم اگر اهالی ترکمنستان را دیده و ملاحظه نمائیم که در سن ببری چگونه با قوت بدن و چابک سواری و وجد و نشاط ذاتی امرار وقت مینمایند آنوقت تصدیق خواهیم کرد که قول ابن فاضل منصف حقیقت بوده و از نبودن ماده شراب در میانشان در حقیقت مسعود و محظوظند (و معلوم ده بو) مینویسد دشمن در خارج نبوده بلکه خود مان دشمنی برای خود ایجاد میکنم که همان ماده شراب است (و دکنر بیرژه) میگوید تمامی افراد عاقله و خودم را از ماده شراب پرهیز داشته ام و یقین دارم که نفعش نبود سهل است بلکه ضرر مهمی دارد (پیه راولتی) مینویسد من ادعای اسلامیت میتوانم بکنم زیرا در تمامی عمر خود شراب نخورده و دواجات مخدره استعمال نکردم و مها امکن از دروغ خود داری کرده ام و ایضا (حکیم یاقوب سان کلیجی یهودی) در کتاب قوه باه در مبحث آلکئول طبع شده در شهر بطر سیورغ روسیه تاریخ (۱۹۱۵)

می نویسد پیغمبر اسلام علیه السلام شراب را بدون جهت حرام نه فرموده و سبب بسی مهمی دارد که فرموده از شراب اجتناب کنید چون شراب علاوه از ضررهای بسیاری که دارد و در آخر دوره عادت مانع از جماع کردن است و سبب حدوث مرض (عنین) است و فقای شراب جو از خمر مضرت تر است (ابضاییه رلوتی می گوید عیاشو عیاش را تولید می کند و زرات منی عیاشی هر قطره اش يك سم قاتلی است) (و کیلا دستون) رئیس دارالشورای سابق انگلستان با اینکه دشمن اسلام است می نویسد دوست دارنده شراب دشمن نفس خودش است و اسپر توبك سم قاتلی است و معام (زاقود) می گوید هر کس در میان شراب پروریده شده در میان آب خواهد مرد (یعنی با مرض استسقاء خواهد مرد) و رساله ام الفساد اثر یکمفری از خانمهای مملکت روسیه است در مضرت شراب طبع شده و حاجی ابراهیم قاسموفد از محترمین اهالی شهر بادکوه ترجمه نموده رجوع کنید و در نزد راقم حاضر است جوانان مملکت عزیز ما لازم است رجوع نموده قدر نعمت غذای دیانت مقدسه اسلامی را داشته و تشکرها بنمایند و یک زبان کوباء باشند (الحمد لله اللذی هدانا لاسلام) و از جمله تقدیس کنندگان اسلام (ناپالیون کبیر بونا بارت) است و علاوه از اینکه تقدیس نموده احکام فقه را هم ترجمه کرده سبب سعادت ظهري غریبان گردید و ضمنا در ظاهر عالم سیاست قبول اسلامیت کرده و کلامه مترسه شهادة را بزبان جاری و در مجمع روحانیه مصر از دین تقلید بتر نه کرد رجوع بتاریخ خیاء پاشا و (قوت سیویل) ناپالیون همان ترجمه

از فقه است و خود آن قانون نامه مشهور است در صفحه کتاب نا بالیون (۴۴) با هالی مملکت مصر اعلان نموده بدین مضمون امیدواریم که عنقریب به تشکیل مجلسی از علماء اسلامی موفق بوده و بتوانیم بکرم ایشان از روی قواعد قرآن که سر منشاء افتخار عالم انسان است نسبت بر فاهیت حال عموم ناس قانونی منتخب نمایم و در صفحه (۵۵۶) در تمجید نبی ذیشان اسلام می نویسد (چه کسی بهتر از محمد علیه السلام میتواند فاتح و جنگجو و قانون گذار بوده و کرامت کس مثل آن بزرگوار با نظر عمیقانه از آینده و گذشته خبر دهد و این شاه مواد فقهیه را ترجمه کرده و قانون نامه که از مواد نوزده گانه عبارت است و فرانسویان بنظر کتاب آسمانی بروی مینگارند همان ترجمه از فقه است و تفصیل تطبیق آن را بر احکام فقهیه در حصه چهارم از اثر عاجزی ذکر شده و ایضا (کتاب يك كلمه) اثر مشهور یوسفخان ایرانی که در موقع اقامت وی در پارس با رئیس الوزراء محل مذاکره و قانون شان را با دقت ملاحظه کرده معلوم شده که از فقه ترجمه شده و یوسف خان مرحوم يك اثر از دخترش مانده که اجمال آن را مینویسد مراجعه کنید و پس از دقت هم قدر نعمت عظمای دیانت اسلام را دانسته تشکر ها کنید و هم شکرانه این عصر درخشان ایران را بنمائید که هر صاحب فضل و هنر محترم و هر کس در کلمات و عمایات خودش که بدولت و شریعت معاونت است آزاد و معظم است فقط یوسف خان مرحوم را محض بنقل کردن مذاکرات خود را در پارس در طهران روز عید قربان (سی و شش) سال قبل از این تقریباً

طرف ظهر اعدامش کردند رحمة الله عليه اين چند سطر را بنام ذكر خيرش
نوشتيم ياد شود

(شماره ۴)

در سايه آن ترجمه هاى كتب فقيهه (ناپاليون) سبب سعادت اوروباي
غربى شد و در منطقه باترجمه شرح اللمعه از طرف (يقاظر بناو) و بيوطر
سبب خوشوقتى اهالى شرق كرديدند و بيوطر كبير قبل از مشاراليها ترجمه
كرده بود اجمال (قاردينال ريم پاپ ابطالى) با ترجمه كتب املاى از علماء
اندلس قبل از ناپليون و بيوطر و يقا تريو شرق بعالم بشرى خدمت نموده
هر چنديكه خود مسلمانان عامل احكام خودشان نه شده دچار مشكلات شدند
اميدواريم كه پس از اين تاريخ از گذشته ها عبرت و بر آينده تدبيرى بنمائيم
انشاء الله - (شرح اين هجران اين خون جگر -

اين زمان بگذار تا وقت دكر

(شماره ۴ از فصل ۳)

شروع مينمائيم بذكر بعضى از احكام مقدسه اسلام كه فعلا متداول و
معمول به ملل حيه عالم است و بديهى است كه فقه اسلام مبوب بابواب
مخصوصه است و تطبيق تمامى ابواب علوم و عمليات ملل عالم خارج از اقتدار
ها بوده و قادر بر نشر آن نميتيم همينقدر از هر قسمت بكمصه در اين رساله
بتنظر قارئین تقديم مبداريم اولاً عمد ترين مطالب در عالم مسئله حفظ الصحه است
(علم الابدان ثم علم الاديان) كلام عالى كملين است و معلوم است كه فكر

صلیم در بدن سلیم یافت میشود مبنی بر این اصل ثابت از مواد حفظ الصحه اسلامی شمه ذکر و پس از آن به سائر قسمت های اخلاقی و اجتماعی و غیره اشاره نمائیم طوریکه در صدر مبحث وعده داده ایم و مدرک مطابق ذیل (کتاب دین اسلام و فنون) طبع شده در سال (۱۳۲۷) اثر طبیب و فیلسوف ارباب اسماعیل حقی بیک مدیر طبیه شام و معلم امراض عمومیه وایضا از ترجمه (شارل مسیمیر از کتاب سورام دو قونستانتوبیل) یعنی مسامره قسطنطیه می نویسد که ترقیات امروزه اوروپائیان اخذ شده از دستورات وضعیه اسلام و اگر فی الحقیقه غربیان چنانچه ترقیات مادیه را از اصول احکام اسلام اخذ و از مسلمانان یاد گرفته اند همانطور اساس اخلاقیات و عرفانیات خودشان را بر اساس معنویات و تعلیمات پیغمبر اسلام علیه السلام گذاشته بودندی در آنصورت بعضی سفاهتهای امروزی و زلالت های کنونی از ایشان سر زده ظهور نمیکردید و ایضا مینویسد که وقتی بود اوروپائیان در بعضی از ظرفها شست و شو میکردند چون (لکن - و بانیوو - و اتنا) ولی امروزها از دستور اغتسال شرعی اسلامی تعلیم گرفته در آب جاری نظافت را عمل می نمایند که موافق حفظ الصحه عمومیه است (وایضا از شارل مسیمیر) علم جفر از حضرت مولی الوری انتشار یافته و سائر شعبات علوم حکمتی از آن بزرگوار منشعب گردیده و (الحکمه ضالۃ المؤمن اینما و جدھا اخذھا) دلیل کافی است (اطبلو العلم ولو بالعیین) کلام وافی است و آنچه راجع بصحة عمومی است دین مقدس اسلام سکوت ننموده (صوم و نصحو) و (من اکرم کریمناه

لم یکنب بعد العصر) دستور بست که مقبول علماء حفظ الصلحه است (صفحه ۱)
و دین اسلام ضد تنبلی و تکاهای بوده و امر بسی و جدیت مینماید از
کلمات معجز سمات معالم کائنات در موارد عدیده مکشوف است و عملا همین
طور بودند طوریکه پیغمبر اسلام روزی باجمعی از باران خویش از نزدیکی
جماعتی و شخصی را دیده از سلام دادن خود داری نمود و در همین مراجعت
به همان شخص دادند از علت سلام ندادن و عکس آن سؤال شد جواب فر
مودند چون اول به شغلی مشغول ندیده بودم نخواستم که به شخص بیکار
سلام دهم و چون در موقع پرکشتن بکاری اشتغال داشت لازم دانستم که
از سلام محروم نمایم این کلام عالی فلسفه بسی عالی را دارا است و ریشه
تنبلی و تکاهای را قاع میکند و ابضا (صفه ۳۴) نماز واجب و ندب فلسفه
عالی و مرتبه شامخه را داراست که عقل بشری از درک نکات عالی اش عاجزی
دارد و از جمله مصالح مهمه است تجرید شدن صلوات باوقات معینه و مناسبه
طوریکه برای کارکنان و مشغولین وقت نماز استراحت است و برای بیکاران
و فارغ نشسته کان مشغولیت و حرکت مفیده است موافق حفظ الصلحه عمومی
می باشد (ص ۵۵) اندرون بینی از روی تدبیر خلقتی دارای بسی مویهای
نازک است و حامل کرورها حیواناته زره بینی و میکر و سکوبی می باشد
مضمضه و استنشاق در وضوء نماز همان میکر و بهار دفع و رد مینماید (ص ۳۷۸)
شستن روی و چشم در وضوی شرعی حاوی نکات حفظ الصلحه عمومی است
چنانچه آوزوپائیان در وقت نشستن به شستن چشم و روی خودشان اهمیت

فوق العاده داده و برای زایل کردن سبکی دماغ و سر و رفع شدن رکود و خمود و جمود و بکار انداختن اعصاب بازمانده از کار را و تریید فرج مسح کردن سر را لازم می دانند و علاوه از هجوم نمودن خون بدماغ که مضرتی دارد مسح مانع از هجوم است و در صورت مشغول بودن بکارهای دشوار و اعمال شاقه و غلبه قوه فکریه بر سائر قواء مسح سر اهمیت دارد و اما مسح بابها در ظاهر برای زایل شدن اوساخ و بدبهای میان انگشتها مدخلیتی داشته و نفعی دارد (۳۹ ص) خود نماز برای پرورش اسهل ترین انواع ورزش های معمولی است و بعضی جهلاء برای ورزش (بلاردو) اختیار میکنند حالیکه در بلاردو بکنوع مضرت متصور است و در نماز هیچ قسمتی از خسارات و هیچ از مضرات متصور نیست و اما تقسیم نماز باوقات معینه شامل بر بعضی نکات عالیله علمیه است اگر بدون غرض فکر داده شود حقایق واقعیه دارد که قطع از باطن امر خود نماز برای رفع رخاوت و سستی اولین وسائل مهمه میباشد و برای زایل کردن مبکرو بهای جمع شده در دهن از بقایای خوراک های شب مانده از عمده ترین اسباب مفیده است و خوردن غذا و شروع بکار کردن بعد از فراغت از نماز صبح موافق طب حاضر بوده و منافع صبح خیزی قابل انکار نبوده و نیست و اما در ظهر برای راحتی کار کران و مشغولین عملیات شاقه از بهترین و سیله استراحت است (به صنف عمله و اقسام عمله در آن حین دقت شود صحت قول این شخص دقیق معلوم خواهد شد) و نماز عصر برای تزیید میل و زیادتی اشتیاء نفعی دارد و فاصله بودن

میان شغل و خوردن و نظیف بودن با شست و شوی شرعی از ضروریات است
 و نماز شام برای کسانیکه از مزبله ها گذشته و با امور غیر لائقه تماس کرده
 و بمنزل خویش مراجعت نموده يك نوع تغیر حال سعادت اشتغال است و
 نماز عشاء برای راحتی و جنبش و حرکت کردن پس از صرف غذاء شام
 و تحلیل خوراك طبا ضرور است (راقم) در تجدید نماز و تقسیم آن باوقات
 پنجگانه و حاوی بودن نکات مزبوره بنظر ساده دلان و کوتاه نظران چنان
 جلوه نمون میکرد که گویا پیغمبر اسلام علیه السلام برای تقویه بدن و تزئید
 صحت و تکمیل عاقبت احکام شریعت فقیه را واجب نموده ولی همینطور نیست
 بلکه اگر بنظر بصیرت بمرفا نیات و اخلاقیات و خبیة روحانیت نماز نکرسته و
 تقرب بدرکام خالق متعال را بوسیله نماز فکری داده و تشریح بنمائیم آن
 وقت کتابها لازم است اما آنچه از کتاب مسامرة اسلامبول که در مجلس عالی
 این نکات عالیہ قرائت شده و هزاران نفوس کوش میدهند منافع ظاهریه
 نماز و دستماز است درواقع همین منافع مرموز است بخودی خود و حضرت
 شارع عمده نظراش بتقرب است رجوع بمقصد از جمله امور را جمعه بر حفظ
 الصلحه ترك کردن ماده خبیة الکثول است که فعلا تمامی فلاسفه و علماء
 حفظ الصلحه و عقلای عالم با وسائل ممکنه افراد بشر را منع از استعمال شراب
 می نمایند و هر روز جراید و مجلات در مضرت آن مقاله ها نشر داده در
 منابر و خطابه ها تحذیر مینمایند حالیکه دین مقدس اسلام بکهنزار و سببد و
 اندی قبل بر این مضرت بنیان کن نوع انسانی آن ماده فساد را بیان و پیروان

خوبش را از این بایه عظام و رها نیده و مرض مزمن و مسری نجات داده و
 (انما الخمر و المسیر و الا انصاب و الا زلام) تا آخر صریح امر لایزالی
 است و در اخبار و فقه اسلام با عبارات مختلفه نهی از آن فرموده مثلاً حاضر
 سفره مباشید که در آن سفره از آن ماده حبشه یافت شود و دخترهای خود
 تان را بکسی ترویج نکنید که شرب خمر مینماید و کتب اسلامیه از وسائل
 و حدائق و جواهر و سجاد و سائر مشحون از این قبیل نصایح و مواظ
 است مراجعه شده و بکلمات فلافه عصر حاضر تطبیق شود و الکحول لفظ عربی
 است بمعنی (اسپر تو) آندرا قوژ نام مولف حفظ الصحه می گوید که شراب
 حنیع شامت (ام الخبائث) و این ماده خبیثه برای ملت فرانسه از اولین مواد
 مخربه و مضره است و در حین گذارش کبد ابراث مضرت فوق العاده مینماید
 (عبارت از استعداد مرض سل (توبرتولوز) و در موقع تصادف از جگر
 سفید ابضا باعث مرض ورم بوده و ذات الریه تولید می نماید (وارطن) نام
 طبیب ناصریه انگلیزی میگوید آنچه از استعمال الکول حاصل میشود قوه نه
 بوده بلکه شباهت بانقوه که با ضرب کتک و تازیانه حیوان و مانده از عمل را
 یکبار وادارا کنند که بحرکت آید و پس از اندک زمانی باالمجبور ساکت
 و ساکن میگردد و از حرکت بکلی وامیماند (لفرن) نام می گوید هر
 اندازه هواء سردتر باشد اجتناب از شراب همان قدر زیادتیر لازم است زیرا
 بعد از اندک حرکتی و فاصله زحمت سرما بیشتر احساس میگردد (ساناتور
 یوم) نام يك محلی است در مملکت آلمان که برای معالجه مرضاء و صاحبان

امراض ورم بالخصوص تا سبب شده و (برو آردل) نام طبیب مشهور فرا-
نسوی منع کرده که مبتلایان عشرت شراب را بان محل اجازه ندهند چون
قابل معالجه نیستند و علاج بذیر نخواهند شد (عرن دم - بورنوبل) میگوید
(اولاد شاربین خمر بر طبق احصاریه رسمیه که قابل هیچ گونه اعتراضی
نیست مستعد هر گونه امراض مهلکه هستند و اکثر آنها با بعضی امراض سریع
السیر هلاک میشوند و بعضی آنانیکه مدتی زندگی میکنند بالاخره مبتلای
مرض صرع و بلاهت و ورم جنونی خواهند شد و اکثر فلاسفه عصر حاضر
و فضلاء نامدار برای معالجه ناخوشها بدو اجات قطره از شراب مزج کردن
را اجازه نمی دهد چون ضرر آن گونه مزج از نفعتش اکثر است و بلکه
نفع آن در جنب ضررش بمنزله عدم است و اگر بقسمت حفظ الصحه اسلامی
با دقت کامل نظر نمائیم خواهیم دید که حضرت رسالت پناهی بقول (کوستاء
لویون آمریکای) در ضمن اوامر شرعیه خواه مکروهات و خواه مستحبات
و محترماتش نظریات اعجاز کارانه دارند بالطبع محافظه صحت مینماید مثلاً بانس ابن
مالک ای انس هر گاه مایل عمر طولانی هستی و صحت ابدی را طالب باشی
رعایت امور نظافت اسلامی بکن و با برادران دینی خود سلام داده تکبیر ثواب
و اعمال حسنه کن و زمانیکه داخل خانه خود باشی باهل خانه خود عموماً
سلام ده تا اینکه خانه ات از رأفت و برکت خدا پر نور باشد ملاحظه کنید که
این جوهر حکمت و معدن عالی علویت چه قدر کلام عالی و مفهوم قیمت
داری است که امروزه در میان ملل حیه عالم عوض موضوع قزاقینه (احفظه)

مسئله نظافت را بکار برده و از این کلام شریف استفاده میکنند (مسبو بروست)
 در کتاب خود منفعت معالجه با آب صاف را نوشته که سید الاشربة الماء از زبان
 معجز بیان فیخر العالمیان صادر شده و مترجم قرآن بزبان فرانسه (قاز بمیرسکی)
 در باب اطعمه آیه (کلا من الطیبات) بمعنی باک و غیر مضر صحت تفسیر نموده
 (نفسك مطینک فارقی بها) یعنی نفس تو بمنزله مر کوبی است برای تو مدارا
 کن با مر کوب خود و مهربانی نماء بر او این کلام عالی باندازه مر غوب
 و تشبیه آن بمثابه مطلوب و خوش آیند است که هر چه تصور شود همان
 است لاغیر و اما در قسمت اطعمه که دیانت مقدسه اسلام و شارع احکام
 علیه السلام بیانات بسی قیمتمداری در آن عصر وحشت و قرن جهالت فرموده و
 با وجود مقدس نازنین خود نوری بود در بحر ظلمانی که با نصایح خدا پسندانه
 افکار وحشیان را منور میفرمود همان کلماتیست که پس از مرور بکهازار و
 سیصد و اندی هزاران يك از نکات عالیہ اش در ظاهر کشف شده و این راقم
 از اساس فقهیه اسلام از روی اطلاع مکروهات و مستحبات اطعمه و اشر به را
 ذکر و پس از آن تطبیق معلوم حاضر نمائیم و ملاحظه کنیم آیا بدون مواد
 اسلام زندگی در عالم ممکن است یا نه (شرایع تالیف محقق قدسی سره چاپ
 عبدالرحیم صفحه (۲۶۹) کتاب اطعمه (القسم الرابع فی المحرمات الاول المینات
 الثانی المحرمات من الذبیحه خمس الطحال و قضیب و القرث و الدم

شماره ۴ از فصل ۳

والایشان الثالث الاعیان النجۃ اربع الطین الخامس السموم القاتل کثیرها و

قلیها و آنچه ذکر شد در بیان محرمات اطعمه است و تفصیل مندوب و مکروهات و غیر آن بر ساله ما کنجایش ندارد و با اشاره اجمالیه میگذریم که در شماره های آینده با کلمات فلاسفه و مشاهیر عصر حاضر تطبیق نمائیم تا قیمت معنوی و مادی مواد فقهیه اسلام در نظر ها انکشاف یافته و کلمات دروغین مغرضین بیفروغ گردد و اما مستحبات طعام فی العلمیه و شرح آن (ص ۳۹۰) مستحب غسل الیدین قبل الطعام و بعد من غسل یدیه قبل الطعام و بعد عشاء فی صمه و عوفی من بلوای جسمه و مسحها بالمندیل فی الغسل الشانی دون الاول و ربما کان الافراط حراما فالاکل علی السبع و بحرم الاکل علی مائدة یشر به عابها شمی من المسکرات و از مواد بکه حرام شده یکی هم (المصبوره و هی التي نخرج و تحبس) است یعنی حیوان یا طریقه با شکل حبس مجر و حانکه داری کنند تا اینکه بمیرد در شمارهای آتیه با دقت نظر کنید که (پرست و پلایک) تا مان از فلاسفه آلمان در این موضوع چه اندازه دقت بکار برده حالیکه در میان قوم عربیکه تمامی خبائث را میخورند در زمان جاهلیت شخص بزرگوار ری موادی فرموده که فعلا حقا بق آن منکشف می گردد این نیست مگر پیغمبری آن بزرگوار و محتاج بمعجزات دیگر نداریم اجمالا در این شماره ذکر میشود مدرک آن را از کتب فقهیه اسلامیه پیدا توان نمود و آیه مبارکه محرمات را جمع نموده و از هر يك ماده فروع کثیره منشعب میگردد (و حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما اهل لغير الله و لمختلفه و الموقوذة و المنردیه و التبیحة و اکل السبع الا ما ذکیتیم و ما ذبح علی النصب و

وان تستقسموا بالالزام) حرام بودن خون از بدیهیات شرعیه فقهه اسلام است و همچنین مبنی و حکمت حرمت این هر دو در طب واضح شده و حیوانیکه به سبب مرض فوت شده و بدون ذبح خون بدن در جسد باقی مانده بدین واسطه خوردن گوشت و خویش بد بگران سرایت میکند آن مرضیکه سبب فوت او شده چون میکروبهای همان مرض در میان لیفهای گوشت باقی است طوریکه (بروست) نام در کتاب خود مینویسد که وقتی بود در آمریکای شمالی قدیما با خون تغذی میکردند ولی در این دوره اخیر منکشف گردید که خوردن خون ضرر مهمی دارد در مبحث مخصوص خون مضرات خون را مشروحاً بیان داشته و ایضا حیوانهای که با ضرب چوب و کتک یا اینکه با سرازیر شدن از نقاط بلندی از کوه و غیره یا اینکه با مناطحه و شاخ زدن بر یکدیگری و یا اینکه با دریدن حیوانات وحشی فوت شده اند گوشت این قبیل حیوانات مرده بی طعم و بنا بقول فیلسوف مزبور بگنوعی میکروبهای مضره در گوشت اینگونه حیوانات پیدا میشود شبیه به شکل پشه و باعث مرضهای مختلفه میکرودد و حیوانی که خفه شده و فوت کشته گوشت آن خیلی مضر است و علاوه در گوشت و عضلات این قبیل حیوانات فوت شده و خفه گردیده بگنوع افرازات سمیه و زهرناک حاصل شده و باعث مرض مخوف میشود و در گوشت حیوانهای وامانده و از کار افتاده و یا لاغر شده فوت کشته (برون سه کار) نام قریب بکلمات بروست مقالانی دارد و دقایق عالیّه فقهیه و نکات اعجاز کارانه دیانت مقدسه به خوبترین وجهی اتکشاف یافته چون

فقه و اخبار گوشت آن قبیل حیوانات را مکرر و مکرر در حدیث شریف و صدق قول فلاسفه است (علیکم بالان البقر و ایا کم لحومها و پروست مزبور نوشته و در جدول مخصوص با ترتیب خوردن گوشت بعضی حیوانات را تجویز نکرده بدین قرار (۱) گوشت حیوانیکه از مرض مسری فوت (۲) حیوانی که گوشت آن پوسیده و تغییر یافته (۳) حیوانی که بواسطه خسته گی و یا سبب علتهای مسریه و یا سبب پیری فوق العاده فوت گردیده (۴) گوشتها نیکه به علت تابش آفتاب و هواء تغییر یافته (۵) گوشت حیواناتی که شیر دارند و بجهت دو شیدن و مکیدن بچه ضعیف و لاغر شده اند ضرر گوشت اینگونه حیوانات در اجزاء خانه و تحلیل خانه ها مدلل شده و از جمله امور راجعه به حفظ الصحة کیفیت خوردن آبست در اتنای طعام و مذاکره و خوش کلام بودن در سر سفره غذا و در این موضوع مواد آداب طعام اسلامی ساکت نه مانده و فرموده اند و (ان لا یسکونوا علی الطعام فان ذلک من سیره العجم و لکن یتکلمون بالمعروف و حکایات الصالحین) یعنی ساکت بودن در حین خوردن از عادات عجم است بلکه با مذاکرات حکایات اشخاص صالحه سر سفره را مزین بنمائید و عجب تر اینکه بیست و یکسال قبل از این تاریخ یک نفر از فلاسفه مملکت (اسویج) بتوسط جمعیت تشکیل شده در تقلیس برای مبارزه با مرض سل اعلانی نشر داده و اظهار داشت که سبب مرضهای متعدده را کشف و معالجه آن را دریافته ام و راقم چون از مشتریان آن اعلان بوده پس از چند روز با اشتیاق تمام نائل بقرائت کشفیات جدید طبعه شدم ملا حظہ نموده شوق

انتظاری مبدل باسف کردید طوری که نوشته بود هر کس از مرض پرهیزی دارد باید که امور آتیه را مواظب باشد (۱) لقمه را کوچک بردارد (۲) و در دهن بسیار جویده و هضم اولی را کاملتر (۳) باید لباس پشت کردنه را نازک و سبکتر کند تمام شد آن کشفی که فیلسوف نامدار در صفحات روزگار یاد کار تاریخی گذاشته با خود اندیشیده و از عالم اسلام بکشد نیا متاسف گردیده کفتم عجبا اینگونه کشفیات در نضا عیف کلمات مر بی کائنات که کنجینه معارف و معدن جواهرات است لاتعدو لاتحصی است نه اعلانی می کنند و نه منت بکردن اهل عالم میگذارند و نه اهمیت میدهند حالیکه همان مواد را به بهترین وجهی در جزء کلمات احادیثیه در آداب طعام فرموده اند و ما ماتقت نیستیم ملاحظه نمائید کتاب اثنا عشری احادیث ثلاثیات که حضرت مولی الوری فرموده (من اراد البقاء و لا بقاء فلیأ کر الغذاء) و لیقل غشیان النساء ولیخفف الرداء) یعنی باعث زند کی دائمی است صبح زود بر خواستن و غذاء اولی را خوردن و بازبان معاشرت کمتر نمودن و عبای دوش را سبک تر کردن و اما مسئله کوچک بودن لقمه آن هم مسئله است که هر عوام بازاری باسکه عجائز یاد و فرا گرفته و از روحانی قبیله و کوچه خود تعلیم یافته و در کتاب اطعمه و اشربه فقهیه هر طایب در روز مباحثه بین الاثنین بلا اشکل تکرار نموده و در همان کتاب اثنا عشری در آخر بن ورق که احادیث دوا نزدیم کانه را بیان می نماید در حدیث نبوی مسطور است که (آداب الطعام اثنا عشر اربعة من الاداب تعخیر اللقمه و المضغ الشدید و الاکل ممایلی و قلة

النظر الى وجوه الناس) یعنی آداب طعام دوازده است چهار از آن در آداب کوچک برداشتن لقمه و بسیار جویدن و بروی یکدیگر کمتر نظر کردن و از طرف ظرف خود خوردن رجوع بمقصد اسف از عالم اسلام که غافل از نکات فقهیه هستند و آنچه تعلیم گرفته اند همان مسئله استبراء معروف است و قسمت دیگری دارد که به نظر استنزاء باستبراء مینگرند و از کثرت جهالت چنان خیال میکنند که فقه همانست لاغیر چه توان کرد (طلب از ملت بی علم ترقی هیات)

(شماره ۵)

(شماره ۵) و بطریق اجمال فهرست مائندی در ختام مسائل راجعه به حفظ الصحه معروض می دارد که قارئین گرام با انصاف ملاحظه فرمایند آیا قبل از تابش نور مدنیت اسلامی اینگونه تشکیلات طبییه در میان افراد بشری متداول بود یا این که بوسیله ترجمه های از طرف ملل عالم کتاب دیانت مقدسه و آثار علمیه فضلاء عالم اسلام دقایق علمیه انتشار یافت انصاف با خود مطالعه کنند کان است و منکر این گونه حقایق روی آفتاب را با کل اندوده و حقیقت را زیر پا گذاشته با این وصف اگر کسی اساس تاریخ مخترع و منتشر آن را بیان کند ما بدون عصبیت جاهله هر که باشد نبوت انجمن شخص عالی که در آنچنان زمان در چنان محیط این قبیل حقایق واقعیه را انتشار داده معتقد می باشیم و از جمله مسائل عمده حفظ الصحه که با نظر بسی مهم می نگرند ما ده مسکن و منزل است و وسعت و ارتفاع و خالی بودن از

رطوبت و تابش آفتاب باندرون منزل از جملة ضروریات منزل است و دین مقدس از این لحاظ هم بمواد مزبوره در مواقع مناسبه با زبان ساده و سهل و عبارات مناسب با عقول بشریه به پیروان خویش تعلیم نموده (حدیث نبوی ص ۴۰۴)
 رابع من المودة المرة الصالحة والمسكن الواسع والجار الصالح و مرکب الزهراء و اربع من الشفاعة) عکس آنست که ذکر شد ايضا (ان من روح المؤمن المنازل الواسعة) و آنچه از اخبار و تاریخ اسلام معلوم میشود آنست که مذهب مقدس اسلامی در باب تحدید منازل هفت الی (نه) زرع بلندی از زمین است و زیاده از این نسبت به بعضی مزاجها باعث مضرت است و در شهر حیفاء ساحل بحر ابیض در محله آلمانها اشیه و عمارات را موافق طرز اوامر اسلامیه بناء کرده اند از عمده ترین مواد صحیه مسئله غبار و چیزهای کرد آلوداست در منزل و کوجه تا هم در این مورد دقیق ترین اصول تعلیمات را از منبع عرفان اسلامی اخذ و اقتباس شده در حدیث (لا تنكبوا الغبار فان منه تكون انسمم) یعنی حرکت ندهید غبار را بدرستی که از کرد و غبار مرض ضیق صدر حادث میشود غیر از این چیزی در موضوع غبار حالا کشف نشده و عمر و ابن العاص در منبر در حین خطابه با هالی مصر تعلیم کرده (فاجتنبوا غبار مصر فان فيه نسمم تسمی) یعنی از غبار مصر بپرهیز کنید تحقیقا در میان غبار صاحب نفسی هست حرکت کنند و این معناء را از معدن علم اخذ نموده صاحب نفس در میان غبار همان حیوانه نرم بینی است (که میکروبهای میکروسکوپی) است در واقع لایق اینست که گویم کشف کننده میکروبها همان عمر و عاص

است که از حضرت معلم کل اخذ نموده نه باستور و غیره پس دین اسلام بیکهزار و سیصد چهل و اندی قبل بر این ضرر حادث کرد و غبار را بیان فرموده با طرز مجمل ولی بسی معیندار و قیمت دار و فلاسفه عصر حاضر با ترقیات کنونی به آلات تجزیه و مشاهده همین کشف آن را با چشم های سلاح دار می توانند بکنند مثلا (میکال نام در يك) غرام ربع مثقال غبار در بارق (مونستری) (۷۵۰۰۰۰) میکرو ب کشف کرده جائی که محل تردد مسافران نظیف و پاکیزه در محل ترقی امور حفظ الصحة در چهار يك مثقال کرد آنقدر میکرو ب پیدا شود قیاس کنیم با مکنته منتسبه و متعنه و مزبله چه اندازه ذرات حیوانانی پیداء است خدا عالم است و اهل فن و خبره در غبار های امکنته منتسبه در يك کرد (دو میلیون و یکصد هزار) میکرو ب کشف کرده (نکته مهمه) از جمله الطاف الهیه و اسرار حکمیه خلقتی اینست که اثر تدبیر صانع مدبر برای دفع غبار های مضره از داخل شدن مرکز تنفس و ابراث ضرر کردن بگونه موهای ضعیف و باریک و نازک در مجرای نفس و مدخل هواء تنفسی خلق شده بوسیله آن موهای نازک که در بینی و مجرای جگر سفید دائما در حرکت و جنبش بوده ذرات زهر ناک که بواسطه اطعمه و دخانیات داخل شده و میکرو بیهای که بمعاونت مقروسکوپها مشاهده می شوند و با غبار داخل شد آن قبیل ذرات را از بدن بخارج دفع می نمایند فقط اشخاصی که مبتلای درد عیاشی هستند موهای لطیف و نازک خادم بدن انسانی از آن تدافعی و جنبشی خدومتی عاجز شده و از کار و خدمت باز مانده همان میکرو بها در داخله ممانعت وجود

تمرکز یافته و تشکیل یکمده قواء مخربه داده قلعه بدن را اشغال و بدین وسیله باعث اضمحلال میباشند از این لحاظ است که مبتلایان الکحول و مخدرات سائره مستعد و حاضر بمرض (تبورقلوز) سل و ورم و بالاخره محو می شوند از جمله فلسفه حرمت شراب معدود است در حقیقت در موضوع شکر آن این موهبه عظمی دیانت وظیفه ذمه هر شخص علاقه مند اسلام است که کوباء باشد الحمد لله الذی هدانا لاسلام و ما كنا لنهتدی اولا ان هدانا الله و در قسمت خالق شناسی و حقیقه هر معتقد روحانیات در خاقت تدبیری که عقول بشری قاصر از درک اسرار وی بوده و عاجز محضی است ورد زبان نماید (سبحان من تحیر فی ضمه العقول سبحان من بقدرته یعجز الفحول) -

(شماره ۵)

شماره (۵) از فصل (۳)

شماره (۳) از جمله امور مهمه در نظر مولفین حفظ الصحه عمومی مسئله خواب است که البته تفصیل آن خارج از دایره معلومات ما بوده و مناسب وضع رساله نیست همینقدر لازم البیان است که شرع مقدس مستحبات کیفیت خواب کردن را با اصول دیانت تعلیم بیروان خویش فرموده بطوری که فعلا با ترقیات اذهان بشریه و انکشافات فنون عصریه همین دستورات اسلام معمول به عموم علماء عصر حاضر است مثلا نماز شام قبل از صرف طعام از مندوبات و مطلوبات شرعیه است و پس از صرف شام نماز خفتن (عشاء - غمه) اداء شده و ما بین آن دو عمل محبوب دو ساعت تقریبی وقت را مستلزم است

و بعد شروع به خواب میشود این دستور شرعی عین تعلیمات صحبه مواف حفظ الصبحه است (بلیک) مشهور و مسئله مستحب بودن خواب قبلوله در روز شرعا که مرغوب و مطلوب است تا بحال در میان اطبا و فلاسفه يك اندازه باعث نيل و قال و مورد اختلاف مقال بود ولی در زمان اخیر اتفاق آراء علماء حاصل شده بر اینکه پس از صرف نهار با فاصله اندکی خواب مختصری نفع زیادی دارد و این منفعت کشف گردید بدین واسطه که یک نفر فیلسوفی دو ناسک را معاً غذاء داده یکی را بهید برده و بشکار مشغول کرده و یکی را در منزل راحت گذاشته پس از چند ساعت هر دو سگها را تشریحا معده آن ها را شکافته و معاینه نموده که سگ راحت خفته در منزل مانده غذا روزانه را بخوبی تطایف کرده و بهضم داده ولی سگ دیگری که بشکار رفته دویده و کربخه همان خوراك عینا در معده اش باقی از این تدقیق معلوم است که پس از صرف غذاء روزانه يك مقدار خواب باعث میشود که در موقع را حتی خون با طراف معده جمع شده حرارت اندرونی زیاد تر گردیده غذاء را بحوبی بهضم آورده اعصاب راحت و سکونت پییاء کرده و بوجود انسان منفعت میرساند و کسیکه خواب نکرده و راحت نشده در تکاپو بوده و مشغول کاری گردیده غذاء صرف شده در معده اش باقی مانده بدان واسطه اعصاب و عضلات قواء لازمه را برای خود اخذ نکرده (سؤال) اگر به ذهن کسی خطور کند که مادامیکه پس از صرفی غذاء با اندک فاصله خواب منفعتی داشته و در مورد حفظ الصبحه ازوهی دارد پس در آن صورت از چه رو

در صرف غذاء بشام خوابیدن باندك فاصله مرغوب نكر دیده (جواب) اگر در همین نکته تدقیق نظر شود و با انصاف ملا حظہ گردد معلوم میشود که این معناء از اسرار غیبیه است که فعلا انکشاف می یابد چنانچه معمول است که روزانه چهار و پنج ساعت بغروب مانده غذاء صرف شده چندان فاصله ندارد تا معده کاملا خالی نشده شروع بطعام شبانه می شود یعنی بر این خوابیدن روزانه باندك فاصله و تحلیل دادن بر غذا ضرری نداشته نفی دارد ولی در طرف شب اگر غذاء صرف شده باندك فاصله بخواب رفته غذا هضم شود تا طلوع صبح که بمضاده ساعت و بعضا کمتر و یا بیشتر فاصله در میان است اگر از اول وقت مقداری از زمان بیداری نباشد غذاء در حین خواب هضم شده و در چند ساعت اجزاء ضروریه طعام با اعصاب و عضلات و خون تقسیم گردیده و معده خالی از طعام میماند در آنصورت با تهاجم خون باطراف معده بانبودن غذاء صاف و تحلیل نشده يك نوع افزاات سمیه بعمل آمده و تقسیم اعصاب شده و زهر ناکی تنفس که مرض مخصوص است پیداء میشود اینست که خوابیدن پس از صرف غذاء روزانه و خواب نکردن پس از طعام شبانه از نکات عمیقہ فقهیه است و سبب باطنی را خود علام الغیوب و جاعل احکام بهتر میدانند که عقل بشری در او راهی نیست (سبحان من تعریفی صتمه العقول (بلیك) مشهور در کیفیت خوابیدن می نویسد مطالبی را که ما شمار نمودیم و در کیفیت ساختمان اینیه و عمارات بر طبق اصول حفظ الصحه عبارت است از اینکه رو بجنوب بوده و تابش زرات آفتاب باندرون بنا نایند و

و میکرو بهائیکه در کنج و گوشه منزل و جاهای رطوبی نشو نماء کرده باعث ضرر می باشند آنها را تالف نماید بعضی از مؤلفین حفظ الصحه عمومی در مورد تمجید قرآن عظیم الشان می نویسند که تمام کبفیت تعمیرات و بناء منزلها را در يك آیه مخصری جامع بیان فرموده (و انخذوا بیوتکم قبله) محبر العقول است این شخص منصف از ظاهر آیه این معناء را مطابق عقل نافسی خود توجیه به مقصد خویش کرده و از اصل تفسیر هم چندان اطلاعی ندارد که مراد مقدس شارع چه بوده و چیست اگر تمام احکام را تدقیقا ملاحظه نمائیم در اکثر آنها يك جنبه حفظ الصحه دارد و ما در این ختام فصل سیم بابك ماده فقهیه که چندان مربوط بصحت نبوده و راجع باجتماعیات بشری است ختم مقال می نمائیم و احکام فقه اسلامی را از آن لحاظ قیاس عمل قرار می گذاریم از جمله مسائلیکه مباین اجانب آن را وسیله اعتراض خود شان قرار گذاشته و اناجیل کاذبه را بدست گرفته شهر بشهر در مجامع عمومی اذهان ساده دلان را مشوب و افکار کوتاه نظران را مشوش میدارند یکی هم مسئله تعدد زنان در اسلام است و همواره در پی اغفال و اضلال جمعی از مسلمانان و ملل سائره هستند که کوباء دین اسلام حقوق زنان را تضییع نموده و تعدد زنان را جائز فرموده و مردان هم از تکثیر زنهای مضرری ابراث می کنند نسبت بر جامعه بشریه و این راقم آنچه راجع بحکمت تعدد زنان است در کتاب مبدء الاسلام بیان داشته و آنچه قسمت حفظ الصحه است در این کتاب با اشاره اجمالی می گذریم و معروض می دارد که منصفین ملاحظه

فرمایند که مسئله تعدد زوجات با اینکه در دین مقدس اسلام اشکالاتی دارد و صعویتی را مستلزم است که کمتر کسی مطابق شرع اسلام داخل مرحله تعدد زوجات میشود زیرا (وان خفتم ان لا تعدلو) مانع است که شخصی دو زنی بگیرد و حدیث (من تزوج امرأتین فلم یعدل بینهما) از احادیث مشهوره است با وصف این اشخاصیکه از عدالت خود مطمئن هستند می توانند از يك تا چهار بر حسب امنیت و جدایی از رفتارات مطابق شرع زنهای متعدد بگیرند حقانیت آن دین و اکمالت آن از گونه نکات عالیّه معلوم میکردند که اگر تعدد زنان در بعضی موارد تجویز نشود در آنصورت فرض نمائیم زنی که نفساء و یا حایض و یا مبتلا بمرض مسری بوده شوهرش در انحالات مایل بهلاقات زنهایست بمقتضای بشریت و جبلّی طبیعت که همه نس مجبور است و مجبول است پس شوهر این چنین مفروضه مجبور است یا بزنا و یا بمتّرس یا اینکه زن شرعی و قانونی اختیار کند در صورت دو شق اول و دوم که زنا و متّرس است (زن غیر شرعی) مرض فرمکنی و سردی مکر متعارف و امثال آن بر وز کر ده و بدیکر افراد خانواده سرایت نموده و باعث هزار گونه فلاکت بجای بجهت بشریت و عالم مدنیّت خواهد شد که مخل حفظ الصّحه عمومی است و مقصد از مقدمه همان بود که مسئله تناکح در محور خود مفید حفظ الصّحه است بر طبق اصول مقدسه اسلامی و در صورت قبول کردن زن غیر شرعی که (متّرس) تعبیر آورده میشود در اغلب مواقع مشهود شده متّرس داخل خانه شده و چند مدت خوش گذرانی نموده و چند نفر اولادی آورده و بعد علقه محبت گسیخته شد یا

اینکه زن اولی بهودی یافته و بتای کیج سلیقه کی را گذاشته و مترس را از خانه بدر کرده چون اولادش در قانون مترس گیرندگان ارث بر نیستند همان مترس با اطفالش سر گردان مانده یا داخل فحشاء شده و بعضا انتحار و خودکشی پیمیان آمده

شماره (۵) از فصل ۳

و اما شق بییم که عبارت است از اینکه در صورت احتیاج بزن علاحه اختیاز زن دویمی یا سیمی یا چهارمی کردن نه باعث قتل و خودکشی و انتحار است نه موجب اختلاط و آمیزش با زنان اجنبیه است بلکه زنی گرفته چون اولی و قدیمی صاحب حقوق مشترک بوده و اولادش ارث بر است و واجب النفقه پدر خودش می باشد انصاف با قارئین است آیا شق اولی و دویمی بهتر است یا این که شق سیمی و بنظر را قم زناء و مترس گرفتن در نظر انصار اثبات و زن دیگری شرعی گرفتن در نظر مسلمانان بهتر و خوشتر است و آنکه می متعه الاسلام که زن موقتی گرفتن است اساسا از جمله رفع کننده مرض سفلیس است اگر مطابق قانون اسلام بوده باشد چون که پس از مفارقت کردن از ملاقات با شخصی متعه کننده افلا چهل و پنج روز عده ملحوظ شده پس از انقضای زمن عده به شخص دیگر قبول اجرت خواهد کرد و نامش در دفتر منظم قید شده مراعات جزئیات مزاجت و مفارقت خواهد شد در این صورت از کثرة آمیزش و اختلاط امراض مهلکه مستربه بهالم بمنشور نمی شود طوریکه يك تاريخ در قرآن و ابواب مرض ببيان کن نوع انسانی سفلیس شیوع یافت و از

اصول معالجه بسنوه آمدند از فضلاء و فلاسفه در تحت نظارت بکرئسی عالمتر از همه آنها مجلسی تشکیل داده و در کیفیت اصول معالجه مرض سفلیس رای طلبیدند هر کس بفکر خودش اظهار عقیده نمود در آخر سه نفر جوانی بلجی و فرانسوی که در مراکش با مسلمانان مذاکره کرده و يك اندازه تحصیل علم نموده بودند لایحه بصدور مجلس تقدیم علاج سفلیس را در صیغه الاسلام اظهار داشتند با همان اصولی که در فقه مسطور است رئیس و اعضاء قبول نمودند فقط معلوم نمود که عنوان را تغییر دهید برای اینکه موجب ایراد است که پس از مرور هزار و سیصد سال در عصر مدنیت از عالم اسلامیت معالجه سفلیس را اقتباس نموده باشم و عنوان را صیغه الاسلام گذاریم بناء بر این عنوان لایحه مزبوره را تغییر داده عوض صیغه الاسلام از دواج قانونی نوشتند و اعمال هم کردند پس مواد اسلامی هر یکی در معنویت بکنوع علاج تهذیب اخلاق و حافظ صحت عمر به

(فصل چهارم)

و دلیل قطعی این دعواء این است که مسلمانان با وصف فاقد بودن بنیام قوانین حفظ الصحه در عصر اخیر از برکت دین اسلام يك اندازه محفوظ شده اند و گرنه با این جهالت غلبه و فاقد بودن اسباب زندگی و زندگی کانی ده در صد بر حیوة نمی شدند و اگر کاملاً مراعات احکام را بنمایند ده در صد قبل از بالغ شدن بر عمر طبیعی و عادی تلف نمیشد ندی الحمد لله اولاً و آخراً ولا تکذب بشئ من آلاء ربنا وله الحمد وله الشکر

(فصل ۴)

(شماره ۱) به همین مختصر در باب حفظ الصحه اسلامی اکتفاء نمودیم شروع بسائر قسمتهای نکات احکام اسلامی میبنائیم پس از نعمت صحت و لطف عافیت در عالم بشریت و جامعه مدنیت مسئله اجتماعیات درجه شامخه را دارا و مقام عالی را حائز است بدین لحاظ در حقیقت نظر با اجتماعیات دیانت مقدسه اسلامی پس از بعث نبی ذیشان و ظهور علائم حق در اجتماعیات بشری تبدلات مهمه در عالم پیداء و مژده مدنیت را بعالم انسانیت صلا دادند طوریکه بت برستی در عالم رو بتناقص گذاشته و تقایل بافت و لیاقت و فضیلت شرافت منحصر به لیاقت است و انتقال از ثنی بسته نبوده و مربوط نیست (ان اگر حکم عبدالله اتقیکم) دلیل کافی و حدیث (الفضل با الهمم المعالیه لا با رهم البالیه) نص شافی و الفضل با العلم و الادب لا بالاصل و النسب صریح مراد است و قبل از بعث نبی ذیشان اسلامی ذبح قربانی از اولاد انسانی متداول بوده و جزیره عربستان معمول بوده و در مصر در مورد طغیان رود نیل قربانی یکنفر دختر زیاء و خوشکلی برای اسکات غلیظ خداوندی مرسوم و در تواربخ مسطور است و سوزانیدن زنها زنده و جاندار را در مرك شوهر در موقع احراق آن با هم برابر در اکثر قطعات هندوستان مشهور بوده و حالا مجرایی میباشد اینگونه اعمال وحشیانه بشری را در هر منطقه که دین اسلام با نور معنوی آنجا را منور نموده متروک شده با تقلیل یافته و این قبیل خرافات از میان رفته و تبدیل با حیاء نفوس بشری گردیده و بنام مزید محبت

و زیادتى را بطه مجالست و موانست هر روز نماز پنجگانه را با صورت جماعت گذاشته مستحب و مطلوب شرع مقدس اسلام است و روز جمعه محض یک نوع زمینه مستعد است برای تشکیل یک جلسه عمومیه بموم اهل شهر بنام دعوت و تبلیغ بر امنیت و استراحت و جلب بسوی اخلاقیات و در هر سال دوبار برای اجتماع عموم اهالی و نواحی آن از دو فرسخ دهات با اهالی شهر و مرکز نماز عید و فطر را اداء کرده هم رابطه بین اهالی دهات و اهالی شهر حاصل شده و هم جلسه عمومی تشکیل خواهد شد و بنام اجتماع عموم اهالی دنیا و سکنه کره ارض در محل وسیع اجلاس عمومی باعلاقه دیانت و جامعه بین المللی اسلامیت بلا فرق نژاد و قومیت از هر صنف و طبقه از متنفذین و متمولین در مجمع کوه مناء جمع گشته بکنوع ارتباط معنوی پیدا شده و با یکدیگر معارفه نموده و شناسائی حاصل گشته و مقررات مهمه در میان خودشان امضاء کرده و منافع مشترکه عمومیه اسلامیه را پس از مراجعت باو طاق و اماکن خودشان بدیگران ابلاغ مینمایند و نتایج حسنه در سایه روحانیت و قربت بسوی رب العزه به شخص زیارت کننده بیت الله عاید بوده دینی و دینوی فوایدی را نائل و عموم جامعه بشریه از این فایده و منفعت باالاضام خواهد شد و از جمله فواید ظاهریه است زیارت خیر نبی اسلام علیه السلام که زحمت کش عالم انسانیت و مؤسس دیانت اسلامیت بوده و در مقابل روضه مطهره باقرات فقرات زیارت تذکر از زحمات و مشقات فوق البشریه را داده و قدر دانی نموده و اقتداء در

افعال مرضیه بان نور الهی خواهد کرد و سفر کردن از اما کن بعیده سبب
 میشود که مشاهده آثار عتیقه و جدیده نموده اقتباس از آن بنماید و ایضا عدلیت
 ملل متعدده دنیا را با ایمان دیده و عبرت خواهد کرد و تنبلی و عطالت را از
 خود کنار و جدیت بکار در امور مهمه صرف وقت کرانیهای خود را
 خواهد نمود و ایضا بنام شریعت تادیبه حقوق و دیالو الهی کرده اعظم
 قربات الهی را عامل خواهد شد و در تمام منطقه عالم تقابل ظلم و الغاء
 فساد و اختلاف می نمایند و تمدن اسلامی را در کلیه صفحات مرور و
 عبور خود منظور خواهد نمود و ایضا با تمام برادران دینی خود در امور
 عظیمه تبادل افکار نموده و از آسکونه نیال تصادمی شده بارقه حقیقت بروز
 خواهد کرد و در آخر با قلاب صاف و فکر عالی در عشق دیانت محجراهای
 وسیعه و دریا های عمیقه را کشت و کذار نموده در پیشگاه مقدس معنوی
 الوهیت با قیافه روحانی (سا ناک فقیرک مسکنیک و بایک فتصدق علیه بالجنه)
 را باز بان عجز بیان گوید شده مسعود دارین خواهد شد از این لحاظ است
 که حج الله به ثروت داران و جامع شروط مهمه واجب گردیدند نه بهر کس
 که بالغ و عاقل است و هر چند که مسلمانان عصر حاضر از این فلسفه عالی
 بی اطلاعند و مقصد شارع مقدس را نفهمیده بنام خشک و خالی و یک لقب بی
 معنی که از فحش بدتر است متقبل زحمات ذهاب و آیب را می باشند و یک
 بیت شاعر را تخطیر لازم و کافی است برای تنبیه بعضی از زائرین (فاهد بزم
 کعبه رود کابن ره دین است - خوش می رود اما ره مقصود نه این است) -

و دیگرى هم در این ضمن میگوید (ای قوم بحج رفته کجائید کجائید - معشوقه در این جا است بیائید بیائید) اینگونه نکات عالیہ اسلامیہ را درك نمودن محتاج است بتحصیل بعضی از علوم لازمہ اگر در مغز مسلمانان دورۀ اخیر قوۀ نیز و تشخیص بودی انوقت در سایہ دیانت سید و سلطان کرۀ ارض می شدند طوریکہ در عصر سعادت همانطور بودند و در این زمینہ (قومب) نام مولف و عالم فرانسه در کتاب عالم تاریخ خودش مینویسد کہ از حوادث عجیبہ و سوانح غریبہ عالم است کہ نظیر آن اتفاق نیا فتاده و تاریخ هم نشان نداده کہ عبارت از این است چه طور شد اعراب وحشی در ظرف اندک زمانی نور تمدن اسلام اسلامی را در تمامی صفحات کرہ منتشر نمودند و سید و آقای کرہ محسوب شدند (راقم با صدای رساء بعموم متفکرین دنیا سبب و علت آن را کہ قومب نفهمیده ابلاغ مینمایم کہ سبب و مؤثر این حادثہ غریبہ تاریخہ معلوم است و همان سبب کلمہ مقدسہ جامعہ اسلامیہ لاله الا الله محمد رسول الله کہ وحدانیت ملیہ و توحید افکار و وحدت جامعہ را در زیر لواء محمدی و با صوت کبابانك احمدی بفکر صاف افراد تودۀ اسلامی تزیین شده و با امر مقدس (لیس لانسان الا ما سعی) طوری جدیت و سعی بلیغ نمودند و متشبت بعروۃ الوثقی شده و عالم را دلیل و هادی خودشان قرار گذاشتند در اندک و قنی در مسلك ارسطو و اقلیدس و افلاطون و ابوقرطہا غور و رسیدگی کامل بعمل آورده سید و آقای اهل دنیا شدند حالیکہ قبل- الاسلام مالک یک قطعہ عبای صوفی بشمینیہ و یکقطعہ ازار و یکقبضہ شمشیر بی

غلاف و بلا غلاقه بودندی (رجوع شود در پیدایش تعجب قوم بکتاب محمدیه یا اثر محمد نالیف قیمت دارالطفا الله حمدی استانبولی رجوع بمقصد در تضاعیف کلمات سید کائنات کلمانی دست رس ما شده معنای عالی آن را با وسیله تحایل و اجزاء خانه های عصری همین درك مینمائیم و غالبا تا کنون کشف نکرد دیده و امید است که انکشاف یابد (مثلا سید الاشریة الماء یعنی آقایی تمامی نو شبیدنی ها آبیست که مطلق و خالص باشد (بلیک نام) مشهور در کتاب خود کلیه مشروبات نشئه دار و غیرها را که ممزوج و مخلوط بچیزی دبگری بوده باشد مضر و مفسد میدانند و آب خالص از حیث دواء و غذاء را از همه آنها نافع تر دانسته و از جمله مولفین حفظ الصحه عمومیه است (موبناق نام) می نویسد که در گوشت خنزیر میکروبی موجود است که نام (تریشنیسوز - تریشین) و از آن میکروب مرض تولید میکرد که بنام همان میکروب نسیمیه میشود که تریشنیسوز مینامیم و (زانکهر) نام فیلسوف از همه کس مقدم تر این میکروب را درك کرده و (بلیتون) نام هم درك کرده و هم کشف نموده و پس از تدقیق عمیق منکشف کردید که در میان لیفهای گوشت خوک بیضهای کوی - چك موجود و بخون سرف کنندة آن داخل و در میان لیفهای گوشت انسان جاگیر شده و در زمان کهولت و سن پیری بروز و ظهور نموده و در معده و روده ها نشو و نما کرده نوع نرهای آنها (دو - و سه میلنره) طولا و مادی آنها از (سه تا شش) میلنره تشکیل می یابد و بعد از چند روز از این میکروبها بیضها و کرهها در معده و روده پیداء در نتیجه این تولید و توالد

تکاثری بعمل آمد منجر بمرض قی و اسهال شده و ناخوشی (حماء تیفو-
ئیدی) و قواراء پیداء میشود و در ظرف چند هفته از معده بخون آمیخته
میکروب هائی در رنگ خاکستری بعمل آمده در کلیه مجاری خون آشیانه
ساخته از بیست روز الی پنجاه روز با مرك فجیانه سبب قوت شخص میگردد
و علاوه از این (۱) سیلوم) مرضی است از گوشت خوك تولید میشود و
کیفیت حدوث آنمرض در کتب طب مذکور است و ایضا از اسرار فقهیه
و نکات شرعیه است که در ظاهر کشف شده مرض مخصوص (اکیائیینه)
از سکها سرایت میکند و میکروبهائیکه داخل جهازات تنفسیه میگردد طول
آنها از يك میلمتره تجاوز نکرده و (ابدائیینه) از آب دهن سکها سرایت
میکند و باعث خسته گی در جگر سیاه میگردد و بجگر سفید و مغز انسانی
هم نفوذ دارد و پاك مشهور مرضهای حادثه در جگر سفید را از سكه
سرایت شده میدانند و با تجارب عده این معناء را اثبات نموده و ایضا بعضی
موادیکه جنبه اجتماعى دارد ولی بصحة و عافیت زیاده مدخلیتی دارد مسئله
مسواك است که فعلا مورد توجه علماء دنیا است و شرعا استحباب مسواك کردن
از جمله ضروریات فقهه اسلام است و پاك شدن دندان از بقایای غذاء در
نظر فلاسفه عصر حاضر از جمله مسائل مهمه زندگانی بشمار است و تا کنون
با يك نوع آلتی پاك میکردند بنام (فرچه) معروف است ولی فعلا ضرر آن
کشف شده و مسواك مشهور بین المسلمین موقع مهم را اشغال نموده و نفع
مسواك واضح است که دفع عفونت کرده و خصوصا میکروب کش و ضد

عفونی است و خصوصاً مرض مخصوص التهاب دودی را از روده بزرگ رفع و دفع مینماید بلیك معروف التهاب دودی مزبور را از تعفنات جوف دهن دانسته و علاج آن را درعین مسواك كه درخت مخصوص است كشف کرده و كشف كننده مضرت جوف دهن (منچتوف) مشهور می گوید كه از نبودن مسواك و استعمال نكردن آن بسی امراض حادث میشود ایضا (مصول الماء مصا ولا تمویه عبا) فان الكبا دمن العبا ابن حدیث شریف جامع بسی محسنات كثیره است كه طبایع مقبول تمام افكار فلاسفه عصر حاضر است و بلكه حیرت بخش اطباء عصر به است (بلیك) مشهور در كتاب حفظ الصحه خود می نویسد در موقع نوشیدن آب بتدریج و تانی نوشیده و بواسطه يك اوله نازك بطور مكیدن بمعدّه برسانید زیرا كه هجوم كردن آب بمعدّه باعث هجوم خون می شود بچكر سیاه و مرض كبك حادث می شود كه عین ترجمه معنای حدیث شریف همین است كه نوشته شد در این موقع تقدیس از دیانت مقدسه اسلامی لازم است كه باشكل تكاملی و ترقی بر طبق شیوه مرضیه تانی و تدریجی سه سال با طور مخفی این گونه احكام معجز از تسام را كوش زد خاص و عام نمود و بعد با اهل مدینه بیعت عقبه را مخفی با اشخاص معدوده نموده و بعد هجرت بمركز اسلام و عملیات مزبوره را بتوسط مصعب ابن عمیر مبلغ اسلام بموقع عمل گذاشت و پس از بیعت عقبه و پس از ترتیب مقدمات بیعت با بذل نفس و مال در راه ترویج اسلام (آیه اذل للذین امنوا ان یقاتلو) نازم و اجازه جهاد حاصل با اصول تدافعی و و تمانعی اشتغال بغزوه ها و سریه ها

ورزیده و با جنکهای متوالیه در قبال مدنیت شرق (ایران) و غرب و (روم) يك موسسه حقیقیه تاسیس و يك مدرسه حکمت محمدیه تشکیل نمودند که عقل بشری عاجز از درك حقایق واقعیه کلمات صادره ایست از محصلین مدرسه احمدیه در ظرف سیزده سال با آن محاربات مکرره و اشتغالات مهمه در تمام نقاط عالم تغییرات اجتماعی و مدنی رو نماء شد و متفکرین ملل عالم تابع افکار مسلمانان شدند و هر شخص مسلم در محور مستقلا متدین کامل است که بدون احتیاج بدستور غیر منفردا میتواند که وظائف روحانی خود را ایفاء نماید ایضا از جمله محسنات اسلام یکی اینست که غنی یا فقیر مساوی بوده و زکوة مال مخصوصی فقراء است و منت گذار نیست چون از حیث دین زکوة مال خودش است ایضا (کربلاستون) نام که یکی از رؤسین مدرسه آمر- یکان است در شهر بیروت در اول کتاب خود موسوم (بار واء الظمء فی معال سن القبه الزرقاء) می نویسد که دین اسلام احیاء کننده علوم ریاضیه است و در علم هیئت از همه کس سابقتر است و در قرن دوم هجرت عبدالله ابن محمد ابن علی محمد ابن علی ابن عبدالله ابن ابو جعفر المنصور از تاریخ (۱۳۹) الی سال (۱۴۸) بتوسط فضلاء ملل سائره کتب یونانیه و سریانیه و هندیه را ترجمه بزبان عرب کرده و خدمت بعالم مدنیت و معارف نمود و در عالم اسلام تا به قرن نهم هجری همواره کاشفین و مخترعین و کاشفین پیداء شده و با اکتشافات جدید فنیه عالم را رهین منت خودشان می کردند و راقم در حصه چهارم تمدن- الاسلام مشروحا بیان داشته ایم که در واقع کاشف قطعه دنیای جدید خود مسلمانان

اندلس بوده و پس چند صد سال کر یستوف کلمب از روی همان خریطه موفق بکشف آن گردید و بوسیله علماء و فضلاء اسلام علوم متنوعه در عالم انتشار یافت خصوصاً اهالی مملکت ایتالی و فرانسه و انگلتره علوم عصریه و فنون حاضره را شاگردان (ابن رشد) مشهور اخذ و اقتباس کرده اند و غیر از مطالب مزبوره تفصیلاتی ذکر شده که ماصرف نظر از ذکر آنها نمودیم ایضا شارل مسیمیر در تالیف خودش موسوم به نام (سوواره - دو قونستان) نیول طبع شده در تاریخ (۱۸۷۰) مسیحی در پاریس بناء بر توصیف اهل خبره و مطالعه کنندگان يك اثر قیمت داربست در کیفیت طرز املاء و انشاء و طرز نكزش در نهایت جودت و مرغوبیت بوده

(شماره ۲)

شماره (۲) و خود مولف از جمله منصفین است و از ترجمه تمامی کلمات آن صرف نظر کرده و آنچه موقع مهم و محل شهادت است بطرز اشعار ذکر مینمایم. مولف اولاً لزوم تعلیم و تربیه را برای نوع بشری ذکر کرده و بعد از آن شروع بمحاکمه تاریخیه نموده و در این زمینه بدین نصارائی فکری داده میگوید دین اسلام بر ادیان سائره شباهتی ندارد طوری که دین موسی فرزندان بنی آدم را تا انقراض نسل هفتمین اولاد از کنهادران مسئول میداند ولی دین اسلام پدر را برای پسر و بالعکس مسئول نمیداند (ولا تزروا زرة و زر اخری) و علاوه از این در احکام دیانت موسوی چندان بامور اخروی نظری ندارد و رافق در کتاب مبدء الاسلام تنزیهی بودن دین مسیحی و تشبیهی بودن

دین موسوی را بیان نموده مراجعه شود) و اما دین مسیحی در حال حاضر از محور اصلی خود خارج و بحضرت مسیح نسبت الوهیت میدهد و دین اسلام عمده اعتراضیکه بر مسیحیت کنونی دارد در موضوع تجسد الوهیت است و این نسبت از قدیم الایام نبوده بلکه این اعتقاد ضعیف پس از انحلال حضرت مسیح در سال (۳۳۵) در شهر نیسه از سلاطین نصارا ئیان قونستانتین نام مجلسی تشکیل داده و در این باب مذاکرانی نموده بامخالفت (۱۸) نفر از (متره بولیدها) روحانیون فکر الوهیت مسیح بی نتیجه مانده و تکرار در تاریخ (۳۶۰) جاسه ترتیب در شهر (دی مینی) چهار صد نفر از متره بولیدها اجتماع بعمل آمده همه مخالف این رای گردیده و بیست سال ابضا این فکر باطل انتشار نیافت در سال (۳۸۱) در شهر اسلامبول مجلسی انعقاد یافته و همه روحانیون قرار گذاشتند که الوهیت حضرت مسیح را بر اهالی تعلیم داده و تلقین نمایند حالیکه در دین اسلام شواهد کثیره ایست که خود حضرت عیسی نسبت الوهیت برای خودش رضا نداد اجمالا از اعزه ملت مسیح (سه ن زبروم) میکوبید در علم هندسه و حساب چندان معنوبیتی نیست و حقیقتی دارد لکن علم دینداری نیست و بلکه علم دین همان قبول تعلیمات نصایح کتاب آسمانی است

فصل (۴) شماره (۲)

شماره (۲) ولی عام دینداری همان یادگر فتن نصایح کتابهای آسمانی است فقط دین کنونی مسیحی ضد علوم است طوریکه (سن پول) هر کتابی

که موافق فکر خویش نیافته سوزانید (و با پاس - غربقوواء) کتابی علمی
 بی شمار را محو کرد (فونستانتین هر کتابی را که مخالف مذهب نصارا می
 دیده ولو در حرفی بوده باشد می سوزانید (ژنون ئی - زوزمن) هر علمی
 که از معانیات و نباتات بحث مینمود کتاب آن علم را می سوزانید با تحریک
 راهبان ائتلاف آن را واجب میشمرد (قاردینال - قسیمه نس) در شهر غرناطه
 مرکز سلطنت اسلامی هشتاد هزار مجلدات عربی الاسلوب و العباره را سوزانید
 و کتابخانه (هانری دارغون) از طرف فرقه (انکیژ یسیون) کشیشان سوخته
 شد و در این سوخته شدن کتابخانه اسکندریه نصارا ئیان بی دخل نبودند و
 در تاریخ (۳۹۰) میلادی (سه اورناس) نام کتب علمی اسکندریه را سوزانید
 و نیست آن را من داده اند و اصل ندارد و در تاریخ (۱۵۶۸) میلادی در
 شهر غرناطه (یوسفوب فیپ) امر کرد که آبدست مسلمانان منع شده و زبان
 عرب ممنوع گردد و کتابهای عربیه را بسوزانیدند اجمال مقل اینست که نصارا
 را ئیان در نصب جاهلانه مفرط بوده و با اعراض شخصییه حقیقت را میپوشانند
 و ضد علوم و فنون هستند بالعکس اسلام و مسلمانان طرفدار علم و فن می
 باشند و علاوه بر این هر کسیکه از نصارا ئیان صاحب علم و فن باشند غالباً
 از جاده دیانت انحراف میجویند ولی هر کس از مسلمین عالم و فاضل تر باشند
 در دیانت خود نبات و استقامت ورزد چون اسلام علم است و مطابق فن اگر
 اسلام و مسلمانان در دنیا نبودندی علوم قدیمه در زیر خاک پنهان بوده و مجهول
 مانسی و در باره حضرت نبی اسلام علیه السلام با زبان ستایش طوری تمجید نموده

که ما از ترجمه آن عجزی داریم همیشه ذکر میشود که میکوبد در ناربخ
 بعثت حضرت رسول مجتباء احوال دنیا بمنابه منقلب و پربشان بود که برای
 تصحیح و اصلاح آن دور و آن عصر وجود بکفر شخصیت تاریخی و معجز
 نماء لازم بوده باشد احتیاج و کمال ضرورت را داعی بود بینی بر این احتیاج
 مبرم و ضرورت اقتضائی ذات قدسیت مہات حضرت فخر کائنات کثر می آمد
 که خاق را بسوی حقیقت جلب و مردم را بلا فرقی نژاد و قومیت بدائمه اهداء
 دین اکمل و اشمل هدایت نموده و بمحض انسانیت ارشاد فرماید و در باره
 جمعیت بشر به قوانین اصلیه خلقتی را تطبیق نماید و او هام و خرافات قدیمه را
 ازاله و عبادت بخدای دروغی را ابطال و استحقاق تعبد بر يك ذات اکمل
 را شناسائی کند و بت پرستی را در دنیا تقلیل و شریعت مقدسه توحیدی را
 در کره ارض با افراد نوع بشری قبولانده و بنای اصول شریعت را قائمه عدل و
 اساس علم گذاشته و انساب مسیحیت را بر وجود يك اله متجسد و جسم داری
 را در سلك خرافات و جزء موهومات ارائه فرمودند و حضرت محمد علیه السلام
 انبیاء سابقه را در محور نبوت تصدیق و قولشان را تقدیس فرموده و تمامی پیغمبران
 را به برادری خود قبول نمود و دین آن بزرگوار يك دین اجتماعی و سیاسی
 و اخلاقی است و آنحضرت باب رسالت را مسدود داشته (لانی بعدی) فقط
 باب علم را مفتوح نمود (اطاہو العلم من المہد الی اللحد) و این نکته مهمه برا کثر
 اہالی اروپاء مجهول مانده که همین حالا درک نمیتوانند بکنند که آن حضرت
 باب علم را گشوده و باب نبوت را تا روز قیامت مسدود داشته و تا روز قیامت

همچنین خواهد بود و هر کس از آنحضرت سؤال می نمود که اقتداء به کدام اشخاص لا بقتر است جواب میداد که بعالم تر بن خودتان اقتداء نمائید و برای علم حدی و تحدیدی قرار نگذاشت و کلیه علوم را لازم التعلیم دانسته و از استعمال بعضی از آنها را نهی فرمود و در باب تحصیل علم امر مصرانه داده و میفرمودند که هر که به معلومات شما چیزی بیلاوه کند بنظر پدری بر وی نگرسته و بر تعظیم آن بیفزائید (من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً) و علم در کدام نقطه ممکن الحصول باشد در طلب آن جدیت کنید (اطلبوا العلم ولو بالصین) و اهمیت دادن مسلمانان بر تحصیل علوم يك امریست که عالم تاریخ اثبات آن میکند و نشان میدهد و مهارت مسلمین در صنعت و فنون و اصول جنگاوری يك امری است دیندارانه و اثر تربیه دینی است چون دین اسلام ضد تنبلی و تکاهلی و عکس عطالت است و همینقدر معاموم شده که مرور زمان و ماضی اوقات و اعصار اساس دین اسلام را تغییر نداده بر عکس با انقلابات عصریه حقایق اسلام انکشاف می یابد و دین اسلام شخص را اجبار و اکراه مازم بقبولی آن نمی نماید (لا اکراه فی الدین) ولی هر کس که قبول آن دین مقدس را با اختیار خود به کند داخل آن دین الهی بوده و پیروی آن باشد و دیگر مفارقت از آن نمیکند و تغیر کننده مسلک خود در مسلمانان کمتر دیده شده بلکه نادر است و در نظر بعضی از متفکرین اروپائی چنان مرتسم بود که با داخل شدن فنون عصریه بر میان مسلمانان باعث تبدیل مسلک خواهد شد حالیکه هر خطوه ترقی سبب تقویت ایمان مسلمانان می گردد و این لحاظ غیر از عظمت این دین و شهامت آورنده آن چیز دیگری

نبوده و بهمنای دیگری معطوف نمیکردد و هر امری از اوامر اسلامیة منفردا شخص را اداره میکند چون بز قواعد (فزیکیه) حکمیة مبتنی شده است و این چنین دین ابداء تزلزلی نپذیرد و بر هر فرد مسلم بدون رعایت نظافت جسمانیة تکامل اخلاقی و عقلی حاصل نیست (النظافة من الايمان) تعلیم اسلام میانه است و قرآن عظیم الشان برادران دینی را نهی میکند که یکدیگر را به قیافه بز مرده و باحال بریشان قبول کنند (باب او خال السرور علی قلب المؤمن) و در اوامر و نواهی حضرت محمدی حکمت و حفظ الصحة وجود است و ملاحظه کنند کان علویت نماز

شماره (۳) از فصل (۵)

شماره (۳) بهتر ملتفت هستند که با دو ماده جا غصب و جامعه غصب حفظ حقوق بشری فرموده (اگر این دو ماده در میان نوع بشری کاملاً مراعات گردد در آنصورت ابداء تنازعی و تخلفی در عالم پدیدار نشود و قمار ممنوع و حرام بودنش در اسلام بدیهی است (انما الخمر و المیسر) و زکوة تابع قواعد منتظمه است (در فقهه بیان شده که در چند چیزی واجب و به چند جا صرف خواهد شد حرص و طمع و خلف و عده و دروغ گزنی شدیداً ممنوع است و خج اسلام منافع مادی و معنوی را شامل است و در دیانت اسلام زنان حقوق انسانی را کاملاً حائز و دارا هستند و آزادی نسوان در میان اروپائیان پس از مخالطه و مراوده با مسلمانان معمول گردید و عمده سبب آن جنك صایب است (الجنة تحت اقدام الامهات) بر علویت مرتبه زنان

ذلیل کافی است و در موقع حدوث نزاع و وقوع اختلاف فیما بین شوهران و زنان طلاق رفع نزاع میکند و اولین اصلاح کننده اختلاف صلح ناپذیر در میانشان است وزن مطلقه از بچه خود محروم نیست بلکه هفت سال تانه سال اولادوی در حضانت مادران مطلقه بوده و معا امرار حیوات خواهند کرد و تعلیم زنان و تربیه ایشان از لوازم دین شمرده میشود (طاب العلم فریضه علی کل مسلم و مسلمه) و زنان تابع تربیه شوهراتند (ان المرءه تاخذ من دین یملها) و در فصل دیگر تحت عنوان مخصوص در این اثر بزرگ (دین اسلام و فنون) کلمات قیمت دار و معینا ذکر شد که صرف نظر از تفصیل نمودیم از انجمله مینویسد که تمامی علوم و فنون عصریه از برکت معرفت مسلمین احیاء شده و در زمان خلفاء بنی عباس و بنی امیه مسلمانان در انتهای مراتب سعی و جدت معلوم و فنون اهمیت میدادند بطوریکه هر و ن الر شید به پادشاه فرانکستان (شارلمان) در ضمن تحف و هدیاء که از آثار فنون اسلامی به شمار بود از قبیل عطریات و منسوجات حریریه و کلید بیت المقدس و یک قطعه ساعت ضربه و متحرکی ارسال داشت که در موقع وصول فرانکیان آنزمان یا حیرت تمام نظر میکردند و در آن زمینه سوال کردند که آیا مخترع آن آگست شالمان جواب داد فرستاده امپراطور شرق هر و ن بوده و عمل مسلمانان است و بر مکیان در این باب سعی بلیغ داشتندی و آثار بقراط و آرشمید و بطلمیوس و ارسطو و سقراط را ترجمه کرده خدمت بهالم انسانیت کردند و مترجم مشهور (هنین) نام از خزینه دولت بمقدار سنکینی کتابهاییکه ترجمه کرده

بود زر خالص میکرفت و ایضا تاسیس مکاتب و تعمیم معارف از آزمون شروع گردید و ایضا در کلیه ادیان که بخدائی يك ذات مطلق قائلند چون دین اسلام و فلسفه و حکمت اهمیت نداده و دولت اسلام در آزمون يك باب مدرسه مجانی که کنجایش شش هزار نفر طلاب و محصلین داشته باشد بناء و تعمیر کرده بود و کتابخانه و دواخانه و اجزاء خانه و عملیاتخانه و سرپرستخانه ها (اداره بود که اشیاء کم شده و سرقت رفته را از آن اداره طلب مینمودند) بنا کرده بود و مدارس طبی و ریاضت خانه و مدرسه مترجمین دائر کرده و کشاده بودند از یونانی و قبطی و رومی و فارسی بلا تفریق نژاد و قومیت و بدون تفرقه مذهب و دیانت محصلین جمع شده و باندازه لیاقت علمیه و اسنحقاق شخصی بمضلاء مال و نحل احترامات لازمه معمول و امتیازات لایقه مبدول میشدی و ایضا از خدمات مسلمانان بشمار است که نی شکر و بنیه و خرم و وفق و توت و تخم آنها را بقطعه اروپا انتشار و غرس و زرع کرده خدمت شایان تقدیس بملاقمندان علوم زراعت و فلاحت کردند و برای تسهیل امور اقتصادی و زندگی کانی قائمه نقدی (بانکنوت) ایجاد کرده و استعمال نمودند و این قاعده از دولت اسلام معمول شد و از حیث صنعت ملک اسلامیة در حقیقت معام صنایع مستظرفه هستند و مصادمه صلیبی در موضوع جنگهای متوالیه مسیحی با مسلمانان در اطراف بیت المقدس دوره انکشاف و عصر انتباه ایشان شده و مرایشان را صیالی تادیبی گردید و آسیابهای بادی و میکانیکی درست کردند و اسباب بصری از قبیل زره بین و دوربین و دور نماء و بوصله ساعت و قبله و کاغذ سازی و

سجی ابریشمی و آهن سازی و فولاد سازی و سائره را از مسلمانان آزمان
 اخذ و اقتباس نمودند و (مدائوك مثبة مطاب فوق را در كتاب تمدن الاسلام
 حصه چهارم ذکر نموده ام مراجعه) و اصول معماری (غوتيك) از مسلمانان
 تعلیم شده و طرز کلیساء عصر حاضر از قانون معماری مسجد سازی در مصر
 و غراطه طرح اندازی شده و کنیسه های مسیحیان را از طرز یاریاری (وحشی)
 قدیمی که مشابیه تمام بدنه هولایکی داشت یا منظره نل مهبی را تشکیل
 مینمود دهائی دادند و ایضا قرآن عظیم الشان اسلامی سعی و کوشش وجدیت
 را تقدیس فرموده (لیس لانسان الا ماسعی) و (ان الله یحب العبد الکاسب و تجارت
 کسب کاری را از اسباب فخر و مباهات قرار گذاشته و اگر مدنیت اسلامی
 را بهر اندازه تعقیب و تدقیق نمائیم باعث حیرت خواهد شد طوریکه از حدود
 اسپانیه اندلس تا حدود چین و هند در تحت نظارت مسلمین بوده از طرف
 بری و بحری در کمال انتظام و آسودگی بوده مصون و محفوظ از تجاوزات
 غیر بود دفن های متعدده برای روشنائی سواحل دریاها تهیه و تعبیه شده از
 نازل دور و مسافت بعیده با اصول رموزات و اشارات مخابراتی کرده و
 تقویم مراد مینمودند (و غیر از مندرجات این کتاب بزرگ در تاریخ احمد
 رفیق بیک مسطور است مطالبیکه در موضوع دریاء نور دی مسلمانان و ترقیات
 محیره العقول شان در این محل ذکر شد) و در اصول کشتی رانی اولین ملل
 عالم بشمارند و در زمان الحاکم بالله در مصر با نظارت خلیفه و سلطان العلماء
 مجتهد از زمان شش صد قطعه کشتی های جنگی از طراوه و خراقه و فراره با

اصول مخصوصه در یکروز بدریاء افکنند حصه چهارم تمدن الاسلام راقم رجوع شود) و هکذا ادارات منظمه و پلیس‌های آمین برای تامین حقوق قضائی و دیعة‌اللهی و تشکیل اداره قشونی منتظم برای محافظه شئونات ملکی و مملکتی و محروس بودن حیثیات مللی و دیاتتی مسلمانان بر عموم ملل عالم نمونه امثال و مایه عبرت گردید و از عدالت مسلمانان اندوره ملل مغلوبه و اقوام دستگیری ممنون از مغلوبیت خودشان بودند و متشکر بتابعیت میکشند و دو اسپانیه از اثر دیانت اسلام بکنوعی تمدن جلوه نمودن گردید که از هیچ یکی از قطعات کره ارض آنچنان مدنیت ظهور نشده (راقم طوریکه در حصه (۳ و ۴) تمدن الاسلام تفصیل داده مثلاً عائشه خانم بنت شیخ احمد قرطی نوعی از اصول ستمی و آبیاری در ناحیه نزدیکی شهر غرناطه از بائین به بالا آب رسانیده و با اصول مخصوصی کمربندی که فعلاً سیاحین عالم از آن گونه اصول آبیاری در حیرتند و همین حال علامت آن باقی است) و بنا بر تحقیقات (مسیو دوروی) در شهر طایطله از توابع غرناطه در اندلس دو بیست هزار و در شهر (سه ویله) سبصد هزار نفوس سکونت مینمودند و محیط شهر قرطیه هشت فرسخ راه بود و هشت هزار باب سرای عالی و شش صد باب مسجد جامع عمومی و هشتاد باب مکانیب عالییه و نهصد باب حمام برای تنظیف عمومی مجانی و دارای يك میلیون نفوس بودی و در شهر سه و بلله محض برای حریر بافی شش هزار باب بنای عالی ابریشمی دائر بوده و مشغول عملیات حریر بافی بودند و در تمامی نقاط اور و باء طلاب و محصلین برای تعلیم علوم

و فنون متنوعه عصریه در مطایب اسلامیة به شهر غرناطه و سائر شهرهای اندلس جمع میشدند و اغلب آنها در آنمکان قبول اسلامیت مینمودند و اقامت را بر مراجعت بوطن ترجیح میدادند و در موقع ورود و دخول فرقه منحوسه (انکیزیسون) بقطعه اسپانیول اکثر افراد ملت نصراء از ترس وحشت آن دسته ظالمة بحدود اسلامیة ملجی و پناهنده میشدند و سائر ممالک شرقیه در ترقی و تمدن بقطعه اندلس تابع شده و اخذ اصول مدنیت از آن مملکت می مینمودند و (سوسه) و (قروان) و (طرابلس غرب) و (تونس) و (الجزائر) با مکاتیب عالیہ و مدارس نہایتہ محالو بودند (سیران) و (عدن) (جده) و (سویس) موقوف (ایستکه) بزرگ دنیا محسوب بود و بازار کابل محل تجارت عمومی اهالی اسیاء بود ایضا حکما و فلاسفه بزرگ که از مسلمانان سرآمد عصر خودشان بودند از قبیل حقوق شنش (بوریس) و نحو و صرف و موسیقی دان و منطق و معانی مورخ غیره و اگر جدول نامهای ایشان را ترتیب دهیم یک کتاب مخصوص لازم است و در دهم عصر میلادی حکیم شهیر و فیلسوف بی نظیر (حسین ابوعلی ابن سیناء) آله رفاه و میزان ارتفاع آفتاب را ایجاد کرد و ابن یونس در عصر یازدهم و فتاح بن نجیباء یرونی ابوریحان و ملکشاه در عصر دوازدهم (ابن رشد) مشهور و بهاءالدین موصلی ایضا در عصر سیزدهم و مولف جدول ابوصفیه اصفهانی و از علماء علم نجوم و جغرافیه ابوالحسن الفاسی و نصیرالدین طوسی و امام غزالی خراسانی و در عصر چهاردهم ابن شاطر و مولف حماء ابوالفداء و در عصر پانزدهم شاه رخ الغ بیک و در شانزدهم

امام سیوطی و صاحب منتخبات التواریخ قاضی میر (همان شخص است که استعمال اوراق تغدیه (بانقنوط را) در میان مسلمانان معمول ورسوم نمود و در عصر هفدهم کاتب چلبی که باذلیفات خود در باره آثار جغرافی قدیم اوروپائیان را در وادی حیرت حیران و سرگردان گذاشته طوریکه باور نمیکند بر اینکه در آن عصر اینگونه کتابهای جغرافیائی تالیف و تدوین کردند غیر از ابن فضلای فلاسفه نامدار همه از توده اسلامی بوده و علماء بنام از فضلاء روزگار که بعالم مدنیّت خدماتی کرده اند و در صحائف تاریخیه نام یکی بیادگار گذاشته اند همه ایشان از اثر حریت فکریه دیباّتی بمراتب عالیّه و مقامات شامیخه نائل شده اند و این قبیل اکابر روزگار بر مزیت دیباّات مقدسه اسلامیّه بهترین دلایلی است و در قرون وسطی عالم نصرانیت از منابع عالم اسلامیت سیراب میشدند بطوریکه افکار حکیمانه (البرت) بزرگ و کتب عمومیه (سن بونا - واتون) و آثار فکریّه (روز باقون) همه از فیوضات اسلامیّه است و در علم شعر و قافیه و تراجم احوال و علم لغت دانی و دانستن منابع حادثات تاریخیّه و استنتاج فواید تاریخ (محاکمه تاریخیّه) تماما از مسلمین اخذ و اقتباس گردیده علاوه از کتب فارسی و ترکی آنچه از کتب عربی در موضوع تاریخ و راجع بمواد تاریخی از مورخین اسلام بعالم انسانیت مودوع شده کمتر از يك هزار و سبصد جلد نیست و کشفیات اسلامیّه خیلی زیاد است و حالا مبنی بر چه اسباب است که ایجاد تفنک و باروت و پوسله و کاغذ را به اهالی چین نسبت میدهند حالیکه امروز بر کافه اهل علم قناعت حاصل کشته که اول باروت را در فتح مکه

(تاریخ - ۶۹۰) استعمال کرده اند از طرف مسلمانان و بناء به بعضی روایات در عصر سیزدهم در ممالکت مصر باروت و کهر چله را استعمال کرده اند و مبنی بر تحقیقات (فہ رام) نام اسپانیولی مورخ مشہور استعمال کردن باروت و بافشنک در جیل طارق در تاریخ (۱۳۰۸) میلادی بوده و در (بہ آراء) تاریخ (۱۲۳۴) واقع شدہ و در الجزائر در سال (۱۳۴۲) واقع است و برای اثبات کردن اینکه بوصلہ از طرف چینی ها اختراع نشدہ ہمین قدر کافی است کہ ایشان تالی تاریخ (۱۸۵۰) قطب شمال را یک قطعہ تنور آتشین خیال میکردند و بوصلہ را برای تعیین اوقات نماز و تشخیص جہت قبلہ لزوم دین مسلمانان دانستہ اختراع کردہ اند و برای سہولت پیدائی طریق قافلہ ہم استعمال مینمایند و در عصر یازدہم در کشتی های مسلمانان معمول بود

(شماره ۴ از فصل ۴)

(شماره ۴) از مندرجات این کتاب عظیم کہ اثر فکریہ چہار صد نفر علماء و فضلاء عصر اخیر است کہ از ملل مختلفہ تشکیل حوزہ علمیہ نمودہ و در بارہ دین مقدس اسلام تدقیقاتی نمودہ و اکتشافات فنون عصریہ را بر احکام اسلام تطبیق داشتہ و مدلل کردہ اند کہ ہر چہ انکشافات ذہنیہ و اتباہات فکریہ در ملل مسیحیہ سرزدہ ظہور کردیدہ ہمہ آن از دین اسلام و فضلاء مسلمانان اخذ و اقتباس شدہ و یکنفر از محررین ایشان بنام (ہوداس) این کتاب را تحریر نمودہ و تاسف مینمایم از اینکه تا چند سال قبل بر این مسلمانان دین اسلام را ضد علوم و فنون دانستہ و چنان خیال می کردند کہ دین مانع ترقی است و بر

خلاف تمدن وضع شده و الا ان کماکان حالیکه در حصه چهارم تمدن الاسلام اثر راقم مدلل شده که تمدن عین تدبیر با دیانت اسلام است لا غیر و دین مقدس مسلمین من حیث الدیانه تمامی علوم را متکفل است و در این قسمت با طریق اجمال توضیح مقال مینمائیم آنچه علم جغرافیای معمولی است که اصلاً (ژوغر-فیا) بوده بمعناء کتابه الارض و یا توصیف الارض است و منقسم شده به تاریخی و ریاضی و طبیعی البته طوریکه مسلم نماز گذار قسمت ریاضی و هیئت را دیناً لازم است تحصیل کند برای شناختن اوقات نماز و شناسائی قبله و طرف شرق و غرب و ستاره جدی و ابضا من باب وجوب المقدمه و دانستن طریق وصول مکه در موقع حج که مقدمات توصلی است و در موقع جنگاوری و عمل به جهاد اسلام لازم است مهارت رسانیدن بمواقع حرب و جبهه تجمع قشون و تامین خط رجعت و شناسائی به نهرها و دره ها و رودخانها که فرمانده قشون اسلامی را از اهم امور است و ابضا از برای توفیر و تزئید غلات زکوة دانستن اینکه کدام منطقه لایق زراعت است و کدامین جهت مناسب حیوان داری است و از کدام ناحیه بقشون اسلام مویز و خرما جلب توان نمود الی غیر ذالک و تمامی اقسام جغرافیائی در این مراتب لازم التحصیل است نهائیه الامر نام آن را جغرافیاء گذاشتن موجب اشکالاتی شده و بهتر اینکه مثل علماء قدسی ملت اسلامی این قبیل علوم را بالفاظ عربیه معمولی تعریف نمائیم تا اینکه باعث اشکل نکردد چنانچه ابوریحانی بیرونی ایرانی جغرافیا را بالفظ عرب اداء کرده و در کتاب قیمت دار خود تفصیلاتی از این مقوله درج نموده و بنا

کتابش را (احسن التقاسیم فی قسمه الاقالیم) گذاشته و اما علم طب از حیث دیانت اسلامی باندازه شهرت یافته که کتب خارجه هم با حدیث (علم الابدان ثم علم الادیان) تأیید کلمات خودشان را مینمایند.

(شماره ۴ از فصل ۴)

علاوه از این در مسئله حدود و دیات و قصاص فقه اسلام بعلم تشریح طب احتیاج شدید مس مینمایند (و اما علم حساب) از واجبات است که بدون آن فرائض و میراث و تقسیم آن مشکل است و اغلب مسائل فرائض مبتنی بر علم حساب است و اما جبر اقیاء سیاسی در واقع باب جهاد اسلام تمام علوم متعارفی را متضمن است مثلاً و بحرم المقام فی بلد الشرك لمن لا یقدر علی اظهار شعائر الاسلام) باید که افراد ملت در داخله ممالکت اقامت نمایند و مسئله رباط یعنی در موقع نذر کردن از سه روز تا چهل روز در حدود حفظ ثغور اسلام کرده و بعضی اخبار حادثه را بحر کز اطلاع دهند که عین معائن سفارت است که فعلاً متداول است و کیفیت شروع بر جنگ و امان دادن و متارکه و مصالحه را تطبیق به علوم عصریه نموده ملاحظه کنید که آیا خارج از مواد فقهیه چیزی در عالم وجودی دارد یا نه با این حال مسلمانان این مطالب را نمیدانند سهل است حاضر به دانستن و کوش دادن هم نیستند رجوع باصل مطلب اما اصول کاغذسازی در تاریخ (۷۶۰) یوسف ابن عمر تاشفین در شهر مکه عوض حر بر از پنبه کاغذ ترتیب داده و استعمال کرد و آله رصدی برای نشان دادن کواکب و ستاره ها به واسطه آلات و اسباب مخصوصه هم از مسلمانان اختراع شده و اقتباس گردیده

و طوب اندازی با اصول امروزی از فاتح بزرگ سلطان محمد در مورد فتح اسلامبول شیوع یافته و وصل دریای قازم بدریای احمر از آثار فکریه مسلمانان آن زمان است در زمان عمر الفاروق و در فصل مخصوص اهمیت مطالعات هیئت اسلامیة را در باره اجتماعات بشری مطالبی مینویسد که ما صرف نظر از تفصیل آن نموده و با اجمال اکتفاء مینمائیم میکوید که دین اسلام امر به تعمیر و آبادی میکند باندازه که کوبا همیشه در دالم زندگانی خواهی ماند ﴿ کلام معجز ارتسام حضرت امام حسن مجتباء علیه السلام است اعمل لدینک کانتک تعیش ابدا و اعمل لاخرتک کانتک تموت غدا) و ایضا خرافات یونانیه را از میان جامعه بشری زایل نموده و بجای آن حقایق واقعی را وضع نمود و تمامی امور را بر مدبر غیبی و مدبر لاریبی موكول میدارد (طوریکه در قضیه فوت کلثوم با پسرش زید پس از فراغت از تجهیزات آن حضرت آفتاب خسوف کرده مردم آن منظره هولناکی را حمل بر فوت آن خانم کردند همان ساعت حضرت فخری مرتبت برای ایضاح حقیقت تشریف فرمای بالای منبر بوده و فرمودند (ان الشمس والقمر ایتان من آیات الله لا یخسفان الموت احد ولا حیواته) خسوف و کسوف ماه و آفتاب مربوط بوجود شخصی و یا بفرح عالم انسانی نبوده بلکه آیات الهیه بوده منوط بر اراده ازلیه است و ایضا ترقیبات کنونی امروزی اوروپائیان از برکت مسلمین است که در سایه اختلاط و راوده اخذ و اقتباس گردیده و گرنه بناء بخرافات یونانی بودی حال ما در ایت فلاکت و ذلت میشدی و اعظم ملت مسیحی در اوروپاء در سایه حقایق

اسلامیه تنویر افکار و تصفیه اذهان کرده اند - و در فصل دیگر در تحت عنوان عدالت اسلامیه مینویسد که عدالت در اسلام در نهایت مرتبه کمال بوده و اجزاء خافاء اسلامی معنای عدل را در موضوع خود بازبان ستایش تقدیس را سزااست و در زمان (الحاکم) بالله در اندلس مسئله متنازع فیها يك قطعه زمین راجع بزن فقیره در تاریخ مسطور و مسئله آسیابان در ابن مشهور و ادعاء یکدست رده از مولی الوری نمودن بکنفر یهودی مزبور و قضیه محکوم بودن جیة ابن ایهم الفسانی امیر عرب متصرفه ایضا در تواریخ بیطرف غیر مخفی و ظاهرا از نیت بخش تواریخ بیطرف عالم است در موضوع تساوی حقوق اسلامی و مسئله قاضی ابی یوسف در زمان هرون الرشید در دعوای زره یهودی ایضا در بغداد و در حقوق فرق در میسان نژاد و قومیت در اسلام ملحوظ نیست و يك فصای در ملخص مدنیة اسلامیه ترتیب داده و می گوید عدالت در قانون اسلام حکمفرما (ان الله یامر بالعدل والاحسان) علوم و فنون از اولین لوازم دینیة محسوب (اطلبوا العلم من المهد الى اللحد) و معنای اخوب در میان افراد ملت باتمام معنویت موجود (انما المؤمنون اخوة) و (المسلم اخ المسلم) و باب کرم به روی محتاج و فقراء مفتوح (وعادو اعلى البر والنقوى) و باب وجوه بر اسلامی معلوم و ارتباطات عائله وی براساس محبت و حرمت موضوع (و عاشروه من بالمعروف) و طالع زوج بازوجه متناسب (الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ اَوْلَاءُ بَعْضٍ) و مظلومین مظهر حمایت (انصر احاک ظالما او مظلوما) و ابواب جنایت مسدود (و ینهى عن الفحشاء والمنکر والسبغی) و

فحشیات و سفالت غیر موجود (انما الخمر والميسر والانصاب والازلام رجس) و رباء و حبس نقود ممنوع (احل الله البيع و حرم الرباء) و الصدمة بعشر و القرض بشمانيه عشر) احتكار ذخائر غیر جائز (الجالب مرزوق و المحتكر ملعون) زراعت و تجارت در شرع مرغوب است و مقبول (ما من مؤمن زرع زرعاً او غرس غرساً و بأك كل منه انسان او طير الا يكتب له صدقته) (افضل العبادات طلب الحلال) و اجرات نافعہ برای تخصیصات خزینہ دولتی و تعاون ملی از حیث دین لازم (سنة من اسباب المغفرة ما يجريه و بشر بحفروه و سنة حسنه بعمل بها و مصحف يقرئه و ولد صالح يستغفر له و حقوق) و حقوق دولت در بین افراد جامعه کاملاً محفوظ است طوریکہ جهاد بمعنی الاعم در چند مورد لازم است شرعاً از آنجمله محدود است هر کد مال زکوة تادیه نکردد (فی اللعنه و شرحه القسم الرابع من الجهاد فی زمن الغيبة بابحسب لمی منع الزکوة) و این چنین دین البتہ بر تمامی اقسام مذایح سزااست و قتل نفس محترمه در اسلام بغایت ممنوع (من قتل نفسا فکانما قتل الناس جميعا - من قتل مؤمناً متعمداً فجزائه جهنم خالداً فیها) و محافظه صلح و مسالمت بموجب دیانت اسلامی در اعلی درجه آن مستحسن است (فاصلحوا بین اخیکم - قول علی ص ع فی وصیه اصلاح ذات البین افضل من عامه الصلوة والصیام) و قرآن بر لزوم صلح تصریح مینماید و حضرت رسول اکرم از این حیث بر تمامی شارعین رجحانیت دارد و یک نفر از سلاطین عالم بک بیان نامه صلحی از قرآن اخذ و اقتباس نموده و انتشار هم داده که حاوی منافع صلح و مضرات جنگ است

(فصل ۵) شماره (۱)

و بعد میگوید که کلمات قیمت دار اکابر اسلام و خلفاء اسلامی مبنی بر بعضی اصول سیاسیه از اهمیت ذاتیه اسقاط گردیده فقط اصلاح نوارینخ فعلا و اظهار حقایق آن از اهم امورات تا آنکه حقایق و قایع از غرض و غرض رانی تمیز یافته و نیک و بد از همدیگری تشخیص یابد اسلامیکه تاج تمدن قدیمی و اساس مدنیت حاضره است آنچنان دین واقعی را فدای اغراض دنیائیکارانه کردن چه معنی دارد و فعلا فضلاء عالم با کشف اشکالات حروفات (هیه رو غایبی) مشغولند که خطی قدیمی است که با شکل حیوانات افاده مرام میگردند حالیکه با انگونه مسائل امرار اوقات کرانبهاء کردن بمثابه کو بیدن آهن سرد است بالعکس منبع اسرار و معدن علوم که کتب عربیه است در مملکت روما و اسپانیه و فاس در زوایای مخزنها پوسیده و از اثر غرض شخصی مغرضین محطل مانده و مورد استفاده عمومی نیست و بر چنین اغراض و صاعبان اغراض با چه نظر نکرسته و چه کفزن لازم است آن را صاحبان افکار صائبه و اذهان ثاقبه بهتر میدانند و باین وصف که غرض حقایق اسلامیه را مستور داشته و نور آن را منکسف نموده اعمال عدل واجب ذمه انسانی میباشد که هر چیز را در موقع خود گذاشته و ایفاء وظائف حق کوئی و حرکات نوبسی کرده که همان معنی عدل است واجب است که اعلان نمائیم و علناً برای رساء بکوش اهالی دنیا برسانیم و کلیه صنوف ممتاز را از این معناء مسترور نمائیم که بدانند رومانیان قدیم هر قدر در مرحله مدنیت بزرگ

بودندی اسلامیان بمراتب عدیده از ایشان مدنی تر و مترقی بودند و خودشان هم بزرگ ترند و پس از اظهار این حقیقت و اثبات مدنیت اسلامی يك فصل مخصوصی در تحت عنوان (آینده اسلام) مینویسد دینی که اساس اخلاقیاتش مبتنی بر علوم و فنون بوده و دائماً ترقی فنون را امر نموده آنچنان دین پایدار و برقرار است والی الدهر لایزول و در فصل دیگری نتیجه اسلامیت را مفصلاً نوشته و ما ملخص آن را مینویسم - مینویسد که قدر علم و فن و عدل را هیچ دین مثل دیانت اسلام اعلاء نفرموده و مثل این دین عالی يك هیئت اجتماعی در عالم تاسیس نکردیده و مسلمانان متکرراً در معرض انقلابات بی در پی واقع شده اند ولی اساس این دین حقیقی با مقتضیات زمان انطباقی داشته و قواعد تکمیل و ترقی را اساساً متکفل بوده و مدنیت حقیقه را صریحاً منضمّن شده و تصریحاً امر فرموده و تا حال استحکام و صافیت آن دین در قبال طوفان انقلابات عصر به متزلزل نشده بلکه محکمتر گردیده و بعضی مسائل مشکله که اروپائیان حل و کشف نکردده اند از برکت دین اسلام پیروان آن و فضلاء مسلمین کشف کرده اند (راقم مثل کرویت زمین و حرکت آن در زمان خلفاء بنی عباسیه در ظاهر کوفه از روی خطبه نهج البلاغه (و عدل حرکاتها بعصر بالراسیات) و ابضا (خطبه دیگر و اقامها بغیر دعائم) و آیه و ترلا العجبال تحسبها جامده و هی عشر مرالسحاب صنع الله الذی بعس و دیگر در صحرای کبیر آفریقیه کرویت زمین را با اعزام يك هیئت علمیه کشف کردند و وادی کبیر شصت منزلی را با انصب درختها و وصل رسمانها و پیچودن فاصله آنها از زمین به بالا تشخیص دادند و مبرک این کشف از کتاب مقدس نهج البلاغه بدست آمده که در خلقت زمین

میفرماید (و عدل حرکاتها الخ و ایضا و اقامها بغیر دعائم و مثل کشف شدن آمریک که بتوسط هیئت کثافه در غرناطه که قبلا سمت ترقیم یافته) و ایضا (غراند آنسبقلوبه دی) مینوبسد که ز کواة از فضله ربح و نفع سعی اغیاء جمع شده مال حق و ثابت بکنفر شخص فقیر است و مستلزم هیچ گونه ممنوعیتی را نبوده و نیست و مسلمانان ترقی اوروپائیان را در مادیات اعتراف میکنند ولی در معنویات و اخلاقیات مقرر نبوده و اعتراضات هم دارند و ملتفت هستند که اوروپائیان غرق عالم شوائبات میباشند دین اسلام لازم غیر مفارق حقیقت است فقط برای مسلمانان آنچه لازم است و واجب همین است که مقدار کافی تحصیل علم بنمایند تا از روی علم عامل حقایق قرآنی باشند و محض برای حرکت کردن با اوامر قرآنی انصاف بعلم لازم است (لا بتنیج) معروف سابقا میگفت که اگر صد سال معارف دنیاء در تحت نفوذ و قدرت من میبود عالم را اصلاح میکردم ولی دین اسلام بعد از هجرت نبوی صد سال نگذشته بود که عالم را با نور اسلام منور و با حقایق اسلامی اصلاح کردند بناء بر این آیه با مسلمانان است زیرا دینی که منبع ترقی مادی و منبع علوم اخلاقی است با مسلمانان است و دین ایشان اجتماعی نوع بشری است تمام شد حصه که ترجمه شده از (غراند آنسبقلوبه دی که از هر فصل چند ماده نوشته و بانظار قارئین کرامی تقدیم داشته ایم چون مدتی بود در نظر داشتم از خود اخبار و احادیث اسلامی رساله در موضوع عظمت اسلام تالیف نموده و تطبیق بعلوم عصریه و توفیق یا افکار فلاسفه زمان بنمایم ولی کتاب بزرگ اخلاقیات که

از انر افکار چهار نفر از فضلاء ملت آلمان و انکلنره و اسپانیه ترشح یافته و باقلم هوداس نام محرر ادیب موشح شده از هر حیث حاوی نکات دقیقه اسلامیه بوده و تحقیقات منصفانه جمعی از اشخاص بیطرف عالم که خبر از عظمت می داد و (غیراند آنسقلوبه دی) نامیده شده به ترجمه آن اکتفاء شد و مقصد آن بود که افراد ملت اسلامی مراتب عالیه ابن دین مقدس را از غیر بیر وان آن شنوده و چشم بصیرت را کشوده و ملتفت باشند که احکام دیانت مقدسه اساس تمدن و علت ترقی و تاج مدنیت قدیمه و قواعد محکمه مدنیت جدیده است و عنقریب این حقیقت انکشاف خواهد یافت و فلاسفه عالم معترف بحقایق اسلامیه خواهند شد و کتب ضبط شده از طرف مسیحیان انتشار خواهد یافت و در اندک زمانی معلوم خواهد شد آنانیکه از علماء مسیحیین و یا محررین ایشان بر دین اسلام اعتراضی داشته و ایرادی وارد آورده مقصد دنیستکارانه آن قبیل اشخاص حقیقت نبوده بلکه مبنی بر غرض رانی است یا اینکه افکار آنها در اثر تعلیمات مغرضانه راهبان در ایام طفولیت مغشوش و ذهنشان مشوب گردیده باندازه در موقع مطالعه کتابهای مسلمانان میم محمد را کج و دال احمد را معوج می بیند و بعضی کسانی هست که بنکات اسلامیه بهتر ملتفت بوده و حقایق واقعیه را خویش دانسته اند با این وصف حقیقت را فدای خوش گذرانی چند روزه دنیاء کرده با معاش جزئی از منفعت کلی چشم پوشیده آلت سیاست ملل مسیحیه شده و دست ترین وسیله پیشرفت مقاصد سائر بیدینان کشته در هر مجلس بر ذم اسلام و قدح مسلمانان لب کشوده از مایب دروغ کوئی و

حقیقت پوشی چشم پوشیده چنان ظن مینماید که عمل خوبی کرده و دیگران غفلت قبائح اعمال آن نیستند (واللذین یحسبون انهم یحسنون صنعا) و ما در مجلدات آینده این معناء را در نظر متفکرین مبرهن خواهیم داشت که حر- یضآن مشهور و مطیعان قواء حیوانیت حقانیت اسلامیه را نتوانند که پوشیده دارند چون روی آفتاب را با کل اندودن از محالات عقلیه است و البته روزی خواهد آمد که بعضی از صاحبان انصاف و وجدان از ملل سائر احکام اسلامیه را که کنجینه معارف و منبع علوم است بمنصه مشهور خواهند گذاشت طوری که (هوداس نام) محرر منصف (غرائد آنسقلوبه دبی) در بیان افکار فضلاء عصری در تفسیر سوره (م) از آیه (۱۷) از قرآن عظیم الشان اسلامی شروع نموده باطور تقدیس شرح مینماید آیه (ان الدین عند الله الاسلام) را و اشعار بانچنان نکاتی میکند که اغلب مسلمین از آن فغانی دقیقه غفلت دارند و در آن زمینه معنای ایمان بخدای و تصدیق رسالت خاتم انبیاء بیان داشته و پس از ذکر بعضی تفصیل که کنجایش این رساله نیست می نویسد که آنچه دین مقدس اسلام با انوار مدنیت حقیقه خود باطراف عالم اشعه پاك و نور افکن شده جای شکران کلبه علاقه مندان عالم تمدن است و محل انکار کسی هم نبوده و نیست و در قطعات عالم بتوسط مجاهدین اسلام بهر جائی و بهر مکانی که آن دین الهی داخل شده شکوفه کشای مسعدت مردم آن محل کشته و در (سوریه) و مصر و (آفریقای شمالی) و (اسپانیه) مسلمانان آن امکانه زبوره متجاوز از چهار عصر از اثر فعالیت عقایه دیبانی منبع انوار و علوم شده اند حالیکه در آن

زمان سعادت نشان او اروپائیان مجسمه وحشت و قلاب معنای بر بریت بوده و راه بویان ضحرای جهالت بودند و دشمنان اسلام یعنی اروپائیان بعضی نونهالانی غرس کرده و از آب عرفان اسلامی سقی و آبیاری میکردند که همین نمره حالیه از آن غرسها بعمل آمده است و هیچ دین در عالم با این گونه سرعت برقیه مثل دین اسلام انتشار نیافته و عمومیتی پیدا نکرده هر چندیکه در عصر اخیر مثل عصرهای سابق ترقی و سرعت انتشاری نه داشته و بطور توقف حفظ اصلی خود مینماید با این وصف بدون (مسیونر) مبلغ و بلا جبر و اکراه و بدون سعی و کوشش در بعضی ممالك عالم از تاثیر حقیقت ذاتیه خودش رو با انتشار است و قبول اهالی آفریک در آینده بطور عمومی دین مقدس اسلام را منظور است و در آمریکا و انگلنره و اسپانیه از تابعین آن دین پیدا میشود و کسانی که با میل خود قبول دین اسلامی کرده اند و دیگر رجوع کردن از آن و با ارتدادش غیر منصور است و بالفرض اگر دین اسلام در ظاهر توقفی داشته باشد ولی تنزل و تدنی ندارد و اما از حیث اخلاقیات مثل دیانت موسوی و عیسوی نبوده بلکه حقیقت دیانت اسلام مانع از سوء استعمالات است (لارهبانیه فی الاسلام) و در دین اسلام قانون ملکی و قضائی و جزائی و اصول تشکیلات نظامی همان اساس و مبانی تشکیلات حاضری است و با طور اکمل و منظم وضع و تشریع گردیده که در مقابل نهاجمات و حشبان و دشمنان و عبده اضماع و بت پرستان و سائره فرقی باطله ابداتی ازلی ندر اکانش پیدا نشده و حقیقت واقعیه اش تغییر نمیپذیرد و بهر مملکتی که باقی

و غلبه مسلمین داخل شده با اهالی المخل مساعدتهای اصرارانه مبدول داشته اند
قضیه فتوحات شام و سوریه و حوالی آن دلیل واضحی است بر عدالت اسلام

فصل ۵ شماره ۲

شماره (۲) و از حیث اجتماعیات بدیهی است که اهالی مناطق دنیا قاطبه
مدیون شکران اسلام هستند خصوصاً ام نسوان و جامعه زنان که در ابتدای
نظر در مسئله حقوق کمتر از زنان هستند اشاره باینکه (الرجال قوامون علی النساء)
ولی بعد از تدقیق و تامل ظاهر میشود که قرآن آن حقوقیکه بر زنان اعطاء
فرموده و موقعیکه بر ایشان تعیین نموده بالاتر از انعامیست که مردان بخش
کردیده و عالتیر از انعامیست که اروپائیان بر زنان مقرر داشته اند هر
چند بیکه بعضی از کوتاه نظران ملت نصارائی چنان خیال کرده اند که دین
اسلام در حق زنان معامله تحقیرانه کرده ولی این سوء ظن غلط بوده و دلیل
غلط بودن کلام معلم کل امیر مؤمنان است که می فرماید (خیرکم خیرکم -
لا اله و ان خیرکم لاهله ما اکرم النساء الالکریم و ما اهانهن الا اللیم) یعنی خوب
ترین شما آنانی هستند که بر زنان خوبترین رفتارها را مینمایند و بالعکس
قبالعکس و من خوبترین و بهترین شمایم در معامله افراد عائله وی و مدقق
دین اسلام مسیو (دو وال) معروف مینویسد که دین محمد ص ع بت پرستی را از
کرمه لرضه قلیل کرمه و در سبب همین دین مبین قربانی نوع بشری از میان خلق
بر خواسته و مسلک انسان خواری کمتر گردید و حقوق زنان شناخته شد (راقم
معنی کلام منصفانه این مدقق منصب را تشریح میکنم مقصدش اینست که قبل از بحث

نبی ذیشان اسلام زنان بمثابه اسیرها بودند و با آن ها معاامه اسیرانه مینمودند ولی دین اسلام قانون حقوق زنانی را به بهترین شکلی که تصورش ممکن است بدائرة قانونی داخل نمود طوریکه حقوق بیته از قبیل وجوب نفقه و کسوم و سکنی و ابقاء وظیفه عدل و اعمال معاشرت حسنه و ایجاب فریضه ارثیه و رعایت و جانب داری و ترحم برایشان و سائر را بر خلق قبولانید و علاوه از این در تمامی قطعات کره ارض سابقا و لاحقا هیچ دینی و یا مسلکی زنهارا داخل جمعیت بشری در حقوق سیاسیه نکرده بطوریکه دین اسلام ایشان را مقتدر فرموده مثلا ملاحظه نمائید فتح مکه را که پس از استیلاء قشون مظفر اسلامی و نصب لواء جامعه را به بیت الله و احضار کردن اهالی شهر را به دائره بیعت بر حکومت اسلامیه و بعد از فراغت از بیعت مردان شروع کرد بر اخذ بیعت زنان و با این لحاظ زنان را داخل جمعیت سیاسیه نموده و در قبول و عدم قبول مدخلیت تمامی بودن را اشعار فرمود و بنا بمفاد بعضی از اخبار بدامن مقدس عبای رسول اسلام دست داده بیعت کردند و بنابر واپسی طشت را پر از آب کرده و دست مبارک را بر آن گذاشته و سائر زنان بر آن طشت آبی دست فرو برده بانطور بیعت کردند و آنچه این را قم مناسب خود یافته همینکه خدیجه هاشمیه از بنات عم خویش و کیله و نایبه خویش قرار گذاشت زنان بیعت را تمام کردند و آنچه آیات قرآنی تصریح میکنند با شروط ذیل بیعت کردند (وان جاءك المؤمنات ینا بعتك على ان لا یشرکن ولا یزنین ولا یقتلن اولادهن ولا یسرقن ولا یناتین ینهتان یفتقرینہ ولا یمضیک فی معروف

قبایحین) حاصل مراد این که هرگاهیکه زنهای مؤمنه محضرت برای بیعت شرفیاب شدند و در موضوع مواد آتیه که عبارت باشد از شریك خدائی راقابل نشدن و زناء نکردن و اولاد خودشان را به قتل نرسانیدن (طوری که قدیمآ اولاد کشی از جهات عدیده بین الناس منداول بودی و اسلام نهی از آن نمود) و سرقت از مال دیگران نکردن و بدیگران بهتان وارد نیاموردن و در معروف غصبان نکردن (عبارت است از آن که در زمان جاهلیه یکسال و زیاده زنهای عرب برای مردکان خیمه زده ناله و سوگواری میکردند) چنانچه موبریدن و کریبان چالک کردن و روی خراشیدن در مصیبت موجب کفاره هم میگردید و از محرمات شرع معدود است ای رسول اکرم قبول بیعت کن با شروط مزبور و از زنان قریش) ملاحظه کنند کسانی که طرف دار عالم نسوان و جانب داری ایشانند که آیا در آن چنان عصر جهالت و قرن ظلمت که مردان حقوق شرعی و شخصیه خودشان را نمی دانستندی کجا رسد بر زنان چه اندازه حقوق زنان و حریت ایشان از طرف جامع الشرف نهی ذیشان اسلامی ملحوظ شده و آزادی زنان اعطاء گردیده بطوریکه همین حالا ملل متعده این زمان این گونه معامله حقوقی را جائز ندانند و حریت زنان را محض در کشف حجاب و زایل شدن عفت یافته و کوچه کردی و بی قیدی و هوس رانی را حقوق زنان تصور کرده و هتك ناموس ایشان و عدم اطاعت شوهران و بی عطفونی بر افراد صغار عاقله وی را تمدن عصری و ترقی کونی خیال مینمایند و با این حال تمسکین و رفتارات شرمکین دین مقدس اسلام و آورنده آن معرض انتقادات غیر

حقه قرار می گذارند پس بر صاحبان عصمت و طرفداران عفت لازم است که
 حریت زنان اسلامی را در محور حیا و محیط وقار و ضمن دیانت اسلامی بر
 آزادی زنان دشمنان اسلام ترجیح داشته و تعقیب و تقلید آن بنمایند اجمالا
 (مسیو دو وال مینوبسد) که دین اسلام تعدد زوجات را مؤسس نبوده بلکه
 آن را بدائره قانون و تحت انضباط در آورده و محدودش نمود و اگر
 عطف نظر بتواریخ گذشته و کتب عهد عتیق نمائیم خواهیم دید که قبل از
 ظهور اسلام بعضی از سلاطین هنود و بعضی از انبیاء سابقه بدون حد و احساء
 زن داری بوده و حضرت سلیمان قریب سیصد نفر زن در حباله نکاح خود
 نگاهداشتی و بعضی از هنود قریب یکهزار نفر زن می گرفت و دین اسلام این
 عدد کثیر را بچهار نفر تنزیل داشته و خصوصا که با قید محکم مقید و با
 شرط مشکل مشروط نمود و (ان خفتم ان لا نمدلوا فوا حده) بدون اعمال قوه
 عدالت زاید از یک نفر را نهی فرمود و عدل در باب زنان و معاشرت معروفه
 بابایشان چیست از کتب فقهیه اسلامی پیدا توان نمود و ایضا مسیو دو وال می
 نویسد که دین اسلام با سیران اهمیت فوق العاده مرحمت نموده زیرا که قبل
 الاسلام اسیران بمتبه حیوانات بودندی ولی دین اسلام با نظر محبت بابیشان نکرد
 بسته و غلامان را داخل جمعیت بشری محسوب و از افراد عائله وی محدود
 فرمود و در سایه دین اسلام اخلاقیات عمومی به مرتبه کامله رسیده و اصلاح شد
 و عاطفه بشریه و شفقت نوعیه با تمام معنایش در اذهان مردم جا گیر شد و اساس
 اسلام عمر بشری را با انواع سعادات آئینده امیدوار داشته و با حظوظات

معنویه محفوظ و شادان مینماید هر چندیکه بعضی از مغرضین و متعصبین از فر-
 نگیان مسلمانان را تلقین و تفهیم میکنند که کویاء لازم است مسلمین برای نیل به
 ترقیات عصریه تبدیل دیانت بنمایند و این تلقین غیر از نقضین بی اصل چبز دیگری
 نیست برای اینکه ما نصارا ئیان در تطبیق احتیاجات عصریه محتاج به تبدیل
 دیانت هستیم نه اینکه مسلمانان (اشاره بمسئله طلاق که قدما در میان ملت
 مسیح معمول نبود و فعلا مطابق احصائیه رسمیه از مسلمین در ایقاع طلاق جاو
 تر رفته اند و ایضا مسئله تعدد زوجات که بلا اشکال در دین مسیح حرام بودی
 فعلا بنام مترس تعدد زنان معمول است و ایضا مسئله جهاد و جنگ که قطعا
 جائز نبود فعلا کره ارض را باقواء حربیه متزازل مبدارند و قس علیهذا)
 و علاوه دین اسلام مشتمل بر بعضی حقایق واقعیه است که سبب خو شبختی
 مسلمانان است (دوهار تومان) میگوید وقتی میشود و زمانی می آید که فکر
 توحیدی جهان کبر جهان کبر بوده و عالم شمول میکرد و این نظریه معتقد
 و معتمد تمامی صاحبان افکار عالیه است (یعنی دین اسلام عمومیت پیدا خواهد
 کرد) و (آرنست رنان فرانسوی) باینکه بر جمیع ادیان انتقاد دی دارد
 با این وصف بعضی ابرادات غیر حقه را از دین اسلام دفع نموده و منصفانه
 تقدیس آن دین الهی مینماید و قونت نام در باره دین اسلام کنایه نوشته و دین
 اسلام کتابی نوشته و دین حنیفی را ستوده ولی بر حجاب و جهاد ایرادی
 دارد و ما در کتاب مبداالاسلام جواب آنرا مفصلا نوشته ایم و (شانت پی
 دولاسه سی) کتابی در علم تاریخ تالیف نموده و در نکات اسلامیه بیان فکر

منصفانه کرده از آنجمله میگوید که دین اسلام بمثابه حصن حصین و یک قلعه متین است که طوفان عالم و انقلابات عصر یک خشتی از دیوار آن قلعه را محل حرکت ندهد و کوستاو لوبول (آمریکائی مشهور در اثناء بحث از تاریخ مکه مکرّمه در یکی از مقالاتش مینویسد که دین عظیم اسلام اطمینان بخش عموم اهل تدین است و بانی همان دین بزرگ حضرت محمد علیه السلام است و در شهر مکه نشأت و بعثت نموده و حضائل عالیجنابانه قوم اصیل عرب را که در باب مهمانوازی و علوهمت و صداقت و فداکاری و سایر مکارم اخلاق که بحضای عرب است اولین صنف اهالی دنیا هستند با تلقینات دیانت اسلامی آن گونه اخلاق حمیده مزبوره را توسیع دائره فرموده و مدّیت حقیقه را از زوال و اقراض خلاص داده و بدوره کمال وحد اعتلاء و اعلاء عصر حاضر رسانیده ایضا (کوستاو لوبول) در خاتمه مندرجات کتاب خود موسوم باحوال العرب خویش که دارای هفتصد صفحه بزرگ میباشد نوشته و کلمات قیمت داری در آن کتاب ذکر نموده که در نظر اهل علم و فن بسی قیمت دار است از آنجمله که جغرافیای نفوس اسلامیة نفوس اسلامیة را از روی تدقیقات فنیّه ذکر کرده و پس از آن مینویسد دین مقدس اسلام بهر جائی که داخل شده قابل تغییر و تبدل نبوده و غلط است اینکه بعضی علماء مسیحی بنظر بی اطلاعانه میکنند که کویاء دین اسلام با ضرب تیغهای مجاهدین اسلام عالم شمول گردیده چنین نیست بلکه با صافیت اصلیه و معنویت حقیقه خود در آفریکاء جنوبی و سواطراء و مادا قاسقار و جاوای و مالیزیا و کینه جدید جماعتی کثیره را

بنابر اهداء خود قبول کرده و بواسطه اسیران آفریک بامریکا جنوبی نفوذ
معنوی رسانیده و بواسطه بعضی از تاجران به مملکت وسیعہ چین و روسیہ کبرای
بر خلاف میل مبلغین مسیحی نور معنوی خود را تابش داده (راقم نظر م این
که دخول اسلام بمملکت چین اولاً بوسیله فراری بودن بعضی از اولادائمه
از خوف اشرار دو نفری از حلب حضرت موسی ابن جعفر بانجاها پناهنده
و از طرف امپراطور چین روی قبول دیده محترمانه اقامت و مردم رادعوت
بر اسلام بت کردند و ثانیاً در زمان هرون الرشید در حوالی پکنین محارقه سختی
واقع شده و امپراطور عجز بهم رسانیده از خلیفه بغداد کمک طلبیده و از
بغداد عده کافی برای اسکات شورش و اصلاح امور آن صفحات اعزام گردیده
و امپراطور چین را از این غائله آسوده کردند و پس از ایفاء وظیفه بعضی
از قشون اسلام مراجعت و بعضی اقامت کردند و بدین واسطه نشر احکام اسلام
حیث نمودند و ثالثاً در زمان اخیر بمناسبت اتصال و ارتباط بلاد بیکدیگر بعضی
از تجاربان ناحیه گذشته احکام دین مقدس را انتشار دادند و بطرف یابون
ایضا بوسیله تاجران سرایت کرد و کوستا و لوبول بکفقره را اشعار داشته و دیگران
را مسکوت عنه گذاشته (رجوع بمقصد) چنانچه قرآن در جزائر عربستان
محترم بوده و مقدس میباشد هم چنین در قطعات مزبوره همان احترام و تقدیس
را حائز است حالیکه مبلغین مسیحی با عده های متعدد با انواع وسائل دعوتی
و با اقسام وسائط نشر هر روز شهر بشهر گشودند و موعظه نموده و تبلیغ
دین مسیحی را مینمایند با اینحال به تزلزل قلب بگنفر مسلم موفق نشده اند (تمام)

شد کلمات قیمت دار مدقق منصف کو ستاولو بول و کفایت است در آنچه ذکر شد از باب تقدیس و تمجید علماء و فضلاء عصر حاضر از ملل مختلفه در باب مزیت اسلام و عظمت دین محمد ص ع و طوری که در صدر مبحث اشاره شد سائر ادیان از طرف همین فلاسفه که ذکر شد رد شده و اعتراضاتی وارد آورده اند که لابنجل برده و اشکالات باقیه است و مواد بعضی از ادیان را در حصه چهارم تمدن الاسلام بیان خواهیم نمود و ظاهر خواهد شد که قیمت فنیه و علمیه نداشته و موافق علوم عصریه نبوده و نیست ولی دین اسلام تمامی موادش از نقطه نظر علمی حائز مقام عالی و مراتب شامخی است و مبنی بر سیاسیات عمیقانه ایست که آنچنان دین الهی که قطع نظر از حقیقت واقعیه و عرفانیات معنویه که دارد و از ناحیه مقدسه الوهیه برای سعادت نوع بشری وضع و الهام شده در طاهر مادیات هم برطبق فنون و وفق علوم عقلیه و طبعیه است با این وصف اوروپائیان عالم اسلامیت را عالم وحشت مینامند و عالم نصرانیت را با آن رکود و جمود و خمود و عطالت که هست مدنیت مینامند و ادارات اوروپائیان را اداره عادلانه و مقامات صالحه نامیده و تشکیلات اسلامیه را غیر لایق معرفی میکنند و کتاب (مطالعات عمومیه را) بنظر آورده دقت ننماید (اثر چرکس زاده خلیل خالد) طبع شده در عامیه از انگلیزی به ترکی ترجمه گردیده اثر قیمت داری است اجمالاً اسلامیکه معلم ملل عالم است و از هر قبیل اعتراض و ابراد ذر کتب عباتی و با دعوتی نصراپائیان دیده می شود از اوروپائیان به آن چنان دین واژده می نمایند محض اثر سیاست است و کشیشان که آلت پیشرفت امور سیاست و

و تجارت مقاصد دول استعماری اقترآت غیر لائقه و اکاذیب باطله بر اسلام بسته و آفتاب را با کل اندوده و انصاف را زیر پا گذاشته در ظرف چند سال همین موفق شدند که در میان افراد ملت اسلامیة تخم بی قیدی و لا ابا لیکر برا کاشته بعضا ثمره آن را در بعضی مقلدان دیده و چیده اند و اقتراء و بهتانهای آنها که بدین اسلام وارد آورد در این رساله ها لازم است که تشریح نمایم فقط من باب لایدرک کله لایدرک کله با اشاره اجمالیه اکتفاء نمودیم می نویسند که دین اسلام امر می کند بیروان خود را که چهار نفر زن بگیرند و در موقع تزویج زن دومی اولی را باید بکشند و هکذا الی آخر زن چهارم رجوع کنید بکذب فیلسوف شهیر (اسماعیل حقّی بیک) صفحه (۳۲۳) ابضا در آن کتاب می نویسند که با چند نفر از اطباء مات اسلامی برای کشفیات صحیه به شهر بیروت عزم بودیم و با قطار راه آهن با سرعت منازل را می پیمودیم در اثناء راه از تصادفات با چند نفر از مردان و زنان اشراف انکلتزه همراه شده و با المال مذاکراتی دیابتی به میان آمده باتمام اهمیت از ما سوال کردند که آیا شما مسلمانان در حین تجدید فراش و ازدواج با زن دومی چه طور می شود که زن اولی را اتلاف می کنید ما تاحاشی کرده از چنان جنایت بنام دیانت تبری نمودیم و ایشان را افتناع کردیم که ابدا چنین حکمی در اسلام نبوده و نیست آنها از این گونه بهتان تعجب کردند و ابضا با چند نفر از خانمهای فرانسه در اطاق راه آهن رفیق و همراه شده مذاکرات علمیه را اشتغال داشتیم در موقع جدائی و مفارقت يك نفری از آن خانمها که بالنسبه عالمه و فاضله بود از من تشکرات نموده و اظهار

کرد که آنچه عقیده و تعلیمات ذاتیه من بود در حق مسلمانان خلاف آن را از جناب عالی در این سفر مشاهده کرده و علامم مدنیت و آثار لیاقت از مذاکرات شما دسترس من گردید اصل عقیده و اساس تربیه اش را در باب اسلام چه بوده سوال کردم جواب داد ما چنین یاد گرفته ایم که شما مسلمانان دیناً واجب دانسته اید که هر وقت با زنان مصاحب بوده و همراه باشید واجب است که بایشان معامله را ذیلانہ نمایند ولو اینکه با اشاره و رموزات هم بوده باشد جواب گفتم خانم پیغمبر اسلام علیه السلام ما را از فحشاء و منکر با هر که باشد صریحاً نهی فرموده و جزای دینوی هم مقرر نموده این خانم از شنیدن بعضی حقایق اسلام و معامله ما با ایشان اظهار خوشنودی کرده و از تعلیمات کشیشان متأسف گردید و ایضاً د کتر شبلی شمیل چند سال قبل در بغداد نشراتی را منصدی بوده و در جزء کلمات آن نکاشته شد که گویا پیغمبر اسلام علیه السلام زن پسر صلبی خود را که زید باشد تزویج کرد و ما در کتاب مبدء الاسلام تفصیل تزویج رسول اکرم زینب را تفصیلاً بیان و حکمت تزویج و تطبیق را از روی آیات قرآنی و مدارک مثبته تاریخیه بیان داشته ایم و مدال نموده ایم که زید پسر صلبی آن بزرگوار نبوده سهل است از بنی هاشم و بلکه از قریش هم نیست و پسر حارثه ابن شراحیل ابن کعب ابن عبدالعزی ابن امرء القیس ابن الی حمیر بن سباء بن بشعب یعرب قحطان است و در زمان جاهلیت در جنگهای اعراب اسیر شده و محکم ابن حزام خریده خدیجه عایها السلام و او به پیغمبر اکرم بخشید و انجناب آزادش نمود و در حضور جمعی پسر خطاب نمود و

دختر عمه اش زینب را بوی تزویج کرد محض برای اثبات تساوی در اسلام که یکنفر خانم هاشمیه را به آزاد شده تزویج نمایند و زینب با خدونت طبع و غلظت کلام و بنای کج سلیقه کی گذاشته و زید به موجب آیه مبارکه اراده تطلیق نمود و آنحضرت بتأخیر انداخت با الاخره التیام اخلاق بعمل آمده طلاق داد و چون غلطاً در بین اعراب هر کس بیکنفر اجنبی بسر خطاب میکرد زانش حرام می شد بامر خدای برای ارتفاع این عادت قبیحه آن بزرگوار زینب را پس از انقضاء عده تزویج و بشرف قبولی آن شرفیابش فرمود و این قاعده منحوسه متروک شد این است اجمال فهرست همان قضیه بهتان و چنان خیال دارند که به مجرد بهتان بدامن عصمت آن فخری مرتبت غباری خواهد نشست اجمالاً همه افتراآت از این قبیل است طوری که فایب پادری انگلیزی در شریعه شبهای جمعه به مکانی جمع میشوند که مسجد نامیده شد در حال عربانی رقص و بازی کرده و خود محمد ص ع اعتقاد دارد که خدا جسم است و می نویسد که محمد ابن عبدالله و مادرش مینا و نام مرضه اش دالیا و بامر الیاء یعنی علی عثمان را کشتند و بامر عائشه یعنی عائشه و عوایه علی را کشتند و یکنفر از اقرباء عوایه شخصی حسین را کشت و محض بنام اثبات عظمت دین مقدس اسلام مروض میدارد که بهر اندازه که انکشافات علمیه و ترقیات اذهان بشریه بمراتب عالییه وصول یافته و تدقیقات عمیق در اطراف آن بعمل آید بازم حقایق بر جسته اسلامیه در نظر افراد بشریه کاملاً مکشوف نخواهد شد تا این که شخص حامل قرآن و معدن عربانی یا سیماء روحانی و جمال سبحانی جلوه نمودن کردیده کشف حقایق نموده

و مردم ظن کنند که کتاب جدید و شرع جدیدی آورده که نابجالی کبی
واقف نبوده حالیکه همان کتاب مبین و شرع 'عبدالمرسلین' است لاغیر و بعضی
ساده دلان و کونه نظران از این لفظ شرع جدید به شبهه افتاده بکراکی
شدند بصورت کوسفندان قرآن خوانند عالم را ویران کنند با این وصف از
هزاران يك آنچه در ظاهر نظر و بادی المراحی از نکات فقهیه کشف شده
برای مزید بصیرت و ژیدانی جزویت ذکر میثائیم هر چندیکه بمثابه زره ایست
از کبره و قطره ایست از دریا از کتب مطرف نلم عثمانی طبع شده در لسللا-
مبول کتاب مفیدست ظلمی و فنی مدرک این شماره آتیه است و مخصوص راجع
بهالم ارواح ترجمه فاضل (طباطبای که در حدود سنه ۱۳۰۵) نشر شده
مدرک مقالات روحیه است که بیست سال تقریباً قبل از این در موضوع اکتشاف
فات بمعنی رساله ها طبع شده از طرف (سیریلیم قر و نس نا انگیزی) حوادث روحی
درج شده بود و فعلاً هم فاضلی مترجم تألیف حوادث گذشته را نموده پس از
این مقدمه داخل مقصد میثائیم معنی نیست که ما دیون با روحیون دانشا تقابلی
دلشته و جبارزه مصرانه دارند و این مقابله و میارزیه نیز کی نه داشته و از قدیم
اللابام بوده و هست در زمان سقر لط حکیم و فیلسوف یونانی فیقر لطیس و
دیونیزین کلی مقابل بوده اند در معناه و هویت کذله حیوان و سائر دلفشندان از
هر ملت در هر مملکت تطرفی باهمدیگری بوده ولی در عصر اخیر بشکلی انداز
فقهی و دیون بطلمه و روحیون در ظاهر انقلاب بنظر می آید و سلسله علان بر
ایشان قناعت حاصلی شده که علماء و روحی مطلوب علماء ما نبی بوده اند فضاء و

در واقع عکس آنست که در ظاهر منظور است جهت اینکه کشفیات (سیر ویلیام قروئیس) در موضوع اثبات قوه روحیه در وجود انسانی در محضر هفتاد نفر دکنرهای دیپلومی و مصدق بیست سال قبل بر این بتاز کی از طرف سائر فلاسفه دنیا که منصف تر تأیید شده و بوسیله اعلانیها و مجله ها و جراید یومیه نشر و در موضوع اکتشافات روحیه و ثبوت قوه روحیه باندازه تحقیقات لازمه بعمل آمده و بقین جاصل کشته که علماء مادیون از اعتقاد سخیفه خودشان بر کشته قائل بوجود روح و حوادث روحیه شدند از آنجمله است و از مشاهیر ایشان محسوب (سیر ویلیام) قروئیس مزبور که در بدایت زمان اشتهارش بعلم از جادیون و طبعیون بوده بعداً در سایه جدیت کامله متخصص شیمی و روحی شده و از آنجمله است دانشمند معروف (مستر ولاس) که اول از معتقد بن مسلك داروین بوده و پس از تفحص از روحیون کشته و دیگر علامه مشهور (آو کو ست دی سرکان) رئیس جمعیت ریاضیات لندن و کاشف اسرار علمی مجمع فلکی انگلستان و از جمله دانشمند معروف (سروازلی) مخترع آلات ذخیره برقی الکتریکه در نتیجه ممارست و زحمات از روحیون شده و از آنجمله است فیلسوف معروف (ژورژ - ساکستون) اول از دشمنان مجمع روحیون و بعد عقیده روحانیه بوده بعد داخل مسلك روحی شده و ایضا فاضل متبحر (شامبرس) و دکتر (هرکسون) و پروفیسور (میرس) معتقد روح شده کتاب معروف (مباحث نفسانی) خود را در این موضوع نوشته و بجمعه علمیه بنام اشباح ارواح طبع و نشر نموده و کتابی بنام حقیقت وجود ارواح نوشته و ایضا (آکی بیست

واکسیری) کتابی در این موضوع نوشته و نام کتابش (پراکندگیهای
تواریخ است و در این اوقات بود که هناعز ادیب معروف (ویکتور
هوقو) فرانسوی تابع عقیده روحی و مروج روحیون گردید و از کلمات
آنست که میگفت هر کس از حوادث روحی دوری کند در واقع از حقیقت دوری کرده و هکذا مورخ مشهور (اوگین بوشیر) وایضا پرتو-
فسور مشهور فلسفی و ستاره شناس (فلاماریون) فرانسوی که در علوم روحاء
نیه تالیفاتی دارد و از جمله آثار او است هیئت طالبوف که آنرا حوم ترجمه
کرده (شیخ عبدالرحیم طالبوف تبریزی) و در مواضع عده بده تقدیس خالق
کرات منظمه کرده و ایضاً (موریس لشار) صاحب فرهنگ و (دکتر زبیه
طیب) مشهور و غیره اجمالاً اشخاص مزبوره از رجال بزرگ دنیا بوده و هر
یکی در زمان خود و نوبه خویش شخص مهم و تاریخی است و در مبحث
روح و سخن داده و نطقها کرده و مقالات علمیه و آثار فنی در بقاء روح از
خودشان در صفحات روزگار بیادگار گذاشته اند و بعد از این فلاسفه در آلمانیه
و روسیه و بلجیه و سوید و پورتقالیه و هولاند و نوروید و ایتالیه علمائی پیداء
شده و کتابهایی در بقاء روح و حوادث روحیه نوشته اند

(فصل ۵ شماره ۲)

و اما روحیون از علماء اسلام بسیارند و برای ذکر اسامی شان جدول
مخصوصی لازم است. چون مبنای رساله ما بر اختصار است از تفصیلات آنها
صرف نظر شد همینقدر بیان آن لازم است که طوریکه اسلام در نمایی مقدمات

فراهندگانی و اساس علوم و فنون متداوله استباه پشری است هکذا در علم روح
معلم و روحیون عالم هستند ملاحظه کنید (احیاء العلوم) تالیف امام غزالی خرد
سانی (و فتوحات مکیه معنی الدین) اعرابی که مدعی خلق الارواح بود و کتاب
فخر رازی و فاضل نراقی (جامع السعاده و (معراج السعاده و فاضل اردبیلی مشهور
بمقدس اردبیلی را اعلی الله مقامهم و در آینده ذکر خواهد شد که از اصول و قواعد
در اسلام موضوع اثبات روح و ظهور آثار روحیه چه مدرک بوده و سبب انتباه
افکار علماء روحیون گردید

(شماره ۳ فصل ۳)

و فعلا در نژد جمعی وجود روح و ظهور بعضی علائم و آثار بطوری
وضوحی پیداء کرده و شکل ظهوری بخود گرفته که در میان علماء علم
عالم سبب مجتنبش منوی شده که در هر محل محافل علمیه تشکیل داده و در
اطراف مسئله بحث عمیق و مذاکرات دقیق مینمایند و در مکالمه روح باطریق
تشکیکانه مطالب مهمه و نتایج مفیده را دست رس مینمایند (اولا) حرف الف
بانه را روی کاغذ سفیدی نوشته خود همین کتابت می چسباندند و فنجانی روی
میز به شکل وارو نهاده و وسط (شخصی را بگویند که دارای اوصاف مخصوصه
بوده و بواسطه آن داخل عملیات روحی میشوند) انگشتهای خود را ته فنجان
نهادند و بواسطه حرکت فنجان محاذی یکی از حروفها مطلب غمیده می شود
(ثانیا) چندی نفری از اشخاص معتقد (اگر طایق باشند بهتر است) دور میز
جمع شدند و دور میز نشستند بدون اینکه تکبیر و ایستاد بجنائی دهند و با تکمال

توجه و دقت دست‌های خود را روی میز نمیکذارند و بوسیله حرکت میز با ضربه‌ها در مقابل رمز حروف بازوح مردگان مکالمه میکنند (ثالثاً) نیکه چوبی سه گوشه را روی سه پایه قرار داده و حرفهای کوچکی به پایه‌ها قرار میدهند انکاه مدادی از یکی پایه‌ها بسته و آن چوب را روی صفحه کاغذ سفیدی گذارند و وسیطی (همان شخص موصوف) انکشت را روی چوب می‌گذارد و در موقع جواب چوب حرکت میکند و بوسیله مداد در روی کاغذ خطوطی و کلمات مقصوده نوشته می‌شود (رابعاً) وسیط قلم را دست گرفته و روی کاغذ می‌گذارد و در آنحال روح بروی مسئولی شده باقوة روح يك قسم مقالات نوشته میشود (خامساً) ورق کاغذی در قوطی بسته می‌نهند و وسیط دست خود را روی قوطی گذاشته پس از چند دقیقه سرقوطی را بلند میکنند مقالات مهجه در آن مشاهده میشود (۶) خواب مقناطیزم که بوسیله آن اشباح و انوار مرکان را مشاهده کرده و گاهی صورت دهیت و روی شبیح مرده را می‌بینند و غرائب این قسم اثر روحی که بنام هپنوتیزم است امروز در دنیا افکار نموده بشر را بطرف خود جلب و مشغول ساخته و کم و بیش از مسلمانان هم در آن مشهودات اشتراك نموده‌اند (شاروال دانشمند در کتاب خود موسوم بنام (مقناطیزم حیوان) می‌نویسد که دختری جوانی را خواب کردم که در آن ضمن شرح درد عیالگی را بمن میگفت از من پرنیید آیا چگونه عیالگی را که بمن دستور میدهند نمی‌شنوی گفت نه گفت بلن همین‌طور است زیرا که شما در خواب و من بیدارم من گفتم چگونه منصور

می شود اینکه در دست من مسخر هستی. گفت تو ظاهر مرا می بینی و من بطن تو (تو مو میبینی و من بیچش مو - تو ابرو و من اشارتهای ابرو) و در جای دیگر می نویسد ایضا بکنفر دختر را خوابانیدم در حال خواب گفت من از بدن دور میشوم و بدنم را می بینم و چیزهای درك میکنم که قادر بر درك آنها نبودم و غیر این قضایاء هزاران امثال این را با تجارب عدیده امتحان کرده و مشهود نموده اند از حوادث روحیه است که بکنفر عدلیه در حال حیوة با مورات دو نفر صغیر مداخله و احجاف نموده مکرراً با انواع وسائل روحی باقرباء خویش متضرعا و مصر اتلافی مافات و طلب حایت از گذشته کرده پس از ایفا و استیفاء دینکر در خواب باقرباء و دوستان خود اظهارانی نکرده و فعلاً بیست هزار نفوس بنام روحیون در تمام مناطق عالم پیروی این عقیده بوده و تعقیب مینمایند باندازه که ملت آمریکا از دالشورای تقاضای اکتشافات جدید را دارند و مرام آنها تعمیم و توضیح این مسئله روحی است اجمالاً دین مقدس اسلام در این کشف اخیری معنوی بی بهر نبود سهل است بلکه مؤسس و خبر دهنده ابتدائی از این قبیل قضایای واقعیه همانا خود دین اسلام است ملاحظه کنیم قرآن عظیم الشان اسلامی را که میفرماید (ولا تقول لولمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احياء ولكن لا تشعرون) و در خبر نبوی ص ع که فعلاً مدرك ثبوت تصرفات قوه روحیه و فعالیت آن است موید است که اسلام مؤسس این ترقی فوق العاده در امور معنوی است که میفرماید (اذا مات المؤمن دفن دفن رفرف روحه فوق جنازته و يقول يا اهل و یا ولدی

فانی قد جمعت المال من حل و من غیر حل بقیت التبعه علی و المهتاء لغيری
 (فا احذرو) و علاوه از این قضایای روحیه در باب خلاصی ارواح در لیالی
 جمعه و ایضا بعضی رویاء صادق و بوقوع پیوسته و تفصیلات آن در کتب دیانتی
 اسلامیہ مسطور بوده مصدق آنست که ذکر شد مثلا بکنفر جوانی فوت شده و
 میدفون بوده در مقبره بصره و خواب دیدن شخصی شب جمعه در باره نزول
 ملائکه رحمت و آوردن تحف و هدایائی از طرف اولیاء اموات و افسرده کی
 جوان مزبور و کیفیت سوال از احوال آن و خبر دادن او از بودن بکنفر
 مادرش بزوج رفته و فراموش کرده از خاطرش را و نبودن کسی دیگر غیر
 از مادر و بیدار شدن از خواب و آمدنش با حال دهشتناک بجانه مادرش باهمان
 علامتی که در خواب گفته و شنیده بود و اطلاع دادن بمادرش و کریستن او
 و آوردن چند عدد زر مسکوک از برای الفاق در راه مغفرت آنجوان و
 و جا بجا نمودنش و در خواب دیدنش در شب جمعه آینده با حال خوش و
 وضع مناسب که در کتب اسلامیہ با تفصیل مزبور و دلیل اینست که اسلام حوادث
 روحیه را با احسن حال و تفصیل مقال از تمامی بهتر ملل تشریح نموده و میزان
 پدھنیت متفکرین داده و آیه مبارکه (ولیسئلونک عن الروح قل الروح من امر
 ربی و ما اوتینم من العلم الا قلیلا) - معجزه باقیه - ظاهره ایست که انکارش خارج
 از دایره انصاف است چون تا بحال حقیقت روح با وجود وسائل علمیہ منکشف
 نگردیده و معلوم نشده غیر از اینکه امریست از امور الوهیت و از فضلاء اسلام
 بعضی اندین با عرابی عریکتاب فتوحات مکيه اش مدعی خلق الارواح بوده و در زمای

خود از طرف بعضی از علماء مردود شده و حدیث (من عرف نفسه فقد عرف ربه) امر روحانی را اشعار مینماید و در شرح ابن حدیث شریف بحث عربی و عمیقی است که این رساله کنجایش آن را ندارد همینقدر اشاره میشود که خودشناسی پایه بلندی و مقام ارجمندی خائز و دارا است و همین قدر معلوم برآید که انسان مرکب از جسم و روح است و میتوانیم بگوئیم هر قدر جسم خود را شناخته هزار بار روح خود را کمتر از جسم خودش شناخته است و از هزاران يك شناختن آن هزار بار کمتر مورد استفاده خود قرار گذاشته طویریکه با وجود ترقیات فیه و انکشافات ذهنیه حالا بسیاری از منسوبین فن منکر وجود روح هستند و بقول بعضی از محققین اسلامی حال منکرین روح بمثابه حالات ماهیان دریائی است که در آب زندگی کرده و بدون آب زندگانی شان محال است با وجود این از آب و وجود آن غفلتی دلبند یا خود انسان که در سایه تابش آفتاب زندگی کرده و غالباً ذهنشان از وجود آبی ذایل و از غفلت غافلند و هنگام بعضی اشیائی هستند که در عالم وجود بمثابه روح با آنها که خود آنها درک نشده و اثرات آن درک میشوند و میشودند و از اثر موثر پس برده و میشناسیم مانند قوه جاذبه و قوه الکتریك و وجود حرارت و غیر از آنها که اثر را درک میکنند و حقیقت آنها را نمی توانیم بکنیم چنانچه از شخص حکیم تدبیر (لابوازی) سوال شود از قوه الکتریسیه چوایب میدهد که تکلیف و منفعرج آن شخص من بوده و لذت حقیقت آن بی اطلاع و اثر آن را حیانا نمی بینم و ایضا قوه مغناطیسم که کاذب آن بکفر شباهتی بوده و موسوم به قطبیتیم

از اهالی (سوء) در موقع چرائی کوسفندان هنگام شب چسبیده شدن آهن وصل شده به زیر کفش بزمین و سنك ریزها ملتفت به قوه کهر بائی بوده و همان جسم را برداشته صبح در شهر بمعاینه خانه برده بنظر فیاسوفان ارائه نموده همین خدمت عمومیه را بعالم انسانیت وجود يك چنین اثر را دیده ولی از حقیقت آن جاهل است و کذا امثال آنها همین است مسئله در حقیقت آن درك نشده ولی اثرات روحی مشهود است و انکار کردن بعضی از منسویین فن وجود روح و آثار روحیه را چندان حقر اهمیت نبرده و قیمت فنیه ندارد چون اغلب فلاسفه چیزهاییکه مطابق باعلوم ناقصه ایشان نمی شود نفی و انکار می نمایند غافل از اینکه فن غیر از فلسفه و حکمت است و در عالم خلقت اشیائی بوده و هست که توافق فنی نداشته و ندارد باین وصف یقیناً تصدیق شده و از طرف عقلاء مورد قبول گردیده اجمالاً از صدر مباحث تدقیقات اسلامی تا بحث از آثار روح هر صاحب فکر و وجدان منصفانه مطالعه نموده و تفکر می نماید برایش محل تردید و جای شبهه نمی ماند که دین مقدس اسلام جامع علوم و فنون و مطابق عقول و افهام بشری و موافق اصول معیشت و زندگانی است و اسرار خلقت و رموزات حکمت در او مندرج و مکنون است فقط آنچه لازم است همین که در موقع تطبیق باید که مطالعه کننده صاحب علم بوده و از ارباب اطلاع باشد و ضمناً غرض رانی را بکنار گذاشته منصفانه نظیر کند و در همین موقع یکی از فلاسفه عصر حاضر می نویسد که دین مقدس اسلام حاوی نهایی علوم و فنون عصریه است فقط برای درك حقایق اسلام انصاف

بعلم واجب است که نکات آن را بفهمند افسوس که اولاد مسلمین از آن گونه
 عام و فنون عاری بوده و محض بنام عام بکنوع تقلید خشک و خالی بردشمنان
 اسلام نموده بدون اطلاع از حقایق اسلامیه اعراض و بر تبلیغ و تقلید خارجیان
 اقبال میکنند امید یکه نور اسلام را از میان دو کوه غیر مثبت نیم دایره
 جزیره عربستان تابش داده و کره ارض را منور فرمود و آن امیدی که
 یکشخصیت تاریخی را با سیمای روحانیت و قیافه دعوت بر حقیقت بدون
 یاور و معین و بلا وزیر و مشیر با فقدان وسائل مادی و یا نبودن معاونت
 ظاهری بر عموم کره ارض سبب و آقا نمود همان امید یکه کریستوف کلمب
 را پس از یأس و نومیدی و محکوم بودن بغرق بساحل آمریکاء رسانیده
 خد متی بعالم انسانیت نمود همان امید یکه پس از ختام جنگ بین المللی عمومی
 که عالم اسلام با کمال یأس و نومیدی رو بوادی فناء و اضمحلال گذاشته
 و امید کسی در باب بقاء اسلامیان بر جاء نمانده بود چون بعثت بعد الموت از
 عالم فنا بذروه کمال و اعتلاء رسانیده و تشکلات متعدده در امکنه متعدده بنام حکوم-
 هات اسلامیه ظهور و حقوق مسلمانون در تمام نصف و عدالت محافظه شده
 و محفوظ مانند همان امید عنقریب افراد مسلمین را موفق بتحصیل مقدار کافی
 از علوم مینماید و در سایه معرفت کامل حقایق اسلامیه را درك و قدر دیانت
 اسلامیه را دانسته عامل خواهند شد انشاء الله

(شماره ۴ از فصل ۵)

ما دامیکه دین مقدس اسلام عین ترقی و اساس تمدن قدیمی و تاج مدنیت
 خاضره است این خرابی های چند صد ساله اخیر و فساد اخلاق عمومی که

ریشه افکنده و حال مسلمانان دگر کون کشته و صفحات بهران هم گذشته و موقع اصلاحات رسیده لازم که ابضا راه تمدن قدیمی را پیماء و طریق اصلاح حقیقی را بر براء و قانون اسلامی را را هنمای آن ترقی قرار گذاشته بحال اصلی برگشته و از مذلت حاضر خلاصی یابیم و در این موضوع بنام آزادی فکر هر کس بنوبه خویش در اطراف این مسئله بیان فکر و اظهار عقیده نموده و مینمایند و راقم یکی از جزء ضعیف روحانی بنام دعوت بر حقایق اسلامیت مطالب ذیل را در این دوره شماره اخیر بنظر متفکرین و متدبیرین ارائه و تقدیم میدارم (اولا) برای ترقی مملکت و اصلاحات عمومی بنام ملیت لازم است که افراد ملت را از تقلید کور و کورانه ترسانیده و عاقبت و ضمیمه آن فقدان حس غرور ملی را آگاهانیده بوحدا نیت ملیه دعوت و محسنات دیانت را تلقین نمایم و در هر هر مسئله از مسائل حیراة بدون غور و رسیدگی باصل قضیه و بلا اطلاع به اصل مطلب بملل اجنبیه اقتدار نمایند بعبارة اخری حیثیت شخصی و غرور ملی را بکار برده خود شناسی را باتمام معنایش عامل باشند طوریکه در قرون سابقه مسلمانان با همین لحاظ سید و آقای کره ارض شدند در سلطنت اسلامیه اندلس دوره هشام و عبدالرحمن الفهری لغت عرب باندازه شیوع یافته و عمومیت پیدا کرد که مسیحیان آن زمان زبان عرب را یاد گرفته و انجیل و تورات و سائر کتابهای دیانتی را بلسان عرب ترجمه کردند و زبان لاتین از میان بر خواست و در زمان عبدالملک ابن مروان مسلمانان اتمعه خارجه و ملل سائر را قدغن کردند بدین لحاظ امپراطور روم مقابلہ سنکه درست و

اعلان کرد که طرف مسكوك را با الفاظ مكروه دائر به سب النبی ص ع ضرب نمایند از این معنای مسلمانان بر غیظ و چاره این مشکل را ندانسته هر کسی فکری داده و بیان رای نمود بالاخره بحضور مبارك حضرت امام همام باقر علیه السلام مشرف و راه حل را سؤال آن بزرگوار مقرر فرمود که خود مسلمانان از مسكوكات اجانب هم خود داری کرده و استعمال پولهای خارجه را نمایند و سكه اسلامی تهیه کنند طوریکه طلاء و نقره را جمع و سكه ترتیب دادند یکطرف را با جمله قل هو الله احد مزین که توحید را متضمن و تثلیث را معترض شوند و یکطرف لا اله الا الله محمد رسول الله که توصیف نبی را مشعر است از این لحاظ رومیان مغلوب سیاست مسلمانان شده و امتعه خارجی بکلی ممنوع گردید.

(فصل ۵ شماره ۴)

(شماره ۴) بنقطه نظر دیانت اسلامی افتداء و تقاید بر اجانب و تقویه ایشان اساساً از محرمات بوده و صریح قرآن و لفظ فی الجمله احادیث دال بر دین است (یا ایها الذین آمنوا لاتتخذوا الیهود والنصارى اولیاء) (وکل ما یقوی به الکفر فهو حرام بینه و شرائه) و امثال آن بسیار است و مسلمانان دیناً لازم است که احتیاجات اجنبیه را قطع نمایند و این ماده دین حیث ذاته از مقدمات جهانگیری و استیلاء عمومی و استعلاء معنوی است که دین اسلام منتضاه امر است و خصوصاً در مورد مقایسه مقدس اسلام با دیانت مسیحی بعضی از حقایق بنظر شخص متفکر مصادف شده و اسراری منکشف می گردد که

عقل بشری از درك آن در حیرت است طوریكه مقدمات اقتضائی عصری در مواد احكام مسیحی تشریع نشده از این لحاظ مجبور به تبدیل مسلك یا خروج از مسلك دیانت یا تقلید اسلامیت هستند ولی مسلمانان از این محذور بکلی رهایی یافته اند مثل تشریع نشدن جهاد در دین نصارائی حالی كه بدون محاربه و ایقاع جنگ در عالم زندگانی كردن و مدافیه حقوق نمودن محال است ولی باب جهاد اسلام با طرز تمدن و اصول اقتضائی عصر حاضر مشروع است (مبدء الاسلام اشر داعی) رجوع شود و انجیل امر میکند سیلی زننده را روی دیگرت حاضر کن و ایضا تفكیک سیاست از دیانت از لوازمات زندگانی مسیحیان است ولی مسلمانان در این باب تقلید بی جهت کرده اند و محتاج به تقلید و تفكیک نیستند زیرا باب جهاد و باب قضاوت و باب قصاص و حدود و دیات و امر بمعروف و نهی منکر سیاست مدنی است كه تفصیل را اقتضاء نیست و ایضا قسمی از تجارت و باب مكاسب راجع بر سیاست مدن است از قبیل منع احتكار و فروختن ذخیره های مهمه را از طرف قضاوت اسلام و جایز نبودن طلاق در شرع مسیحی حالیکه در اسلام جایز است با شروط مخصوصه از این لحاظ است كه فعلا در تمامی مناطق كره ارض بر خلاف مقررات انجیل چهار كانه بین المللی مسئله طلاق معمول و متداول است روزنامه ایران شماره (۲۶۷۱) صفحه (۴) مینویسد كه مسئله طلاق تا كنون از مسائلی بود كه در اطرافش مذاكراتی میشد و از جمله مسائل مهمه دنیا بود ولی امروز در تمام نقاط شكل مدنیتی بخود گرفته و روبهم رفته مسلم شده كه در صورت

عدم النیام اخلاق و نبودن توافق رأی میان مرد و زن که موجب تاخیر می باشد طلاق وسیله قاطعی است و در ممالك متعدده باقرار ذیل موجب احصائیه رسمیه طلاق واقع میشود (در مملکت کاناداء) در (۱۶۰) نکاح سالیا نه يك طلاق و در مملکت انكلتره در (۹۶) نکاح (۱) طلاق و در (سوید) (در ۳۳) نکاح (۱) طلاق و در مملکت ژاپون در هشت نفر نکاح کنند (۱) طلاق (راقم علت کثرت وقوع طلاق در ژاپون دین بودائی است چون در مذهب (دالایاما) هر کس باید زنیکه رویش ندیده آن را بزنی به کبر رجوع کنید (بعجایب البحر و غرائب الہر) و در مملکت آلمان (۲۴) نکاح (۱) طلاق و در فرانسه (در ۲۰ نفر نکاح کنند (۱) يك طلاق و در اتانزونی (۷) هفت نفر نکاح کنند (۱) طلاق (راقم علت بسیاری طلاق در آمریکاء همان کشف حجاب و آزادی مفرط بر زنان ولی در ایران احصائیه رسمیه کاملی نیست ولی ممکن است از روی تقریب حکم نمائیم که در (۲۰) نکاح (۱ طلاق) و علت کمتر بودن طلاق در ایران اسنحکام اصول تناکح و ازدواج است در شرع چون نظر بر روی و محاسن دختر و زنیکه اراده نزویج آن دارد از چیزها نیست که تناکح اسلامی جائز است رجوع بمبدء اسلام اثر عاجزی راقم اجمالا طلاق از جمله مطالبی بود که تا کنون مورد اعتراضات ملل مسیحیه بود ولی فعلا قبول شده تمام ملل عالم است از مسیحی و بودائی (اجمالا) و از جمله مسائل مهمه که مسیحیان مجبورند بترك دیانت خود شان همان تعدد زوجات است که در انجیل حرام و در قرآن باقید مخصوص جائز و انجیل میگوید

يك چشم بر يك چشم نظر بايد كرد از اينست كه مسيحيان در موقع عقيم بودن و يا خود مبتلاء با امراض مسريه شدن و بد سلوك و بد رفتاری در زنان و سائر احوال از قبيل عذر موجه نه طلاق جائز است و نه تعدد زنان و مجبور هستند كه تقيد مسلمانان نموده و زنهای عديمه بگيرند چون طبيعت بشري مجبور است و مجبور كه در موقع احتياج زن ديكری هم بگيرد و چنانچه فعلا متداول است و در قديم زمان در بعضی محاربات كه زنهای شوهر ماندند روحانيان بكنيسه جمع شده تعدد زنان را جائز فرمودند بر خلاف آية انجيل خصوص در يونان (رجوع كنيد بمطالعات عموميّه اثر خليل خالد چركس عثمانی اثر مفيد است كه از ترك با انگليس و بالعكس ترجمه شده و ايضاً جائز شمردن انجيل استعمال كردن و صرف نمودن ماده خبيثه الكئول (شراب را) و حاضر كردن حضرت مسيح شراب صاف و كواراء در مجلس عروسی پسر كد خدا بقول انجيل توما دليلى صديق مقال است و در اين عصر مجبورند كه بر خلاف حكم به حرمتش مينمايند زيرا كه طباً فساد معده و زایل شدن قوه باه و ابتلاء بمرض عنين بقول (باقوب سون فيلسوف كليمى موسوى در بطروقراد) واستعداد تام بمرض سل وضيق الصدر و ورم جگر سياه و سفيد و صرع و جنون وغيره از آن منبع فساد ظاهر مى شود از اين لحاظ حرمتش عقلاً واجب چيزى كه عقلاً واجب است شرع حكم بوجوبش مى نمايد و طورى كه مزج كردن شراب را بدو انتم رئيس خسته خانه (تنون) حرام فرموده كجا مانده كه شرب آن باشد بطريق اولى حرام است و تما مى امور زندگانی از اين قبيل است كه ذكر شد و

شرح و تفصیل آن مو کول بتوفیق حی لاینام است با تدقیق نظر معلوم می شود که نصارا ئیان مجبورند تقلید مسلمانان کرده و تفکیک سیاست از دیانت بنمایند نه اینکه مسلمانان از این مقدمه اجمالی نتیجه بدست آمد که عبارت است از اینکه آنانیکه میکویند دین ضد ترقی و مانع تمدن است یا جاهلند یا مغرض و بعضی از مسلمانان در این فکر مضر تقلید نصارائیان و مبلغین ایشان کرده بدون اطلاع از اصل قضیه و بلا تفکر و بصیرت هم آواز ایشانند که دین اسلام مانع ترقی است و از فلسفه جهاد و حکمت امر بمعروف با درجات مختلفه آن بی خبر است و نمی فهمند لزومی ندارد قومیکه فاقد یک معنا هستند قوم دیگریکه واجد همان معناء بوده خود را و موجودی خود را فدای مفقودی آن قوم دیگری بکنند پس لازم است که افراد ملت کاملاً هوشیار باشند و از اینگونه تقلید بی معنی و خالی از فایده اجتناب نمایند و ما بعون الله در این شماره اساس ملیت و محذور تقلید کورانه را بیان داشته و محسنات خود شناسی را تقدیم انظار منفکرین میداریم تقلید ناشی از چه بوده و باعث آن چیست بدیهی است که اثر عادات و عنعنات از قومی بقوم دیگر سرایت کرده و جریان مییابد حتی افسانه ها با اشکال غریبه از محیط یک ملت به محیط جماعت دیگر انتقال یافته خم نشینی افلاطون در ایران افسانه ایست در زمان تجاوزات اسکندر یونانی به ایران از نام دیورین کلبی که در خم نشسته و با سکه ها مونس بوده روز روشن شمع فروزان و در کوچه و بر زن عبور کرده در موقع سوال از سبب شمع فروختن در روز روشن میگفت انسان

میجویم شاعر فارسی اقتباساً چنین گوید (کز دیو در ملولم انسانم آرزوست)
 بافلاطون بسته اند و شکل هلال طلائی و نقره با حدیدی بالای منابر و منارها
 در معابد و مشاهد عادات مسلمین است در زمان اخیر ولی از رویان قدیم
 مغربی سرایت کرده طوغ کردانی در موقع تغزیه داری و ایام سوگو-
 اری در مسلمانان تقلید است که از بت پرستان هند و افغان قدیم در مورد
 حمله و جنگاوری با موبهای اسب و پارچه های الوان مزین و ملول نموده و
 میکردانیدندی بهالم اسلامیت مر بو طیتی ندارد و بملاقه همسایه و هم حدود
 بودن بایرانیان سرایت کرده (این رشته سر دراز دارد) و این اصل معمول بین
 العالمی اساساً از لوازم خارجیه بشر است چون شعاع و آفتاب یا بعبارۀ آخری
 چون انسان وضحك زیرا که بنی نوع بشر بمنزلۀ اعضاء بکفر انسان یا بمثابه
 افراد يك خانواده است سلسه حوادث از یکدیگر انتقال پذیر است و میگویند
 که طبیعت دزدیگری است که سرقت اخلاقیات و عادات را مینماید با این
 وصف آنانیکه در میان افراد ملت حقوق شخصیه را فهمیده و خود شناسی را
 در ضمن تربیه ذاتیه یاد گرفته و شرافت شخص خود را محافظه کرده و از
 خود شناسی بی محاسنات غرور ملی و حب وطن و مملکت برده و در مغز
 فکریه اش بگونه ای احساسات ملیه تولید کردیده آنچنان شخص با فکر و با حس
 بهر گونه وسائل سهل و ساده با سادترین وجوه ممکنه و مقتضیه از عادات
 قومیه و قواعد ملیه دست بردار نمی شود و رشته منفعت مشترکه عمومی را
 باسانی از دست نمی دهد و این معناء از محاسنات اسلامیه است و لسان معجز

بیان بوسیله قرآن بیان فرموده که باتدقیق نظر مستفاد میشود که تمامی علائق
 محبت و مرابطت باید که با ملت و هم کیش خود باشد نه با اقوام سائر متعبدیه
 (یا ایها الذین آمنوا لاتخذوا للیهود والنصارى اولیاء ومن یتولهم) نص شافی است
 و اخبار بسیار در این باب وارد است پس لازم است که مباحثین و محررین
 اسلام در تالیفات و تبلیغات و معلمین و مدرسین در موقع تعلیم و تدریس در
 محزن اولاد ملت فکر مقدس خود شناسی و غرور ملی را تلقین نموده و ریشه
 افکنده بطوری که در صدر اسلام چنین بود با این اصول مخصوصه افراد ملت از
 قواعد متبذره و اصول و عادات قدیمه اسلامیت دست بردار نشده و با ادنی بهانه
 در اثر تقلید کورانه اجانب از کلمات قیمت دار اکابر دینیہ اعراض و در تمامی
 اطوار و احوال پیروی اجانب و اغیار شده حتی بمجرد شنیدن اینکه يك
 نفر فیلسوف فلانی شخص مذهبی نبوده و متدین بدیانتی نیست محض برای خوش آیند
 غایبانه لاابالبان فرد مسلم هم آواز شده با يك چشمك و عصاء فرنگی شباهت
 جانها رسانیده می گوید من هم شخص مذهبی نبوده و با دیانت سرکاری ندارم
 و از این معناء هم محفوظ است که کوباء در خیال از اشخاص بزرگ دنیا
 محسوب شده و تقلید بفلاسفه طبیعین نموده و از فقدان حس شرافت انانیتیه
 شخصیه و غرور ملی عاری و بمقدسات توهین و بالاخره مضر جامعه عمومیه
 میباشد که همان تقلید باجانب و دشمنان دین اوست و در حقیقت باحسن ظاهر
 و حُجُب باطن خود شان عالمی را خراب و جهانی را برباد می نمایند و يك
 نوع میکروب مضر عالم مدنیّت حقیقیه می باشند و چشم از محسنات ملیّه

پوشیده در جامه ملیه هر چه مشاهده کرده و یا خود به تصور میرود عیب محض می انکارند و هنرهای صادره از فضلاء و حکماء ملت خود را ضرر مبشمارند و ابداً ملنفت نمیشود که يك ماتی که در اسلاف آن مثل شاه عباس کبیر در شهامت و نادر شاه در شجاعت و کریم خان زند در عدالت و اعلیحضرت بهلوی در شرافت سلاطین نامدار و کبیری مدار بجامه ملیه تقدیم گردیده و خصوصاً حکماء عالیمقدار و اشخاص بزرگوارى مثل شیخ ابوعلی حسین سیناء در حکمت و خواجه نصیر الدین طوسی در فضیلت و فاضل اردبیلی در قدسیت زینت بخش صحائف تاریخ روزگار شده اند هم از ملیت اسلامیه هستند و چون شیخ سعدی در اخلاق و عرفان و ملاء جلال الدین دوانی و ملای رومی مقتدای عرفاء عالم شده اند و میرزا ابوالقاسم طوسی در تشبیع و حماسه و امثال ایشان شعراء و عرفاء سر منشاء افقخار الشعراء ملل عالم بوده و در شعر و علم عروض و آثار فکریه (ارم و تنوف) و (بوشلکین) و (تولستوی) و (رافی) در می و (لتر فرانسوی) و سائر شعراء اقتباس فکری از ایشان مینمایند و تولستوی در تعقیب مسلك سعدی و تشبیه در طی مراحل اخلاقی و عرفانی و جنگی سعدی افقخار میکنند آیا اخلاق و اولاد ابن اشخاص بزرگ دنیا با این شرافت ذاتیه قدیمه که دارند جائز است بر ملل اجنبیه در تمامی احوال و اخلاق تقلید نموده و از عادات و عنایات ملیه اعراض کرده و برای خوش آیندی دیگران در مجامع و محافل تهری از اسلاف و اجداد خودشان کرده چنان ارائه کنند که علماء و شعراء ملی ما سبب عقب ماندن این نوده هستند که از قافله تمدن و ترقی

عقب نرند نسبت به مال حیه حالیکه اگر بکلمات کماین و مبالغین اسلام پیروی شده و اقتباس انوار کمالات مادی و معنوی از کلمات قدسیت سمات اندوات مقدسه بنمائیم در تمامی ادوار ماضیه و آتیه از اولین ملل مترقبه و متمدنه خواهیم بود اجمالاً. قال اینکه از فقدان حس خود شناسی و نبودن غرور ملی تقلید اجانب تولید میکردد و در آنصورت قدر دانی از رجال بزرگ ملت که لازمه انسانیت است بعمل نیامده باعث هزاران مفاسد مادی و معنوی میکردد (ای هزاران لمن بر تقلید باد) در اینگونه موارد است امیدواریم که عنقریب از اثر تشکیلات جدید علمیه حس سابق اسلامیان در مخیله فکریه افراد ملت تولید میشود انشاء الله

شماره (۵) از فصل ۵

شماره (۵) از مسائل مهمه یکی هم عبارت از توحید جریانات فکریه سلطنت و روحانیت که حیوایه و ممات يك ملت منوط باتحاد قوه جسمانی و روحانیه است طوریکه بدیهی است سالهای سال است در میان صنوف ممتازه خصوصاً بین رجال دولت و روحانیان ملت بگونه منافرت پیداء و این دو صنف عملیات يك دیگر را نقطه بکطرف را منافی دیانت و اند بکرا مغایر سیاست منظور داشته تقویت همدیگر را مخالف شئونات میدانند و در نتیجه حقوق افراد ملت تضییع و قانون شریعت و اصول مملکت تعطیل میپذیرد حالیکه اگر به تاریخ اسلام و عصر فرخنده سیر حضرت خیر البشر و سائر خلفاء و سلاطین اسلامیّه نظر کرده و تدقیق نمائیم خواهیم که در هر عصر و زمانی این دو قوه روحانیت و جسمانیّت معنای عالی (الدین والملك توأمان) را ملحوظ داشته با همدیگر فکراً و

عملا متحد بوده و تمام جریانات از يك مجرای صحیح جاری و از این لحاظ ما کینه امور به بهترین وجهی اداره گردیده و اختلاف واقع نگشته در سایه اتحاد معنوی آقای کره ارض شدند و مرام عالی حضرت مولی الانام تأیید کلام مزبور است که در دستور دانش خود کتاب نهج البلاغه توضیح داده اندطوری که در محاربه صفین در موقع نصب حکمین در مورد وقوع اختلاف در بین فریقین انقلابیون بر وفق مرام خبیث خود شان بر اساس حکومت و تشکیل یافتن اداره سطانت اعتراض کرده و اظهار داشتند که هر کس مالک بر اجراء احکامات است و محتاج به تاسیس اداره مجریه نستیم آن معلم نوع بشر علیه السلام الله الملك الاکبر برای رفع شبهه ظاهریه متکلم با این کلام عالی شده و فرمودند (کلمه حق براد بها الباطل نعم لاحکم الا الله لکن لابد للناس من امرة من بر او فاجر حتی یسنر بح المؤمن و یجمع الفی الاخر) یعنی انقلابیون در ظاهر حال سخن حق را قائلند ولی مقصد شان يك امر باطلیست البته مجری احکام خالق علامت ولی چاره نیست که برای مردم باید يك امیری منصوب بوده با اماره و حکومت آن امیر مالیات جمع آوری شده و راهها امن گردیده مؤمن و فاجر راحت شروند هر چندی که این خطبه شریفه را بعضی از علماء اهل النسۃ و الجماعه حمل بمسئله امامت میکنند و میگویند که پس از ارتحال نبی ص ع باید يك جانشینی باشد خواه فاسق و خواه عادل بوده باشد لکن این توجه باطلیست که احتیاج بذکر دلائل بطلان آن نیست چون مورد و مقام و علی الخصوص ظاهر کلام همان حکومت و امارت را اشعار مینماید که فعلا

مداول است برای اینکه در امامت عدالت شرط مهم است و فاجر امامت آن غیر ممکن است رجوع بمقصد پس بمقصد مقدس آن بزرگوار همانست که ذکر شد و موافقت و اشتراك حضرت مولی الوری با اشخاص زمان خودش و داخل شدن به جامعه شورای اسلام و اظهار فکر نمودن موعظه فعلی و عملی بوده و مصدق خود می باشد که برای محافظه اصول تقیه نیست بلکه در واقع لازم است قوه دیانت با سیاست توأم بوده و تقویت یکدیگر را بنماید و ایضا در زمان الحاکم بالله سلطان مصر رئیس حوزه علمیه که سلطان العلماء نامیده میشد همواره هم فکر و هم رأی شده و در وقتی که ششصد قطعه کشتی جنگی به دریاء وارد میکردند پس از ایراد خطبه و تار طلا و نقره از طرف سلطان العلماء (مجتهد) و پادشاه زمان ابن اصول جنگی اجراء میشد و سلطان العلماء (غناطه پای تحت سلطنت اسلامی در اندلس) ایضاً با عبدالرحمن الفهری و ابو منصور خلیفه در سفر و حضر هم رأی و هم عنان می بود و حضرت رضا علیه التحیه و السناء با آن جلالت شأن و عظم قدر با مأمون خلیفه مدتی مماشاه و مداراة نموده و ریاست حوزه علمیه آنزمانی را قبول نمودند و با علماء ملل و ادیان مباحثاتی و مذاکرانی فرموده همه آنها ملزم نمودند و در کتب توارینج مسطور است و با اصول نزاکت خود مأمون را از نکات واقعیه راجعه بر خلافت حقه مستحضر میداشت روزی از آنحضرت سؤال کرد آیا دلیل بر خلافت جدت و در بعضی عبارت دلیل فضیلت جدت علی ابن ابیطالب بر سائرین چیست جواب داد (آیه اقمنا قال لولا انما قال لولا انما فسکت الامامون) تفصیلات راجعه

بر این گونه قضایا در اجتماع بحار جلد چهارم و احتیاج طبرسی مسطور است مراجعه نماید این رساله مخصوص است بذکر مطالب راجعه بر عظمت اسلام و ایضا خواجه نصیرالدین طوسی باهلا کوخان و شیخ نراقی و فرزند ارجمندش و فاضل مجلسی اعلی الله مقامهم باسلاطین صفویه سمت مصاحبت و مشاورت را داشتند وزیج مراغه و کتابخانه عمومی از آثار باقیه خواجه نصیر اعلی الله مقامه باقی است و کریم خان زند با هفده نفر از علماء عصر خود تاظهر در محکمه نشسته تصفیه امور و دبعه اللهی مینمود ولی از عادات دوره منحوسه خبره است بر منسوبین علم خولیای رهبانیت و زهد خشک و خالی غلبه کرده و بر سلاطین مملکت هم مرض غرور و کبر بیمورد استیلاء یافته این منافرت بیموقع در میان حایل و تمامی امور اصلاحاتی بتاخیر افتاده و ترقیات مملکتی بی نتیجه و بلا انجام ماند در نتیجه این کشمکش حقوق ودیعه الهی ضایع - حقوق ودیعه اللهی تضییع و حدود احکام الهی تعطیل می شود پس لازم است که مسلمانان این منافرت معنوی را از میان برداشته بایک نوع محبت صمیمی و قلبی اتحاد نموده و از امنیت کامله و از الفاء اصول منحوسه کاتالسیون که مدت مدیدی بود که مسلمانان از آن محروم بودند استفاده نموده و بشکرانه این موهبت عظماء قواء روحانی باقوه جسمانی تواءم بوده اوقاف و ائلات و وصایاء و سائر وجوه بر را جمع آوری کرده در تحت نظارت علماء اعلام بصواب دید اولیاء امور بموارد لازمه صرف و اقسام ملایمت و نیت ملیه را علاوه و شروع به تاسیس مبانی علمیه و تشکیل دارالفنون عالی

روحانیه و سیاسیه و طبیه و سیاستیه و غیرها بنمایند تا اینکه در اندک زمانی افراد صحیح العمل از قبیل روحانیان بصیر بمقتضیات زمان از آنگونه دارالعلوم و تصدیق رسمی خارج و بدعوت اسلامی باحقایق علمیه باطراف عالم منتشر شده قلوب عامه را بمنویات اسلام جلب مینمایند و از طرف دیگر و کلاء صحیح العمل و باخبرت که مدیر ماکنه مملکت هستند باهم بمرکز شده سعادت عمومی را منظور دارند و از طرف دیگر مأمورین دولت و سیاستون مملکت از روی مرام عالی رفاهیت جامعه را منظور نظر داشته مقصد خبیث رشاء و ارتشاء از میان رفته کلیه امور مردم از روی میزان صحیح فیصل باید و معلومین مدارس ابتدائیه و متوسطه ایضا که عمده ترین عمال دولت هستند از آن دارالفنون خارج و با اجازه مخصوصه مشغول اصلاح افکار نونهالان مات شده و در جزء تربیه ذاتیه افراد را بایک حس انتقام و انائیة شخصیه و غرور ملی و شهامت ذاتی تعلیم کرده و بآئینه وطن اشخاص لایق و اسلام دوست و وطن پرست تهیه میکنند و ارباب صنایع عصریه بجامعه ملیه تقدیم میدارند بااین ترتیب اخلاق پوسیده جوانان مملکت در تحت نظارت مربیان لایق ضمن تربیه عمومیه اصلاح شده عوض صرف ماده خبیثه آلكول (شراب) اخبارات مفیده و معلومات لازمه تحصیل نموده و جای صرف دخانیات و قافاس که مرض بنیان کن نوع بشری است تاریخ ایام فلاکت اسلام را مطالعه در قبال عملیات حقوق شکنانه دوله سائره و ملل متجاوز تفکری بنمایند

و این شماره اخیر را بابك خاتمه باتمام رسانیدم و تذهیلات پنجگانه را بنام خمسة النجباء علیهم الاف النجیة و الثناء مندرجات این خاتمه کتاب قرار گذاشتیم که عمده مقصد همان تذهیلات است که مطالعه کنندگان کرام با نظر عمیقانه نظر کرده و منصفانه فکری دهند و از تقلید کورانه و تبعیت صرف اجتناب نمایند (تذیل اول) معلوم ارباب مطالعه بوده و بر صاحبان فکر سلیم مخفی نیست که مدتی است عالم شرق مفتون مدنیت غرب شده و مقاصد غربیان را باطور حربصانه تعقیب میکنند و خصوص مسلمانان بدون تفکر در نتایج و خیمه این تعقیب خود کشانه از تمامی ملل مشرق جلو ترند از این قبیل است مسئله آزادی زنان و حریت نسوان و کشف حجاب و دخالت ایشان در کارهای راجعه بر مردان و این مسئله باندازه بر دماغ مسلمانان استیلاء و نفودی یافته که دیگر حاضر به تفکر در اطراف آن نیستند و آنجا ئیکه شرع مقدس يك اندازه اختلاط و ارتباط زنان را با مردان محدود فرموده لذا بعضی از مبلغین و محررین که طرف دار کشف حجاب و ضد تستر هستند با دلایل اقناعیه خیالیه برای ترویج مقصد خودشان از روی شرع داخل به مبحث شده و ساده دلان را مازم و مجاب مینمایند و مضرت کشف حجاب را بهمان نمایاوردند مثلاً کشادی روی زنان و مخالطه با مردان سبب محکم بودن رابطه ازدواج بوده و معاونت زنان در امور میشت به شوهران و تامین حقوق ایشان است بمقتضای انسانیت و مثال این پاره سرائی که میشنوبم و راقم در این موضوع آنچه با تنبیهات لازمه او اطلاعات ۱۰۰ بدست آورده همین است که معروض میدارد اولاً اگر باصلاحات مهمه ممکن

فکری داده و شروع بان بنمائیم مسئله زنان و حریت ایشان پس از رقم هزارمی داخل مسائل متناوبه است نه اول رقم که مسلمانان قبل از شروع بکاری کشف حجاب و نظیر آن را مرام خودشان قرار گذاشته‌اند و انکهی این مسئله قطع نظر از دین و دیانت بخودی خود وفی حد ذاته مضر جامعه بشریه است و اگر باطراف عالم نظری بنمائیم خواهیم دید که خود آزادی دهندگان بر زنان از این معناء بیزارند و رجوع بحالت اعتدال اسلام می بر ایشان اشکالی پیداء کرده (و ثانیاً) نظر بمقررات قوانین مقدسه اسلامی حقوق زنان محفوظ و از افراط و تفریط تحذیر و خداعتدالی را تعیین فرموده نه عادت کنونیہ مسلمین و نه آزادی تام متداول میان مسیحین بلکه اصل صراط مستقیم اسلامی رفتار نمودن موافق عقل سلیم و مطابق استراحت عموم بشریه است در محیط ناموس و محور عفت و فرق آکذاری میان زنان و مردان در شرع بک نکته عالی اعجازی است که محیرالعقول است و در مورد تدقیق معلوم میشود که زن طبعاً بر وفق قانون خلقت با مرد تفاوت دارد از این تفاوت طبیعی ناشی است که اموزیکه مردان مباشر آن هستند اگر بر زنان محول بوده و کارها بیکه منصفی آن زنان است مردان مباشرت کنند بالطبع اختلال در نظام امور پدید آید (هر کسیرابهر کاری ساخته اند) و متفاوت بودن مغز زنان در مکیت و کیفیت با مغز زنان که بناء بتحقیقات لازمه (از هوفجان) و (به آفت) انکلیزی صد غرام مغز زنان کمتر از مردان است دلیل نقصان عقول نسوان میباشد طوری که شرع اسلام مقرر داشته وبر جسسه

کی مخصوصی در حلقوم مردان و فقدان آن در زنان که بیست و پنج ماده
 است در کتاب مبدء الاسلام اثر راقم از علم تهریح متداول عصر حاضر انکشاف
 یافته و مرقوم گردیده معلوم میشود که خلقتاً متفاوت است و ذاتاً در اسرار
 خلقت فرق گذاشته شده پس چه طور میشود که از قانون تکوین خارج شده
 می‌باشد؟ نموده امور همدیگر را بمکس طیب بشری مختل نمائیم (و ثالثاً) در علم
 حیوانات بلکه حشرات ایضا وظیفه ماده‌ها غیر وظائف نرها بوده و حیایات حشرات
 هم مجبول و مجبور به تفریق و تمیز نر و ماده است از یکدیگر طوریکه
 مورچه‌کان را در قریه خودشان بازره بین تدقیق کرده همیشه معلوم داشته‌اند
 که آنها منقسم بدو صنف بوده یکی نر و دیگری ماده و شغل شان
 هم يك ديگر تفریق شده اما ماده آنها از حیث رنگ و جسم يك
 اندازه شفاف و با رنگ مرغوب خوش آیند و هم بزرگترند از حیث
 صیامت و نرهای آنها يك اندازه ضعیف و مایل به اکستری رنگ و از جهت شغل
 و وظیفه خانوادگی مردان مشغول لانه‌سازی و جلب روزی و نگهداری منزل
 از تهاجم دیگران و باره کردن حیواناتی که برای آتیه ذخیره میکنند و غیر
 ذالك و اما وظائف راجعه بر ماده آنها آنکه دائماً مشغول به حضانت بیضه‌ها
 و بیرون آوردن بچه‌ها و تربیه آنها و محافظه ایشان است از تلف شدن و سائر
 يك نفر از فلاسفه فرانسه در حین تدقیق عملیات مورچگان نکاتی کشف
 کرده و تحریر نموده که عقل بشر عاجز و حیران از اسرار خلقت است پس
 در تمام مکونات وظائف مردان و زنان نسبت به همدیگر متفاوت بوده هر
 کسیرا بهر کاری ساخته‌اند عجبا نوع بشر با دعوی انسانیت و ادعای مدنیت با

ادنی بهانه منفعت کشف حجاب خیالی از قانون طبیعت و خلقت خارج شده وظائف مردان را بر زنان محول داشته دکان داری و کارهای اداری و زراعت و تلفون و تلگراف و جنگاوری و تربیات لشکری و کشوری را از نوع لطیف زنان ترتیب میدهند. و در این زمینه امور خانگی و تربیه اطفال و حضانت بچه کان مخمل و امنیت خانگی خلل دار میشود و در اختلاط و آمیزش یکنوع فساد اخلاق بروز و مسئله عشق بازی ظهور و در صورت ناآل نشدن بمقصد اتعار و خود کشی معمولی و قطع رابطه محبت در میان شوهر و رفیقه حیوة خود متداول و متمایل بدبکران تکثیر می یابد پس بهتر این است که بر طبق قانون خلقت و بر وفق امر شریعت اسلامیة مردان مباشر امور زراعت و فلاحت و تجارت و سیاست و جنگاوری و مسافرت مباشرت کنند چون در خلقت و طبیعت ایشان هیبت و صلابت و خشونت و غلظت و منازات مجبوری است و زنان بامور خانگی و تربیه اطفال و طبخیات و ضباطت و صراست اندوخته های داخلی مداخله نمایند زیرا در خلقت زنان و خمیره ایشان نزاکت و رعونت و لطافت و رحمت و رقت و شفقت و جبن مرآتوز است هر کس رجوع بوجدان خود کرده و با میزان عقل سنجیده تصدیق کند آریا چند شبی مواظبت بخوراک و پوشاک و خواب یکفر طفل محبوب خود نماید چه اندازه باعث کج خلقی و اختلال حواس و انقلاب امور داخلی حاصل خواهد شد در هر حال اصلاح زندگانی اخلاق جامعه وظیفه مهمه ایست که در ستایه اصلاح اخلاق دانه فسادی اخلاق لایالایان توسعه یبدا نکند خصوصاً باملاحظه اصول زندگانی جوانان

عصر حاضر که مشهور همه صاحبان افکار سلیمه بوده در اغاب نقاط عالم زن جوان خوشگل و قشکنك بایک نفر جوان دولتمند شوخ و شنك باسلیقه عصریه واسبه عادیه بطور ساده و سهل جواز تیاترو گرفته کردش کرده و در تمام شاء خانه حاضر کشته بی اطلاع شوهر شراب شامپانی صرف کرده و سیگار لطیف یامیل رفیق جدید استعمال شده در زیر برقههای الکتریک تماشاء پردهای تیاترو یا سینما نمود و رقص (دانس) بمحل آمده در ساعت چهار از شب باطاق تنفس قدم گذاشته و تمدد اعصاب بقول حکیم ایران بمحل آورده و کوباء پنا بقول خودشان متمدنانه و با عفت واقعی چند ساعت امرار حیوة مسعودانه میکنند و در عالم تصور با این حال سرور و جالب و دقت در حالیکه نفس طالب شوهوت غالب و شرط موجود و مانع مفقود عفت بغایت مشکل و عصمت موخوعا غیر قابل در اینصورت بنظر قارئین کرامی محول داشته و انصاف می طایم آبا (ملاحظه کرسنه و خانه خالی بر خوان عقل باور نکنند کز رمضان اندیشد) و در این مورد مصداق پیداء میکنند بانه و بدیهی است که فساد اخلاق ناشی از شهوت رانی و تن پروری و عیاشی روح و شهادت را کشنده و ملکات فاضله انسانیه رامحو کنند و مزبل فکر سعی و عمل و اختلال احساسات تازکانه غرور ملی و حیثیت شخصی و عفت ناموس خانواده میباشد و علم تاریخ با تجارب عدیده مدال نمود که ترقی هر قوم مربوط به تقویه روح شهادت و تزئید ملکات فاضله است و عیاشی و شهوت رانی مقتدرترین تمام حلال عالم را به برتکاه عظیمی انحطاط و تنزل سوق کرده است و مرام نکارنده

اینست که قوم نجیب ایرانی از حیث نژاد فطین و نازک و حساس ترین ملل
عالمند و تعدد و تنوع مذاهب و ادیان بر حساسیت ایشان است چون در اطراف
بکرموضوع موشکافی نموده هر کس بر وفق ذهن دقیق خود معنائی قبول
کرده که در نزد دیگران مقبول نیست فقط در تقلید بدرجه افراط رسیده اند
و حس غرور ملی در نتیجه تقلید کورانه چندان نهانده که از میان برود و
عمده سبب آن همان مورد تجاوزات غیر قانونی ملل عالم واقع شده و منقبلی
هر گونه مظلوم بوده اند از زمان اسکندر کبیر ماکدوننی عادت تلون مزاج شده
انوقت یونانی مأب بوده فرامین دولتی و مراسلات حکومتی را با زبان یونانی
مینوشتند و در مورد تهاجمات مجاهدین اسلام و غلبه قشون غیور مسلمین بر
ایران که فاتح کره نامیده میشدند در سایه سلطه عرب خالص شدند
طوری که از مرکز اسلام که مکه و مدینه است یکقدم جلوتر رفته از تسنن
بر عالم تشیع قدم گذاشته و در شیعه بودن بدرجه افراط رسیدند هر چندی
که این معنائ بموقع و خود لایق همه گونه تقدیس است ولی در افراد و اختلاف
مذاهب بدرجه غلو رسیدند که جای تاسف است و الان که در عصر حاضر
قوود معنوی غربیان و مدنیت مسیحیان در کره زمین اولین مواقع همه را اشغال
کرده بازم ملت نجیب ایرانی فرانکی مأب شده و بلکه چند قدم از ایشان جلو
ترند و اغلب مشمولین و محنتین هر حرف آلکول باندازه اسراف دارند که
فرنگیان از آن چنان حالات بیزارند و در عصاء و عینک و البسه عصریه و
طعطرارق عجمی هر فرد منسوب بطبقه سافله در اول دؤیت چالب شبهه نظر

کنندگان بوده بنظر چنان جلوه میکند که کوبا از خانوادهای سلاطین خارجه است بمملکت عزیز ما مهمان وارد شده در واقع امید از توجهات ولی عصر و از اقدامات خرابسندانه شهریار محبوب ایرانیان اینکه بتوسط معلمین صحیح الفکر و العقیده در مدارس علمیه با افراد جوانان مملکت و کلیه افراد ملت حس شرافت و تزیق و تلقین شده روح تقلید اجانب بر شهامت و استقامت ملی تبدیل یافته و قضیه بقتل رسانیدن شاه عباس کبیر بکنفر سفیر ایران مقیم پاریس را نصب العین قرار دهند که سؤال کردند اعلیحضرتا چرا این مامور را بمجرد شرفیابی حضور ما اینکه از عهده خدمت بخوبی بر آمده بود بنفسه بقتل رسانید شما جوابداد چون در موقع اقامت پاریس فرنگیان اقتداء کرده شرکت بغراء دایر رئیس الوزراء نموده به بازویش بارچه سیاهی بسته بود و این معناء باندازه موجب دلگیری شده بود که مانع شد که قتل وی را بدیگران محول دارم برای این که بر نژاد خالص ایرانی و شهامت اسلامی شایسته نیست که تقلید فرنگیان کند کاش شاه عباس بحال کتوف نژاد خالص فعلی نگران باشد

(تذیل دوم)

از جمله مسائل مهمه در مملکت عزیزمان اعزام محصلین و محصلات ایرانیه است بممالک اجنبیه برای تحصیل فنون عصریه معلوم است که امروز کسی پیداء نمیشود که منکر علم و فن بوده باشد بالخصوص آنانی که از قواعد اسلام اطلاع و اوامر مطاعه نبی ذیشان اسلامی را مطلع است شارع دینی که برای تحصیل علم مکنی را شرط قرار نگذاشته و کلیه مناطق دنیا را در

راه طلب علم مناسب و ما مور به فرموده (اطلبوا العلم ولو بالصین) از مسلمات احادیث بنوبه بوده چه طور ممکن است که جای تردیدی برای پیروان خویش در موضوع علم باقی گذاشته باشد و از حالت طفولیت تا وقت کهولت بلکه زمان قبر رفتن علم خواندن را از محسنات دین خود مقرر فرماید (اطلبوا العلم من المهد الى اللحد) پس در این شبهه نیست که عقلاء مانع از تحصیلات علوم هر چه باشد و از هر که بوده و در کجا ممکن بوده باشد منعی شود فقط اشکالی که بنظر آید اینکه آیا کیفیت تحصیل و مقدمات آن با چه نحو باشد که مضر حال مملکت و مغائر اصول دیانت نبوده و صلاح عموم را متضمن باشد بنظر عاجزانه راقم اینکه در داخله مملکت با جلب معلمین و متخصنین از خارجه مقدمات تحصیل را فراهم آوردن هم از حیث امور مالی و صرفیات بقود مملکت در خارج که عمده ترین انحطاط یککلمت از عدم ملاحظه مخارج و مداخل است فرض نمائیم که ده هزار نفوس بخارجه برای تحصیلات لازمه اعزام می شوند هر سالی بهر نفر پانصد تومان مخارج تحصیل تعین شد در ظرف ده سال چه مقدار از روح مملکت که ثروت داخلی است کاسته میشود و هم موجب زحمات مسافرت ذهابا و ایابا و غیبت از احیاء و اصدقاء و اقربای شخصی که موجب بعضی اشکالات عائله وی است و علاوه در تحت نظارت یککفر متخصص و امام چلبی خارجی چند نفر معلم از خود افراد ملت مشغول تدریس بوده و در اندک زمانی خود آنها یککفر متخصص ملی خواهد شد قطع نظر از تمامی این مضره نهای مزبوره این نکته جالب دقت متفکرین عالم که هر کس در دهایی مدتی

اقامت کرده و معاشرت نموده قهراً متغایب قلبی قهزی بان مملکت و افراد آن ملت در مخزن فکریه اش حاصل خواهد شد خصوصاً با اصول تحصیلات علمی که بلا اشکال رابطه معنوی در میان پیداء و در نتیجه منافع مشترکه آن مملکت را ترجیح بدیگران خواهد کرد از این لحاظ است که اکثر مامورین دولت یا مایل به سیاست همسایه جنوبی است یا اینکه متغایب قلبی و استبدادی بطرف شمال است پس تشکیل مدارس عالی و متبانی علمیه در داخله مملکت بمراذب اولی و الیق است از اعزام کردن محصلین بخارج اگر دقت نمائیم یکمضرت معنوی عمو می تولید میگردد که از همه آنچه ذکر شد بنظر اقوی تر از سائر ضررها است که عبارت است از ازدواج با دختران فرنگی یا در موقع تحصیل یاپس از فارغ شدن از آن و بالبداهه اولاد تابع ابومین است و عامل قوی در موضوع تربیه مادران است بدین وسیله نژاد خالص ایرانی اسلامی تبدیل به مسیحی نیم رسمی میشود چنانچه مشهود است و عجب تر از همه اینکه از جمیع معایب اعزام محصلین بخارج چشم پوشیده این اوقات اتفاق افتاده بعضی از خانوادهای محترم عزیزه و حبیه خودشان را بخارج اعزام کرده و با امید قوی و ظن راسخ نتایج حسنه از اعزام دختران بفرنگستان دارند در واقع از اثر نفوذ معنوی مسیحیان و غربیان است که محبت ایشان در قلوب مسلمانان باندازه جاگیر شده و محکمتر گردیده که حاضر نیستند تا اینکه ملتفت باشند بر اینکه این فکر مضر بجامعه فلیه و مغایر آداب دینی ما بوده و منفعت مهمه از آن گونه مقصد تقلیدی بر فاهیت افراد ملت عاید نخواهد شد و غیر از

کشف حجاب با طرز غیر مرغوب و تزریق مرام دشمنان دین بافکار اولاد مسلمین چیز دیگری بوطن عزیز هدیه نخواهند آورد و هر چند بکه این راقم منکر تحصیلات زنان و عارفه بودنشان بحقوق دینی و ملی و عادات و عنعنات مملکتی خودشان نبوده و نستیم بلکه غرض عاجزانه راقم اینست که فکرا عزام دختران بفرنگستان از عوامل و اسباب ترقی مملکت نبوده سهل است بلکه مضر جهت جامعه ملیه است و عمده ترین وسائل فساد اخلاق است و تلون مزاج افراد را موجب است برای اینکه پس از مراجعت از ممالک اجنبیه از اثر اقامت در مملکت خارجه قلبا مایل باز دواج با دختران فرنگی شده و اولاد خود را در دامن تربیت همان دختر فرنگی یا خود فرنگ مآبی تربیه کرده عرق ابرائیت و خون اسلامیت را مشوب خواهد کرد که نتیجه و خیمه نسبت به مملکت و دیانت عاید خواهد شد و بعضی از جوانان مملکت که مبتلاء به این حال اسف اشتمال بوده و در پیش انظار قارئین آینه عبرت است برای متفکرین و علاوه از آنچه ذکر شد بعضی مضرات عمومی ضمنا بخودی خود تولید می یابد مثل اینکه از آنچنان دختر فرنگی عالمه و تربیت شده که فرض تمائیم سائر همشیره های وطنی ما کشف حجاب و حضور بهم رسانیدن در بعضی امکان غیر مناسبه را یاد گرفته و عادت کرده بدون اینکه بلد باصول انکونه زندگی بوده و از روی عام حرکت بنماید از اینگونه تقلید فساد اخلاق تذیل دوم از تذیلات پنجگانه از خانمه

زنان و دختران بااللازمه شیوع یافته و از اثر جهالت جامعه امراض مهلکه و مسریه مثل مرض فرنگی و سوزاک و غیره انتشار می یابد سبب اختلاط و

آمیزش مردان با زنان با لحاظ پیشرفت فکر مضر کشف حجاب طوریکه افراد
ممکنی که عادت نکردند و بی پرده بنظر نمودن صورت حسنه و جمال زیبا
معتاد نشده و بالاخره نسل آینده ایران را بدره هولناک و مهیبی پرت و در
تباهی قطع نسل خواهد شد غرض اینست اگر بخواهم که از دختران ما حکیمه
و طیبیه و قابله و سائره بجامعه مملکت تقدیم نمایم و در موقع زائیدن زنهای
مظلومه از چنگال ظالمانه قابله های قدیمه نجات یافته و در موقع وضع حمل
از خوابیدن روی خاکستر و سوخت تباله رهایی یابند و با یکقطعه پیاز گردانی
منتظر بدقع اجنه ها و غول بیابانیها نشوند و از سائر خرافات معموله آسوده
باشیم لازم است که با مصرف جزئی بکفر معلمه حجاب کرده صدها طیبیه و
قابله و غیرها در مرکز تربیه شده و بجامعه ملیه تقدیم بنمایم و محتاج به
اعزام دختران بفرنکستان و تحمل آنگونه زحمات و خسارات مادی و معنوی
نمی شویم علاوه از آنچه ذکر شد اگر بتاریخ عطف نظر کنیم و باحوال ملی
عالم نظری بنمایم خواهیم دید که در جزء مخترعین و کاشفین و مبدعین
از هزاران فرد همان بکفر زنی پیداء میشود مثل خانم پروفیسور بکبرلم کاشف
قوة (رادبو) بوده باشد و آنهم با احتمال اینکه خود پروفیسور کشف نموده
بنام رفیقه حیوة خویش انتشار داده یا اینکه بمعاونت همان رفیقه حیواتش باین
کشف مهم موفق گردیده فقط چون مقام زنان در انظار غربیان نهایت بلند و
موقشان بسی ارجمند است لذا مستقلا بنام خانم پروفیسور اشتراک یافته و خودش
مایل باین شهر گردیده و این نکته را هم نباید از نظر دور کرد که وجود

زنان بغیر از قابله کمی در عالم علم و فن به چیز دیگری لزومی ندارد زیرا
 که با وجود کفایت مردان با احتیاجات مردم زنان را از وظائف مقدسه خانواد
 ری و تشکیل زندگانی عائله وی جدا کردن مضر عالم مدنیت است و خصوصاً
 که بناء بر تحقیق (هوفمان) نام طیب و مشهور فیلسوف آلمان مغز زنان محباب
 و وسط کمتر از مغز مردان است بمیزان صد غرام این است که ایشان بمقامات
 عالیله علمیه ارتقاء نتوانند بکنند هر چندی که بعضی مردم مدعی آنست که
 اگر زنان را به کارهای مهمه وادار کنیم و تربیه مردان را در آن ها عملی
 بنمائیم آنها هم مثل مردان میشوند در تمامی جهات ولی نظر بفکر راقم طوری
 که اطلاع رسانیده ام این ادعاء خالی از وجه بوده و بلا دلیل است و با فرض
 صدق بودن دعوائیشان که پس از تحمل زحمات و مشکلات که زنان هم مثل
 مردان میشوند آن هم بضر جامعه بشریه و بمخالف مدنیت و منفی استراحت
 عمومی است زیرا که اکثر وظائف با یکلی تعطیل خواهد یافت یا مو کول به
 مردان خواهد شد لذا اینگونه فیکرهای باطله و خیالات فاسده لایق مذاکره اشخاص
 یا شرافتمند نبوده و سزاوار اشتغال نمودن فکر ارباب فضل و هنر نبوده و نیست
 و عوض این قبیل آمال و مقاصد دور و دراز مبارزه کردن با ماده خبیثه
 الیکول بهتر است که از اهم ترین وظائف مدنیین و منمدنین است که با افراد
 بشری تعلیم دهند که تمامی امراض و مضرات از این منبع شتاب و معدن خیانت
 تولید می گردد و این معنای برای العین مشهود است اوید از حقیقت اسلام این که
 تاکنون اقدامات اولیاء مهور این گونه امور از میان می برد

(تذیل سیم)

در موضوع علم و کیفیت تعلیم و مقدمات تحصیل بر علاقه مندان دیانت اسلامی معلوم است که در عالم خلقت هیچ مسلک و هیچ دینی بر علم و تعلیم چون داعیان و مؤسسان اسلام اهمیت نداده و در این رساله سابقاً بحث تحریر یافته و بازبانهای مختلفه و عبارات متعدده تحریر بر تحصیل نموده اند تا به عبارت فقهاء و تفقه و تارة اخرى با عبارت طلب و تعلیم یاد داده اند چنانچه فرموده اند (تفقهوا فی الدین فان من لم یتفقهه فی الدین فهو اعرابی) (فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفة یتفقهوا فی الدین) و ایضاً (طاب العلم فریضة علی کل مسلم و مسلم) و اطلبوا العلم ولو بالصین و ایضاً (العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر) و بعضاً در موقع تمجید علم و تقدیس مرتبه معلم فرموده اند (من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً) و حضرت مولی الوری بصاحب سر خود کمیل ابن زیاد النخعی در موضوع تقدیس مقام علم خطبه فرموده که کاملاً مقامات علمیه را به بهترین وجهی بیان فرموده (یا کمیل العلم خیر من المال العلم یحرسک و انت تحرس المال) اجمالاً در جزء تربیه دیانتی لازم است که افراد متدینین اسلام می را حاضر نمایم بر اینکه کلیه افراد را دوره ابتدائی تحصیل علوم ضروریه نمودن بر ایشان واجب و عملی بشود تا اینکه تاریخ ملیت و کیفیت تربیه اطفال را برای دختران و زنان در مدارس تعلیم دهند و خصوصاً دختران با اصول اسلامی واجب است مقدار از فقهاء و مسائل دیانتی و اصول اقتصاد و خانواری و درجه ابتدائی حفظ الصحه و بعضی علوم دیگری را تحصیل کنند چون زنان

جاهله در صورت عارفه نبودن بحقوق خودشان نمی توانند فرزندان با لیاقت و با شرافت بجامعه ملیه هدیه کنند و از اهم ترین مواد لازم بودن انتخاب معلمین با اخلاق و با عقیده است برای تعلیم بجهت اینکه مقام معلمی در عالم ملیت مقام بانندی را حائز است چون اصلاح اخلاق جامعه و ترقی مملکت منوط بکیفیت تعلیم است اگر معلمین با دیانت و صحیح العمل اولاد وطن را حب دین و وطن را یاد دهد در آنصورت در موقع تعرض دشمنان دین به حوزة مملکت جانبازی افراد در صفحات تاریخ حیرت بخش ناظرین میشود طوری که سابقه مسلمین در غرناطه و اندلس و مصر و ایران همین حال را داشتند بالعکس اگر معلم بی قید در امور دیانتی بوده و از حیث شهادت مذهبی در مرتبه انحطاط و تنزل بوده باشد و به نقطه معینه اعتماد و استنادی ندارد بلاشک از آنکسانی که از آنچنان معلمین تربیت شده و تعلیم یافته قدر نعمت عظمی دیانت را ندانسته و شرافت مملکت را محفوظ نخواهند داشت اگر رجوع بتواریخ ملل حیه عالم بنمائیم خواهیم دید که جهانگیری و فتوحات قوم جسور (اسپارطه) از روی تربیه صحیحه و تنزل و انحطاط یونان ایضا از اثر تعلیم بی قیدی و بی مهالانی در قدیم الازمان مبنی بر این اصول و مبنی بر این قاعده است و ترقی ایران و عظمت آن مملکت باستان جدا و جدید (اثر بد تعلیمات معلمین است پس لازم که معلم معتقد بدیانت و خودش صحیح الفکر و العمل بوده اولاد روحانی خود را بسوی اخلاقیات جلب نماید نمجب از این است که مسلمانان چند سال است که باین مسئله اهمیت نداده اولاد خودشان را بهر لایبالی و بی عقیده که ظاهر خود

را آراسته و از پیرایه معنوی عاری بوده می سپارند و چشم از معایب ذاتیه آن می پوشند امید از اقدامات اولیاء امور اینکه پس از امتحانات علمیه و عملیه اشخاص لایق باین خدمت مهم تعیین نمایند و آنچنان وظیفه مهمه را بهر جوان کم تجربه و بسا اینکه بی عقیده و کول نمایند (من علمنی حرفاً فقد سیرنی عبداً) از کلام قیمت دار حضرت مولی الانام است و اشعار است براین که وظیفه تعلیم بك شغل عالی است و باید که شخص مهم مشغول بانگونه وظیفه مهمه باشد نه هر شخص بی تجربه و کم مایه و بی فکر اجمالاً در صورت قابل ولایق بودن معلمین اشخاص قیمت دار بجهامه ملّیه حاضر میشوند بخلاف عکس آنچه ذکر شد

(تذیلی چهارم)

در موضوع کیفیت تبلیغ و دعوت بر مقصد عالی دیانت بدیهی است که راهنمایی نوع بشری از وظائف مقدسه انسانیّه است (اگر بینی که ناپیدا و چاهست - اگر خاموش بنشین کناهست) و دیانت اسلامی این معنای عالی را بعبارات مختلفه بیان و در جزء احکام شرع از تکالیف اسلامیّه مقرر فرموده و آیات و احادیث داله بر وجوب استحباب امر بمعروف و نهی از منکر بسیار است و محتاج بذکر نیست و عقلاهم از واجبات عقلیه است و ملل حیه عالم اصول مطلوبه دعوت و تبلیغ بر مرام مقدس دینی را باشکل مخصوص از لوازم پیشرفت امور دولتی و سیاسی میدانند و از حصه مصارف امور معارفی مقدار مخصوصی به تبلیغ و دعوت و جاسوسی که يك شبه مخصوصه است

صرف و خرج مینمایند و روحانیان مسیحی در راه ترویج دیانت مبالغی صرف نموده و رساله ها و کتابها طبع و نشر میکنند و قسّیس اعظم لندن در سالی هفتاد و پنج میلیون کتاب در زبانهای مختلفه بنام تبلیغ و دعوت طبع و نشر می کنند و داعیان چرب زبان باطراف دنیا کسبیل اول ورود بالطائف صیل افکار محیط آن محل را مشوش و مغشوش میدارند و بواسطه دکنترها در مریض خانها و مؤسسات بشریه بنام محبت عمومی نوعیه مقصد شخصی و سیاسی و دینی را بکار میبرند اگر بادعوت و ابلاغ نائل مرام نشوند پس از چند روز کلمه سیاسی نمایان شده مداخله ببعضی امورات شخصی بك ملت و بادولتی کرده باعث اغتشاش داخلی شده و استفادها میکنند و در صورت عدم نیل با قوه جبریه و اسلحه ناریه حقوق حقه ملل ضعیفه را غصب و نفوس مظلومه را با انواع فجایع اتلاف میکنند اجمالاً سعی و جدیت ملل نصارائی در موضوع تبلیغ عبرت بخش ملل سائره است و اکتشافات جزائر جدید مسکونه و غیر مسکونه که در هر سالی از ایشان بظهور میرسد که تمجب آور است ملاحظه نمایند دو جلد سیاحتنامه (کنرال استانیلی) آمریکائی از طرف اداره جریده (هرالد) بکشف جزائر (تاتاقانیکا) و کشف خط استواء برای اصلاح امور معارف و خدمت دیانت و سیاست چه اندازه زحمات را متحمل و مشقات را متقبل شده و آن شخص مجد چند سال در ایام مسافرت با وحشیهای آفریقا مصاحبه بوده و لوازم زندگانی چند ماهه را در کشتی تهیه و در دریای تانگانیکا مدت متعددی کشت و گذار نموده و گاهی در راه نیل بمقصد غرق شدن در

آن در بای وحشتناك را در مقابل چشم مرتسم مینمود و غالباً اتفاق افتاده
 كه از افراد ملت مسیحی در راه مرام در كشتیها غرق و با مكثو بها در شبیه
 های سر بسته روی دریا افكندند پس از مدت بعیده خبر فوت خودشان را
 با هالی محای و عائله خودشان میرسانند و يك شعبه دیگری از اصول دعوت
 منحصر به جاسوسی بوده مقاصد مهمه دولتی و سیاسی را ترویج مكنند قضیه
 جالب توجه در کیفیت پیشرفت امور جاسوسی كه مقدمه دعوت و تبلیغ است
 ذكر مینماییم طوریکه در اواخر دوره جنگ بین المملی عمومی در موقع تقابله
 قواء روس و آلمان بکفرقه از قشون روس از كنار رود (ولسیلاء) مرور می
 نمود ناگاه بكنفر پیره زنی جلب توجه فرمانده قواء لشکری نموده در قیافه
 سائله كنار راه ایستاده و بعضای خویش تکیه کرده فرمانده امر به تفحص آن
 زنان داده پس از تحقیقات لازمه منكشف گردید كه همان ضعیفه بكنفر جا
 سوس آلمان بوده و سرعصاء كه تکیه کرده قوه الكنربك و طرف دیگر انحصاسیم
 مخابره است بزمین وصل شده و تمام جزئیات قشون روس و اسرار دولتی را
 بمرکز خودشان خبر میدهد رجوع بمقصد شود مسئله دعوت و تبلیغ برای
 اطلاعات از اصول مقدسه اسلامیه بوده و در باب جهاد مقدمه عنوان شده
 از مواد فقه اسلام و باب جهاد است كه شخص در موقع ضرورتا كریخواهد
 نذر كند یا عهد نماید خوبست چنین نذر كند كه از سه روز الی چهل روز
 با اسب و اسلحه خویش حفظ حدود اسلامی را نموده و حوادث واقعه را اطلاعاً
 بمرکز اسلام خبر دهد و سائر احكام اسلام بر همین منوال اشعار از وی

دارد در موضوع اهمیت دعوت پس بر مسلمانان لازم و بلکه واجب است برای تشبیه مبانی سلطنت و استحکام اهل مقدسه شریعت بمسئله دعوت اهمیت فوق العاده داده يك عده كافیه از واعظ و مبلغین که واجد شرائط لازمه و بصیر بمقتضیات زمان و خبر از اوضاع عالم است برای اعزام دعوت بر مقصد بولات بعد از انتخاب نموده باین گونه اقدامات عملیات مبلغین مسیحی و تلقینات جاسوسهای دول اجنبی را عقیم گذارند زیرا که در مورد کشتار بیرحمانه اهالی قفقاز از طرف ملت ارمنیه با تلقین دول معظمه نصارائی داعی مدیر امور روحانی يك منطقه وسیع بوده و برای العین مشاهده میکردم که از نبودن مبالغ از مسلمانان اهالی مظلومه بدون اطلاع از اصل قضیه چون کوسفند می شبان از اثر تبلیغات و حیلله های مبلغین نصارائی به يك محل جمع میشدند بنام استماع نطق آنها بفاصله چند ساعت قواء نظامی از کمین خارج و مجتمع مظلومین را مقبره ایشان قرار می گذاشتند و هکذا سایر مناطق اسلامی از عمده ترین وسائل دعوت و وسائل پیشرفت امور دیانت و سیاست دولت دستگیر معظم تعزیه داری حضرت سرور مظلومان روحیه الفداء است و لازم است قدر این جوهر نفیسه و دانسته و فلسفه عالی آن وقته مهمه را با افراد ملت ترزق و تلقین شود و تمام مقاصد ملی در سایه آن مجلس عالی و عمومی با اهالی ابلاغ شود البته بدیهی است که در معالک خارجه برای اعلام يك ماده مهمه و جمع نمودن یسکه ماده آنچه زحمات را متقبل هستند ولی از برکت نفوس مقدسه اولیاء دین جمعیت کثیره با نصب يك بیرق مشکی همه جمع شده و با کمال دقت حاضر

بقبول هر گونه تبلیغات هستند پس لازم است که با جملات قیمت دار کلمات معجز
سمات حضرات معصومین اذهان سامعین را تنویر نموده و حکمت شهادت جان
نثاران طریق دیانت را به بهترین شکلی تصویر نموده و مردم را حالی نمایند
که محض کربیه و مجرم ناله در این مقام به تنهائی کافی نبوده بلکه در
مورد دفع ظلم و قبول نکردن اعمال اشخاص ظالم و مداخله کردن عناصر غیر صالحه
و رجال غیر لائقه بر امورات مسلمانان بیروی بودن به آن مرور مظلومان فلسفه همان
کربیه و ندبه است که در موقع لزوم آزادانه و اصرارانه فدای نفس از اصول
مقدسه عزا داری است طوری که شرافت ترین اعمال بشری بذل نفوس است در
راه ترقی دیانت و محافظه شئون ملت چنانچه یکدم قبله در مقابل نفوس
کثیره شعیبانه اثبات وجود نموده و مدافعه حقوق را اولین معلمین نوع
بشری بوده و با قضیه عاشوراء زینت بخش تواریخ عالم انبیایت شده و قضایای
مهمه را زیر پرده حقانیت خودشان مستور داشته فتوحات اسکندری
(تذیل چهارم).

و استیلاات نابالوئی نسبتاً منبسط گشته و قضایای نادره الوقوع مثل عبور
(مواتکه) و فتح قلعه ویر دین بدستباری قشون (حضیر) از اهمیت افتاده و
کذارشات شاه عباس کبیر با آن عدالت و دفع دشمنان دین از طرف قدین
الشرق نادری و معامله کریم خان زندی با آن شهرت ذاتیه چندان فروغی نه
داشته ولی جنگ هفتاد نفری در يك صحرای بی قلعه و بلا استحکام مهمی در
سال بایک اهمیت تاریخی با تمام جوش و خروش و يك نوع جنبش عمومی

عرض اندام مینماید و در مقابل هزاران موانع و مشکلات رونق تازه و فروغ
 بی اندازه که دارد غیر از حقایق واقعیه و مظلومیت معنویه و بذل نفوس محترمه
 در راه ترقی شریعت و خلاص مظلومین چیزی دیگر نبوده و نیست لذا علاوه
 از مذهب جمفریه سائر مذاهب اسلامی به بتازگی ملتفت شئونات حقیقیه آن فاجعه
 عظمی و رزیه کبرای را شده چون کتاب ینابیع الموده شیخ سایمان نقشبندی
 المشرب و ضعی المذاهب بخارانی تالیف شده و چون فضولی شاعر ترکی اشعار
 و قصاید انشاء کرده و چون کاظم پاشای عثمانی رساله ها بله کربلاء ترتیب
 داده با نظار قارئین جلوه نمون میدارد و غیر از مسلمانان از اهالی سائر
 دیانات رساله ها و کتاب ها نشر نموده و اقرار به شهادت نفسیه و اثرات واقعیه
 آن قصیه ها بله مینمایند چون کتاب (راولسیوسین) یا خود سیاست الحسینیه تالیف
 (ماربین) آلمانی و رساله (ژوزیف) فرانسوی و بت پرستها چه اندازه معتقد
 حقیقت این فاجعه هولناک هستند در هندوستان و باعث اسلامیت هزاران نفوس
 هندیه شده وزیر ملک شاه قاسم هندی در موقع مغلوبیت و فرار شاه اسیر و
 دستگیر انگلیسها شده با اینکه وزیر بت پرست بوده و بودائی مذهب بود در
 حبیبیکه امر بکشتن او نمودند آبی خواست که بنوشد بمحض مشاهده آب در
 آنحال اسف اشتغال آب را بر زمین ریخته بالبداهه مترنم این مقال شد (محروم
 کشت از توب نشسته حسین - ای آب خالک شو که ترا آب پرورده اند
 لاجملا الکلام عالی آن شهید راه دیانت در مقابل نصف اعداء روزا شونزاه
 یسکه و تنها که فرموده اند (الا هل من ناصر ینصرنا) عموم پیروان خود را به

کمک اسلام دعوت فرموده و کوش عموم اهل دنیا را با تفسیر (کل يوم عاشوراء و کل ارض کربلاء) بر کرده پس «قدر نعمت عظماء دیانت را ندانسته بتوسط داعیان اسلام قلوب مندبین آن دین حقیقی را از فساد اخلاق تصفیه و ریشه جبن و رذالت را قلع و قمع و با مملکات ناضله و روح شهادت پر کرده طوری دعوت نمایند که جان و مال را در قبال جفط ثنونات مملکت و شرافت دیانت به چیزی نثارده در موقع لزوم چون روح واحد در ابدان مختلفه قیام و برای دفع دشمنانی دین کلمه واحده اقدام نمایند و کلیه صدقات و اثلاث و اوقاف و نذورات و اعانات از هر شهری و قریه ها با نظارت دولت و تصدیق مراجع اسلام جمع آوری شده برای تکمیل نواقص حلیه صرف و بقایای آن گونه واردات را برای محافظه بیضه اسلام در مقابل دشمنان سالی يك كشتی جنگی بدریا افکنده و در هر ماه از هر شهری يك قطعه آبرو پلان بنام اعانه دولت اسلامی ضمیمه قواء جریبه حاضر نمایند و بعضی مدارس عمومی تاسیس نمایند که متشعب به شعبات متعدده شده از يك شعبه محصلین فقهیه و حکمت و فلسفه و تفسیر و از شعبه دیگری داعیان و مبلغان عالم بمقتضیات عصریه بالوازم تبلیغات با طراف کسب شده و از شعبه دیگری مهندسين و معلمین و صاحب منصبان با درایت و اشخاص بالیاقت بجامه علمیه تقدیم شود خصوص در این عصر مساعدت که امنیت کامله بر پا و اصول منحوسه (کابینسیون) انشاء و از هر جهت شرایط موجود و موانع مفقود اگر خدا کمک کند مصلحتات آن مخصوص البانیان قدر این نعمت عظماء را ندانسته مدخول عیاشی

و تنبلی و عطا نشد، معنی عصر رسمی و عمل را ملتفت نشده و به تقلید خشک و خالی اجانب تمایل کنند؛ الوقت خوف آن میرود که مذلت از سر گیرد (اندر طبیعت است که باید شود ذلیل - هر ملتیکه راحتی و عیش خو کنند) امیدوارم که از توجهات اولیاء دین و اثر اقدامات اولیاء امور تحت مراقبت یگانه زمام دار امور مسلمین قائد توانا عنقریب آن در این سطور ترقیم شده بموقع شهود و اجراء گذاشته شده و معنای کامل (الاسلام بعلو ولا یعلی علیه) بانمام حقیقت خود جاوه نمون گردد و مباین و داعیان در موضوع تلقین و تبلیغ مسئول این مرام عالی در پیشگاه خالق متعال و انتظار افراد هستند (تذیل پنجم)

در موضوع تفکیک دیانت از سیاست مقدمه ذکر می شود که روح شهامت اسلامی در کالبد توده ایرانیه يك اندازه میست شده و تنزل داشته و از فقدان غرور ملی کوش بصدای هر صاحب اغراض دنیه و منتظر به تقلید اعمال خارجه بوده بر عکس مشهور بعضی نویسندگان مصرع ای هزاران لعن تقلید باد را تحریف کرده و میگویند ای خالق را تقلید شان آباد کرد حالی که این قضیه تقلید جنبه کلیتی نداشته در بعضی مقام لایق تقدیس در مقام دینگری مستحق تقبیح است هر سخن جایی و هر نکته مقامی دارد و سابقا در این بحث يك فصل مخصوص بمذاکره آن نموده ایم و در خاتمه این کتاب با عنوان مخصوص تفکیک سیاست از دیانت این معانی را کاملاً ابضاح می نمایم که یکی از مسائل عمده و مطالب مهمه که امروز مورد بحث علماء مال دنیا است و از حیث اهمیت درجه

حیوة و ممات را حائز است نسبت بر علاوه مندان دیانت و همان مسئله موضوع تفکیک سیاست از دیانت است طوری که دین مسیحی کنونی عاری از مزایای اخلاقیه و خالی از نکات سیاسیه است مبنی بر این نصائرانیان مجبور به تفکیک دیانت از سیاست شدند چون دینیکه اصول جهاد و قانون قصاص و کیفیت اجراء احکام قضائی و سائر نداشته باشد البته بیروان آن دین مجبور است که نظری بدیانت که صرف امور وجدانیه است نماید و نظر دیگر به سیاست و مدنیت اخلاقیه هم بنماید و چنان شد که طبیعی است آنچه لازم است که هر فرد بشر حق را باید گفت و حقیقت را نباید نهفت) را قم بنام حقیقت اسلام هینکارد آنانیکه از مسلمین در موضوع تفکیک سیاست از دیانت تقلید نصاء رانیان کرده و چند قدمی هم جلوتر رفته بعضا دین را مانع ترقی فرض می نمایند آنان کسانی هستند که از مزایای دین اسلام بی اطلاع و يك اندازه انرات جهل است که در او ظهور مینماید و آن قبیل اشخاص اسیران قبولات تقسیه بوده و از اعمال قوه عقلیه که قوه فکریه مینامیم محرومند و تفکر نمی کنند که دینی که بایک ساسه منهیات شرعیه در جزء احکامات دینییه نسل شریف بشر را از همه اقسام افات و امراض ساریه اعم از سفلیس و سوزاك و جذام و تعدی زرات ذره بینی خلاص نموده و بایک ماده ختنه علاج وانه را پیش از وقوع کرده و ایضا با تحریم عمل شنیع و غیر شرعی استمناء نوع انسانی را از انقراض و فساد اخلاق و ضعف و هزام و تمامی بدبختیها مستخلص داشته - البته مآل آنی که از فقه اسلام حظی داشته و اطلاع دارد میداند اکر

در ماه مبارك رمضان كسى منى از خود آورده كه كونه كفارات را بايد ادا
 كند غلام آزاد كردن و شصت روز روزه گرفتن و شصت مسكين را طعام
 دادن و علاوه از اين حاكم شرع و قاضى اسلام تعذيرش خواهد نمود اين
 ماده بخودى خودش دليل حقايق اين دين و واجب الاتباع بودنش را مدلى مى
 دارد و عين ترقى و محض سياست است ملاحظه فرمائيد علم طب عصر حاضر
 را كه علماء حفظ الصحة اروپا در باره ترسانيدن از اين مرض مهلك تاليفاتى
 دارند و مخصوصاً از حكماى شهير موسوم (بلاله مند) و ايشاً (برومند) كلمات
 قيمت دارى دارند كه از اساس اسلام اقتباس شده و ميكويند كه در نزد اطفال
 معصوم با زنان مزاج و مذاكرات ناگفتنى و ناشدنى را ننمائيد طورى كه
 دين اسلام نهي داشته چون فكرشان با يكنوع انتباه حسى حاضران كونه
 اعمال خواهد شد و مضرات استمناء را با طور تلخيص و اجمال ذكر مى نماييم
 اولاً در بعضى اشخاص كه سن شان بچهل سالگى نرسيده مرض استمناء باعث
 كم نوري چشم ايشان شده و در جوانى طراوت حسن را زایل و صوت ايشان منخفض
 و رنگ شان را پريده و كم روح و تار و موى ايشان قبل از ايام پيري سفيد خواهد كرد
 و در بعضى جوانان چون در ايام جوانى تخم توالد را با استمناء ضايع کرده اند
 باعث قطع نسل خواهد شد و بالاخره بمرض (عنين) مبتلاء خواهند شد و در
 اصطلاح حكماء عصر جديد (پرياپسم) كه يكنوع الم تناسلى است و در بعضى
 (پريماطم) و سرعت انزال منى خصوصاً در زنان بمناسبت حساسيت نوعيه
 ايشان عصبانى و بمرض رحم مبتلاء خواهند شد و از نتايج و خيمه استمناء

یکی اینکه هر کسکه عادت باستمنا نموده باشد لابد پس از مدتی مبتلاء به سرعت انزال خواهد شد در آن دورهٔ مرض بقراریکه در کتب فیریو- لوزی یعنی علم وظائف الاعضاء توضیح داده شده از بیست منقال خون سرخ يك منقال منی تولید میشود کسیکه شانزده منقال منی ضایع چنانست که سیصد و بیست منقال منی از جسم خود بهدر اتلاف کرده اجمالا راقم در کتاب (اصول ازدواج اسلام) تفصیلا در اطراف این قضیه و علاج مادی و معنوی این مرض - منوم از روی اساس اسلام توضیحاتی داده‌ام مراجعه شود پس بایک ماده تحریم و کفاره و تحذیر امراض متعدده را از بیروان و متدینین خود دور نموده و از حیث نظریه سیاسیه جهاد فقه اسلام را ملاحظه نمائید و از ال فلسفه تشریع جهاد اسلام را در کتاب مبدء الاسلام بیان نموده‌ام کدام قانون بشری تا بحال واقف از نکات عدیده باب جهاد اسلام شده و میتواند بشود کدام بشری است که اعتراض باصول جهاد اسلام بنماید که عین سیاست و محض عدالت است چند سال قبل بر این از تمامی ملل عالم در این عصر انکشاف و دور ترقی نمایند های جمع شد در جمعیت اقوام با اتحاد رأی مقرر داشتند که استعمال غاز مهلك و خفه کنی را در جنگها حرام کنند و معلوم نیست که موفق بشوند ولی جهاد اسلام بک هزار و سیصد و چهل هشت قبل بر این امر فرموده که (و یحرم القاء السم علیهم) یعنی حرام است در موقع محاربه با دشمن بکار بردن زهر و ایضا (یحرم المقام فی بلد الشرك لمن لا یقدر علی اظهار شعائر الاسلام) یعنی اقامت آنانیکه علائم اسلام را آشکارا اجراء

نمی توانند بکنند حرام است در بلاد مشرکین تمامی نواقص مملکتی و اتحاد
ملتی را این نکته جمع نموده علاوه ملاحظه فرمائید قانون حقوق اسلام را
در کتاب قضاوت و شهادت و حدود و دیات و قصاص و سائر از قبیل تساوی
حقوق در موقع مدافعه و محاکمه میان سلطان و رعیت و تفریق و جدائی
افکندن میان شهود در مورد عارض بودن شبهه در کلمات شان و نظارت بر
امورات ایام و اموات و مجوسین در روز ورود قاضی جدید به شهری و
نوشتن و عکس برداری از مخاسمین در موقع مرافعه (رجوع بکتاب شیخ
بهائی جامع عباسی) تا آخر کتاب قضاوت و تامین حقوق قضائی و دیعه الهی
باتادیب و تغریب در صورت فحش و سب کسی بدبکری و دیه گذاشتن و قصاص
کردن در مورد اتلاف حتی طبیب بدون التزام داخل امور جراحی و سائر
عملیات طبیه بشود و ضرری وارد آورد ضامن است همچنین است دلائل و سائر
ارباب صنایع که باب حدود و قصاص و دیات متکفل بیان آنگونه قضایاء می
باشد مراجعه کنید و باب تجارت و مکاسب چه اندازه نکات را دارا است
و قرآن عظیم الشان اسلام در باب استعمال و علو بر ملل دیگر بایک کلمه
جامعه امر فرموده (فاعدوا لهم ما استطعتم من قوة و من رباط الخیل
ترهبون به عدو الله) یعنی تکمیل قواء لازمه نمائید بهر اندازه که قادر
هستید تا اینکه از شما در ترس و هراس اندر باشند دشمنان خدای اسلام
یعنی و لا یطعی علیه کلامیست که بیروان خود را بعاو همت دعوت میکنند و
شاهد صریح مقال ما است اجمالا آنچه ذکر شد عین سیاست و محض مدایت

حاضر است که عقل بشری از درك حقایق علمیة اش قاصر است با وجود این یا از روی جهالت یا از روی غرض رانی می باشد که با فکر بعضی از مسلمانان تزریق شده که باید مسلمانان در راه ترقی و تعالی و معاصر بودن با ملل حیه دیانت را از سیاست جداء و سواء کنند و بعضی دیگر در این عقیده مصرند که دین مانع ترقی و ضد تعالی می باشد لارم است که مسلمانان در موضوع عقب نمائیدن از قافله تمدن که تغیر دیانت و یا اینکه ترك دینداری بنمایند و غالباً افراد اسلامی کوش به سخنان هرزه گویان و با و سرایان میدهند و بعضی از دول اسلامی چند سال قبل بر این اعلان تفکیک سیاست از دیانت را نمودند حالی که چندان فکری ندارند مگر در اندلس و غرناطه و مصر و بغداد و آنا- طولی مسلمانان چند صد سال قبل بر این حکمران کره و فاتح کره ارض و معلم ملل عالم و یکه تاز معرکه سیاست و شهسوار میدان مدنیت بودند مگر دیندار نبودند یا اینکه دیانت را از سیاست جداء کرده بودند هیچ کدام نبود بلکه اسلام را عامل بودند و مسلمانان ملتفت نیستند که (بولشه و بکهاو قومونیزمها) منکر دیانات و ضد انسانیت بوده بعضی اشخاصی هستند که از محور انسانیت خارج شده و در محیط وحشت و بربریت با اصول جلادی انسان کش بوده و حقوق نفوس مظلومه را غصب میکنند و در هر شب و روز هزاران جوانان با عقیده و با شرافت را طعمه ماهیان دریا یا اینکه فدای راه سیاست ظالمانه دونان و رزبلان کرده افراد عاااا ایشان را چشم برای انتظار گذاشته برای پیشرفت مقاصد ملعونانه خودشان تمام وجدانیات و مملوایات و حقایق را زیر

با گذاشته برای ترویج مرام و پوشیدن عیوب و قبائح خودشان با صرف نقود مطالب مضره را و افکار خبیثه را به اذهان ساده دلان تلقین میکنند که بلکه بدن وسیله چند روزه سیاست (ماکیا و بلی) ابقالی را در عالم اجراء و حقوق مظلومین را زیر پا گذارند حالیکه ملتفت نیستند که باطن معنویات و حقیقت دیانات تباہیات ملعونانه منکرین الوهیت را نتیجه عکس العملی بخشیده روزی خواهد شد که انتقام جوانان باحس و باشرافت عناصر قفقازی از آن قبیل اشخاص که ضد بشریت هستند کشیده خواهد شد پس معلوم شد که تفکیک سیاست از دیانت صرف کلام جاهلانه بوده و دین را مانع ترقی دانستن قول مغرضانه است که آنانیکه اسیران مشهودات نفسانیه بوده از این لحاظ ضد دیانت میباشند بدن وسیله بازحمات و تباہیات میخواهند مردم را از دین و دیانات با بکنوع دلسردی دور کنند حالی که قطع نظر از خصوص دین اسلام با نظر ساده کلیه ادیان اصول تکامل و طریق ترقی را به بیروان خویش یاد میدهد و اما خصوص دین اسلام بدیهی است که عالم اسلام با آن فرقیات محیر العقول که در قرون قبل دارا بودند و مدتی است که دوچار ضعف و انحطاط گردیده سبب آن ترقی نبود مکر عمل بحقایق قرآن و علت این انحطاط نیست مکر دود و مهجور شدن از احکام اسلام و علاوه از این يك عامل دیگری در میان است که ترقی و انحطاط ملل مربوط بیک تصادفات تاریخی است که گاهی روح سعی و عمل را تبهج و تشویق میکند و گاهی مردم را در دریای تن پروری و عیاشی و شهوت رانی غوطه ور میکنند و بالخصوص در روح ایرانیان

شور تقلید اور و بائی يك جنبه خاصی دارد می بیند که اور و بائیها ماشین بخار
 قوه برق بی سیم طیاره و سائر اختراع کرده تصور میکنند وقتی از سیاسیون
 آنها يك مسئله تفكیک سیاست از دیانت را بمیان مسائل متناوبه داخل کرده
 و یا دین مسیحی را مانع ترقی فرض کرده ما ایرانیان تمامی آن ترقیات را
 حمل به تفكیک یا تغیر دین مینمائیم و ملتفت نیستیم که آن دین مسیحی کنونی
 است نه دین اسلام امید از معنویت دین اسلام و از اثر اصلاحات یککانه حارس
 و نگهبان آن دین الهی شهر بار کیتی مدار اعلی حضرت شاهنشاه ایران این
 است که روح شهامت را در ابدان پوسیده جوانان مملکت احیاء و بوسائل
 ممکنه در موضوع تبلیغ و دعوت مسلمانان ملتفت خواهند شد که دین اسلام
 نخستین مربی کامل انسان و یککانه مصلح با حقیقت جامعه بشر است و دین اسلام
 اولین مظهر حقیقت و سر چشمه معنویت است دین اسلام آینه جهان نمائی است
 و کاشف اسرار و رموز خلقت و چون کلیه تالیفات عاجزانه راقم در موضوع
 الغاء اصول منحوسه کابتا لسیون (امتیازات دول اجنبیه قویه بر علیه دول ضعیفه
 اسلامی است تالیف شده که در عصر فرخنده الغاء کنند اصول کابتا لسیون
 اتفاق افتاده و از مهمترین خدمات شاهنشاه دل آگاه است و از عمده ترین
 اعیاد ملی بشمار است لذا بر تمامی علاقه مندان دیانت و مملکت لازم است
 که به بنام باقی بودن آن در صدد معاونت بر آمده و در طبع و نشر سائر
 مجلدات ابراز لیاقت بنمایند - تمام شد این کتاب تمدن الاسلام باب اولش که
 پنج فصل است و هر فصلی پنج شماره است و با پنج تذیلات خاتمه یافته است

در هفدهم شهر ربیع الاول ۱۳۴۷ و تصحیح شده در ۱۷ ماه صفر ۱۳۴۹
و نسل الله ان بحمله خالصا لوجهه الكريم و ان يرزقنا من فضله العظيم و نحمد الله
على انعامه اللهم نشكو اليك فقد نبينا و غيبه و لينا و كثرة عدونا اللهم الضر
سلطاننا و ابد جيوشنا و انصرنا على اعدائنا اله الحق آمين بحق محمد و اهل بية
الطيبين الطاهرين اجعلهم سلام الله الملك الحق المبين آمين ثم بالخير و
السعادة و يتلوه الجلد الثالث عظمت الاسلام

و در خاتمه چند ماده بنام نجابت اسلامی و اصالت ایرانی از چند طبقه
منوره مملکت باستانی خواستارم

اولا آقا بان روحانیون یا حقیقت نسبت بابن قبیل مقاصد دینی و موسسات
ملیه بار و معین بوده و در این دوره مهم در خانه نشسته و دست بر وی دست
نگذاشته و منتظر نباشند که بعضی دزدان طرار بنام دین و دعوت عنان محاجه
را بطرف نوا میس اسلام و شعائر دیانتی مسلمانان سوق بدهند و چند نفر از
اشخاص بصیر و خیر جمع شده در هر شهری از شهر های اسلامی
با تصویب اولیاء امور (الدین و الملك و توامان) را در نظر گرفته در تشدید
میانی سلطنت اسلامی و دعوت بر حقایق بر بسته دینی حوزه تشکیل نمایند
و افراد جوانان مملکت چشم بصیرت گشوده با طراف عالم نگر بسته معاصر
بودن با دوره عصر سعی و عمل را در نظر گرفته اوقات کرانهای خودشان را در
مطالعه پرومانهای تالیف شده در پاریس امرار کرده و افکار زهرناک را با افراد مملکت
عزیز خودشان تزریق نمایند که نتیجه غیر از شهوت رانی و عیاشی و الکولی

و آفونی و فاقاننی بودن چیزی دیگری نیست بلکه قسمتی از وقت صرف کتاب های دیانتی و اخلاقی و اجتماعی اسلامی بنمایند هم تصفیه افکار نموده و هم معاونت باینگونه مقاصد دیانتی مینمایند و چون راقم بلا معین و بدون معاونت غیر محض بنام مهاجرت و پناهندگی باین خاک پاک که ملجاء عموم ملنجن است يك خدمت مورياته در موضوع تبلیغ و دعوت و انتباه افکار عمومی فرض کرده بطبع و تالیف مبادرت نموده ام که از يك نفر فاقد وسائل اجتماعی اینگونه دعوت يك اندازه اهمیتی دارد لذا لازم است که بنام معاونت به تالیف سائر جلد ها از بذل مبلغ جزئی مضایقه نمایند

و چون نظر عاجزان خدمت بمملکت و هدیه ناچیزانه است در پیشگاه انظار محترمین ملت و درج مطالب مهمه از رری مدارك مشیه و مؤثوقه و غرض عبارت پردازی و تطبیق با اصطلاحات رمان نویسی عصر حاضر نبوده لذا اگر طرز انشاء و کیفیت تسلسل در کلمات بر وفق ذوق و سلیقه نباشد با نظر کربمانه بمدارك مهمه نظر نمایند نه در الفاظ شیرین و کلمات نمکیان و اگر سهوی بر خورند موجب الانسان محل السهو والنسیان عفو نمایند و اگر مقابل اغماض نبوده بنام مؤلف ابلاغ دارند از طبع ثانی



﴿امر مریحہ سرستار آقاي شيخ جابر (خوئي)﴾

سال هزار و سیصد و پنجاه یکم بن
شد روح او مقارن ازو آح اکرمین
گشته امام عصر ازین ماجرا غمین
گشتند زین قضیه همه زانو و ماتمین
در تحت ظل م. حمت تحفه زمین
آن واعظ مهاجرو شیخ قاسم امین
تالیف کرده بود کتابی در ثنین
پس روح تازه داد ناسلام نومستدین
الحق تحفه ایست تفسیر به العین
شد متفق چو خسوف قمر برقی انجمین
مطبوع با نظارت عمال مطبعین
باشد همیشه مشقات فاضلی همین

